



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

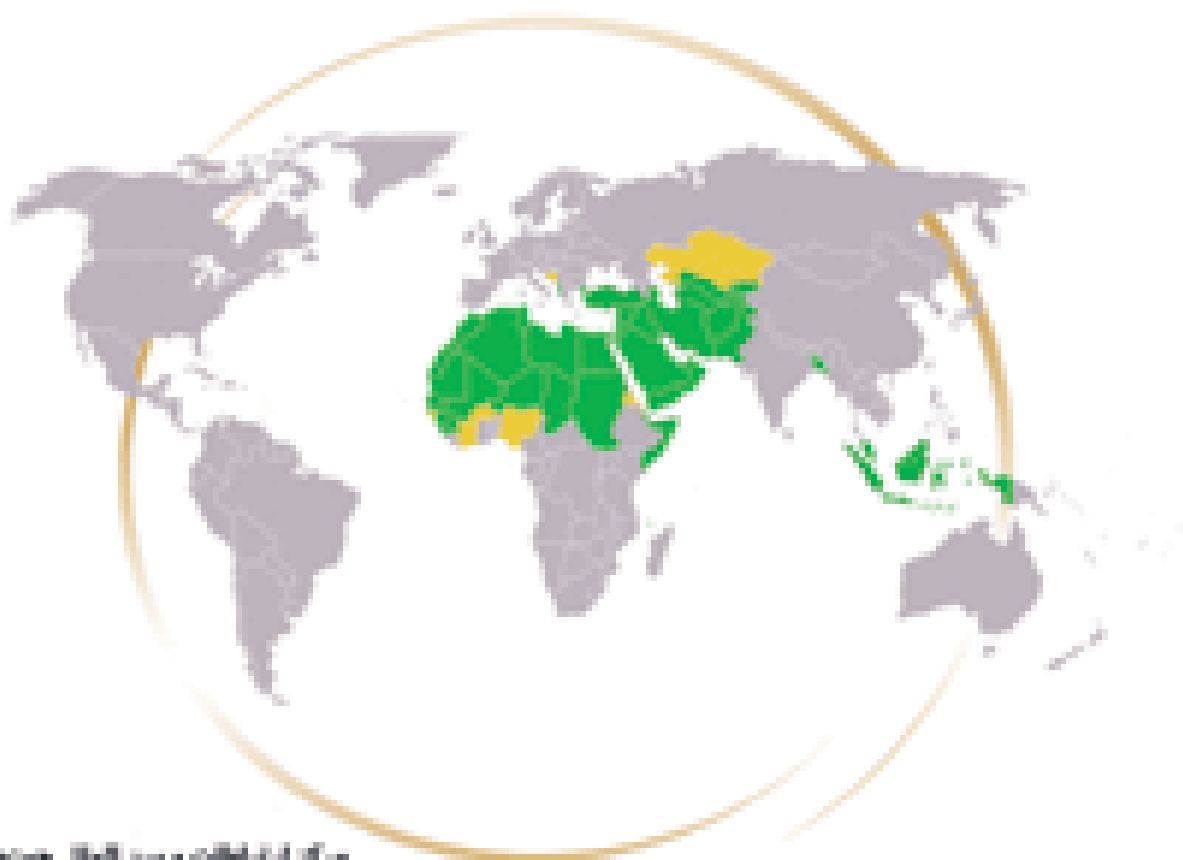
گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# فعالیت‌های عالمان شیعه در عرصه بین‌الملل



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# فعالیت های عالمان شیعه در عرصه بین الملل

نویسنده:

جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم

ناشر چاپی:

حوزه علمیه قم - مرکز مدیریت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	فعالیت های عالمان شیعه در عرصه بین الملل
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست
۱۸	شیخ محمد بن مکی عاملی ( شهید اول)
۲۶	آیت اله میرحامد حسین بندی
۳۶	آیت الدین مردانه مازندرانی
۴۴	ملا فتح الله شیخ الشریعه اصفهانی
۵۳	شهید آیت اله آقانورالله اصفهانی
۶۰	آیت الله اسد شیخ محقق لاهیجی
۶۹	آیت الله سیدمرتضی رضوی کشمیری
۷۶	آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی
۸۴	علامه شیخ ابو عبدالله زنجانی
۹۳	آیت الله سید محسن امین عاملی
۹۹	آیت الله سیدمحمدتقی خوانساری
۱۰۶	حجت الاسلام سیدمجتبی میرلوحی (شهید نواب صفوی)
۱۱۵	آیت الله شیخ محمد مهدی شمس الدین
۱۲۴	آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی
۱۳۶	آیت الله شیخ محمد رضا مظفر
۱۴۲	آیت الله سلطان الواعظین شیرازی
۱۴۹	آیت الله میرزا ابوالقاسم محمدی گلپایگانی
۱۵۳	آیت الله شهید مرتضی مطهری
۱۶۱	آیت الله شهید سید محمد باقر صدر

- ۱۷۰ ..... علامه شهید عارف حسین حسینی
- ۱۷۴ ..... آیت الله العظمی سیدشهاب الدین مرعشی نجفی
- ۱۸۱ ..... آیت الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی
- ۱۸۹ ..... علامه شیخ محمدتقی فقه عاملی
- ۱۹۵ ..... آیت الله سیدمحمدتقی حکیم
- ۲۰۵ ..... آیت الله شهید سید محمد باقر حکیم
- ۲۱۴ ..... آیت الله سید جلال الدین آشتیانی
- ۲۲۱ ..... آیت الله سید مجتبی موسوی لاری
- ۲۳۳ ..... آیت الله شیخ محمد مهدی آصفی
- ۲۴۴ ..... آیت الله العظمی سید علی سیستانی
- ۲۵۴ ..... آیت الله شیخ محمدعلی تسخیری
- ۲۸۱ ..... درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان و نام پدیدآور : فعالیت های عالمان شیعه در عرصه بین الملل: مشتمل بر فعالیت های بین المللی 30 نفر از علماء تاریخ تشیع / جمعی از نویسندگان؛ [برای] مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه های علمیه.

مشخصات نشر : قم: مرکز مدیریت حوزه های علمیه، 1396.

مشخصات ظاهری : 258 ص.: مصور، عکس.

شابک : 978-600-7550-89-2

قیمت: 130000 ریال

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

موضوع : مجتهدان و علما -- فعالیت های سیاسی

Ulama -- Political activity'

شیعه -- روحانیت -- فعالیت های سیاسی

Shi'ah -- Clergy -- Political activity

مجتهدان و علما -- ایران -- فعالیت های سیاسی

Ulama -- Political activity-- Iran'

شناسه افزوده : مرکز مدیریت حوزه های علمیه

شناسه افزوده : مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه های علمیه

رده بندی کنگره : DSR1413/ف6 1397

رده بندی دیویی : 955/07504

شماره کتابشناسی ملی : 5121525

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فاپا

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب : خانم شهناز محققیان

ص: 1

اشاره



عنوان: فعالیت های عالمان شیعه در عرصه بین الملل

سرشناسه: جمعی از نویسندگان

عنوان: فعالیت های عالمان شیعه در

نام پدیدآور: جمعی از نویسندگان

مشخصات نشر: قم، مرکز مدیریت حوزه های علمیه، 1396

مشخصات ظاهری: 258 ص.

شابک: 978-600-7550-89-2

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع: تاریخی

موضوع: شرح حال

شناسه افزوده: حوزه علمیه. مرکز مدیریت حوزه های علمیه

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی: /

شماره کتابشناسی:

ناشر: مرکز مدیریت حوزه های علمیه

نوبت چاپ: اول، زمستان 1396

شمارگان: 500

قیمت:

همه حقوق محفوظ است.

انتشارات مرکز مدیریت حوزه: 025-37748383

ص: 2

فعالیت های عالمان شیعه در عرصه بین المل

مشمول بر فعالیت های بین المللی 30 نفر از علماء تاریخ تشیع

ص: 3



1. شیخ محمد بن مکی عاملی (شهید اول)...11
2. آیت الله میر حامد حسین ہندی... 18
3. آیت الله شیخ عبداللہ مازندرانی...27
4. ملا فتح اللہ شیخ الشریعہ اصفہانی...35
5. شہید آیت اللہ آقانور اللہ اصفہانی...44
6. آیت اللہ شیخ محمد محقق لاهیجی...50
7. آیت اللہ سید مرتضی رضوی کشمیری...59
8. آیت اللہ العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی...65
9. علامہ شیخ ابو عبداللہ زنجانی...73
10. آیت اللہ سید محسن امین عاملی...82
11. آیت اللہ سید محمد تقی خوانساری...88
12. حجت الاسلام سید مجتبی میرلوحی (شہید نواب صفوی)...94
13. آیت اللہ شیخ محمد مهدی شمس الدین...102
14. آیت اللہ سید ابوالقاسم کاشانی...110
15. آیت اللہ شیخ محمدرضا مظفر...122
16. آیت اللہ سلطان الواعظین شیرازی...128
17. آیت اللہ میرزا ابوالقاسم محمدی گلپایگانی...135

18. آیت الله شهید مرتضی مطهری...139
19. آیت الله شهید سید محمد باقر علیه السلام صدر...146
20. علامه شهید عارف حسین حسینی...154
21. آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی...158
22. آیت الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی...165
23. علامه شیخ محمد تقی فقیه عاملی...173
24. آیت الله سید محمد تقی حکیم...178
25. آیت الله شهید سید محمد باقر علیه السلام حکیم...187
26. آیت الله سید جلال الدین آشتیانی...195
27. آیت الله سید مجتبی موسوی لاری...201
28. آیت الله شیخ محمد مهدی آصفی...213
29. آیت الله العظمی سید علی سیستانی...224
30. آیت الله شیخ محمد علی تسخیری...233

قال الله تبارك وتعالى:

(كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ) (1)

«شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شدید (چه اینکه) امر به معروف می کنید و نهی از منکر، و به خدا ایمان دارید، و اگر اهل کتاب (به چنین برنامه و آئین درخشانی) ایمان آورند به سود آنها است (ولی تنها) عده کمی از آنها با ایمانند و اکثر آنها فاسق (و خارج از اطاعت پروردگار) می باشند».

امت اسلام در این آیه یاد شده از آن جهت برتری بر دیگر امت ها یافت که شریعتی جهانی داشته و جمیع انسانها را بسوی فضائل و معروف ها دعوت کرده و از همه زشتیها و منکرات باز می دارد چرا که پیامبر خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و دین اش خاتم ادیان است. بر این اساس بر عالمان این دین فرض است که ندای اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله را به همه ملل جهان برسانند و با انجام رسالت تبلیغ بین المللی خویش، به این مضمون عالی و حی، جنبه تحقق ببوشانند؛ معروف ها و کلیه فضائل اخلاقی و فرهنگ الهی را در عالم گسترش داده و تمامی منکرات را از صحیفه گیتی بزدایند و بدین سان آیه شریفه ( وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) (2) را تفسیر عملی کنند.

ص: 7

1- سوره آل عمران، آیه 110.

2- سوره انبیاء، آیه 107.

در مسیر هزار و چهارصد ساله تاریخ، مشعل داران هدایت پس از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم: وارثان پیامبران (العلماء ورثه الانبياء)(1) پرچم نبوی (إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا)(2) را بدوش کشیده و با عمل به تکلیف آیه (فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ)(3) پس از تحصیل علوم دینی به جامعه بازگشته و با همت والای ستودنی شان مرزهای جغرافیایی را درنوردیده و با رساندن دعوت اسلام و آموزه های حیات بخش قرآن و عترت به مخاطبان بین الملل، همه سختی های سفر و غربت و خطر را تحمل و جزو قافله صدر نشینان آیه و حیانی (الَّذِينَ يَبُلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا)(4) گشتند.

این عالمان و بزرگان عرصه تبلیغ بین المللی دین، با دم عیسوی خویش و فریاد (...اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...)(5) را در نقاط مختلف کره زمین و سردادند و با احیاء جانهای آدمیان و دمیدن روح ایمان، شایسته پاداش عظیم احیاء همه بشریت گشتند که (...وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا)(6)

خداوند بزرگ این پرچمداران بزرگ تاریخ روحانیت شیعه را اسوه های شایسته دیگر نسل های روحانیت قرار داد تا ما حوزویان و آراسته شدگان به کسوت زیبای روحانیت، با مطالعه روش ها و تلاش ها و اخلاص و فداکاری های آنان درس عبرت گرفته و دامنه مرزهای اسلام را به پیش ببریم.

اکنون که حوزه های علمیه شیعه همگام با تمامی ملت ایران از برکت دم عیسوی روح خدا خمینی کبیر رحمه الله، جان و توان تازه ای گرفته و بیش از همه دوره های تاریخ توانمندی حضور فعال بین المللی بیشتری پیدا کرده و پیشوای

ص: 8

---

1- کافی، ج 1، ص 77.

2- سوره اعراف، آیه 158

3- سوره توبه، آیه 122

4- سوره احزاب، آیه 39

5- سوره انفال، آیه 24

6- سوره مائده، آیه 32

بزرگ و رهبر فرزانه ما حضرت آیت الله العظمی خامنه ای دام ظلّه با هدایت، شجاعت و حکمت، فرمان استمرار صدور فرهنگ اسلام و انقلاب را سر داده، بر همین اساس لحظه ای درنگ بر سربازان ولی عصر علیه السلام روا نیست، چرا که لباس سربازی، بر قامت ما نشان آمادگی و فداکاری صادقانه برای نشر تعالیم حیات بخش اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام است.

امید است خداوند بزرگ که اسلام را برای همه انسان های روی کره زمین نازل فرموده، تبلیغات محدود شمع گونه ما را به تبلیغ بین المللی وسیع با اراده سترگ تبدیل کرده تا با درخشش انوار معارف و حیانی بتوانیم جهل بشریت را در تمام گیتی محو کرده و نور هدایت را در دل همه آدمیان روشن کنیم، زیرا که پیشرفت اسلام در پهنه جغرافیایی کره زمین، تنها مرهون دلاور مردانی از تاریخ روحانیت است که شجاعت حضور در عرصه های جهانی را بر ترس های موهوم و راحت طلبی ها ترجیح دادند.

مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه های علمیه در راستای معرفی این بزرگ مردان عرصه تبلیغ بین المللی تاریخ روحانیت شیعه، و الگوگیری از روش ها و فعالیت های جهانی آنان اقدام به تدوین کتاب شرح احوال عالمان اسلامی در عرصه جهانی نمود. بی تردید عالمان بسیاری در طول تاریخ فعالیت های بین المللی داشته اند؛ تعداد 30 نفر از این بزرگواران در جلد نخست آمد و در مجلد دوم نیز که پیش روی شماست، توفیق معرفی 30 نفر دیگر از آنها را به ترتیب تاریخی داریم. امید است در جلدهای بعدی به معرفی چهره های برجسته بیشتری از عالمان تبلیغ دینی در عرصه بین المللی بپردازیم.

کتاب حاضر که با هدف گزارش فعالیت های بین المللی عالمان شیعه، جمع آوری و تدوین شده، در بر دارنده موضوعات زیر می باشد:

اطلاعات کلی از جایگاه خانوادگی و اجتماعی، شخصیت علمی و... آنان؛

مسافرت های تبلیغی و علمی به سایر کشورها؛

حضور در عرصه های فرهنگی و همایش های بین المللی؛

فراگیری زبان های خارجی و تسلط بر آنها، تألیف و سخنرانی به زبانهای رایج دنیا؛



تعامل و ارتباط با بزرگان مذاهب و ادیان جهان با هدف تبادل افکار و ایجاد هم دلی بین مسلمانان و هم زیستی مسالمت آمیز بین پیروان همه ادیان؛  
بررسی های تطبیقی علوم اسلامی و مکتب اهل بیت: با دیگر مذاهب و ادیان و تألیف کتب علمی متناسب با جوامع مخاطب دیگر مذاهب و ادیان؛

نقش آفرینی در عرصه های سیاسی استقلال ملت های مسلمان و نهضت های ضد استعماری؛

تأسیس موسسات اسلامی و فرهنگی و خیریه عام المنفعه برای مصالح همه مسلمانان؛

رسیدگی به مشکلات دینی، علمی و اقتصادی ملل مسلمان؛

...و

در پایان از زحمات همه بزرگوارانی که در تدوین و تألیف این کتاب همکاری نموده اند، اعم از مراکز و اشخاص حقیقی و حقوقی به ویژه مدیر محترم اداره  
مطالعات مرکز ارتباطات و امور بین الملل، حجج اسلام محمد هادی یوسفی غروی، محمود مهدی پور، محمد حسن زمانی، رضا مختاری، و نویسنده  
محترم حجت الاسلام تورج نجفی تشکر و قدردانی می کنم.

سید مفید حسینی کوهساری

رییس مرکز ارتباطات و امور بین الملل

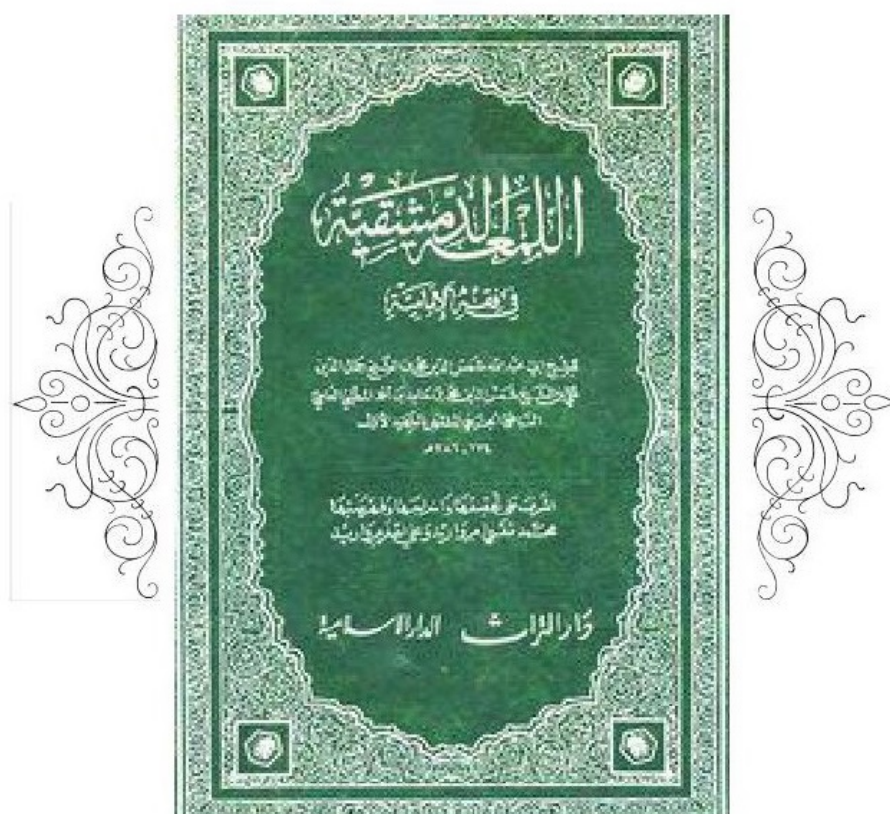
حوزه های علمیه

ص: 10

شیخ محمد بن مکی عاملی (شهید اول)

(حدود 720-786ق)

فقیه تعامل گرا



#### شخصیت علمی

عالم ربانی شیخ محمد بن مکی عاملی رحمه الله، معروف به «شهید اول» از بزرگترین فقهای تاریخ تشیع است. این فقیه پارسا و دانشمند وحدت طلب، همواره در پی ایجاد همدلی و همگرایی میان مسلمانان بود. وی از محضر عالمان مذاهب مختلف بهره برده، برای مذاهب گوناگون فتوا صادر می کرد و در اخذ و اعطای اجازه روایت، کارنامه ای پربار و درخشان از خود به یادگار نهاد. (1) او در مناطق گوناگون جهان اسلام با دانشمندان مذاهب مختلف، مصاحبت داشت و برای طلاب تمامی مذاهب به تدریس علوم می پرداخت. (2) افزون بر تدریس و تربیت

- 1- جعفر المهاجر، جبل عامل بين الشهيدين، ص 78 و حياة الامام الشهيد الاول، ص 57.
- 2- روضات الجنات، ج 7، ص 7؛ علامه مجلسي، بحار الانوار، ج 107، ص 194؛ حياة الامام الشهيد الاول، ص 56.

شاگردان و نگارش آثاری گران سنگ در علوم مختلف، مشکلات مذهبی، اعتقادی، اجتماعی و سیاسی مردم را نیز پاسخ می گفت. (1) این عالم ربانی سرانجام با توطئه تفرقه افکنان، (2) به صورتی بسیار مظلومانه در سال 786 ق، به شهادت رسید.

تدریس و تدریس برای علمای اهل سنت

شهید اول برای دیدار با علمای بزرگ اسلام و تجربه اندوزی و بهره وری از اندوخته های علمی آنان، به دمشق، مصر، فلسطین، مکه، مدینه و دیگر شهرها سفر کرد. در سال 768 ق، در دمشق به حضور فیلسوف بزرگ شیعی و حکیم فرزانه، قطب الدین رازی رسید، از خرمن دانش او خوشه ها چید و گواهی نقل روایت را از دست وی دریافت کرد. (3) شهید با آگاهی کامل از فقه غنی شیعه، با دانشمندان بزرگ اهل سنت همچون شیخ شمس الدین محمد بن یوسف قریشی شافعی کرمانی، ابراهیم بن جماعه، قاضی القضاة عبدالعزیز بن جماعه و عبد الصمد بن خلیل بغدادی، قاضی عز الدین عبد العزیز مصری، جمال الدین بغدادی، شهاب الدین حنفی نحوی، شمس الدین محمد بن عبدالله بغدادی حنبلی و شمس الدین محمد بن عبدالرحمن مالکی. و ... نیز در ارتباط بود و در حوزه های درس آنان شرکت می کرد. (4) او چنان بر نظریات فقهی ایشان تسلط یافت که اهل سنت در اعمال عبادی و مسائل مذهبی خود به وی روی می آوردند و او براساس مذهب شان فتوا می داد. خود در این باره می نویسد:

من نوشته ها و روایت های حدود چهل تن از علمای مکه، مدینه، بغداد، دمشق، بیت المقدس و مقام خلیل [در فلسطین] را از آنان روایت می کنم من صحیح بخاری را از گروه زیادی به سند خود آنها از بخاری، صحیح

ص: 12

---

1- علی دوانی، مفاخر اسلام، ج 2، ص 331.

2- در این باره ر.ک: رضا مختاری، الشهد الاول حیات و آثاره، ص 100-126.

3- محمد مهدی آصفی، مقدمة اللمعة الدمشقیة، ج 1، ص 94.

4- عیان الشیعة، ج 10، ص 62؛ الالفیه و النفلیه، ص 25.

مسلم، مسند ابی داود، جامع ترمذی، مسند احمد و دیگر کتاب های آنان را نیز روایت می کنم. (1)

شهید اول در حوزه های تدریس خویش شاگردان (2) بسیاری از مذاهب گوناگون داشت و در مدرسه خود در شهر جزین جبل عامل، به مذاهب پنج گانه فتوا می داد. و در مکتب برخی عالمان سنی درس خوانده بود، (3) از آنان اجازه نقل روایت داشت (4) مثلاً شیخ محمد بن یوسف کرمانی قرشی، از جمله عالمان شافعی، در اجازه خویش به شهید (5) می نویسد: «فقد استجاز المولی الأعظم الأعلم، إمام الأئمة، صاحب الفضلین، مجمع المناقب و الكمالات الفاخرة، جامع علوم الدنيا و الآخرة، شمس الملة و الدین محمد ابن الشیخ العالم جمال الدین بن مکى ابن شمس الدین محمد الدمشقی رزقه الله فی أولاه و أخره ما هو أولاه و أخره، رواية مالى فيه حق الرواية، لا سيما الكتب الثلاثة التي صنفها أستاذ الكل فى الكل عضد الملة و الدین عبد الرحمن ابن المولى السعيد زين الدین أحمد بن عماد الدین عبد و الغفار الإيجی روح رمسه و قدس نفسه» که حکایت از عظمت شهید در دیدگاه او دارد.

ص: 13

1- بحار الانوار، جلد 107، صفحه 191

2- برخی از شاگردان وی از این قرارند: شیخ محمد، شیخ علی و شیخ حسن پسران شهید ام علی و ست المشایخ همسر و دختر شهید، سید ابوطالب احمد بن قاسم بن زهره حسینی، شیخ عبدالرحمن عتائقی، شیخ شرف الدین ابو عبدالله مقداد معروف به فاضل مقداد، شیخ محمد بن تاج الدین عبد علی مشهور به ابن نجده، شیخ حسن بن سلیمان حلی صاحب کتاب مختصر بصائر الدرجات، سید بدر الدین حسن بن ایوب، شیخ زین الدین علی بن خازن حائری (به نقل از الالفیه و النفلیه، ص 25)

3- مثل شیخ شمس الدین محمد بن یوسف قریشی شافعی کرمانی، ابراهیم بن جماعه، قاضی القضاة عبدالعزيز بن جماعه و عبد الصمد بن خلیل بغدادی، قاضی عزالدین عبد العزیز مصری، جمال الدین بغدادی، شهاب الدین حنفی نحوی، شمس الدین محمد بن عبدالله بغدادی حنبلی و شمس الدین محمد بن عبدالرحمن مالکی. و...

4- ر.ک: آیت الله آصفی، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية مقدمه کتاب؛ رضا مختاری، الشهيد الاول حياته و آثاره، ص 76-83

5- القواعد والفوائد، شهید اول، چاپ مکتبه المفید قم، ج 1، ص 17 و 18.

شهید اول در میان فقهای شیعه جایگاهی عظیم دارد؛ به گونه ای که از چند نظر<sup>(1)</sup> وی و محقق حلی را برترین فقهای تاریخ تشیع می خوانند.<sup>(2)</sup> این شخصیت عظیم الشان، تألیفات ارزنده و مبارکی دارد که نه تنها در میان شیعه ماندگار شده است بلکه قابلیت عرضه به مجامع اهل سنت را نیز دارد. از رویکردهای مهم شهید، ارائه تطبیقی فقه<sup>(3)</sup> و نیز تقریب علمی اعم از فقه، در آثار خویش است؛<sup>(4)</sup> از این رو، زمانی که در مصر، از حدود نیم قرن، قبل پاره ای از آثار شیعه منتشر شد، یکی از پر اثر ترین آنان کتاب لمعه او با شرح شهید ثانی بر آن بود.

شهید اول در همین باره با ارائه بحث های تقریبی و تطبیقی در صدد هم گرایی جهان اسلام بود؛ زیرا بلاد اسلامی در زمان او گرفتار آشوب و نابسامانی بسیار بود؛ از این رو، وحدت در این زمان یک ضرورت می نمود. سیری در آثار متنوع و متعدد وی همین نکته را اثبات می کند که یکی از اصول منظومه اندیشه ای وی تقریب علمی و ارائه بحث های تطبیقی بوده است که در این زمینه کتاب غایة المراد را در فقه مقارن نوشته است.<sup>(5)</sup> اللمعة، الجامع البین من فوائد الشرحین، الفیه،

ص: 14

---

1- از جمله کثرت فتاوا و اشراف بر فقه مذاهب دیگر اسلامی

2- روضات الجنات، ج 7، ص 4.

3- امام موسی صدر، فقه تطبیقی را «فعالیت تقریبی» خوانده و معتقد بود تلاش های بزرگان در گذشته، زمینه را به خوبی برای تقریب فقهی آماده ساخته است و ما امروز در چند قدمی وحدت فقهی هستیم. امام موسی صدر، سروش وحدت، ص 96.

4- البته مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلّه نقدی به رویکرد کتابهای فقهی شیعه، پس از شهید اول در زمینه دور شدن از مباحث تطبیقی دارند: «تا زمان «شهید اول» کتب فقهی ما غالباً متضمن آرای فقهای اهل سنت - مثل کتب «علامه» و «فخر المحققین»- هم بوده است؛ ولی بعد از آن زمان، کتب شیعه غالباً دیگر آرای اهل سنت را ذکر نمی کنند.» بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی؛ 13 آذر 1374

5- دانشنامه فقه و اصول و علوم حوزوی ویکی فقه <http://www.wikifeqh.ir>

النقلیه، ذکرى الشیعه فی احکام الشریعه، الدروس، غایة المراد، المسائل الأربعینیة برخی از آثار ارزنده وی (1) به شمار می رود.

مصدق های تقریب گرای و وحدت طلبی

شهید اول در ایجاد تقریب میان مذاهب و توحید کلمه مسلمانان کوششی دائم و پیاپی داشت؛ ارتباط با دانشمندان مذاهب گوناگون، تدریس فقه و حدیث به سنی ها و توجه به مقوله تقریب روایی، (2) مصداق های تقریب گرای و وحدت طلبی وی است.

شهرت او به اندازه ای بود که از اقصا نقاط جهان اسلام برای علم آموزی نزد او حاضر می شدند. حتی خواجه علی موید رئیس سربداران نیز خواهان حضور شهید در خراسان شد، (3) گرچه شهید حضور نزد آنان را مصلحت ندانست و عملاً هم نتوانست در آنجا حضور پیدا کند.

این عالم مجاهد، مشایخ و بزرگان پیشین اهل سنت (4) و معاصرانشان را با احترام بسیار یاد می کرد (5).

او همواره با جریان های فکری سنتی اهل سنت ارتباط داشت و چون هنوز افکار ابن تیمیه فراگیر نشده بود، با تقویت جبهه سنتی اهل سنت، سعی در ن ختنی سازی اقدامات شاگردان مکتب ابن تیمیه داشت.

ص: 15

---

1- رضا مختاری، الشهد الاول حیاته و آثاره، ص 129-230.

2- «پیشگامان تقریب و نقش اجازه در جامعه اسلامی»، گنجینه شهاب، ش 3، ص 11-26.

3- شهیدان راه فضیلت، ص 168. البته شهید کتاب لمعه را برای وی نوشته و می فرستد.

4- از جمله مشایخ شهید اول شیخ شمس الدین محمد بن یوسف قرشی شافعی کرمانی است که از قاضی عضد الدین ایجی و فرزند او زین الدین أحمد بن عبدالرحمن عضدی روایت می کند.

5- قال العبد الفقیر إلى الله محمد بن مکى أعانه الله على طاعته: إنه قد أجاز لي في يوم السبت الثاني والعشرين من ذي الحجة سنة أربع وخمسين و سبعمائة بطيبة مدينة الرسول على ساكنها أفضل الصلاة والسلام إجازة عامة بجميع معقولة و منقوله تلفظ بها مولانا الأعظم قاضى قضاء الديار المصرية عز الدين عبد العزيز ابن قاضى القضاة بمصر بدر الدين محمد بن إبراهيم بن سعد الله بن جماعة بن على بن جماعة بن حازم بن صخر الكنانى الشافعى . (بحار الانوار ج 106 ص 69)

شهید در برابر غلات شیعه موضع گیری می کرد و در حوادث سیاسی، مانند «یالوشی» که ادعای پیغمبری می کرد، موفق به خنثی سازی فتنه او شد.

با سیاست مداران غیر شیعه نیز به منظور تقویت روح وحدت ارتباط داشت و خانه اش در دمشق همواره ملجأ عالمان سنی و غیر شیعی بود.

ایشان افزون بر خدمت رسانی علمی و اجتماعی به شیعیان، مشکلات فقهی و علمی عالمان و حاکمان سنی را حل می نمود؛ از این رو، بزرگان اهل سنت با دیده احترام بدو می نگریستند و جز اندک شماری خشک مغز و تفرقه جوی فتنه انگیز، بقیه بزرگان آن عهد با وی روابط نیک و دوستی صمیمانه و گرمی داشتند.

از دیگر ویژگی های شهید، وارد نشدن در مسائل مناقشه بر انگیز فقهی و کلامی بود؛<sup>(1)</sup> زیرا از نظر او روح وحدت مخدوش می شد. حتی برخی آثار فقهی خویش مثل اللمعه را که مسائل حادی نیز در آن نبود، از اهل سنت پنهان می کرد و در برخی مناطق با اندیشه حکیمانه تقیه هم گرای خود را اثبات می نمود.

وی در فتوهایش نیز در طریق تقریب ره می سپرد؛ برای مثال، در موضوع با اهل سنت در نماز جماعت مستحب می دانست و می فرمود: «حضور در نماز جماعت اهل سنت همچون نماز جماعت شیعه مستحب است».<sup>(2)</sup> از همین رو، به تعبیر آیت الله تسخیری باید شهید اول را از نمونه های موفق همگرایی و تقریب خواند:

شهید اول و شهید ثانی دو نمونه برجسته از هم بستگی و پذیرش فکری میان علما... به شمار می روند. شهید اول از جمله

ص: 16

---

1- با وجود این رویکرد برخی فقهای عامه از جمله تقی الدین جبللی و یوسف بن یحیی به دلیل حسادت نسبت به مقام بلند شهید، تهمت ناروایی مبنی بر داشتن عقاید ناپسند و ارتداد را به وی زده و عاقبت موفق به همراهی حاکم در به قتل رساندن شهید می شوند. قاضی مالکی نیز دستور داد که خوش باید ریخته شود و او را اعدام کردند و به دار آویختند و جسدش را سنگسار کردند و آتش زدند.

2- الدروس، ج 1، ص 224: «یستحب حضور جماعة العامة كالخاصة بل أفضل.»



کسانی است که با علمای اهل سنت معاصر خود رفت و آمد داشت و در مجالسش غالباً علمای اهل سنت حضور داشتند.<sup>(1)</sup>

شاید همین شیوه موفق تقریبی وی که موجب محبوبیت شهید در بین پیروان همه مذاهب اسلامی گشته بود، تفرقه افکنان را واداشت تا گزارشاتی علیه شهید اول تهیه کردند که در آن تهمت های ناروایی مبنی بر داشتن عقاید ناپسند و ارتداد به وی زده شده بود و هفتاد نفر از اهالی کوهستان از طوایفی که نسبت به وی کینه داشتند، علیه وی شهادت دادند و نخست به فتوای برهان الدین مالکی و عباد بن جماعه ی شافعی، شهید اول یک سال در قلعه دمشق زندانی شد. در همین زمینه حدود هزار نفر از اهالی سواحل و عوام جاهل مطالبی نوشته و در محضر قاضی بیروت و قاضی صیدا بردند و همچنین آن صورت جلسه را نزد قاضی دمشق، عباد بن جماعه بردند و او آن را نزد قاضی مالکی فرستاد و به وی گفت: در این قضیه به موجب مذهب خودت حکم صادر کن وگرنه تو را برکنار خواهم نمود. شاه از فرماندهان، والیان، قضات و مشایخ جلسه ای تشکیل کی داده و شهید اول را احضار نمود و آن صورت جلسه و شهادت نامه را برایش خواندند ولی شهید اول آن را تکذیب نمود اما تکذیب و دلائلش را نپذیرفتند و حکم را به قاضی مالکی ارجاع دادند. قاضی مالکی برخاسته وضو ساخت و دو رکعت نماز خواند و گفت حکم من این است که خونس باید ریخته شود و او را لباس اعدام بپوشانید، آن گاه او را کشتند و به دار آویختند و جسدش را سنگسار کردند و آتش زدند.<sup>(2)(3)</sup>

ص: 17

---

1- ر.ک: آیت الله تسخیری، «تعامل علما با یکدیگر با تأکید بر شهیدین اول و دوم»، در: گزیده ای از اندیشه برخی شخصیت های تقریبی، ص 39-52.

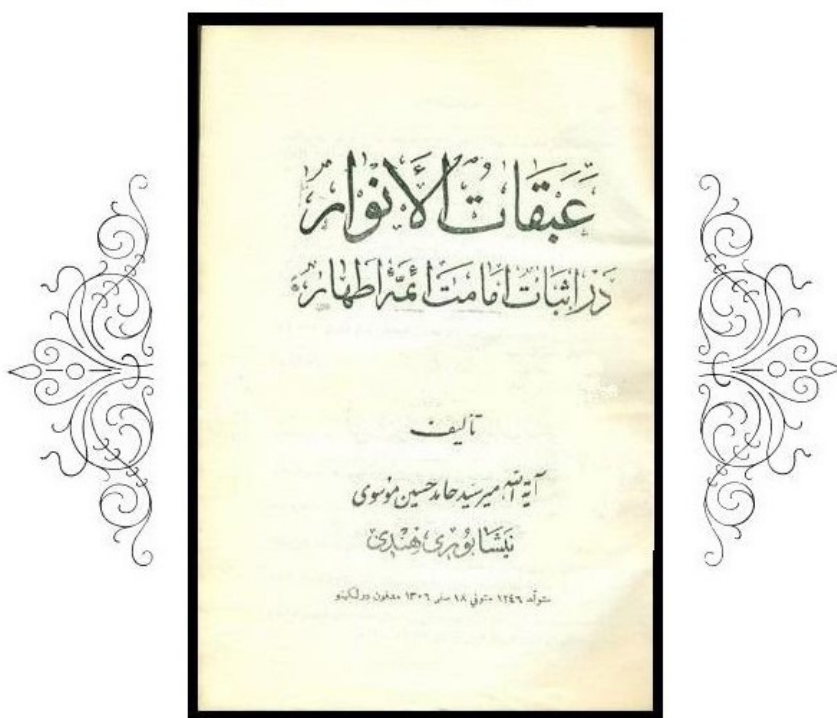
2- عبدالحسین امینی، شهیدان راه فضیلت، ترجمه جلال الدین فارسی، ص 159-160.

3- محمد مهدی آصفی، اللمعه الدمشقیه، ج 1، ص 146-147.

## آیت اله میرحامد حسین ہندی

(۱۲۴۶-۱۳۰۶ق)

منادی تقریب علمی



زندگی نامہ و شخصیت علمی

علامہ سید حامد حسین موسوی نیشاپوری رحمہ اللہ معروف بہ میر حامد حسین ہندی از شخصیت های بزرگ شیعه در هند و اصالتا دارای تباری ایرانی می باشد. (1) پدر او سید محمد قلی دارای تالیفات بسیاری است و سبکی مخصوص به خود در علم کلام و تبیین مطالب دینی دارد. (2) میر حامد حسین که نام اصلی اش مهدی است، در سال 1246 ق در میر تپه هند متولد شد. نزد علمایی چون پدر بزرگوار خویش، علامه مفتی عباس شوشتری و سید حسین سید العلماء در شهر لکنهؤ به

ص: 18

1- علامہ میر حامد حسین، از خاندانهای اصیل سادات موسوی است و با 27 واسطه، نسبش به امام هفتم امام موسی کاظم علیه السلام می رسد. نیاکان او در طول قرون گذشته، همه از سادات اهل علم و زهد و فضیلت بوده اند. (1179) شایان ذکر است که این خاندان در اصل ایرانی بودند و در نیشاپور زندگی می کردند و در قرن هفتم، ((سید اوحد الدین)) - جد پانزدهم میر حامد حسین - در پی حمله مغول، به هندوستان هجرت کرد و در شهر ((کنور)) رحل اقامت افکند. (1180)

2- جرعه ای از دریا، ج 2، ص 354 و الفوائد الرضویه، ص 595-596.

تحصیل علوم معقول و منقول پرداخت. (1) میر حامد حسین بسیار پر تلاش و کوشا بود و در عرصه تالیف و نگارش اعجوبه ای کم نظیر به حساب می آمد. (2) او تا آخرین روزهای زندگی اش دست از مطالعه و نگارش و تحلیل و بحث علمی بر نداشت. سال وفات وی 1306 ق است و محل دفنش حسینیه غفران مآب در لکهنوی هند است. از نسل او دانشمندان بزرگی از جمله سید ناصر حسین ملقب به «شمس العلما» برخاسته اند. (3) میر حامد حسین از عالمان برجسته عرصه تقریب علمی و دارای افکاری نوین و روشن بود.

#### مبارزه اقتصادی علیه استعمار

انگلیس در طی چند قرن اخیر نفوذ روزافزون خود را در هندوستان گسترش داد و به سبب وجود اختلافات بسیار میان فرقه های دینی و غیر دینی هندوستان و عدم بصیرت نسبت به مکر انگلیسی ها که به نام آبادانی وارد هند شده بودند، این نفوذ رو به افزایش نهاد. علمای شیعه در مقابل این نفوذ مقاومت بسیار نموده و در چندین مرحله با تجمیع قوا، جهاد علیه انگلیسی ها و متجاوزان روی داد و ضربه هایی به استعمار وارد آمد، ولی به علت غفلت اغلب مردم هند، این حرکت های مقطعی نتوانست ریشه استعمار را از بین ببرد. در این زمان حداقل کاری که عالمان دلسوز می توانستند انجام دهند، مبارزه منفی علیه اقتصاد وارداتی که مقدمه سیطره و تسلط بر هندوستان به شمار می رفت، بود. میر حامد حسین هندی نیز با همین نگرش در استفاده از وسایل و لوازم زندگی فقط به صنایع و همچنین تولیدات داخلی ممالک اسلامی نظر داشت و از کالاها و وسایل وارداتی پرهیز می نمود. تا جایی که حتی کاغذ و قلم و دواتی را نیز که به آنها اقدام به

ص: 19

---

1- مرآة الشرق، محمد امین امامی خویی، ج 1، ص 619

2- فهرس اعلام الذریعه، ج 1، ص 508 و اعلام الشیعه، جعفر المهاجر، ص 426. میر حامد حسین، محمد رضا حکیمی، ص 86-88

3- میر حامد حسین، ابراهیم اسلامی، ص 67 تا 77.

نگارش می نمود، از کشورهای اسلامی تهیه می کرد،<sup>(1)</sup> یعنی همان کاری را که گاندی بعدها به وسیله آن به مبارزه با استعمار دست زد، امثال مرحوم میر حامد حسین بسیار پیش تر از وی در پی گرفته بودند.

#### اتحاد مسلمین و وحدت گرایی

نفوذ انگلستان در چند قرن اخیر در هند، نزاع های خونینی را در جهت تفرقه افکندن میان مسلمین رقم زده است. یکی از اقدامات این قوم حيله گر، در مقابل هم قرار دادن شیعیان با اهل سنت است. امری که گاه با نوشتن یک کتاب توسط یک شخصیت به ظاهر دینی روی می دهد. چندین نمونه می توان برای این موضوع یافت که یکی از آنها مولوی عبد العزیز دهلوی، نویسنده کتاب «تحفه اثنی عشریه» است که شیعه را از یک سو خارج از اسلام و از سوی دیگر بریده اهل بیت علیهم السلام قرار می دهد. وی با تهمت های فراوان به شیعه در این کتاب و جامعه سنی هند و پاکستان را علیه شیعه بدبین و بسیج کرد. عالمان دین و از جمله میر حامد حسین ضمن روشنگری های علمی و شفاهی نسبت به تهمت ها و شبهه هایی از این دست، به شیعیان و سنیان مرتبط با خود تذکر می داد که این اقدامات برای تفرقه افکنی است و نهایتاً ضعف مسلمین را در پی داشته و نباید در دام این گونه حوادث گرفتار شد.

یکی از اقداماتی که تفرقه افکنان مذهبی به دنبال آن هستند، ایجاد شکاف بین جامعه شیعی با اهل بیت علیهم السلام است. به این معنا که در جهان اسلام این مسئله را گسترش بدهند که شیعه طرفدار اهل بیت علیهم السلام نیست و نگاه ایزاری به مسئله دفاع از اهل بیت علیهم السلام دارد. راه مبارزه با این توطئه این است که نگرش شیعه به اهل بیت علیهم السلام به صورت منطقی و مستدل و به دور از هیاهو و غوغاسالاری تبیین گشته و ضمن خنثی نمودن توطئه مزبور، بحث مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام

ص: 20

---

1- میر حامد حسین، ابراهیم اسلامی، ص 63. علامه شیخ آقابزرگ تهرانی می نویسد: «هو لا یکتب الا بالحبر و القرطاس الاسلامیین... و اما تحرزه عن صنائع غیر المسلمین مشهور متواتر»؛ نقباء البشر، ج 1، ص 349؛ خود شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز همین گونه بوده است.

مطرح شود. امری که مصلحان بزرگی چون آیت الله بروجردی طرفدار آن بودند و بحث فراوان حول مسئله خلافت را نمی پسندیدند (1) و بر این تاکید داشتند که مسئله مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام مطرح شود تا تمام مذاهب جهان اسلام متذکر شوند که اهل بیت علیهم السلام مرجع علمی همه مذاهب است. مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلّه ضمن تاکید بر این نکته از میر حامد حسین به عنوان یکی از افرادی که در این زمینه تلاش نموده، یاد می نمایند:

«مسأله دیگر هم مسأله حجت اهل بیت و ولایتشان است؛ همین کاری که مرحوم سید شرف الدین رحمه الله، با آن وسعت نظر و با آن قدرت انجام داده، و قبل از ایشان، مرحوم میر حامد حسین و دیگران این کارهای مهم را انجام دادند. این کار بایستی به زبان امروز و مناسب با امروز و بدون دعوا و بدون درگیری انجام بگیرد. بالاخره سخن تشیع بایستی ارائه بشود؛ دیگران دارند این کار را می کنند.

من دیدم که اخیراً کشورهای عربی، این کتاب «تحفه اثنی عشریه» را - که خود کتاب، کتاب تفرقه افکنی و برانگیزاننده اختلافات است و در حقیقت بر ضد و ذم شیعه و در مدح اهل بیت است - خلاصه کرده اند و با زبان عصر و با بهترین چاپ و با فهرست و با تصحیح منتشر نموده اند. این کتاب شاید مثلاً در صد و پنجاه سال قبل - یعنی در زمان شاه ولی الله دهلوی - نوشته شده است، که مرحوم «میر حامد حسین» همین کتاب «عبقات» را در جوابش نوشت. ما شیعیان هنوز چاپ شده کتاب «عبقات» با این عظمت را نداریم. حالا اگر چاپ هم بشود، آیا می تواند در محافل علمی دنیا، با آن عظمت و ضخامت و فارسی، عربی مخلوط مطرح بشود؟ این خودش جای بحث دارد.

یکی از توطئه هایی که امروز وجود دارد، جدا کردن شیعه از اهل بیت علیهم السلام است. اصلاً می خواهند بگویند شیعیان به اهل بیت علیهم السلام کاری ندارند؛ اینها خودشان را به اهل بیت علیهم السلام چسبانده اند! محتوای «تحفه اثنی عشریه» همین است. مؤلف، این کتاب را به نام ائمه اثنی عشر علیهم السلام اسم گذاری کرده و می گوید «سمیته تحفه اثنی عشریه تمسکاً بالأئمة الاثنی عشر». از همه بزرگواران - از

ص: 21

امیر المؤمنین علیه السلام تا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) - اسم می آورد؛ ولی می گوید ما با اینها سر و کار نداریم - اینها که ائمه علیهم السلام ما هستند - ما با این شیعه سر و کار داریم که خودشان را به اینها چسبانده اند! حرفهای اهل بیت علیهم السلام را به عنوان حرفهای شیعه ذکر می کنند و سپس رد می کنند!

همه اینها، کار متمرکز را در محیط شیعی ایجاب می کند. در محیط شیعی، بر اساس همان اخلاص و احساس مسئولیت، انصافا خیلی کار شده است. در طول تاریخ، علمایی از قبیل «قاضی نور الله» ها و دیگران و دیگران نشستند و با مظلومیت کتاب هایی نوشتند؛ خدای متعال هم به خاطر همان مظلومیت، برکت داده و منتشر شده است؛ لیکن گنجینه ما خیلی قویتر از اینهاست.» (1)

روش جدیدی بعدها توسط انگلیسی ها برای تفرقه افکندن ایجاد شد و آن تحریک برخی سنیان برای انجام تظاهرات علیه شیعه و اهانت به مقدسات و شیعیان بود. امری که با درایت فرزند میر حامد حسین خنثی شد. (2) همچنین میر حامد حسین در سفر حج و زمان ملاقات و مناظره با دانشمندان مذاهب و مختلف (3) ضمن ارائه مبانی دقیق مذهبی، همگان را به اتحاد و وحدت فرا می خواند.

در وادی تقریب علمی

تقریب گرایی می تواند به صورت های مختلف و متنوعی صورت پذیرد. یکی از راه های تقریب و همگرایی، راه و شیوه «تقریب علمی» است. این نوع تقریب هم می تواند مقدمه ای بر گونه های دیگر تقریب و هم در ردیف تقریب عملی واقع شود. به تعبیر استاد محمد حسن زمانی «ریشه تفرقه و اختلاف پیروان مذاهب اسلامی با یکدیگر عواملی از قبیل: مطلق نگری ها، عدم اطلاع از اندیشه های واقعی مذاهب دیگر، سوء تفاهم ها و نسبت های ناروا به یکدیگر و

ص: 22

---

1- بیانات در دیدار اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام؛ 4 مهر 1370.

2- طلایه دار فرهنگ اسلامی، ص 153.

3- اختران فقاقت، ج 1، ص 242

عدم ارتباط علمی دوستانه با یکدیگر است. بنابراین تحلیل، راه حل اساسی اختلافات بین پیروان مذاهب، تقریب علمی است و کلید آن در دست عالمان و پیشوایان مذاهب است. بر آنان است که اندیشه های واقعی خویش را کاملاً برای دیگر مذاهب تبیین کرده، و با تمام اندیشه های واقعی دیگر مذاهب از طریق مطالعه کتب و متون معتبر شان آشنا شوند، و سپس با تشکیل جلسات عالمانه و دوستانه به قصد کشف حقیقت، به تبادل نظر علمی بپردازند و هر آنچه را که حق تشخیص دادند، بدون تعصب و به دور از عوام زدگی بپذیرند.»<sup>(1)</sup>

در نگرش تقریب علمی تمامی کتاب های استدلالی و احتجاجی عالمان منصف و بزرگ که در این راستا تدوین شده باشد را می توان جزو تراش تقریب علمی اسلامی به حساب آورد. میر حامد حسین که عالمی توانا بود، در مسیر نگارش کتاب های احتجاجی و مستدل با روحیه ای منصفانه و منطقی حقایق را بیان می کرد. از این رو تألیفات نفیسی از خویش بر جای نهاده تا بدانجا که او را و در زمینه علم کلام، پس از عصر شیخ مفید و سید مرتضی علم الهدی بی نظیر دانسته اند. علامه سید محسن امین عاملی درباره وی می نویسد: «ایشان از جمله بزرگترین پژوهشگران رموز دینداری و مدافعان شریعت و حامیان دین حنیف در میان متکلمان بودند که علامه ای به تمام معنا در فن کلام و جدل، استادی تام و مسلط بر اخبار و روایات، پر معلومات، بسیار اهل مطالعه و پیگیر در تحقیق بودند که مانند او پیش و حتی پس از ایشان تاکنون در علم کلام و تسلط بر اخبار و روایات مشاهده نشده است و حتی اگر ادعا کنیم که شیعه از پس از دوران سید مرتضی و شیخ مفید مثل او را در این زمینه به خود ندیده سخنی به گزافه نخواهد بود.»<sup>(2)</sup>

چنان که در همین محتوا و به همین مضمون شیخ محمدعلی مدرس تبریزی نوشته است: «میر حامد حسین موسوی هندی... علاوه بر فقاہت و دیگر علوم

ص: 23

---

1- بنگرید به: بصائر، شماره 26، مرداد و شهریور 1376، مقاله استاد زمانی با عنوان «علامه امینی پرچمدار نهضت تقریب علمی».

2- اعیان الشیعه، ج 4، ص 381.



دینی، در علم شریف حدیث و اخبار و آثار، معرفت و احوال رجال فریقین و علم کلام، خصوصا در مبحث امامت، دارای مقامی عالی و کثرت احاطه و تبحر علمی او برای عرب و عجم و عامه و خاصه روشن بوده و در مدافعه از حوزه دیانت و بیضه شریعت اهتمام تمام داشته و تمامی ساعات و دقائق شریفش در تألیفات دینی مصروف بوده و آئی فروگذاری نداشته، تا آنکه دست راست او از کثرت تحریر و کتابت عاطله شده و در اواخر با دست چپ می نگاشته است و از مراجعه به کتاب «عقبات» او مکشوف می گردد که از صدر اسلام تا عصر وی، احدی در فن کلام، خصوصا در باب امامت بدین منوال و نمط تصنیفی نپرداخته» (1) است.

#### صیانت از گنجینه های تشیع

مسئله مهم دیگر، اهتمام میر حامد حسین به تهیه کتابهای نفیس و نایاب طی یا چاپی در حدود 160 سال قبل است، در بعضی از نامه ها از مخاطب و خویش می خواهد که فهرست کتابهای خود را برای او بفرستد یا کتاب خاصی را که برایش تهیه کند یا برای استتساخ مدتی به او عاریه دهد. در اینجا قسمتی از مکاتبات ایشان درباره تهیه کتب نفیسه ذکر می گردد:

بر شما پوشیده نیست که بنده تمام توان خود را برای اطلاع و دست یابی بر کتاب های قدیمی که جزء غنایم روزگار هستند به کار برده ام بویژه برای بدست آوردن کتب رجال و حدیث و سیره، چرا که این کتب از نفیس ترین و گرانبهاترین مرواریدها می باشند، لذا از شما تقاضا می کنم که فهرست کتابخانه ارزشمند خود را برای بنده ارسال کنید... شاید برخی از کتاب های مورد نظر این حقیر در میان آنها وجود داشته باشند تا آن را استتساخ نمایم و یا مطلبی از آن را نقل نمایم... (2)

ص: 24

---

1- ریحانة الادب، ج 2، ص 432

2- الدرر السنیة، ص 201

من با دیدن کتاب «العقد» ابن عبدربه اندلسی در کتابخانه شما، مجذوب آن شدم؛ اگر برای بنده بفرستید آن را به شما بر می گردانم... (1)

از برخی نوشته های ایشان به نکات جالبی دست می یابیم که اشاره دارد به اهمیت فوق العاده ای که مرحوم میر حامد حسین برای جمع آوری کتب مهمی که موجب انحراف جامعه می شد داشته اند؛ به حدی که حتی با نداشتن توان مالی، کتابها را در بازار به قیمت بیشتری خریداری می نمود؛ به شرط تحویل پول آنها در روزهای آینده.

روزی در یک مغازه صحافی سه جلد از آن کتابها را دیدم که صحاف قصد داشت آنها را به معتقدان و پیروان آن کتابها بفروشد که من جلو رفتم و گفتم من اینها را می خرم... گفتم الان کتابها را می برم و فردا به محل سکونت من بیا تا قیمت آنها را به هر مقدار که تو راضی شوی پرداخت نمایم... (2)

گاه نیز این مجاهد نستوه، از نبود توان مالی برای دست یافتن به این هدف مقدس، به شدت می نالد و اظهار تأسف و حسرت شدید می نماید که اینها همه ی بیانگر غیرت دینی و همت والای آن بزرگ مرد دارد.

... و از آنچه درباره کتاب هایی که در معرض فروش قرار گرفته بیان نمودید مطلع شدم ولی در این موقع توان مالی برای خرید آنها به سختی میسر می شود (3)

در نوشته ای دیگر، از بعضی افاضل، درخواست می کند کتاب «الشرح الکبیر» (4) که به تازگی در کربلا و نجف، چاپ گردیده و همچنین کتاب «مجمع البحرین» و کتاب «قوانین» را برای وی خریداری نموده و بفرستند. (5)

ص: 25

1- همان، ص 3

2- همان، ص 55

3- همان، ص 166

4- تألیف عبدالرحمن بن قدامه در فقه حنبلی

5- همان، ص 44

ایشان در نوشته ای دیگر، ضمن بیان برخی ناراحتی ها و کسالت ها که مانع صرف تمام عمر و وقتش در راه حفاظت از آثار تشیع شده است، ناراحتی و نگرانی خود را این گونه بیان می کند:

وقتی که می بینم امکان ندارد مشغول شدن به چیزی که قبلا به صورت شبانه روزی به آن مشغول بودیم... پس فایده ای در این زندگی نیست؛ پس زندگی پس از این بی ثمر و محرومیت، دشوارترین پرتگاههاست..(1)(2)



آرامگاه علامه میر حامد حسین در شهر لکنهوی هند

آرامگاه علامه میر حامد حسین در شهر لکنهوی هند

ص: 26

1- همان، ص 155.

2- به نقل از مقاله بازخوانی حیات علمی علامه میر حامد حسین هندی / اسید جواد موسوی / مجله سفینه 26 با تصرف.

## آیت الله شیخ عبدالله مازندرانی

(۱۲۵۶-۱۳۳۰ ق)

مرجع تقلید و حدت گرا



زندگی نامه و شخصیت علمی

آیت الله شیخ عبدالله مازندرانی رحمه الله از دانشمندان شهیر اواخر عصر قاجار است که در 1256 ق در لنگرود زاده شد و در بابل و نجف از محضر بزرگانی چون ملا محمد اشرفی و میرزا حبیب الله رشتی بهره برد. وی شاگردان بسیاری چون «علامه شرف الدین عاملی»، «شیخ عبد الحسین رشتی»، «شیخ محمد حسن بغدادی» و «شیخ علی زاهد قمی» تربیت نموده و آثاری علمی نیز بر جای گذاشته است. وی از رهبران اصلی مشروطه است (1) و خدمات بسیاری در راه نفی استبداد داخلی و طرد استعمار خارجی و ترویج علوم و فنون نوین انجام داد. این مجتهد مجاهد در ذی قعدة سال 1330 ق (آبان 1291 ش) در نجف اشرف درگذشت و در صحن مطهر امیر المؤمنین علی علیه السلام به خاک سپرده شد.

ص: 27

اتحاد اسلامی و لزوم تقریب مذاهب و دوری از تفرقه و جدایی از جمله مؤلفه های مهم در منظومه فکری و عقیدتی ملاعبدالله مازندرانی است. وی را به حق باید از حلقه های مفقوده در جهت تقریب مذاهب و اتحاد اسلامی دانست که مورد غفلت واقع شده است. حتی اقدامات آیت الله مازندرانی و همفکرانش به ویژه آخوند خراسانی از جهاتی متمایز تر و دارای برجستگی های بیشتری از تلاش امثال سیدجمال الدین اسدآبادی همدانی است. تلاش نظری و عملی آیت الله مازندرانی در جهت ایجاد اتحاد بین مذاهب اسلامی در ایران و عراق و حتی در هند و شمال آفریقا تحسین برانگیز است و او و آخوند خراسانی و تعدادی دیگر از عالمان شیعه عصر قاجار، علاوه بر ارتباط غیابی و مکاتبه ای با بزرگان اهل سنت در ایران و بغداد و عثمانی و ماوراء النهر و مصر و هند، در راستای و تقویت همگرایی اسلامی و مبارزه با جهان کفر و جبهه مستکبران و استعمارگران، دست به اقدامات عملی نیز زده و حتی در مواردی با دعوت از سران اهل سنت و عثمانی و بغداد به ایجاد همایش و کنگره وحدت در نجف دست می زنند. یکی از اقدامات مرحوم مازندرانی عهدنامه 6 ماده ای وحدت اسلامی در سال 1328 قمری است که کوشش در راه حفظ وطن، اکمال و ابقای مشروطه، حصول امنیت، حفاظت از شرف و منافع و مقام یکدیگر، حمایت و نظارت هیئت اتحادیه مندرج در عهدنامه بر مجلس است. از نگاه وی یکی از عوامل اصلی عقب ماندگی کشورهای اسلامی، بحث تفرقه بین مذاهب و عدم وحدت بین مسلمین است. آخوند خراسانی که رهبر روحانیت شیعه در عصر مشروطه است در انتهای سال 1328 قمری معاهده ای را با علمای سنی مذهب بغداد بنابر لزوم پابندی به اتحاد و عدم تفرقه و نیز نگهداری ممالک اسلامی از گزند دشمنان امضا می نماید. از علمای شیعه علاوه بر مرحوم آخوند، حضرات شیخ عبدالله مازندرانی، آقانورالله اصفهانی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید اسماعیل صدر، میرزا محمد تقی شیرازی، شیخ العراقین و شیخ حسین مازندرانی هم این معاهده را

امضا نموده اند. متن این معاهده نامه خود گویای منویات علمای روشن اندیش شیعه است

برپایی کنگره مشترک با بزرگان اهل سنت

از دیگر اقدامات اتحاد طلبانه مرحوم مازندرانی پشتیبانی از معاهده دیگری با علمای بغداد است که در صحن مبارک حرم مطهر حضرت علی علیه السلام و با حضور علمای بسیاری منعقد گشته است که جرجی زیدان مسیحی گزارش این مجلس را در آن زمان در مجله اش الهلال، که در مصر منتشر می شد، آورده است. نمونه های بسیاری از این دست مطالب در راستای اثبات اینکه مرحوم مازندرانی اهمیت فوق العاده ای به مقوله وحدت و تقریب می داد در دست است. وی حتی در یک سال انتهای زندگی که اصلی ترین مرجع مشروطه خواه و سیاست پیشه عتبات عراق بود، همواره به مبحث تقریب و وحدت با دیدی خاص می نگریست. چنانکه در آخرین روزهای زندگی مرحوم آخوند خراسانی که فتوای وجوب اتحاد و لزوم دفاع از ممالک اسلامی و نه تنها دفاع از ایران را صادر نموده بودند، به رغم وفات غیر منتظره و بهت آور آخوند خراسانی، مرحوم مازندرانی به استمرار حرکت های اتحادگرایانه و بیگانه ستیزانه به نحوی شدیدتر و مصمم تر تاکید می ورزید: «سابقا حکم وجوب اتحاد در حفظ کیان اسلام به همه جا مخابره کرده، خودمان هم خدمت مرحوم حضرت آیت الله خراسانی مصمم حرکت بودیم، بغتتا مسلمانان را یتیم گذاشته، داعیان عزادار و در عزم حرکت در صورت اقتضاء شدیدتر از سابق هستیم»<sup>(1)</sup>

ارتباط حضوری و مکتوب با بزرگان مذاهب دیگر

شهر نجف و به طور کلی کشور عراق، تحت حاکمیت نظام عثمانی قرار داشت و این نظام حکام خاصی از اهل سنت را بر شهرهای تحت حاکمیت خود می گماشت. همچنین شخصیت های بزرگ دینی اهل سنت از دربار عثمانی و

ص: 29

---

1- سیاست نامه خراسانی، ص 302. با تصرف اندک.

سایر نقاط جهان اسلام که محب اهل بیت علیهم السلام بودند در ایام خاصی به زیارت نجف اشرف می شتافتند. حکام و علمای سنی مذهب در موارد زیادی سعی داشتند با علمای بزرگ شیعه هم نشست و برخاست و دیداری داشته باشند و چون شیخ عبدالله مازندرانی از مراجع تقلید بود و به ویژه نفوذ زیادی در شیعیان هندوستان داشت، از سوی حکام و علمای اهل سنت تقاضای دیدار به وی می رسید و او نیز می پذیرفت و ضمن تکریم آنها، در صدد تقویت جایگاه شیعیان و رفع ظلم بدانها بر آمده و شخصیت های اهل سنت را به تقریب مذاهب، دوری از تفرقه و مبارزه با اختلاف افکنان مذهبی دعوت می کرد. به ویژه در زمان مشروطه که ایشان از سرشناس ترین رهبران سیاسی جهان اسلام بود و نیز در قضیه حمله بیگانگان به عراق و ایران و هند و لیبی، دیدارهای ایشان با شخصیت های دیگر مذاهب افزایش داشت. چنانکه در طلیعه جنگ جهانی اول نیز این امر جریان داشت. همچنین در طی سال های متعدد مرحوم مازندرانی با شخصیت های مذهبی و سیاسی اهل سنت در جنوب ایران، در عثمانی، بغداد، مصر، بخارا و هند نامه نگاری داشت و همواره سعی در همگرایی و رفع تفرقه داشت. (1)

دفاع از کشورهای اسلامی و صدور حکم جهاد

مبارزه با استعمار خارجی یکی از نقاط درخشان تاریخ زندگی علمای شیعه است (2) و اینان هیچ گاه خیانت به وطن نکردند و همواره در مسیر دفع این عامل مشغول بودند. در انتهای عصر مشروطه دوم و در سالیان 1328 و 1329 ق روسیه ایران را تهدید به اشغال نظامی کرد و انگلیس نیز با وی همدست بود. از سوی دیگر برخی استعمارگران دیگر مانند ایتالیا لیبی را تهدید به اشغال نمود. علمای شیعه علاوه بر تلاش برای دفع استعمار تهدید کننده ایران بر ضد استعمارگرانی

ص: 30

- 
- 1- به برخی از این روابط در دو کتاب حیات الاسلام و سیاحت شرق آقا نجفی قوچانی اشاره شده است.
  - 2- به عنوان نمونه بنگرید به: احکام الجهاد و اسباب الرشاد، میرزا عیسی قائم مقام فراهانی، تهران، بقعه، 1380 ش.

که دیگر بلاد شیعه و سنی را تهدید می کردند به صورت یکسان نگریسته (1) و خود وارد عرصه مبارزه گشتند و عاقبت فتوای لزوم دفع کفار و جهاد علیه روسیه و استعمارگران دیگر را صادر کردند (2) و آیت الله مازندرانی پس از آخوند خراسانی برجسته ترین شخصیت حاضر در این قضایا بود. این امر باعث می شود که حتی عالمان اهل سنت که معمولاً در این قضایا تابع دولت های خود بوده و در امر مبارزه با استکبار و استعمار و استبداد، منفعل هستند؛ فتوای جهاد بدهند. به عنوان مثال شیخ الاسلام عثمانی از این دست افراد است که چند سال بعد در زمان جنگ جهانی اول، فتوای جهاد می دهد. اما اینکه در برخی منابع نوشته اند شیخ الاسلام ابتدا فتوای جهاد داده و علمای شیعی به تبعیت از وی اقدام به فتوای جهاد کرده اند صحیح نیست. (3) بلکه در قضیه لیبی و روس در چند سال قبل از جنگ جهانی اول، علمای شیعه در صدور فتوای جهاد پیش گام بودند و بر عکس، در این زمان حتی عالمان سنی و دیگر کشورهای اهل سنت، نسبت به او حمله دولتهای روس و انگلیس به ایران کار خاصی نکرده و حتی همدردی هم نکردند. (4) مقصود اینکه عالمان شیعی از پیشگامان عرصه جهاد و شهادت بوده و حفظ مرزهای جغرافیایی ممالک اسلامی مانند حفظ مرزهای عقیدتی و اخلاقی و مسلمانان برای عالمان روشن روانی چون مرحوم مازندرانی مهم و ضروری بود و فتوای وجوب دفاع از ممالک اسلامی و فراخواندن مسلمانان به مقابله با قوای بیگانه و مهاجم در همین راستا می باشد.

ص: 31

---

1- مجله لغة العرب، ماری کرملی، جلد اول، 1911 و 1912 میلادی، ص 274.

2- عالمان شیعه رویاروی استعمار، سلیم الحسینی، ص 41 و السید محمد کاظم الیزدی، سلمان کامل الجبوری ص 198. ثورة الخامس عشر من شعبان (ثورة العشرين)، عباس محمد کاظم، ص 83. سیاست نامه خراسانی، ص 297.

3- تاریخ روابط خارجی ایران، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، ص 243 و کرمانشاهان در جنگ جهانی اول، کشاورز، ص 24.

4- تشیع و مشروطیت، عبدالهادی علیه السلام حائری، ص 163.



در نیمه اول سال 1328 ق معاون الملک منشی صولت الدوله، معاهده ای را با شیخ خزعل به امضا می رساند. در ادامه پس از امضای غلامرضا سردار اشرف، علمای نجف هم اقدام به امضا و تایید آن می نمایند. عهد نامه در شش ماده است. آخوند خراسانی علاوه بر امضای این معاهده، مطلبی را پیرامون لزوم وحدت و دوری از تفرقه بدان می افزاید که این امر با موافقت ملا عبدالله مازندرانی همراه می گردد. متن افزوده محقق خراسانی بدین صورت است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، این معاهده اتحاد نامه سرداران عظام جنوب- ایدهم الله تعالی - از شعب و فروع همان اخوت و اتحادی است که حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله فیما بین اصحاب کرام خود استوار فرموده، مادامی که این اخوت و اتحاد دینی محفوظ بود، رونق و شکوه عزت و اعتلای اسلام روز به روز افزون بود و اختلال اساس آن اخوت و اتحاد مسلمانان را به این حالت حالیه رسانیده، مصداق «تخافون أن یتخطفکم الناس» نموده است. وطن عزیز ما مسلمانان ایران را لگد کوب حملات ظالمانه اجانب و حقوق ملیه بلکه بشریمان را پایمال تاخت و تاز ستمگرانه آنان نموده، به کمال نخوت و غرور از شمال و جنوب حمله آورده، اساس امنیت مملکتمان را منهدم و هر روزی یک دست اندازی و لگد کوبی تازه ای را دارند و آنچه به حق پرستان و نوع پروران عالم هم تظلم [خواهی] می شود به جایی نمی رسد. لهذا بر تمام امرا و سرداران و روساء و خوانین عشایر و ایلات و قاطبه رجال با شرف ایران، جنوبا و شمالا و غربا واجب است اندکی به حال اسف اشتمال سایر رجال بزرگ اسلام که به واسطه نفاق داخلی و ... رفع ید از این اخوت دینیه ... در تحت اسارت و فشار اجانب ... گرفتارند عطف نظری نموده از روزگار سیاه آنان عبرت بگیرند و تا فرصت از دست نرفته عقد اتحاد و اتفاق به مواد ششگانه متن را مستحکم دارند.»

در انتهای سال 1328 ق عهده نامه ای به امضای علمای برجسته اهل سنت و شیعه می رسد که ناظر به تقریب مذاهب و اتحاد اسلامی و لزوم همبستگی دولت های عثمانی و ایران با هم است. از علمای شیعه علاوه بر مرحوم آخوند خراسانی، حضرات شیخ عبدالله مازندرانی، آقانورالله اصفهانی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید اسماعیل صدر، میرزا محمد تقی شیرازی، شیخ العراقین و شیخ حسین مازندرانی هم این معاهده را امضا می نمایند. در این نامه اختلافات فرق پنج گانه مایه افتراق بین مسلمین و عامل انحطاط دول اسلامی و تسلط کفار بر ممالک اسلامی دانسته شده است. علماء این اتحاد را واجب و از ایجاد عوامل افتراق و شقاق منع شرعی نموده اند. از منظر اتحاد ملل مسلمان به هر مذهبی از مذاهب خمسسه و نیز اتحاد دو دولت بزرگ عصر - که ایران و عثمانی باشد - هم تاکید داشته و قرار می نهند که تمام قوای خود را در این زمینه به کار اندازند: «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و السلام على محمد خاتم النبیین و آله و صحبه المنتجبين. چون پیش ما واضح و ثابت شد که این اختلافات فرق پنجگانه اسلامیه در غیر آن چه متعلق به اصول دیانت است و شقاق مابین طبقات مسلمین، علت تامه انحطاط دول اسلامیه و سبب اصلی استیلاء اجانب بر ممالک اسلامی بوده است فلذا محض محافظه کلمه جامعہ دینیہ و مدافعه از شریعت شریفه محمدیه، اتحاد آراء و اتفاق فتاوی مابین مجتهدین عظام و روسای مذهب جعفریه و علماء کرام اهل سنت مقیمین دارالسلام بغداد بر وجوب اعتصام بحبل الله - چنانچه خداوند احدیت تعالی شأنه امر فرموده، فقال عز من قائل: و اعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا - و بر وجوب بر قاطبه مسلمین در حفظ بیضه اسلام و صیانت جمیع ممالک عثمانیه و ایرانیه از تشبثات شوم اجنبیه و هجمات سلطه خارجیہ و به جهت محافظت حوزه اسلامیه، کلمه ما متفق و آراء ما متحد شد بر اینکه تمام قوا و نفوذ خودمان را در این خصوص بذل کرده و از هرگونه اقدام بمقتضای مقام مضایقه ننماییم، و امیدواریم که دولتین علیتین اسلامیتین [یعنی ایران و عثمانی] با کمال اتحاد در حفظ استقلال و حقوق همدیگر نهایت اهتمام و عنایت داشته باشند. بر عموم ملت ایرانیه اعلان نمودیم

که ثبات و تعاون در حفظ استقلال دولت خودشان واجب و حمایت‌های مملکت و سد ثغور بلاد اسلامی از مداخله اجانب فرض عین است. چنانچه خداوند عالم - جل شأنه - ما بین مؤمنین انداخته است، متذکر شده و اعلان مینماییم که واجب است از تمام موجبات شقاق و نفاق تحرز کرده و در حفظ نوامیس امت بذل نهایت جهد نموده و کمال تعاون و تعاضد و حسن مواظبت بر اتفاق کلمه بنمایند تا اینکه رایت شریفه محمدیه مصون و مقام دولتین علیتین عثمانیه و ایرانیه - آدم الله شوکتها - محفوظ بماند. بمحمد و آله و صحبه خیر البریه»<sup>(1)</sup> ناگفته نماند که اندیشه اتحاد بین دولت های اسلامی در منظومه فکری آیت الله مازندرانی باعث نشده که نسبت به تمام کشورهای غیر اسلامی و مجامع بین المللی با دیده نفرت بنگرد. ایشان به همراه برخی از همراهانش همچون آخوند خراسانی برای پیشبرد اهداف الهی خود از نامه نگاری و صدور بیانیه و اعلامیه خطاب به مجامع جهانی و بین المللی نیز غفلت نمی ورزید.<sup>(2)</sup>

آیت الله شیخ عبدالله مازندرانی به طور ناگهانی در سال 1330 قمری و در سن هفتاد و چهار سالگی چشم از جهان فرو بست و پیکر این عالم مبارز در نجف تشییع و بعد از نماز به وسیله شیخ الشریعه اصفهانی در صحن مطهر حضرت علی علیه السلام و در مقبره شیخ جعفر شوشتری به خاک سپرده شد.

ص: 34

---

1- برای مشاهده اصل معاهده ر.ک: حیات الاسلام فی احوال آیه الملک العلام از آقا نجفی قوچانی و موسوعه آخوند خراسانی، بخش اسناد و نامه ها و تلگرافها.

2- سیره صالحان، ص 152.

## ملا فتح الله شيخ الشريعة اصفهانی

(۱۲۶۶ - ۱۳۳۹ ق.)

### تقریب گرای شریعت خواه



#### شخصیت علمی

علامه شیخ فتح الله نمازی شیرازی رحمه الله، معروف به شیخ الشریعه اصفهانی در ۱۲ ربیع الاول سال ۱۲۶۶ ق در اصفهان دیده به جهان گشود. (۱) در حوزه علمیه اصفهان، مشهد و نجف به تحصیل دانش پرداخت و محضر بزرگان بسیاری را دریافت و خود از نام آوران عرصه علم و دانش گشت و ضمن نگارش آثاری ها عالمانه، صدها شاگرد برجسته پرورش داد. این عالم ربانی و ذو الفنون، در امر سیاست و امور اجتماعی مسلمین نیز ورود داشت و علیه استبداد داخلی و استعمار بین الملل فعالیت می نمود. طرفدار تقریب مذاهب و وحدت اسلامی بود و با اندیشمندان سایر مذاهب ارتباطات حضوری و مکاتبه ای داشت. پس از رحلت میرزای شیرازی دوم در سال ۱۳۳۸ ق، رهبری شیعیان جهان به وی موکول

ص: 35

1- اعیان الشیعه، سید محسن امین عاملی، ج 8، ص 391؛ آقا بزرگ تهرانی تولدش را در تاریخ 12 ربیع الثانی 1266 ضبط کرده است. (ر.ک: الذریعه ج 4، ص 158).

شد ولی یک سال بعد در سال 1339 ق دیده از جهان فرو بست و در نجف اشرف به خاک سپرده شد. (1)

#### گفتگو با علمای اهل سنت

شیخ الشریعه در علوم مختلف دارای مهارت بسیار بالا بود و در طی سالیان متمادی با بهره‌گیری از محضر دانشمندان شیعه به مدارج بلند علمی دست یافته بود و علاوه بر مبانی مذهبی شیعه در مبانی سایر مکاتب و مذاهب هم دارای خبرگی بود. او در مشهد از محضر اساتید برجسته ای چون آیه الله حاج میرزا نصرالله مدرس، آیه الله محمد ابراهیم بروجردی و سید مرتضی حائری بهره فراوان جست تا در ردیف اساتید آن دیار شناخته شد. سپس به سوی اصفهان مراجعت کرد. تا آن زمان نظریات شیخ مرتضی انصاری در اصفهان شهرتی نداشت ولی شیخ شریعت به بیان مسلک شیخ مرتضی انصاری همت گماشت. (2) او در سال و 1295 ق. راهی نجف اشرف شد و در محضر مراجع تقلید آن زمان (آیات و بزرگوار شیخ محمد حسین کاظم علیه السلامی و میرزا حبیب الله رشتی) حاضر شد و خود نیز مجلس درس مهمی تشکیل داد که بسیاری از دانشمندان حوزه علمیه نجف در آن شرکت می کردند. شیخ الشریعه در سال 1313 ق. به شوق معشوق رو به خانه معبود نهاد. او در مکه به مباحثه و گفتگو با علمای اهل سنت پرداخت به گونه ای که آنها از احاطه کامل وی بر کتابهای اهل سنت در شگفت شدند. (3)

#### مبارزه با استعمار

استعمار در زمینه وابسته نمودن کشورهای دیگر، راه های متعدد و روش های متنوعی دارد. بهترین نوع استعمار برای آنان، به دست آوردن خاک کشورهای مزبور است و در مواردی گماشتن مهره های خود بر آن سرزمین ها و در حالتی در

ص: 36

---

1- گلشن ابرار، ج 1، ص 472 تا 477

2- اعیان الشیعه، ج 8، ص 392

3- علمای معاصرین، ص 124.

پی تخذیر روح اجتماعی جوامع و تغییر سنت های آنان هستند. در سال 1907م که روس و انگلیس ایران را به سه قسمت تقسیم کردند علمای شعیه و از جمله شیخ الشریعه به مبارزه با این اقدام، برخاستند. چنانکه در زمینه نفوذ استعمار ایتالیا در لیبی و انگلیس در هند نیز شیخ الشریعه هشدارها داده و خود نیز عملاً در جبهه مبارزه با استعمار قرار داشت. او همچنین در پی مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن کتابخانه مهمی ایجاد کرد که دانش پژوهان از آن استفاده می کردند و از دیگر اقدامات ایشان صدور اعلامیه های فراوان بود که پرده از چهره استعمار می زدود در قسمتهائی یکی از این اعلامیه ها آمده است. «خدمت علمای بزرگ ... و عموم مردم روستاها و شهرها و کوچ نشینان ... بر آقایان و هوشیاران... پوشیده نیست که بیگانگان از سده های پیشین و مدت ها قبل کوشیده اند دارایی مسلمانان را بدزدند و شهر و کشورشان را تصاحب کنند... قرآن سراسر حکمت را از میان آنان بردارند و آنچه از وسایل مادی و معنوی نزد آنان است نابود سازند، بیگانگان همواره برای دستیابی به این هدفها نقشه هایی ترتیب داده اند» آنگاه آیه الله شریعت از نقشه ها و هدفهای دشمن در 10 مورد را بازگو کرده، در پایان دردمندانهاز مسلمانان و ایرانیان می خواهد که در صف واحد در برابر دشمن متجاوز بایستند. (1) در زمانی که عراق تحت سلطه انگلستان بود حکومت استعمارگر به مزدوران خود دستور داده بود هر جا کتاب نفیس و قدیمی یافتند آن را تصاحب کرده، به کتابخانه لندن بفرستند! در این میان روحانیون آگاهی که نمی خواستند فرهنگ اسلامی به دست کفار غارت شود در مقابل آنان می ایستادند و استعمارگران با به زندان افکندن ایشان سعی می کردند به اهداف شوم خود جامه عمل بپوشانند. ولی شیخ الشریعه به کمک طلاب آمده، آنها را از بند نجات می داد. برای نمونه می توان به زندان افتادن آیه الله مرعشی نجفی برای خریدن یک کتاب و سپس آزادی او به همت شیخ الشریعه اشاره کرد.

ص: 37

شیخ الشریعه در علوم متنوع دارای مهارت بود و در حقیقت یک انسان ذوالفنون به شمار می رفت. او در فقه و بلکه در سایر علوم به بحث های مقارن و تطبیقی توجه می کرد و در فقه و حدیث این امر نمود بیشتری داشت. در این باره نوشته اند: «در علم حدیث و حتی در کتب روانی که علمای برادران اهل سنت تألیف نموده اند دارای شأن و مرتبه ای عظیم در درایه بود. لذا در کتاب ایشان «القول الصراح» دقت بالایی در علوم حدیث و علل آن قابل مشاهده است که در زمان خودش بی نظیر است. او در علم رجال و احوال راویان و تراجم در زمره عالمان و پژوهشگران طراز اول قرار دارد تا جایی که شاگرد ایشان علامه آقا بزرگ طهرانی در مورد ایشان در کتاب «مصافی المقال» می فرماید: در فنون علم حدیث و رجال بعد از استادم علامه نوری کسی را عمیق تر و دقیق تر از ایشان م در بین اساتیدم ندیده ام.»<sup>(1)</sup> پیرامون همین تسلط وافر مرحوم شیخ الشریعه بر سایر مکاتب و مذاهب است که علامه سید محسن امین عاملی در کتاب فاخر و اعیان الشیعه پیرامون وی می نویسد: «کان یتمايز بمشارکته فی فنون الفلسفة القديمة والحكمة الالهية فضلا عن العلوم الاسلامية من الکلام والحديث والرجال وخلافیات و الفرق ومعرفة آراء الملل والنحل والأهواء والمقالات ومالها وما عليها من الحجج والادلة» که نشان از روحیه اعتنای وی به بحث های مقارن دارد.<sup>(2)</sup>

ص: 38

- 
- 1- مقدمه نخبه الأزهار في أحكام الخيار (تقرير بحث شيخ الشريعة الأصفهاني) الشيخ محمد حسين السبحاني، ص 9.
  - 2- همچنین در قضیه شعر مشهوری که یکی از علمای بغداد که از خاندان آلوسی بوده، با مطلع «ایا علماء العصرِ یا من لهم خُبْرٌ \*\*\* بِکُلِّ دَقِيقِ حَاژٍ مِنْ دُونِهِ الْفِکْرُ» در نفی وجود مقدس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سروده و جوابیه شیخ الشریعه یا جوابیه او علیه کتاب مختصر تحفه اثنی عشریه نشان از التفات خاص او به علوم تطبیقی و مقارن است.

یک سال پس از انقلاب مشروطه (در سال 1907 م) دو کشور استعمارگر روسیه و انگلستان در یک توافق سری ایران را به 3 منطقه تقسیم کردند؛ مناطق جنوبی سهمیه انگلستان و شمال ایران از آن روسیه شد و برای آنکه با هم اختلافی پیدا نکنند قسمتهای مرکزی را به عنوان منطقه بی طرف سهم ایران قرار دادند. در این هنگام که تمامیت ارضی و استقلال ایران در معرض خطر جدی قرار داشت، شیخ الشریعه و دیگر علما درسهای حوزه علمیه را تعطیل و خود را برای جهاد آماده کردند؛ چنانکه در تلگرافی که بدین مناسبت انتشار دادند می خوانیم: «اخبار موحشه مداخله اجانب در بلاد اسلامیة خصوصاً به اشتها معاہدہ میشومہ جدیدہ با دولتین موجب وحشت عموم علمای اعلام ... (شده است). قاطبہ علمای این مشاهد مشرفہ وظایف مقامیہ را تعطیل و در حفظ اسلام بہ ادای آخرین تکلیف (جهاد) حاضر ...» از دیگر اقدامات علما در مبارزه با استکبار جهانی پیشنهاد طرح و اتحاد دنیای اسلام بود که گامی برای پیشبرد اهداف اسلامی به شمار می رفت اما دولت ایران و عثمانی از آن طرح استقبال نکردند. در سال 1330 ق با حمله روسیه به ایران شهرهای تبریز، گیلان، رشت، مشهد مقدس و چندین شهر و روستای ایران اشغال شد. در این زمان که ایران در سراسی سقوٹ قرار گرفته بود مراجع تقلید شیعه که در آن ایام در عراق بودند تصمیم گرفتند با مقاومتی قهرمانانه جلو متجاوزان را بگیرند. در یازدهم محرم 1330 هیأت علمیه نجف به همراه صدها نفر از طلاب حوزه علمیه و دویست هزار تن از عشایر مسلح به طرف ایران حرکت کردند. آنان تصمیم گرفتند در سر راه خود به ایران چند روزی در کاظمین توقف کرده، پس از آماده کردن مقدمات لازم به طرف ایران حرکت کنند. از جمله اقدامات آنان در کاظمین می توان به اعزام هیأت هایی به کشورهای مختلف برای مذاکره با سران آن کشورها و ارسال اطلاعیه های فراوان به مسلمانان جهان اشاره کرد.

و دیگر آماده کردن عشایر ایران برای جهاد بود که با ارسال تلگرافهای متعدد آنان را به جهاد دعوت کردند. در یکی از این برگهای زرین چنین می خوانیم: به عموم حجج اسلام، سرداران عظام و رؤسای عشایر... از قدیم زمان الی کنون به



واسطه مردانگی عشایر... هرگز به خیال اجانب نمی رسید که دست اندازی به خاک ایران نمایند چه رسد به سوق عساکر و جسارت... در ممالک اسلامیه. مگر در این عصر مردانگی ایرانیان محو و نابود و عقاید اسلام پشت گوشها افتاده... یا للمسلمین یک مشهد مقدس... در مملکت شماسه، آیا رواست که با وجود امثال شماها به تصرف کفار درآید و ننگ تاریخی بر شما، باقی بماند!»(1)

تاکید بر اقتصاد مقاومتی

انگلیس با نفوذ اقتصاد خود، در پی نفوذ فرهنگی و سیاسی بود و مثلاً موفق شد کشور بزرگ هندوستان را جزو مستعمرات خود قرار دهد. اما این حيله در ایران با نهضت علمای شیعه روبرو شد و انگلیس توفیق خاصی در زمینه نفوذ اقتصادی کسب نکرد. در سال 1317 ق که شرکت اسلامی تاسیس شد و این شرکت در پی ترویج کالاهای وطنی و اسلامی بود شیخ الشریعه جزو انبوه عالمانی بود که از این شرکت دفاع کردند. او در کنار دیگر علما در برابر هجوم اقتصادی دشمن در اقدام مهم انجام داد.

1- تشویق مردم به ایجاد شرکت های تعاونی

2- تحریم خرید و فروش اجناس و وسایل روسیه و انگلستان.(2)

در جنگ جهانی اول

نیروهای انگلستان و همدستانش در جنگ جهانی اول با طرح این شعار که هدف ما رهایی کامل ملت هاست توانستند عراق و دیگر کشورهای عربی را تصرف کنند اما پس از اشغال عراق نه تنها به آنها استقلال ندادند که سعی کردند

ص: 40

1- اسنادی درباره هجوم انگلیس و روس به ایران، فصل ششم

2- نگاهی به تاریخ...، صادقی تهرانی، ص 16. مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (دام ظلّه العالی) نیز در جایی به این قضیه اشاره فرموده اند: مرحوم شیخ الشریعه اصفهانی - مرجع تقلید بزرگ ساکن نجف - فتوا داد که استعمال اجناس مصنوعه در داخل کشور لازم است و مردم باید از استفاده از مصنوعات خارجی اجتناب کنند، تا به این ترتیب دیگران در داخل کشور نفوذ نکنند. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون؛ 14 اسفند 1370.

با برگزاری فرماندوم فرمایشی به اشغال خود حالت قانونی دهند و آنگاه که عده ای از آزادیخواهان در خواست استقلال کردند آنها را تبعید و زندانی کردند و متعاقب این اوضاع شیخ الشریعه با ارسال تلگرافهایی به حاکمان انگلیسی و فرماندهان ارشد نظامی آنان، از آنها خواست با اعطای استقلال به عراق از خونریزی بیشتر خودداری کنند. اما آنان از این درخواست سرباز زدند و سعی کردند با سرکوب جلو انقلاب را بگیرند. در این هنگام آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی با صدور فتوایی به عراقیان اجازه داد که اگر انگلیسی ها از دادن حقوق آنها سرباز زدند آنان دست به اسلحه برند و حق خود را باز پس گیرند. و این گونه بود که آتش انقلاب در عراق زبانه کشید.

در هنگامی که تمامی شهرهای عراق در آتش انقلاب می سوخت ناگهان آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی که در این زمان رهبری انقلاب را بر عهده داشت به طور مرموزانه ای در گذشت ولی در آن لحظات حساس آیه الله شریعت اصفهانی علم بر زمین افتاده میرزای شیرازی را برداشت و با صدور بیانیه ای از مردم عراق خواست به انقلاب ادامه دهند و سپس در اجتماعی که در صحن حضرت علی علیه السلام برگزار شده بود حاضر شد و در حالی که به علت کهولت و ناتوانی نمی توانست به تنهایی راه برود با کمک چند نفر از اطرافیان بر فراز منبر قرار گرفت و پس از تسلیت از دست دادن میرزا، مجاهدان را به استقامت فراخواند و آنگاه آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی را به عنوان نماینده خود انتخاب کرد و پرچم جهاد را به دست او سپرد. در همین ایام ویلسون، نماینده انگلستان در عراق تصمیم گرفت با فرستادن پیام تسلیتی باب گفتگو با شیخ را باز کند، او را به پندار خود بفریبد اما نتوانست و انقلاب همچنان ادامه یافت. (1)

به دنبال این اوضاع نیروهای انگلیسی که در ایران و هند مستقر بودند به طرف عراق روانه شدند تا اینکه تعداد آنها به یکصد و پنجاه هزار نفر رسید که به انواع سلاح های پیشرفته و هواپیماهای جنگی مجهز بودند. قدرت روزافزون نیروهای انگلستان، تمام شدن منابع مالی مجاهدان و قرار گرفتن آنان در محاصره

ص: 41

اقتصادی و نظامی، نیز تغییر سیاست انگلستان و پیشنهاد تشکیل حکومت ملی در عراق از طرف دیگر موجب شد که بین رهبران جهاد اختلاف افتد و انقلاب متوقف شود. دولت انگلستان به طور رسمی تغییر سیاست خود را اعلام کرد و بدین سان استقلال خود را هر چند ناقص به دست آوردند. اگر انقلاب به پیروزی نظامی می رسید علما می توانستند با تشکیل حکومت اسلامی، عراقی آباد و آزاد بسازند عوامل فوق در کنار سستی که به مناسبت شروع فصل کشاورزی در مردم عراق پدید آورده بود باعث شد که نیروهای انگلستان بتوانند به طرف شهرهای مقدس پیشروی و کربلا، کوفه و آنگاه نجف را اشغال کنند. پس از اشغال نجف 17 تن از علما و از جمله شیخ حسن فرزند شیخ الشریعه دستگیر و برای تبعید روانه بصره شدند.

فرزند تقریب گرا

هندوستان و پاکستان یکی از مناطقی است که انگلیس از صدها سال قبل در پی رخنه ایجاد کردن میان طوایف دینی و مذاهب اسلامی در آنجا بوده و هست. اما علمای شیعه بسیاری در این دو ناحیه همواره بر طبل وحدت کوییده و خواستار بصیرت نسبت به توطئه های استعمارگران و اجانب و نیز دوری از تفرقه شده اند. نقش عالمان تقریب گرای ایرانی در این دو منطقه به ویژه پاکستان بسیار پررنگ بوده و هست. یکی از عالمان برجسته ایرانی که دارای روحیه تقریب گرایی و اتحاد خواهی بوده فرزند شیخ الشریعه می باشد که در انتهای این نوشتار دریغ است از وی یاد نکنیم. آیت الله شیخ محمد شریعت (1283-1357 ش) در نجف به تکمیل علوم خود پرداخت. (1) در سال 1331 ش آیت الله بروجردی او را به عنوان نماینده خود راهی پاکستان کرد. شیخ محمد پس از رحلت آیت الله بروجردی امام امت (ره) را به عنوان مرجع اعلم معرفی کرد که عده ای از علمای

ص: 42

---

1- شرح حال نسبتاً مناسبی از وی را مرحوم سید محمد حسن قاضی در آیت الحق صفحه 411 به بعد ذکر می کند.

پاکستان هم به پیروی از ایشان امام را مرجع تقلید اعلم به مردم معرفی کردند. [\(1\)](#) وی همواره سعی داشت ضمن تاکید بر حقانیت مذهب تشیع، مردم و علمای سایر مذاهب موجود در هند و پاکستان را به اتحاد فرا خواند و توفیقاتی نیز در این زمینه به دست آورد.

ص: 43

---

1- تذکره علمای امامیه پاکستان، ص 313.

## شهید آیت اله آقانورالله اصفهانی

(۱۲۷۸-۱۳۴۶ ق)

در اندیشه تبلیغ بین الملل



زندگی نامه و شخصیت علمی

علامه شیخ محمدباقر نجفی رازی اصفهانی رحمه الله اصلتا اهل ایوان کی (ناحیه ای بین تهران و سمنان) (1) و از عالمان طراز اول اصفهان بوده است. شیخ مهدی اصفهانی (2) معروف به آقانورالله اصفهانی و شیخ محمد تقی اصفهانی معروف به آقانجفی اصفهانی از فرزندان وی هستند. آقانورالله در سال 1278 ق در اصفهان دیده به جهان گشود. در نجف، سامرا و کاظمین از محضر میرزای شیرازی، میرزا حسین خلیلی تهرانی و میرزا حبیب الله رشتی بهره برد. در چهار دهه انتهای زندگی در اصفهان مشغول به انجام وظایف علمی، سیاسی و اجتماعی خویش

ص: 44

1- ابوالمجد اصفهانی از رجال شهیر این خاندان، در کتاب «حلی الدهر العاطل» می گوید که: قول دیگری در این باب شنیده ایم که اصل خاندان ما از «شهریار» تهران است.



شد تا اینکه عاقبت در سال 1346 ق در زمان تحصن علمای ایران در قم توسط عوامل رضاخان به شهادت (1) رسید.

اندیشه وحدت اسلامی

در اواخر عهد قاجار ده ها عالم شیعی اتحاد طلب و تقریب گرا وجود دارند که از حلقه های مفقوده اتحاد طلبی به شمار می روند و با این نگاه چندان به سیره آنان نگریسته نشده است. آقانورالله اصفهانی نیز از رسته همان عالمان اتحاد گرای کمتر شناخته شده است که برای همگرایی مسلمانان و دفع توطئه های بیگانگان همواره در مسیر اتحاد شیعه و سنی گام بر می داشت. آقانورالله چه در جهت تقریب مذاهب داخل ایران و چه همگرایی مذاهب موجود در ممالک اسلامی وجهه تقریبی و اتحادگرایی خود را همواره محفوظ نگاه می داشت و در ایام هجوم بیگانگان به کشورهای چینی و هند و لیبی و عثمانی نیز به همان دیدی به کشورهای یاد شده می نگریست که به ایران تهدید شده توسط روس می نگریست. همچنین معاهده نامه های متعددی را در رابطه با لزوم اتحاد مذاهب اسلامی و یکدستی آنان در قبال دنیای کفر با امضای آقانورالله در دست داریم که همگی نشانگر دغدغه مند بودن وی در رابطه با این موضوع حیاتی است. یکی از این معاهده نامه ها مربوط به ذی الحجه سال 1328 قمری است. در زمانی که روس به ایران و انگلیس به هند و ایتالیا به لیبی حمله برده بودند و علمای نجف با زعامت آخوند خراسانی معاهده ای را با علمای سنی مذهب بغداد بنابر اتحاد و عدم تفرقه و نیز نگهداری ممالک اسلامی از گزند دول بیگانه و ملل مسیحی امضا می نمایند. از علمای ساکن ایران آقانورالله اصفهانی نیز این معاهده را امضا نموده است. در این نامه اختلافات مذاهب خمسه باعث جدایی بین مسلمین و

ص: 45

---

1- برخی معتقدند با توجه به کسالت ایشان، رضاشاه، اعلم الدوله پزشک مخصوص خود را برای به قتل رساندن حاج آقا به قم فرستاد. اعلم الدوله نیز با تزریق آمپول هوا وی را به شهادت رساند. با مرگ او «هیئت مهاجرین قم» نیز از هم پاشیده شد. رک به محمد حسن رجبی، علمای مجاهد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1382، ص 64-65.

علت انحطاط دولت های اسلامی و تسلط کفار بر ممالک اسلامی دانسته شده است و اتحاد و تقریب را عاملی در راستای رفع اشکالات موجود بین دولت های اسلامی و نفی سلطه بیگانگان و جبران عقب ماندگی دانسته و آن را «واجب» شمرده اند. بخشی از این معاهده بدین صورت است. «چون پیش ما واضح و ثابت شد که این اختلافات فرق پنج گانه اسلامیه در غیر آن چه متعلق به اصول دیانت است و شقاق مابین طبقات مسلمین، علت تامه انحطاط دول اسلامیه و سبب اصلی استیلاء اجانب بر ممالک اسلامی بوده است فلذا محض محافظه کلمه جامعه دینی و مدافعه از شریعت شریفه محمدیه، اتحاد آراء و اتفاق فتاوی مابین مجتهدین عظام و روسای مذهب جعفریه و علماء کرام اهل سنت مقیمین دار السلام بغداد بر وجوب اعتصام به حبل الله ... و بر وجوب بر قاطبه مسلمین در حفظ کیان اسلام و صیانت جمیع ممالک عثمانیه و ایرانیه از تشبثات شوم اجنبیه م و هجمات سلطه خارجی و به جهت محافظت حوزه اسلامیه، کلمه ما متفق و آراء ما متحد شد بر اینکه تمام قوا و نفوذ خودمان را در این خصوص بذل کرده و از هر گونه اقدام بمقتضای مقام مضایقه ننماییم» این معاهده یک نمونه از تلاش های تقریبی علمای شیعه و از جمله آقانورالله اصفهانی است که نشانگر اهتمام شدید این بزرگواران در امر وحدت و تقریب و اتحاد و دوری از اختلاف و جدایی و افتراق است. (1)

بنیان گذاری مرکز گفتگوی ادیان

پس از دوران خواجه نصیر الدین طوسی تا میانه های عهد صفویه ارتباط ایرانیان با بیگانگان تقریباً نزدیک به صفر بود. تنها در عصر صفوی است که مشاهده می شود برخی سیاحان خارجی و نیز پاره ای جهانگردان غیر مسلمان در ممالک اسلامی و کشور ایران علاوه بر سیاحت در پی انتشار مذاهب و ادیان دیگر بوده اند. پس از عصر صفوی نیز تا اوایل عهد قاجار به علت تشنج وضع داخلی ایران چندان نمودی از این امر را نمی توان نشان داد تا اینکه در اوایل

ص: 46

---

1- اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه، ص 357 تا 364. با تصرف اندک.



عصر قاجار اندک اندک دامنه فعالیت ها و وسعت اقدامات مسیحیان در ترویج مسلک خود افزایش داشت و ملا احمد نراقی یکی از پیشگامان ایجاد مکانی برای مناظره حضوری و شفاهی با صاحبان مکاتب دیگر بود. در دهه های انتهایی عصر قاجار و با توجه به شبهه افکنی نصارا در بین اهالی قبیله ایمان و توحید، مرحوم آقانورالله و برادرش نیز دست به کاری شبیه کار مرحوم نراقی زدند و مکانی را در منطقه آرامنه نشین اصفهان در رابطه با امر مناظره شفاهی با صاحبان دیگر ادیان برپا نمودند. از این رو علاوه بر تشکیل انجمن مقدس ملی و مدارس متعدد که به امور سیاسی و اجتماعی و سواد آموزی اطفال اختصاص داشتند، در مانگاه (1) و قرائت خانه و برخی نهادهای دیگر را تأسیس نموده و از مهمترین آنها باید به تشکیل مرکز گفتگوی ادیان به عنوان یک اقدام روشنفکرانه آقانورالله اشاره داشت. مرکز مزبور در محله جلفا اصفهان (2) و با نام «انجمن صفاخانه» به کوشش آقانورالله و برادرش آقانجفی ایجاد گشت. (3)

تأسیس «مجله الاسلام»

از جهت تاریخی زمان ایجاد نهاد محاوره ای و تبادل نظر «صفاخانه»، سال 1320 قمری (1281ش) بود. طبیعتاً گزارش فعالیت های این نهاد و افکار گردانندگان و بنیان گذاران انجمن صفاخانه باید در جایی ثبت می شد. افزون بر آن که مبلغان و کشیشان مسیحی در همین مکان یا در مکان های دیگر با نمایندگان و عالمان اسلامی به بحث می نشستند و در جهت تثبیت عقاید خود به ادله و استدلال تمسک نموده و البته اثر این انجمن در راه تثبیت عقاید مردم مسلمان و ضعف و افول و ناکارآمدی اقدامات تبشیری و تبلیغی مسیحیان،

ص: 47

1- به تعبیر آن دوره: مریض خانه اسلامی

2- از دلایل ایجاد انجمن صفاخانه حضور یک کشیش مسیحی با نام «تیزدال» در اصفهان و پخش کتابهای ضد اسلام توسط وی در بین مسلمان بود. دیگر اینکه انتخاب محل سکونت آرامنه برای ایجاد مکان تأسیس انجمن صفاخانه و نام آرامی که بر این انجمن نهاده شده در قبال فعالیت های مسیحیانی که دین خود را دین دوستی و رحمت می دانند، همگی از تیزهوشی و درایت آقا نورالله و برادرش آقانجفی حکایت دارد.

3- اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه، ص 136 و حکم نافذ آقا نجفی، ص 105 تا 108.

فراوان بود. افزون بر این عده ای آرامنه و مسیحیان با حضور در جلسات مناظره ای انجمن صفاخانه به سستی بسیاری از عقاید خود پی برده و متانت و استحکام اسلام به رنگ شیعی را در عقاید و احکام بیش از پیش دریافته و به اسلام و مذهب شیعه گرویدند. از این رو بنیان گذاران انجمن، درصدد انتشار روزنامه ای با رویکرد بین المللی بر آمدند. شرح تعدادی از مناظره های برگزار شده در انجمن در روزنامه ای که «مجله الاسلام» نامیده شد، ذکر می گردید و در آفاق پراکنده می شد. به گونه ای که حتی نسخه های روزنامه مزبور در اروپا و شمال آفریقا و خاور دور نیز پخش می شد.

#### اندیشه اعزام مبلغ بین المللی

اطلاعات ما از تمامی اهداف و فعالیت های انجمن صفاخانه زیاد نیست و به سبب وجود تنش های سیاسی در آن زمان، به مانند امروز اهمیت فوق العاده ای و به انجمن مذکور و نشریه اش توسط حکومت وقت داده نمی شد. ولی با جستجو در برخی شماره های باقی مانده نشریه منتشر شده توسط آن انجمن، می توان به علاوه بر کسب اطلاع از فعالیت های انجام گرفته، به برخی افکار روشن بینانه و اندیشه های آینده نگرانه موسسان انجمن پی برد. یکی از این اندیشه های روشن اهمیت یافتن اعزام مبلغ بین الملل توسط بنیان انجمن صفاخانه است. چرا که طبق برخی مندرجات مجله الاسلام، آقانورالله و سایر علمای دینی همسو با انجمن صفاخانه در جهت اعزام مبلغین اسلامی به سایر نقاط جهان، برنامه هایی داشته اند. در جایی از مجله الاسلام می خوانیم: «چون سال هاست دعوات عیسوییه می گفتند که اهل اسلام جواب ما را نمی دهند... از این جهت در غره شهر جمادی الاخر 1320 ه ق در اصفهان به امر جناب مستطاب حامی الشریعه الغراء، مروج الملة البيضاء، مالاذالانام، مروج الاحکام حجة الاسلام آقای حاج شیخ نورالله ثقه الاسلام - دامت برکاته العالیه - اداره «دعوت اسلامیه» به نام صفاخانه در محله جلقا دایر شده است... امیدواریم کم کم دعوات(1) اسلامیه به

ص: 48

---

1- دعوات جمع داعی یعنی مبلغ و دعوت کننده.

ممالک خارجه بفرستیم و حجت را بر اهل جهان تمام کنیم.» از این رو باید آقانورالله اصفهانی و برادرش را از پیشگامان عرصه شناخت لزوم تربیت و اعزام مبلغ های بین المللی به شمار آورد. در مجله منتشر شده توسط انجمن صفاخانه لحن مناظرات به صورت محترمانه و با ادبیاتی جذاب است. در این نشریه استناد بر کتب مقدس آسمانی دو طرف بحث مراعات شده و نگاه مبلغان مسیحی به قرآن کریم و میزان آگاهی عده ای از مسلمانان به عهدین روشن می شود. نکته دیگر اینکه این نشریه با اینکه رویکردی دینی مذهبی و در باب مناظرات دینی بود، ولی جریان ها و حوادث اجتماعی را نیز انعکاس می داد، به عنوان نمونه در هفتمین شماره از این مجله یکی از اطبای آن زمان به نام محمدباقر حکیم باشی، پیرامون راه های جلوگیری از انتشار وبا و شیوه های درمان آن به تفصیل سخن گفته است<sup>(1)</sup>.

ص: 49

---

1- شماره های موجود مجله الاسلام در سال 1393 ش در شهر قم توسط نشر ادیان با نام «صفاخانه اصفهان» منتشر گشته و مصحح آن حامد ناجی اصفهانی است.

## آیت الله شیخ محمد محقق لاهیجی

(۱۲۸۹-۱۳۴۹ ش)

### تبلیغ اسلام در قلب اروپا



#### زندگی نامه و شخصیت علمی

آیت الله دکتر شیخ محمد محقق لاهیجی رحمه الله در سال 1328 ق برابر 1289 ش در یک خانواده مذهبی، در شهر عالم پرور لاهیجان دیده به جان گشود. وی دروس ابتدایی و متوسطه را در رشت به پایان رساند و در مسیر کسب تحصیلات عالی و علوم جدید و زبان فرانسه، روسی و عربی را نیز فرا گرفت و بعدها در آلمان زبان آلمانی را نیز آموخت. آن مرحوم برای کسب تحصیلات دینی در حدود سن 20 سالگی به تهران مهاجرت نمود و در مدرسه مروی مشغول به تحصیل مقدمات علوم دینی گردید. پس از مدتی از آنجا به مشهد مقدس عزیمت و در مدرسه جعفری به عنوان مدرس ریاضیات پذیرفته شده و در حین تدریس، به تحصیل علوم حوزوی پرداخت. دکتر محقق در سال 1313 ش به قم مهاجرت و در مدرسه رضویه حجره گرفت و مشغول تکمیل علوم حوزوی گردید.

مرحوم محقق بعد از کسب علوم و دروس سطح، به درس خارج بزرگان راه یافت و بیشترین استفاده را از درس خارج فقه و اصول آیت الله شیخ عبد الکریم حائری یزدی برد. او پس از رحلت آیت الله حائری مدتی در همدان و یزد توقف فرمود. آن گاه به حوزه علمیه قم مراجعت کرد و به تدریس فلسفه و علوم طبیعی پرداخت. شیوه تدریس فلسفه جدید آقای محقق، نظر آیت الله العظمی سید حسین بروجردی را به خود جلب کرد و مورد توجه خاص آن جناب قرار گرفت. وی در همان زمان در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران نیز تدریس می نمود. (1)

این عالم ربانی در سال 1389 ق برابر 1348 ش در قم وفات یافت. مزار وی در مقبره ابو حسین در نزدیکی حرم مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) قرار دارد. (2)

در اردیبهشت سال 1394 همایشی در قم جهت تکریم از زحمات و تلاش های آیت الله شیخ محمد محقق لاهیجی برگزار شد که مورد توجه علماء و مراجع قرار گرفت و حضرت آیت الله صافی گلپایگانی نیز در خصوص این همایش پیامی را صادر فرمودند که متن آن به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم قال الله الحكيم، الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ السَّلام عليكم ورحمة الله

تجلیل و تکریم مجاهدان در راه خدا، مبلغان سرافراز و انسانهای آزاده، وظیفه انسانی و اخلاقی همه مردم پاک سرشت و آزاد منش می باشد.

امروز اگر مجلس بزرگداشتی به نام یکی از شخصیت های علمی و تبلیغی، در استان عالم پرور گیلان تشکیل شده است و نام آن مرد بزرگ دوباره در اذهان

ص: 51

---

1- جرعه ای از دریا، ج 2، ص 525

2- مجله مبلغان، شهریور 1382، شماره 44، ص 119 و گنجینه دانشمندان، ج 2، ص 257 و تربت پاکان قم، ج 3، ص 1833.

زنده می شود، همه به خاطر مجاهدت ها و نیت پاک و اخلاص آن عالم فرزانه و دانشمند وارسته است.

مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد محقق لاهیجی تغمده الله بغفرانه، از انسان های ستوده، و عالمان وارسته ای بود که عمر شریف خود را وقف خدمت به اسلام و نشر فرهنگ غنی اهل البیت علیهم السلام در داخل و خارج کشور نمود و از فرصت های طلایی عمر خویش، برای خدمت به خدا و بندگان خدا استفاده ها کرد.

از آن روزی که استاد اعظم ما مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی قدس و سره، بنای تأسیس مسجد بزرگ امام علی علیه السلام را در هامبورگ نهادند و که اراده آن مرجع بزرگ بر این تعلق گرفت که اسلام عزیز و تشیع راستین را در به نقاط مختلف جهان تبلیغ نمایند، مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقای محقق را برای این امر بسیار با اهمیت انتخاب کرده و ایشان هم با بلاغ حسن و اخلاق و پسندیده و روش فاضله حتی الامکان این کار مهم را به انجام رسانید .

آن فقید سعید در طول عمر خدمتگزاری به ساحت مقدس حضرت ولی عصر ارواح العالمین له الفدا در آن مرکز بزرگ اسلامی، توفیقات زیادی نصیبشان گردید که تا امروز برکات حضور ایشان در آلمان و اروپا ادامه دارد.

این حقیر به روح مقدس ایشان سلام و درود فرستاده و از حضرات علماء اعلام و دانشمندان و الامقام خطه شریف گیلان می خواهم که همچنان یاد علما و خدمتگزاران به دین و مکتب را گرامی داشته و نسل جدید را با خدمات آنان آشنا نمایند؛ «و عند ذکر الصالحین تنزل الرحمة»

وحدت بین حوزه و دانشگاه از مقدمات رشد تمدن اسلامی است. از ابتدای تاسیس دانشگاه در ایران ارتباطی بین حوزه و دانشگاه برقرار نبود، ولی برخی از اشخاص و عالمان از همان ابتدا پی برده بودند که باید بین این دو نهاد علمی ارتباط باشد و شرط اول این امر نیز پذیرفتن دانشگاه به عنوان یک نهاد علمی است. چرا که به تعبیر مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (دام ظلّه العالی): اگر کسی علوم و دانش های دانشگاهی را جهل می داند، اصلاً نباید وارد دانشگاه شود و باعث بدنامی اسلام و بیزاری دانشجویان از روحانیت و اسلام گردد. (2) مرحوم محقق لاهیجی پس از اینکه در دانش های حوزوی بهره کافی را دریافت، در کنار علوم حوزوی به فراگیری برخی علوم جدید پرداخته و ضمن تدریس آن علوم به حوزویان، در دانشگاه تهران نیز به سمت استادی رسیده و دروس دینی و الهیات و معارف و هیئت و نجوم را تدریس می کرد. بعدها نیز در ممالک غربی، همین آگاهی از علوم جدید باعث افزایش جذب علمی وی شد و به ویژه به دلیل اینکه با زبان های فرانسه، روسی، عربی، انگلیسی و آلمانی آشنا بود (3) با اساتید دانشگاه ها بحث های علمی و دینی بسیاری را به انجام رسانیده و عده ای از اساتید دانشگاه هایاروپا به سبب همین نشست ها و ارتباطات مکتب اسلام و مذهب تشیع را برگزیدند.

ص: 53

---

1- رک حوزه نیوز، خبرگزاری رسمی حوزه hawzahnews.com، کد خبر: 348893

2- حدیث ولایت، ج 5، ص 211 و 212.

3- مفاخر اسلام، ج 12، ص 459 و زندگی علماء (ستارگان حرم)، ج 3، ص 15 و همچنین: فرهنگ کوثر، بهمن 1377، شماره 23.

ایت الله سید حسین بروجردی مشرب تقریبی و تبلیغی خاصی داشت. وی معتقد بود باید بر جنبه های اختلافی مذاهب و ادیان تمرکز نشود و جهات و اسوه های علمی هر کیش و آیین و مذهب برجسته شود تا از یک سو دولتهای مستکبر و تفرقه افکن حربه و بهانه ای برای اختلاف افکنی نیابند و هم انسان های ناآگاه با حقایق ادیان و مذاهب آشنا شوند. ایشان در همین راستا هم به امر تبلیغ بین الملل اهمیت داده و هم شیوه خاص خود را در هر که می دید با اعزام وی به منطقه مد نظر، در تقریب مذاهب و وحدت مسلمانان سعی می نمود. از این جهت آیت الله بروجردی که شخصیتی روشن فکر و دارای دیدی وسیع و حکیمانه بود، افراد زبده و کاردانی را به مناطق مختلف جهان در آسیا و آفریقا و بلاد غیر مسلمان از اروپا و استرالیا گرفته تا آمریکا می فرستاد. (1)

اما آیت الله میرزا ابوالقاسم محمدی گلپایگانی (2) که عالمی بصیر و دانا بود و به برخی زبانهای

ص: 54

1- مثلا سید محمد حسین ناشر الاسلام جزایری را به آفریقا اعزام فرمود و دکتر شیخ مهدی حائری یزدی را به آمریکا فرستاد. چنانکه مرحوم سید محمد تقی طالقانی (برادر سید جلال آل احمد) را به عربستان فرستاد که توسط وهابیت به شهادت رسید. سید احمد لواسانی کسی بود که بعدا به عربستان عزیمت نمود و پس از وی شیخ عبدالحسین فقیهی رشتی نماینده مرحوم بروجردی در عربستان شد و سید زین العابدین کاشانی به کویت و مرحوم شریعت زاده (فرزند شیخ الشریعه اصفهانی) هم به پاکستان اعزام شدند. مرحوم صدر الدین بلاغی نیز به گونه ای نماینده سیار بود. مرحوم بروجردی در صدد بود که امام موسی صدر را به ایتالیا و سید رضی شیرازی را به اتریش و برخی را هم به لندن و ژاپن و اندونزی بفرستد که این امر با رحلت ایشان انجام نگرفت. بنگرید به: گنجینه دانشمندان، ج 2، ص 281. اختران فضیلت، ج 1، ص 280. تربت پاکان قم، ج 1، ص 369. دانشمندان شیعه، ص 489. آینه دانشوران، ص 485. مفاخر اسلام، ج 12، ص 458. دیدار با ابرار، ملا فتح الله اصفهانی، ص 161، جریان ها و سازمان های مذهبی، ص 242، حافظان شریعت، ص 69 و شکوه ققاهت، ص 167.

2- پدر حجت الاسلام و المسلمین غلامحسین محمدی گلپایگانی معروف به محمد محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری دام ظلّه العالی. درباره وی بنگرید به: مفاخر اسلام، ج 13، ص 436. درباره این عالم مهذب و ربانی بنگرید به: نقباء البشر، ج 5، ص 471 و تربت پاکان قم، ج 1، ص 282 و حج 2، ص 1875 و دانشمندان گلپایگان، ج 1، ص 157 و 159 و ج 2، ص 313 و مفاخر اسلام، ج 12، ص 463 و 463.



خارجی هم تسلط داشت در اروپا به تبلیغ مشغول بود تا اینکه حکومت وقت آلمان غربی ایشان را از آلمان اخراج کرد. پس از بازگشت آیت الله محمدی بود که آیت الله بروجردی برای اعزام یک مبلغ برجسته، شخصیتی مناسب تر از شیخ محمد محقق لاهیجی از علمای برخاسته از حوزه علمیه قم که در یزد ساکن بود را نیافت. این مرد اندیشمند و بزرگوار، توانست در مدت 10 سال اقامت در هامبورگ آلمان، به خوبی اندیشه های بلند و آرمان های اصولی و ارزشمند اسلام ناب و معارف مکتب اهل بیت علیهم السلام را با قدرت استدلال و به سبک نوین ترویج و تبلیغ نماید. (1) مرحوم بروجردی مرکزی اسلامی در بهترین نقطه هامبورگ آلمان را به معاونت ابتدایی مرحوم محمدی گلپایگانی تدارک دید و بعدها همین امر را به همراه برخی امور جانبی دیگر مانند مسجد برای رفاه دینی مسلمانان اروپا و نیز مکانی برای جذب مشتاقان به دین اسلام توسط مرحوم محقق محقق ساخت (2) و این اقدام دارای انعکاس در دسته ای از روزنامه های اروپا شد. (3) آیت الله بروجردی از تهیه هر نوع امکانات لازم برای تحقق اهداف خود توسط مرحوم محقق دریغ نداشت. (4) نتایج این اقدام مرحوم بروجردی از حجم فعالیت های موفقیت آمیز مرحوم محقق فهمیده می شود (5) و این مرکز تا زمان ما در حال خدمت رسانی به مسلمانان و غیر مسلمانان است. البته چند ماه پس از رحلت آیت الله بروجردی، مرحوم محقق به عللی نتوانست در هامبورگ بماند و راهی ایران شد. پس از ایشان به اصرار علماء، مرحوم شهید بهشتی راهی آلمان شد و منشا خدمات بسیاری گشت. (6)

ص: 55

---

1- مجله مبلغان، شهریور 1382، شماره 44، ص 119

2- نامه آستان قدس، شماره 14، اردی بهشت 1342 ش، ص 77 و 91 و آینه دانشوران، ص 479 تا 484.

3- درسهایی از مکتب اسلام، اردیبهشت 1339، سال دوم، شماره 4، ص 69 و 70، مقاله: نسیم جان بخش اسلام در ساحل دریاچه آلسترگ (آلمان).

4- شکوه فقاہت، ص 48

5- مفاخر اسلام، ج 12، ص 459 و 460.

6- یادنامه شهید مظلوم بهشتی، ص 20 و زندگی و گزیده افکار شهید بهشتی، ص 55 و 56.

استاد محقق لاهیجی نه تنها در زمان حضور در اروپا که از روزگار حضور در ایران و ارتباط با نحله های مختلف به این امر واقف شده بود که یکی از توطئه های استعمار، ایجاد اقلیت ها و پشتیبانی از آنها برای تفرقه انداختن بین امت اسلامی است. او در یزد که چندین سال ساکن آنجا بود، این مسئله را به چشم خود دیده بود و از دست های پشت پرده ای که به بهانه دفاع از حقوق بهائیان یا بازگرداندن عزت فروخته زردشتیان! دست به تفرقه افکنی می زدند آگاه بود. از این جهت وقتی که عازم اروپا شد هم توصیه ها و هم مشرب خاص آیت الله بروجردی در اهمیت تقریب مذاهب اسلامی را ضمیمه آن تجربه تاریخی اش نموده بود و در طول مدتی که در اروپا بود با مسلمانان مذاهب مختلف با عطف و مهربانی برخورد می کرد و به شخصیت های اسلامی تمام مذاهب احترام می نهاد. از حضور سنیان در مذاهب شعائر شیعه و در نماز جماعت و جمعه ی شیعیان نه تنها ممانعت نمی کرد که با منش و برخورد خود باعث جذب آنان می شد. در جلسات سخنرانی بر مباحث حساسیت زا انگشت نمی نهاد و مطلب مشترک بین مذاهب را بیان می کرد و اگر هم مطالبی خاص مذهب شیعه را بیان می کرد مستند به دلایل عقلی و آیات قرآنی و منابع اهل سنت بیان می نمود. در جلسه سخنرانی او حتی اهل سنت و مسیحیان نیز شرکت می کردند. وی مبلغان خودجوشی را که به اروپا می آمدند به همین مشرب فرا می خواند و با براتی ها و نیز وهابی ها مخالف بود. (1)

توصیه به زبان آموزی

از ویژگی های مبلغ بین الملل مسئله زبان دانی اوست. به گونه ای که ضرورت دارد زبان و فرهنگ کشور مقصد را بشناسد. این مطلب در سیره عملی رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در زمینه ارسال مبلغ به نقاط خارج از محدوده حجاز مشاهده

ص: 56

---

1- مصاحبه با استاد ادهم نژاد از محققان گیلانی حوزه علمیه قم و به نقل از آیت الله فیض گیلانی از دوستان مرحوم محقق.

می شود. (1) مرحوم محقق با اینکه خود زبان انگلیسی می دانست، ولی نظر به اهمیت دانستن زبان آلمانی در زمان حضور در آلمان نسبت به فراگیری این زبان دست به کار شد و همچنین به مبلغان توصیه می نمود فراگرفتن زبان های بین المللی علاوه بر امکان استفاده از منابع علمی بیشتر، توفیقات افزون تری را برای آنان در رابطه با ارتباط گیری با غیر مسلمانان و غیر شیعیان ایجاد می کند. به گونه ای که هم کج فهمی ها کاهش یافته یا از بین می رود و هم در رساندن مقصود واقعی مذهب نوآرینی تشیع موفقیت بیشتری به دست خواهید آورد. به علاوه زبان دانی موجب زودتر و دقیق تر آشنا شدن با شبهاتی که با زبان های بیگانه علیه مذهب ترویج می شود است و نیز مبلغ زبان دان می تواند نسبت به ارائه مکتوب مبانی دینی و معارف مذهبی به زبان های بین المللی توفیق زیادتری کسب نماید و تاثیر گذاری فراوان تری هم داشته باشد. (2)

مراوده با اندیشمندان جهان

دکتر محقق در مرکز اسلامی و مسجد هامبورگ بخش های مختلفی را ایجاد کرده بود چنانکه به سبب وجود همین مرکز، مسافرت های تبلیغی را نیز تدارک دیده بود. بخشی را برای ترجمه متون خاص اختصاص داده و به نامه های وارده از مسلمانان و غیر مسلمانان هم جواب می داد. همچنین با اندیشمندان اروپایی و غیر مسلمان نشست و برخاست و بحث علمی و دینی به صورت حضوری و مکتوب داشت. نتیجه این شده بود که صدها نفر از مردم عادی گرفته تا اقشار دارای تحصیلات عالی توسط مرکز یاد شده و تلاش های مرحوم محقق مسلمان شدند. همچنین مرکز هامبورگ به زبان آلمانی و غیر آلمانی نشریاتی را هم منتشر می ساخت و با نو مسلمانان نیز مذاکراتی را داشت. (3) وی با اقدامات خود خدمات بسیاری در راه ترویج دیانت اسلام و مکتب تشیع انجام داده و توجه مردم اروپا

ص: 57

---

1- رسالت بین المللی حوزه های علمیه، ص 104 و 105.

2- همان

3- گنجینه دانشمندان، ج 2، ص 258 و خاطرات آیت الله گرامی، ص 147 و مفاخر اسلام، ج 12، ص 460.

را به اسلام جلب نمود. تا جایی که یک دانشمند مسیحی گفته بود: اگر استاد محققى در آلمان بماند اغلب یا تمامی مردم را به سمت اسلام خواهد کشید. (1) همین جاذبه بالا و دانش وافر و زبان دانی مرحوم محققى بود که عامل انتخاب ایشان توسط آیت الله سید حسین بروجردى شد. چنانکه مرحوم ریحان یزدى در کتاب خود از تاثیر زیاد مرحوم محققى در جوامع خودى هم یاد مى کند: «آقای شیخ محمد محققى از مفاخر مبلغین جهان اسلام است و جامع علوم جدید و دانش های دینی است. افزون بر این به اندازه ای در خدمت به مردم کوشا و ساعی است که به هر شهر و دیار که چندی توقف نمود، دیری نمی گذرد که همه اهالی از جان و دل او را سپاسگزار و از خدمات خدا پرستانه او سخن می گویند.» (2)

ص: 58

---

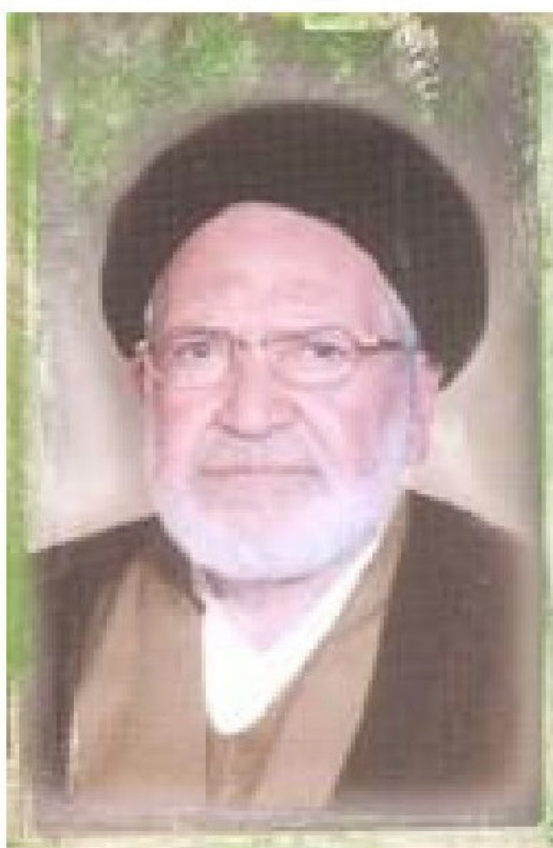
1- گنجینه دانشمندان، ج 2، ص 258

2- آینه دانشوران، ص 94. با تصرف.

## آیت الله سید مرتضی رضوی کشمیری

(متولد ۱۳۰۷ ش)

نقطه وصل تقریب گرایان



زندگی نامه و شخصیت علمی

آیت الله سید مرتضی رضوی، رحمه الله نوه پسر علامه سید مرتضی کشمیری (1) است که در شب جمعه 28 جمادی الثانی سال 1348 ق مصادف با 1307 ش در شهر مقدس نجف دیده به جهان گشود. پدرش سید محمد (متوفای 1392 ق) در تربیت علیهم السلام وی تلاش وافر نمودند. وی نزد شیخ علی زاهد قمی و سید زین العابدین کاشانی درس خواند و از میرزا محمد شریف عسکری تهرانی در سامراء و دکتر حسین علی محفوظ اجازه نقل روایت دریافت کرد. (2) سپس در وادی تقریب افتاد و ده ها سال در زمینه تقریب در هند و ایران و لبنان و مصر و عراق به فعالیت به امر تقریب و وحدت پرداخت تا بدانجا که شیخ محمد تقی قمی موسس

- 1- نقباء البشر، ج 5، ص 355 و گلشن ابرار، ج 4، ص 328
- 2- مذكرات حول الدول العربيه و الاسلاميه، مرتضى رضوى، ص 13.

دار التقريب مصر در باره ی وی گفت: «انت من دعاة التقريب»<sup>(1)</sup> وی در سال 1390 ق به تهران آمده و کماکان به امر ترویج دین مبین اسلام و آموزه های مذهبی اشتغال دارد.<sup>(2)</sup> در تاریخ شیعه هیچ کس به اندازه آیت الله رضوی در امر انتشار آثار شیعی در بلاد اهل سنت موفق نبوده است و این از افتخارات وی و نشانه ذهن روشن و دید وسیع او می باشد. وی همچنین نماینده آیت الله العظمی سیستانی در اروپا می باشند.

#### تقریب چند ضلعی

تقریب مذاهب و وحدت گرایی اسلامی از اندیشه های والای اسلام است که سیره و منش نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نیز آن را تایید می نماید. تقریب دارای مراتب و جلوه ها و عرصه های گوناگونی است که می توان سید مرتضی کشمیری را از جهات متعدد تقریب گرا دانست. البته مفاهیم غلط و برداشت های ناصواب و مغرضانه از تقریب که برخی از شیعیان و سنی ها به غلط آن را اعلام می دارند مردود است. به تعبیر مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلله غرض از که تقریب، ادغام مذاهب با هم نیست و مقصود از آن این است که «فرقه های اسلامی، در مقام فکر و اعتقاد به یکدیگر نزدیک بشوند. ای بسا برخی از تصورات فرق نسبت به یکدیگر، با مباحثه و مذاکره، به استنتاج خوبی منتهی بشود. شاید بعضی از سوء تفاهم ها برطرف، و بعضی از عقاید تعدیل، و بعضی از افکار به طور واقعی به هم نزدیک بشود. البته اگر این بشود، بسیار بهتر از هر شکل دیگر است؛ حداقل این است که بر روی مشترکات تأکید بشود. این گفتگوها و مذاکرات، کمترین فایده اش این خواهد بود. بنابراین، باید از طرح مسائل تفرقه انگیز خودداری بشود. در مرحله فقهی نیز تبادل نظر بین مذاهب مختلف، در بسیاری از ابواب فقهی، به فتاوی نزدیک، بلکه واحدی منتهی خواهد

ص: 60

1- همان، ص 30.

2- علاوه بر مذاکرات وی بنگرید به موج رجال الفكر امینی، ج 2، ص 612 و گنجینه دانشمندان، ج 6.

شد. بعضی از فرق اسلامی، در برخی از ابواب فقهی، تحقیقات و پیشرفت های قابل ملاحظه بی دارند؛ دیگران می توانند از آنها استفاده کنند. گاهی ممکن است در برخی از احکام و استنباطات اسلامی از کتاب و سنت، نوآوری هایی در اختیار بعضی از فرق اسلامی باشد؛ دیگران از آن استفاده خواهند کرد و به فتاوی نزدیک به هم یا مشتری خواهند رسید.» ایشان در ادامه می فرمایند: «شاید مهمتر از همه نتایج تقریب، تقریب عملی است؛ یعنی همکاری مسلمین با یکدیگر، منهای احساس جدایی عقیدتی فرقه بی. اگر دشمنان بگذارند، و اگر ما عاقل باشیم، این امر بسیار ممکن و سهل التناولی است... پس، این سه مرحله است: هم در مرحله اعتقاد، هم در مرحله احکام فقهی، و هم در مرحله همکاری عملی. آنچه که اینها را تضمین می کند، این است که اولاً به توطئه دشمن هوشمندانه نگاه کنند؛ ثانیاً به آن مواردی از اسلام که این تقریب را تضمین می کند، بیشتر فکر کنند.»<sup>(1)</sup> می توان با توجه به حجم اقدامات عملی و اندیشه های وسیع فکری و آیت الله رضوی کشمیری ایشان را در هر سه جهت یاد شده تقریب گرا و وحدت طلب نام برد.

#### تقریب علمی و فقه مقارن

تقریب علمی و توجه به فقه و کلام مقارن از عوامل همگرایی مذاهب اسلامی می تواند باشد. علامه رضوی بیش از نیم قرن از زندگی خود را وقف تقریب به ویژه تقریب علمی نموده است و آثار ارزنده و فراوانی را در این زمینه منتشر نموده است. به علاوه آثار تقریبی و ارزنده ای از دانشمندان بزرگ شیعه را در مصر و هند و لبنان و تهران به طبع رسانده است تا حقیقت مذهب شیعه در بلاد دیگر نیز منعکس شده و از حجم شبهات و تهمت های مغرضان بکاهد و برجستگی های مکتب اهل بیت علیهم السلام را بیشتر متجلی بنماید. «آراء العلماء حول عصمه القرآن من الزیاده و النقصان،» «آراء علماء مصر المعاصرین حول الشیعه الامامیه»، «مع رجال الفكر في القاهرة» به ویژه جلد اول آن، که سرسبد بوستان

ص: 61

---

1- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی مجمع تقریب مذاهب اسلامی؛ اول مهر 1370.



تالیفات وی است، «فی سبیل الوحدة الاسلامیة»، «المتعہ» توفیق فکیکی، «عقاید الشیعه» مظفر، «اصل الشیعه» کاشف الغطاء، «قضیه التقرب» سید محمدتقی حکیم، «الشیعه الامامیه» سید محمد صادق صدر، «مذکرات حول الدول العربیه و الاسلامیه»، «الفرق بین الفریضه و النافله» اثر علامه منیر الدین بروجردی، «النهج السوي في معنى المولى و الولی» از محسن علی بلتستانی، «تحریر المجله» محمد حسین کاشف الغطاء، «دلایل الصدق» محمدحسن مظفر، «وسایل الشیعه و مستدرکاتها» شیخ حر عاملی و حاجی نوری، «الفصول المهمه» شرف الدین، «المراجعات»، «فلسفه الميثاق»، «الکلمة الغراء» و «ابوهریره» او، «مسائل فقهیه عن المذاهب الخمسه»، «رسالتنا» شهید صدر نمونه هایی اندک از آثار نوشته شده یا منتشر شده توسط وی است. (1) شایان ذکر است که ایشان «مکتبه النجاح» را که موسسه ای تقریبی و بیشتر در زمینه انتشارات و چاپ کتب فعال بوده است، ده ها سال قبل در نجف و سپس در قاهره و نهایتاً در تهران تأسیس نموده است و فراوانی داشته است.

#### ارتباط های بین المللی

استاد بزرگوار سید مرتضی رضوی سالیان سال در بین کشورهای اسلامی در آمد و شد بود و از سرشناس ترین عالمان شیعی در شمال آفریقا و غرب آسیا به شمار می رود. اغلب شخصیت های مصلح و تقریبی و وحدت گرا و نواندیش شیعه در طی نیم قرن اخیر با رضوی ارتباط داشته و وی با آنان به نشست و برخاست پرداخته و مصاحبه و گفتگوهایی با آنان انجام داده و از آنها خواسته بر کتاب او یا کتب شیعی در نوبت چاپ در بلاد اسلامی تقریظ بنویسند. گزارش های مفصلی از اقدامات عملی و ارتباطات وی با اندیشمندان سایر مذاهب را می توان در کتاب «مع رجال الفکر فی القاهره» و نیز کتاب مذکرات وی دید. چنانکه روح تقریب گرایی وی (2) و نشر آثار متعدد و همین ارتباطات باعث

ص: 62

---

1- مذکرات، ص 15 تا 18 و 37 تا 39 و المنتقی، سید مرتضی رضوی، ص 10 تا 17.

2- مذکرات، ص 29 تا 42.

شده که نخبگان بسیاری از اهل سنت در پی شناخت صحیح شیعه تمایل پیدا کنند. وی در ارتباطاتش تاکید می‌ورزد که باید بر مشترکات اصرار نمود و البته بحث‌های علمی را نیز ترک ننمود. او می‌گوید: «ینبغی للمسلمین جمیعاً أن یهبوا للالتفاف حول کلمة التوحید و توحید الکلمه» و اینکه: «ان المذاهب الباطله الان متحده علی کثرتها، لماذا لا نتحد و نتعاطف؟»<sup>(1)</sup> و آیت الله رضوی در این مسیر همگرایی و اتحاد بسیار کوشا بوده و به تعبیر دسته‌ای از دانشمندان شیعه و سنی وی همزه وصل<sup>(2)</sup> بین علمای شیعه و سنی به شمار می‌رفت.

ستیز با استکبار و صهیونیسم

سید مرتضی رضوی با اینکه اشتغال اصلی و اساسی خود را به انتشار نوشته‌های روشنگرانه اختصاص داده است در جهات سیاسی و اجتماعی هم فعالیت‌هایی انجام داده و با استکبار و استعمار و صهیونیسم مخالفت مستمر داشته و در کتب و نوشته‌ها و خطابه‌های خویش بر فساد عظیم مترتب بر استعمار و صهیونیسم و تفرقه‌گرایی حاد مولود این دورگه شیطنانی تاکید ورزیده و به جهان اسلام و نخبگان و بزرگان توصیه می‌کند که راه‌هایی جهان اسلام جز از طریق مبارزه با استعمار و صهیونیسم امکان پذیر نمی‌باشد و مبارزه با صهیونیسم و استعمار نیز محتاج همگرایی و وحدت جوامع اسلامی و تقریب مذاهب می‌باشد.

مبارزه با وهابیت

آیت الله رضوی عقیده دارد که نگرش وهابیت سنی بسیار مضر به حال اسلام و مسلمین است و باید با آن مبارزه نمود. از نگاه ایشان علمای سنتی اهل سنت امکان تقریب و همگرایی بیشتری با شیعیان دارند و تعصب کور وهابیت و

ص: 63

1- فی سبیل الوحده، سید مرتضی رضوی، ص 10.

2- این تعبیر در پاره‌ای اظهار نظرهای مندرج در کتاب مع رجال الفكر آمده. همچنین بنگرید به: مقاله استاد رسول جعفریان با عنوان: «سید مرتضی رضوی دانشمندی که تهران، نجف و قاهره را بهم پیوند داد»

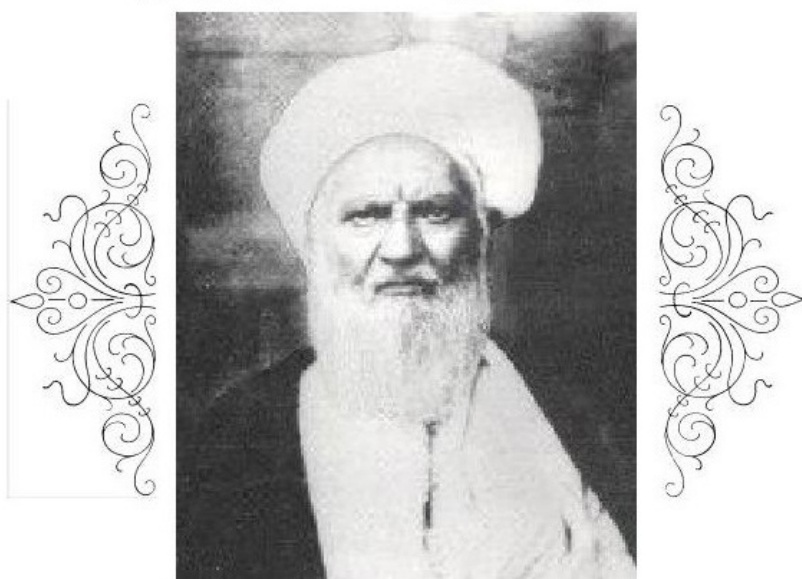
اقدامات ضد دینی آنان راه را بر تقریب و همگرایی می بندد. از این رو سید مرتضی در پی کشف خباثت های وهابیت و گروه های تکفیری و معرفی آن به دیگران، چند کتاب مستقل و مقاله های متعددی نوشته است. وی کتاب «ماضی الوهابیین و حاضرهم» را در باب تاریخ وهابیت و وضعیت گذشته و حال آنان به همراه نقد برخی افکار و عقایدشان نوشته و منتشر نموده است. همچنین کتابی ارزنده با عنوان «آراء علماء السنة في الوهابية» را تدارک دیده که در آن اعتراف های بسیاری توسط علمای اهل سنت علیه وهابیت جمع آوری شده تا نشان داده شود نه تنها شیعیان که بسیاری از علمای سنی مذهب نیز در رابطه با وهابیت دارای دیدی منفی هستند و وهابیت را منکوب نموده و مردود می دانند. «ملحق البراهین الجلیه فی الرد علی الوهابیه و صفحه الوهابیین» از دیگر منشورات وی توسط «مکتبة النجیح» است به ویژه این اثر دوم که در هند و لبنان و کویت و ایران و قاهره چاپ شده از استقبال خوبی در نواحی آفریقا مثلاً سودان روبرو شده است. (1)

ص: 64

## آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی

(متوفای ۱۳۵۵ ق)

### مدافع حقوق مسلمانان جهان



زندگی نامه و شخصیت علمی

آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمه الله از مراجع تقلید برجسته شیعه در عصر اخیر به شمار می رود. وی در حدود سال 1277 ق در مه مهر جرد یزد دیده به جهان گشود. در یزد نزد علمایی چون حاج میرزا حسین وامق و سید یحیی مجتهد یزدی تحصیل کرد و در کربلا در درس فاضل اردکانی و در نجف در درس میرزای شیرازی و آخوند خراسانی حاضر شد. در سال 1332 ق به دعوت مردم اراک به این شهر آمد و در سال 1360 ق به شهر قم هجرت کرده و حوزه علمیه جدید قم را تأسیس نمود. حضرت امام خمینی رحمه الله از شاگردان اوست. وی در سال 1355 ق در گذشته و در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. (1)

ص: 65

1- درباره زندگی نامه مفصل ایشان ر.ک: آیت الله موسس از علی کریمی جهرمی و زندگی نامه وی در مجموعه دیدار با ابرار، نوشته سعید عباس زاده و در جهات سیاسی ر.ک: سیره صالحان، ابوالفضل شکوری، ص 292 تا 336. در مورد وفات ایشان قولی بر مسموم شدن نیز وجود دارد که در میان مردم قم هنگام رحلت شیخ، شیوع داشت. این مطلب را آیت الله رضوانی فردویی برای نگارنده نقل نمود.

آیت الله شیخ عبد الکریم حائری یزدی در چند مقطع مهم از زندگی خود شاهد اقدامات استعمارگران در راستای بسط نفوذ خود در ممالک اسلامی و ایران اسلامی بودند. وی در قضایای تنباکو و نهضت مشروطه و هجوم انگلیس به هند و روس به ایران و ایتالیا به لیبی و سپس اشغال عراق توسط انگلیس به عیان دیده بود که کشورهای استعمارگر هدفی جز نابودی ملل تحت سلطه و تسلط کامل بر منافع سرشار کشورهای هدف را در سر می پروراندند. از این روی یکی از اهداف مهم خود را مبارزه حکیمانه با استعمار قرار داده بود. (1) در زمانی که استعمار انگلیس حکومتی جعلی در عراق بر روی کار آورده بود، و علمای شیعه به سبب اعتراض به حکومت وقت و ممانعت از ورود مردم به نهادهای دولتی تبعید شده بودند، شیخ عبدالکریم با کمال میل و سعه صدر تام از آنان استقبال می کرد و حتی محل درس و نماز خود را بدانها داد و آنان در طی چندین ماه سکونت در قم به انجام فعالیت های علمی، سیاسی و اجتماعی مشغول بودند. در قضایای تحصن علمای ایران در قم که مدتی پس از تبعید علمای عراق به ایران و روی داد نیز شیخ در راستای حرکت های ضد استعماری تلاش داشت. بعدها نیز به رغم مدارای ظاهری با حکومت رضاشاه، حکومت او را عامل و ساخته استعمار می دانست. ولی به علت وضع خاص داخلی و اوضاع متشنج ایران و فقدان بصیرت کافی میان مردم و وجود نخبگان خودفروخته توان انجام حرکت های جهادی را نمی دید. سید محسن صدر الاشراف محلاتی در سال 1307 ش در رابطه با ناراحتی شیخ عبدالکریم از استعمار پیر انگلیس می نویسد: «خدمت حاج شیخ عبد الکریم رسیدم. از اوضاع وقت به طوری گریه کرد که مثل باران اشک می بارید و گفت: انگلیسی ها حلقوم اسلام و مسلمین را گرفته اند و تا آن را خفه نکنند دست بردار نیستند.» (2) همچنین از خود شیخ نقل شده که فرموده است: «من در مسائلی که آگاهی ندارم، به هیچ وجه دخالت نمی کنم و از

ص: 66

1- شیخ عبدالکریم حائری، نگهبان بیدار؛ سعید عباس زاده، ص 80

2- خاطرات صدر الاشراف، ص 293.

آنجایی که ایران کشور ضعیف است و پیوسته تحت فشار و استعمار کشورهای قدرتمندی چون روس و انگلیس می باشد، امکان دارد سیاست ها و خطوط سیاسی که در ایران وجود دارد، از سوی این قدرت های استعماری ترسیم شده باشد و کسانی که در سیاست دخالت می کنند امکان دارد ملعبه دست این قدرت ها بوده و نا آگاهانه آب به آسیاب دشمن بریزند. من اگر در کشور فرانسه و انگلیس و روس بودم، مسلماً در سیاست دخالت می کردم، چون خطوط سیاسی در آنجا روشن بوده و از جایی دیگر این جریانات تحمیل نمی شود، بنابر این دخالت خود را در سیاست مقدور نمی بینم.»<sup>(1)</sup> روش شیخ در قبال وقایع سیاسی به «مسلك الشيخ» معروف شده<sup>(2)</sup> و امام خمینی در آن موقعیت تاریخی آن را تأیید می کرد ولی در نهضت سال 42 می فرمود: سکوت به بهانه تمسک به مسلك شیخ، غلط است و قیام لازم می باشد و بعدها نیز در زمان انقلاب می فرمود: «اگر مرحوم حاج شیخ در حال حاضر بودند، همان کاری را انجام می دادند که من انجام دادم و تاسیس حوزه علمیه قم در آن روز از جهت سیاسی، کمتر از تاسیس جمهوری اسلامی در ایران امروز نبود.»<sup>(3)</sup>

مخالفت با نگرش وهابیت در عرصه جهان اسلام

وهابیت یک جریان منحرف فکری است که توسط استعمار و برای تفرقه افکنی بین مسلمین ایجاد شده است. وهابی ها بر خلاف نص آیات قرآن و احادیث صحیح، دارای عقاید و افکار ناصواب بسیاری هستند و در مسیر عملی نمودن این افکار تلاش فراوان دارند. هدم قبور و از بین بردن مزار بزرگان دین از نمونه اقدامات ناصواب وهابیت است که نمونه بارز آن تخریب قبور متبرک اهل

ص: 67

- 
- 1- حاج شیخ عبدالکریم حائری، عمادالدین فیاضی، ص 78 و 79. به نقل از فرزند ایشان دکتر شیخ مهدی حائری یزدی.
  - 2- به تعبیر صدرالاسلام خوئی: «مسلك حزم و عقل». مرآة الشرق، ج 2، ص 1111.
  - 3- جرعه ای از دریا، ج 2، ص 501. مجله حوزه، بهمن و اسفند 1383، شماره 126، مقاله «رفتارشناسی سیاسی آیت الله حائری»

بیت علیهم السلام در بقیع می باشد. در شوال سال 1344 ق مصادف با 1304 ش قضیه تخریب حرم انمه اطهار در بقیع، زخمی دردناک بر پیکر جهان اسلام وارد می کند. در عراق و ایران تلاش هایی برای جلوگیری از دیگر اقدامات وهابیون و لزوم جبران کارهای ناصواب آنها جریان می گیرد که بزرگانی چون میرزای نائینی، شهید مدرس، سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ عبدالکریم حائری، سید محمد بهبهانی، شیخ محمدرضا مسجدشاهی و میرزا یحیی امام جمعه خوبی در آن دارای نقش می باشند. این حرکت اگر چه تا مرحله ای پیش می رود، ولی بر اثر سستی و حتی مانع تراشی دولت ایران و مجلس، کارها به نتیجه نمی رسد ولی اصل قضیه که مخالفت شیخ عبد الکریم با این اقدامات خرابکارانه توسط وهابیت و لزوم تلاش برای جلوگیری از آن باشد، در جای خود صحیح و غیر قابل انکار می باشد.

#### حمایت از فلسطین و مسلمانان جهان اسلام

برنامه تشکیل دولت یهودی صهیونیسم به اواخر قرن نوزده میلادی باز می گردد و از همین روزگار است که اندک اندک یهودیان آواره جهان به سمت قدس شریف و قبله اول مسلمین سوق داده می شوند و حقوق مسلمین ساکن در این ناحیه سلب می شود. متأسفانه وضع داخلی بلاد اسلامی و کم کاری بزرگان مانع این عمل شیطانی نمی شود و اگر هم ممانعت ها و تلاش هایی صورت گرفته است عمدتاً توسط علمای شیعه علیه استعمار و استبداد بوده است با اینکه اغلب ساکنان فلسطین، مسلمانان سنی مذهب اند. سال ها قبل از اینکه کشور یهود رسماً در سازمان ملل به عضویت در آید شیخ عبد الکریم حائری و برخی از علمای قم نسبت به این قضیه هشدار داده بوده و خواستار کمک رساندن حکومت ایران به مسلمانان فلسطینی رانده شده از دیار خود بودند. شیخ عبد الکریم در اوایل دی ماه 1312 ش نگرانی خود از قضیه یاد شده را در نامه ای به شاه ابراز داشته و خواهان مساعدت در قبال هجوم یهود به فلسطین است. (1) این

ص: 68

نامه از جانب میر سید محمد بهبهانی به دربار می رسد و خود او نیز می نویسد: «به عرض می رساند با تقدیم عرض دعاگویی، مصدع است از طرف حضرت آیت الله آقای حاج شیخ عبدالکریم و جمله ای از وجوه علمای اعلام قم (دامت برکاتهم) تلگرافا راجع به فلسطین، تظلماتی... شده است و صورتشان را سر کار آیت الله معظم برای حقیر فرستاده اند اینک تقدیم می شود و در صورتی که مقتضی بدانند مقرر فرمایید در جراید نشر شود. شاید این چند روزه از سایر ولایات هم قریب به همین مضامین مخابراتی شود. به نظر قاصر حقیر درج آنها در جراید بی مناسبت نیست...» اگر چه دربار و شخص رضاشاه اجازه انتشار تلگراف مزبور را نمی دهد (حسب الامر... شاهانه... ابلاغ می نماید انتشار تلگراف راجع به مسلمین فلسطین در جراید مقتضی نیست) اما عکس العمل نشان دادن شیخ نسبت به این قضیه و زیرکی وی در فهم این دست وقایع و نیز پیشنهاد وی بر نشر خبر و اطلاع یافتن ملت مسلمان از آن، حاکی از سیاست پیشگی مرحوم حائری و روحیه دفاع از فلسطین و ضدیت با صهیونیسم در قاموس فکری و عملی وی است. (1)

وحدت اسلامی

شیخ عبد الکریم حائری یزدی می دید که یکی از حربه های مهم استعمار ایجاد تفرقه است و از این رو و نیز به دلیل محاسن وحدت و اتحاد، همواره در سیره علمی و عملی خود مدافع وحدت و همگرایی بود. حتی در برخی احیان مثل زمان شبه افکنی شریعت سنگلجی که افکاری انحرافی و شبه وهابی (2) داشت، مرحوم حاج شیخ توطئه ای در پشت این وقایع می دید و وانهادن امور مهمتر را به سبب پرداختن به این دست امور ناپسند و در راستای بروز تفرقه می دید. مثلا- راجع به غائله رجعت می نویسد: «احقر، به واسطه کثرت اخبار، اعتقاد به رجعت دارم، به نحو اجمالی. ولی این مطلب، نه از اصول دین و مذهب است که اگر

ص: 69

1- گنجینه اسناد، پاییز و زمستان 1374، شماره 19 و 20، مقاله داود امینی. 2

2- جرعه ای از دریا، ج 3، ص 414 تا 416



فرضا، کسی معتقد به آن نباشد، خارج دین، یا مذهب شمرده شود و نه از مسائل عملیه است که بر افراد مکلفین لازم باشد اجتهادا، یا تقلیدا، به دست آورند. در مثل این زمان، باید به نحو دیگری حفظ دیانت مردم نمود و گفتگوی این نحو از مطالب، به جز تفرقه کلمه مسلمین و ایجاد یک عداوت مضره بین آنها فایده ندارد.»(1) مرحوم حاج شیخ همچنین از علمایی که تبلیغ آنان در راستای همگرایی و وحدت بود و نوشته ها و آثار آنان نیز در همین مسیر بود بسیار تمجید می نمود. وی با وحدت گرایان زمانش ارتباط مکتوب داشت و زمانی هم که آنان به قم می آمدند با احترام تمام با آنان برخورد می کرد.(2) او سلطان الواعظین شیرازی(3) و خطابه ها و آثارش را دوست داشت و نوشته های محکم و متین و خوش لحن علامه شرف الدین عاملی(4) را می ستود و در سفر وی در سال 1350 ق به قم او را مورد استقبال گرمی قرار داد و به صورت مکاتبه ای هم با او در ارتباط بود. چنانکه حضور او به صورت مکاتبه ای با سید محسن امین نیز ارتباط داشت و از آثار علامه بلاغی(5) نیز ترویج می کرد و در رحلت وی خار غم بر دل شیخ نشست و چندین مجلس عزای یاد و بزرگداشت او در قم به پا نمود.(6) تمام این امور به علت روحیه وحدت گرایی و اتحاد طلبی مرحوم حائری یزدی بود.

از شرایط مهم دعوات اسلامی در نگاه مؤسس حوزه آن بود که مبلغ دینی، پرچم دار اتحاد اسلامی باشد و مسلمانان را به توحید فرا خواند. از نقل سخنان

ص: 70

- 
- 1- جریانها و سازمانهای مذهبی- سیاسی ایران، ص 882 و 47 و علما و رژیم رضاشاه، ص 114 و حاج شیخ عبدالکریم حائری، عمادالدین فیاضی، ص 150.
  - 2- بنگرید به جلد اول گنجینه دانشمندان از شریف رازی.
  - 3- احوال وی در همین مجلد آمده است.
  - 4- احوال وی در مجلد اول همین مجموعه بیان گشت
  - 5- احوال علامه بلاغی در مجلد اول از مجموعه حاضر و احوال علامه امین عاملی در همین مجلد قابل رجوع است.
  - 6- آثار الحججه، ج 2، ص 146 و 151؛ گنجینه دانشمندان، ج 1، ص 247 تا 254؛ سید شرف الدین عاملی، نوشته محمدرضا حکیمی، ص 155 و چهل مقاله استادی، ص 572

تفرقه انگیز و یا توهین به مقدسات دیگر مذاهب اسلامی بپرهیزد. او، به عیان می دید تفرقه و اختلاف های مذهبی و ملی. مهم ترین بستر نفوذ و دستاویز بدخواهان اسلام است و مستبدین داخلی برای حکومت و چیرگی بر مردم، از ابزار تفرقه بین عشائر و قومیتها و مذهبها استفاده می کنند. استعمار انگلیس نیز که در منطقه حضور دارد، با پررنگ کردن پرچم عرب و عجم و روشن فکر و سنتی و ... مردم را با هم رو در رو می ساخت و با بسترسازی ها، جای پای خود را استوارتر می کرد. مستبدان داخلی نیز، بقای خود را در اختلاف داخلی می جستند. از این روی، حاج شیخ هشدار می داد مبلغان و نویسندگان حوزه، در حفظ وحدت نیروهای مذهبی بکوشند. (1)

در اندیشه تبلیغ بین الملل

حاج شیخ عبدالکریم حائری با اینکه اصلی ترین وظیفه خود را، تکوین و تقویت حوزه نوپای قم می دانست؛ در روزگار بحرانی پهلوی اول از پاشیدن این حوزه که از خواسته های اصلی انگلیس و رضاخان بود، ممانعت نمود و نسبت به مقوله های دیگری که در ترویج مذهب و تقویت روح دیانت مؤثر بود، غافل نبود. (2) از جمله اقدامات وسیع او اعزام مبلغ به نقاط مختلف داخل ایران و برخی کشورهای همسایه بود. او حتی در پی این بود که مبلغ بین المللی تربیت نماید و به کشورهای غیر مسلمان اعزام بدارد. اطلاع و آموزش شیوه های متنوع تبلیغی و داشتن بصیرت نسبت به مباحث کلامی و آشنایی با زبانهای خارجه از لوازم این اعزام بود که شیخ در اندیشه آن هم بود، ولی به سبب تراکم مشکلات و رحلت وی در سال 1315 ش این امر در زمان وی محقق نگشت. برنامه شیخ این بود که تعدادی طلبه نخبه را برگزیند و دوره هایی برای آنان گذاشته شود و سپس از بین آنها طلاب برتر و کاردان تر به تبلیغ بین الملل فرستاده شوند. سید علیرضا

ص: 71

1- مجله حوزه، بهمن و اسفند 1383، شماره 126، مقاله «حاج شیخ عبدالکریم حائری و سامان دادن به تبلیغات دینی».

2- نقباء البشر، شیخ آقابزرگ تهرانی، ج 3، ص 1160 تا 1166.

ریحان یزدی که خود در این قضیه حضور داشته گزارش کوتاهی از آن را در کتاب آینه دانشوران ارائه می دهد: «فراموش نمی کنم که در سال 1314 شمسی [یعنی یک سال قبل از رحلت شیخ] این جانب به وسیله آقای میرزا مهدی بروجردی دعوت شدم تا با فضایی که به امر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم، برای تبلیغ در کشورهای بیگانه آماده می شدند، همکاری کنم. ما دوازده نفر بودیم که با فراگرفتن علوم مربوطه، زیر نظر مدرسین متخصص برای این امر خطیر مهیا می شدیم. ولی متأسفانه بعد از مدت کوتاهی، بر اثر اصرار و تقاضای بیشتر محصلین حوزه علمیه برای شرکت در این مؤسسه، حاج شیخ عبد الکریم ناچار شدند که به کلی موضوع را متروک اعلام کنند... البته ممکن است که علل دیگری هم در کار بوده که باریک بینان بر آن آگاهند...»<sup>(1)</sup>

ص: 72

---

1- آینه دانشوران، ص 479 و مجله حوزه، بهمن و اسفند 1383، شماره 126، مقاله «حاج شیخ عبد الکریم حائری و سامان دادن به تبلیغات دینی»

## علامه شیخ ابو عبدالله زنجانی

(۱۳۰۹-۱۳۶۰ق)

### نماد اتحاد



#### شخصیت علمی

علامه شیخ ابو عبدالله زنجانی رحمه الله از دانشمندان روشن اندیش شیعه در قرن چهاردهم هجری بود که در وحدت مذاهب، گفت و گوی ادیان، همگرایی مسلمانان و اموری از این دست، بسیار فعال بود. وی در سال 1309ق، در زنجان تولد یافت. علوم مقدماتی را در محضر پدر اندیشمندش و فلسفه، کلام، ریاضیات و علم فلک را از محضر حکیم الهی میرزا ابراهیم فلکی آموخت. (1) در نجف اشرف محضر بزرگانی از جمله میرزای نائینی را دریافت. این عالم ربانی و مجاهد وحدت گرا پنج شنبه هفتم جمادی الثانی سال 1360 ق برابر دوازدهم تیر 1320 ش در گذشت. (2) پیکر مطهر او، در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

ص: 73

1- ر.ک: سید صالح شهرستانی، «شرح حال و آثار ابو عبدالله زنجانی» در: کیهان اندیشه، ترجمه آرش مردانی پور، ش 61، ص 14؛ زین العابدین احمدی زنجانی، علمای نامدار زنجان در قرن چهاردهم، ص 69

2- مجله مجمع اللغة العربية بدمشق، ج 53، ص 203 و میرزا محمد علی مدرس، ریحانة الادب، ج 2، ص 384.

علامه زنجانی در زندگی خود سفرهای پربراری به مناطق مختلف بلاد اسلامی داشت. او پس از پایان تحصیلات مدتی در زنجان بود و سپس راهی سفر شد و پس از زیارت خانه خدا و به جا آوردن فریضه حج رهسپار سوریه، فلسطین و عراق گردید و در قدس، قاهره، بغداد و دمشق با بسیاری اندیشمندان و فرزندان آن مناطق دیدار و گفت و گو کرد. سید محسن امین عاملی در کتاب خود، با اشاره به این سفرها می گوید: «در دو سفرم به دمشق ایشان را ملاقات کردم و بین ما نامه هایی رد و بدل شد».<sup>(1)</sup> وی افزون بر دریافت اجازه روایی از برخی عالمان شیعه چون سید حسن صدر کاظمی برای ارتباط بیشتر علمی و نیز هم گرایی با بزرگان اهل سنت، از بعضی دانشوران سنی، نظیر سید محمود شکری آلوسی بغدادی، صاحب کتاب بلوغ الارب و سیدمحمد بدر الدین بن یوسف المغربی نیز اجازه نقل روایت گرفت.<sup>(2)</sup>

دانش سرشار و منش شگفت انگیز و جذاب زنجانی سبب شد، همگان حتی و افرادی چون احمدامین وی را بستایند. وی می گوید:

حُسن توفیق سبب گردید که استاد ابو عبدالله زنجانی را هنگام زیارت و بازدید از مصر در سال 1935م، شناخته، و در میان ما ارتباط برقرار گردید و صداقت بر عهد و معارف بر معارفه موکد گردید. به حقیقت، استاد را عمیق الفکر، و دارای اطلاعات گسترده و وسیع و سرشار از دانش در فلسفه اسلامی و دوران آن یافتیم و نیز از صفای نفس و حسن اخلاق اوست که او را به من و مرا به او نزدیک و [با هم] دوست ساخته است.<sup>(3)</sup>

ص: 74

1- سید محسن عاملی، اعیان الشیعه، ج 2، ص 378.

2- عبد الحسین امینی تبریزی، شهداء الفضیله، ص 252-253.

3- ابو عبدالله زنجانی، مقدمه تاریخ قرآن کریم، ص 17-19.

«تاریخ قرآن» دانشی است که وصف، تحلیل، جمع، تدوین کتابت و طبع قرآن کریم را از آغاز نزول وحی تا عصر جدید بر عهده دارد. (1) هر چند به اعتقاد بسیاری از قرآن پژوهان وضع اصطلاح «تاریخ قرآن» به دست مستشرقان صورت گرفته، این به معنای بی توجهی مسلمانان به این واژه در تحقیقاتشان نیست. در عالم اسلام از همان آغاز، هم مواد و هم منابع مباحث تاریخ قرآن وجود داشته است. اندیشمندان اسلامی هم، ضمن مباحث مختلف به آن اشاره کرده اند. اما نگارش کتاب تاریخ قرآن تئودور نولدکه - اسلام پژوه آلمانی - باعث شد حرکتی در میان اندیشه وران مسلمان ایجاد گردد که حاصل آن نگارش چند کتاب در همین موضوع است. خاورشناسان از یک سو به سبب اطلاع ناقص از مذهب تشیع و از سوی دیگر به علت عناد و دشمنی با دین اسلام که در برخی از آنان وجود دارد در آثار پیرامون تاریخ قرآن، خیانت هایی به خرج داده و تهمت هایی را نثار شیعه و نموده و باعث عمیق شدن اختلافات مذاهب می شدند. نگارش اثری محکم که بتواند دیدگاه مسلمان و از جمله شیعیان را در این راستا، تبیین کند، علاوه بر خنثی نمودن جهل یا توطئه بیگانگان، در مسیر همگرایی می توانست مفید باشد.

آیت الله زنجانی، که می توان او را از پیشتازان عرصه مباحث قرآنی خواند، با نگارش و تدوین کتابی در همین موضوع و با همین نگاه، برای نخستین بار (2)، این واژه را در میان مسلمانان و کتاب های اسلامی به کار گرفت. حرکت او کانون توجه اندیشمندان شیعه و سنی قرار گرفت، تا آنجا که برخی چون احمد امین متفکر مصری، صاحب کتاب فجر الاسلام آن را گامی برای وحدت جهان اسلام به شمار آورد. (3) دلیل این ارزش گذاری آن است که اثر مزبور به قلم عالمی شیعه بود برای سنیان آن روزگار که به ارتباط شیعه و قرآن بدبین بودند، جالب توجه

ص: 75

1- بهاء الدین خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج 1، ص 458.

2- محمود رامیار، تاریخ قرآن، ص 10.

3- ابوعبدالله زنجانی، مقدمه کتاب تاریخ جامع قرآن، ترجمه سید حسام فاطمی، ص 18 و زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم علامه شیخ ابوعبدالله زنجانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص 21.

بود. (1) کمیته ترجمه دایرة المعارف اسلامی، از تلاش علمی و قرآنی آیت الله زنجانی، بسیار استقبال کرده، با نگارش مقدمه ای به زبان انگلیسی برای آشنایی پژوهشگران غربی، به معرفی این اثر ارزشمند پرداخت و از آن تمجید کرد. کمیته مزبور عقیده اش را درباره این اثر چنین بیان می کند:

علمای تربیت و تمدن اسلامی، از نبودن اطلاعات درباره تاریخ قرآن بسیار تأسف خورده اند؛ ضرورت چنین کتابی هنگام ترجمه دایره المعارف اسلامی تأثیر فوق العاده به هیئت بخشید. شنیدن چنین مطلبی از یک فاضل مسلم شیعی، مانند ابوعبدالله زنجانی، بسیار جالب بود... بسیاری از مطالبی که معزی الیه بحث کرده، فوق العاده مفید و جالب توجه است؛ مطالبی که یافتن آنها در کتاب های متعدد خالی از اشکال نیست. به عقیده ما، زنجانی به دلیل تألیف این کتاب، فوق العاده قابل تقدیس و تمجید است؛ چون آنهایی که احتیاج به اطلاعات کافی درباره تاریخ قرآن دارند، سندی بهتر از کتاب مزبور به دست نخواهند آورد. (2)

نقدی بر تمدن غرب

آیت الله زنجانی هرگز محاسن تمدن غرب را انکار نمی کرد، ولی به هیچ وجه تقلید از غرب و ره آوردهای منفی آن، از جمله ترویج و گسترش فساد را نمی پذیرفت. وی فساد گسترگی را از عوامل سقوط ملت ها و تمدن ها می دانست و معتقد بود عامل نابودی تمدن روم، افزایش نقش زنان و گسترش فساد در آن جامعه بوده است. البته به اعتقاد او در این میان، زنان رومی مقصر نبودند؛ زیرا «این جنایت تاریخی بزرگ بر آن تاج و تخت، از میل مردها به لهو و لعب بود، که

ص: 76

---

1- رسول جعفریان، رسائل حجابیه، شصت سال تلاش علمی در برابر بدعت کشف حجاب، دفتر اول، ص 169.

2- ابوعبدالله زنجانی، مقدمه تاریخ قرآن.

پای زنان را به سیاست باز کرد»<sup>(1)</sup> اشاره مهم ایشان در کتاب ارزنده فلسفه حجاب خویش پس از نقد تمدن غرب این است که غرب در حال حاضر فاقد «مدنیت صناعی» یا پیشرفت صنعتی آن است. او می افزاید اگر فساد جاری در غرب به جوامع شرقی گسترش یابد، موجب از هم پاشیدگی جوامع شرقی خواهد شد؛ چراکه این عامل بازدارنده، یعنی پیشرفت صنعتی در این جوامع وجود ندارد. وی در مقام توصیه به شیفتگان غرب، به ویژه افرادی که در پایان عصر قاجار شیفته تمدن کور غرب بودند، می گوید: «خیال نکنند همه اشکال آن تمدن به شرق صالح است. برای نمو هر بذر، استعداد و صلاحیت خاک لازم است و هر پیشرفت و توسعه ای باید بر اساس فرهنگ، دین و اعتقادات همان جامعه صورت گیرد. در واقع، تمدن غرب نسخه ای نیست که بتواند دوای هر جامعه ای قرار گیرد.»<sup>(2)</sup>

تلاش برای وحدت اسلامی

یکی از دغدغه های بسیار مهم آیت الله زنجانی ایجاد و گسترش وحدت و مسلمانان بود که البته برای نیل به آن، فراوان کوشید. ایشان با سفرهای بسیار و گفت و گو با عالمان اهل سنت در این مسیر گام نهاد؛ مثلاً می توان سفر ایشان به قاهره در سال 1354 ق را از این دست اقدامات برشمرد که با استقبال دانشگاه های الازهر و مصر و نیز استادان آن دیار همراه بود.

وی در این سفر خود، در مرکز علمی «دارالهدایه الاسلامیه» سخنرانی (کنفرانس) ارزشمندی با عنوان «دواء المسلمین فی الرجوع الی القرآن» ایراد کرد، که مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت و با استقبال آنان روبه رو گشت. این سخنرانی در همان زمان در نشریه مصری الفتح چاپ شد.<sup>(3)</sup> او ضمن دیدار با استادان دانشگاه الازهر، با رئیس الازهر مصطفی مراغی، عبد الرحمان شهبندر،

ص: 77

---

1- رسول جعفریان، رسائل حجابیه، دفتر اول، ص 166.

2- ر.ک: ابوعبدالله زنجانی، فلسفه حجاب، ص 17-18.

3- بنگرید به: مجله الفتح، 5 ربیع الاول 1354 ق، ش 448، ص 6 و 7.



## طهارت اهل کتاب

طهارت اهل کتاب از موضوعات دامنه دار فقه شیعی است. اگرچه فقیهانی چون سید محمد عاملی صاحب مدارک، مرحوم محمدباقر سبزواری (1) و برخی دیگر از بزرگان، حتی معاصرانی چون آیت الله سید محسن حکیم، قائل به طهارت اهل کتاب بوده اند، اما مشهور فقیهان تا عصر زنجانی، اهل کتاب را نجس می دانستند. در روزگار این عالم فرزانه، فضای علمی حاکم بر حوزه های علمیه چنان بود که اعلام طهارت اهل کتاب را بسیار مشکل می نمود؛ به طوری که برخی مراجع و فقها به رغم اینکه به طهارت اهل کتاب قائل بودند، از بیم هوچی گران، و نظر علمی خود را صریحا اعلام نکردند. (2) آیت الله زنجانی، در زمره فقیهانی بود که پس از سفرهای متعدد به کشورهای گوناگون و برخورد با ادیان مختلف غرب آسیا و شمال آفریقا، به کاوش علمی و فقهی پرداخته است تا حقیقت طهارت یا بیت آنان را دریابد. نتیجه این مطالعات و تحقیقات، نگارش رساله ای شد به نام طهارت اهل کتاب. این کتاب را در سال 1345ق، مطبعة دار السلام در بغداد به زبان عربی منتشر کرد. مؤلف در آن ضمن بیان ادله قائلین به نجاست و طهارت اهل کتاب، به بیان ادله خویش مبنی بر طهارت آنان پرداخته است. ایشان در رساله خود، رأی قائلان به نجاست اهل کتاب را، نقض کرد و خلاف آن، یعنی طهارت اهل کتاب را ترجیح داد. نگارش کتاب مزبور در فضای علمی آن روز موجهی ایجاد کرد، اما دانشمند جوان زنجان با وجود جو نامساعد، از ابراز رأی علمی خویش هراسی به دل راه نداد.

ص: 78

---

1- محمد جواد مغنیه، فقه الامام جعفر الصادق 7، ج 1، ص 31.

2- همان، ص 32.

یکی از ویژگی‌های بارز زنجانی، حضور او در مجالس انجمن‌های علمی و ادبی در ایران و کشورهای عربی است. موقعیت علمی و حضور فعال ایشان در چنین محافلی به اندازه‌ای بود که در سال 1347 به عنوان اولین ایرانی به عضویت «المجمع العلمي العربي» در آمد. (1) رساله ایشان با عنوان الفيلسوف الفارسی الكبير صدرالدین شیرازی در مجله علمی العربي چاپ شده است.

پیش‌تر، از ارتباطات وی با دانشمندان اهل تسنن یاد کردیم. ایشان خوب دریافته بود که از جمله علل اصلی برداشت‌های ناصواب بزرگان مذاهب اسلامی از هم، دوری‌گزینی آنان از یکدیگر است و یکی از برکات ارتباطات حضوری و مکاتبه‌ای با یکدیگر این است که روابط تیره، سپید گشته و امکان برداشت‌های غلط، کاهش می‌یابد؛ در نتیجه، فرشته هم‌گرایی رخ می‌نماید. علامه زنجانی حتی افزون بر ارتباط با دانشمندان سنی، با کافران و اندیشمندان غیر مسلمان نیز مکاتبه‌ای می‌کرد و ادب و دانش مرحوم زنجانی آنان را مجذوب او ساخته بود. او در سوریه، مصر، فلسطین، عراق و... دوستان بسیاری از مذاهب و ادیان گوناگون داشت. در الأزهر مصر به سخنرانی می‌پرداخت و همگان را به اتحاد و همگرایی و دعوت می‌کرد. علاوه بر بزرگان شیعه، از دانشمندان اهل سنت و زیدیان نیز اجازه نقل روایت داشت، کسانی چون سید محمود شکری آلوسی و سید محمد بدر الدین مغربی دمشقی یکی از عوامل ارتباط دانشمندان غیر شیعی با او خواندن مقالات و کتاب‌هایش بود که در ممالک اسلامی منتشر می‌گشت. لحن مؤدب، قوت استدلال، دعوت به وحدت، پشتیبانی از رفع اختلافات و دوری از عوامل تفرقه و روشن بینی وافر از خصوصیات نوشته‌های او بود. (2)

ص: 79

1- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 5، ص 684-685.

2- بنگرید به: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 5، ص 684 و 685 و مجله مجمع اللغة العربية بدمشق، ج 53، محرم 1398ق، جزء اول، ص 201 تا 206، مقالة «آراء و أبناء، الشيخ أبو عبدالله الزنجانی».

علامه شیخ ابوعبدالله زنجانی زبان های ترکی، فارسی و عربی را با قواعد مربوط به نیکی می دانست و با زبان فرانسه نیز آشنا بود. از همین رو، به بسیاری متون اصلی که به زبان های یادشده نوشته شده بود، دسترسی بی واسطه داشت و در عرصه پاسخ گویی به سؤال ها و شبهه ها از این مزیت بهره می برد. همین امر موجب شده بود با اندیشمندان سایر کشورها نیز ارتباط بیشتری داشته باشد. (1)

از مهم ترین کارهای آن بزرگوار در این زمینه، نگارش رساله فلسفه الحجاب در پاسخ به پرسش یکی از فضلاء ایرانی مقیم آمریکا است. (2) رساله مذکور با وجود حجم اندک، تحلیلی تازه و بیشتر عقلانی از مسئله حجاب است. در واقع بحث حجاب در این دوره، بیش از آنکه نیازمند ارائه ادله شرعی، اعم از قرآن و حدیث باشد، محتاج ارائه تحلیلی اجتماعی و اخلاقی بود؛ زیرا، مخاطبان اصلی قشر تحصیل کرده جدید بودند که می بایست این مسئله با زبان جدید و روش عقلانی برای شان، پردازش می شد. (3) مؤلف به حق توانسته است در پاسخ گویی به چنین پرسشی گام بردارد. دو کتاب تاریخ القرآن و طهارة اهل الکتاب نیز از جهتی با همین رویکرد نگاشته شده است. طهارة اهل الکتاب در 1345 ق در بغداد منتشر شده است. تاریخ القرآن هم بارها در تهران و تبریز و بیروت منتشر شده و در مصر نیز با مقدمه دکتر احمد امین چاپ شده و به چند زبان نیز ترجمه گشته است. کتاب مذکور مورد استقبال بسیاری از اندیشمندان شیعی و غیر شیعی و خاورشناسان قرار گرفته و افرادی چون محمد کردعلی و احمد امین آن را ستوده اند. (4)

ص: 80

---

1- مثل ادوارد براون، لویی ماسینیون و فریتس کرنکوی، زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم علامه شیخ ابوعبدالله زنجانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص 38.

2- ابوعبدالله زنجانی، فلسفه حجاب، ص 3.

3- رسول جعفریان، رسائل حجابیه، دفتر اول، ص 165.

4- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، بهاء الدین خرمشاهی، ج 1، مقاله فرزاد حاجی میرزایی با عنوان «تاریخ القرآن»، ص 465 و 466.

مرحوم زنجانی نیز با همین هدف کتاب عظمت حسین بن علی علیه السلام را به سبب نمایاندن اثر شگفت انگیز امام حسین علیه السلام در تألیف و هم‌گرایی دانشمندان و ملت‌های مسلمان و غیر مسلمان نگاشت. وی آثار دیگری نیز دارد و در مجموع شاکله اصلی تألیفات وی در شبهه زدایی و برجسته‌سازی معارف نورانی دین مبین اسلام و مکتب برحق تشیع و نقد استعمار بین الملل است. الاصول الاجتماعية فی القرآن، الاسلام و الأروبیون، اثبات تحریف العهدین، المعارف فی ایران قبل الاسلام، مقایسه حال المسلمین فی هذه الأعصار مع الأزمنة السابقة فی العین و الذل، الوحی، سر انتشار اسلام، الافکار الفلسفیه، و التصویت(1) از تألیفات ارزنده او است.(2)

ص: 81

- 
- 1- التصویت آخرین تألیف مرحوم زنجانی است که در طول زندگی نسبتاً کوتاهش آن را به انجام رسانده است.
  - 2- أعیان الشیعه، ج 71، ص 357؛ تاریخ زنجان، ص 146، الذریعه، ج 3، ص 275 و ج 15، ص 189، 279 و ج 16، ص 307 و 409. ریحانة الأدب، ج 2، ص 384؛ شهداء الفضیله، ص 252؛ علمای معاصرین، ص 185. کتاب‌های عربی چاپی 152، 549، 611، 678، 926، 928؛ معجم المؤلفین، ج 6، ص 159؛ نقباء البشر، ج 1، ص 52، نجوم السماء، ج 1، ص 340؛ مجلة العرفان، ش 26، ص 399؛ مجلة لغة العرب، ج 6، ص 575.

## آیت الله سید محسن امین عاملی

(۱۲۸۴-۱۳۷۱ق)

### امین اتحاد و تقرب



زندگی نامه و شخصیت علمی ان

آیت الله سید محسن امین عاملی رحمه الله در سال 1284 ق در لبنان دیده به جهان ما گشود. در سال 1308 قمری راهی عراق شد. به درس بزرگانی چون ملا و حسینقلی همدانی، آخوند خراسانی و میرزا حسین خلیلی حاضر شد و به درجه و اجتهاد نائل گشت. (1) سپس راهی بلاد خود شد و در طی بیش از نیم قرن دست به اقدامات وسیعی در نواحی شام زد و در امر وحدت بین مسلمین کوشا بوده و مشکلات اجتماعی را علاج می نمود و به کارهای عمرانی و خدماتی هم می پرداخت. او در امر آموزش نونهالان و تاسیس مکتب ها و مدارس به سبک جدید کوشا بود (2) و حتی برای کودکان مقاطع دبستانی و راهنمایی نیز کتاب های متعددی می نوشت. (3) وی در زمینه استعمارستیزی و نفی سلطه انگلیس و فرانسه بر نواحی لبنان و شام و فلسطین تلاش بسیار می نمود و تالیفات ارزنده ای را در

ص: 82

1- علمای معاصر، ص 370 و نقباء البشر، ج 5، ص 123.

2- طلایه دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق شیخ عباسعلی اسلامی، ص 427 تا 430.

3- مثلاً کتاب الدرر المنتقاة را برای شاگردان کلاس ششم و ناظر به تکمیل نفس و تهذیب اخلاق و علو همت نوشت. چاپ دمشق، چاپخانه ترقی، 1342ق.

جهت رفع شبهات دینی و لزوم پرداختن به مسائل اساسی جهان اسلام و دوری از تفرقه به جهان دانش هدیه نمود. اعیان الشیعه در 56 جلد (1) و حق الیقین و کشف الارتیاب از آثار ارزنده وی به شمار می رود. وی در سال 1371 ق در بیروت درگذشت و در دمشق، در صحن حرم مطهر حضرت زینب کبری علیها السلام به خاک سپرده شد. (2) از نسل وی نیز رجال برجسته و نویسندگان پرتلاشی چون پروفیسور سید حسن امین (3) برخاسته اند.

#### وحدت اسلامی

علامه امین عاملی دارای فضایل و برجستگی های بسیاری است از جمله اینکه وی را باید از طلایه داران تقریب و پرچم داران اتحاد اسلامی دانست. (4) وی هم از لحاظ اعتقادات دینی و هم از آن جهت که شاگرد تقریب گرایان بزرگی چون آخوند خراسانی و میرزا حسین خلیلی بود، نسبت به مقوله تقریب بادیده عظمت می نگریست. چرا که تقریب را از عوامل پیشرفت اسلام و عدم توجه بدان را از اسباب افول قدرت اسلام و مسلمین می دانست. همچنین با توجه جو خاص مناطق شام و ارتباط وسیع بیگانگان با مردم این منطقه مرحوم امین در جهت وحدت و تقریب علمی و عملی دست به اقدامات وسیعی زد تا توطئه های بیگانگان در زمینه تفرقه را خنثی نماید. وی سفرهای متعددی به کشورهای اسلامی از جمله مصر، عراق، ایران، سوریه و... داشت و با بزرگان مذاهب مختلف در این کشورها دیدار نموده و در جهت همگرایی اقدام و تاکید می نمود. او در سفری به فلسطین در هنگام اقامه نماز عصر زمانی که خدمتکار مسجد صخره، که عظمت سید را دریافته بود، عده ای مسافران را به گوشه ای از مسجد

ص: 83

---

1- این تعداد جلد مربوط با چاپ انتشارات دارالتعارف لبنان در حدود سال های 1340 ش است. ولی در چاپ های جدید اعیان الشیعه در ده جلد رحلی چاپ می شود.

2- اعلام الشیعه، جعفر المهاجر، ج 3، ص 1128 و 1129.

3- اختران فضیلت، ج 2، ص 115 و 116 و علماء عرفتهم، یوسف عمرو، ص 188 تا 195.

4- اعلام الشیعه، جعفر المهاجر، ج 2، ص 1128 و علماء عرفتهم، یوسف عمرو، ص 18 تا 195.

برد تا با خاطری آسوده به عبادت پردازند علامه امین عاملی از وی پرسید: چرا ما را بدین جای آورده ای؟ می خواهیم در نماز جماعت شرکت کنیم. خادم گفت: آقای من! شما با ما نماز می گزارید؟ مرجع شیعیان جنوب لبنان و دمشق پاسخ داد: چرا با شما نماز نگزاریم؟ آیا ما و شما هردو مسلمان نیستیم؟ آنگاه همگی برخاسته، همراه امام مسجد نماز جماعت به جای آوردند. همچنین از نگاه مرحوم امین، اگر خواهان سر بلندی اسلام باشیم باید تقریبی باشیم و وی در کتاب «حق الیقین فی التألیف بین المسلمین» که از آثار مطبوع وی است، در این باره داد سخن داده و فواید و مزایای تقریب و مضرات تفرقه را بیان داشته است. (1) علامه امین همچنین به سبب ارتباط با اندیشمندان غیر شیعی توانسته بود نگاه تقریب مذاهب و حتی تقریب ادیان را در بین شخصیت های متعددی اعم از مسیحی و سنی ترویج نماید.

#### تالیفات تقریبی

علامه سید محسن امین به تعبیر مقام معظم رهبری دام ظلّه «علامه جلیل القدر و فقیه و مورخ برجسته جهان اسلام» (2) بود. وی در عرصه های متنوعی دارای و تالیفات متعددی است که فراتر از یکصد مجلد می شود. (3) برخی از آثار وی عبارت است از: اعیان الشیعه، حق الیقین فی التألیف بین المسلمین، لواعج الاشجان و التنزیه. وی علاوه بر اقدامات عملی در نگرش نگارشی خویش نیز با همه توان برای از میان برداشتن سه عامل تیره روزی مؤمنان یعنی نا آگاهی، تفرقه و کژروی ها به نورافشانی پرداخت. ایجاد مدرسه هایی برای آموزش و پرورش دختران و پسران، وقف زمین و ساختمان هایی برای پیشبرد اهداف آموزشی و چاپ و انتشار کتابهای ویژه این آموزشگاه ها بخشی از تلاش های دانشور بیدار

ص: 84

---

1- بنگرید به گزیده هایی از اندیشه چند شخصیت تقریبی، ص 85 تا 103. از محمد علی تسخیری، مقاله خواندنی «علامه سید محسن امین؛ طلایه دار تقریب»

2- <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=3148>.

3- نقباء البشر، ج 5، ص 122 تا 125 و فهرس اعلام الذریعه، ج 3، ص 1981 و 1982.

جبل عامل در زدودن زنگار نا آگاهی و جهل از جامعه اسلامی به شمار می آید. نگارش کتاب «لواعج الأشجان» درباره شهادت امام حسین علیه السلام و نیز مجموعه پر ارزش «المجالس السنیه» در مناقب و مصائب معصومان علیهم السلام گوشه ای از کوشش های وی در مسیر از میان برداشتن کژروی های موجود در برگزاری عزای پیشوایان پاک بویژه حضرت امام حسین علیه السلام شمرده می شود. البته آن بزرگوار بدین بسنده نکرده، با نوشتن رساله «التنزیه» با موضوع پاکسازی گردهمایی های مذهبی از بدعتها، ضربه ای اساسی بر پیکر کژاندیشان ناآگاه وارد ساخت. در پی انتشار این اثر، مردم نا آگاه چنان در برابرش موضع گرفتند، که برخی از دوستانش خطر «انقلاب عوام» را به وی گوشزد کردند. آفتاب درخشان دمشق خود در این باره می گوید: «در برابر این رساله برخی از مردم برخاسته، هیاهو برپا ساختند و ناآگاهان را به هیجان آوردند... آنها در میان بخش گسترده ناآگاه جامعه چنین پخش کردند که فلانی (سید محسن امین) برپا داشتن عزای امام حسین علیه السلام را حرام کرده و علاوه بر این مرا به خروج از دین متهم ساختند.» موسوعه اعیان الشیعه اگر چه یک اثر تراجمی و شرح حالی است ولی نگاه های تقریبی و اتحاد گرایانه علامه امین را در جای جای آن می توان دید. حتی اگر انسان تنها جلد اول این اثر را بخواند خواهد دید که نظر علامه امین نسبت به لزوم نفی تفرقه و شبهه افکنی و تهمت زدن استوار است و در طرف مقابل بر امر وحدت و تقریب تاکید می ورزد. وی در مدارس و نهادهایی که تاسیس نموده بود از اساتید و نیروهای شیعه و سنی با هم بهره می برد و حتی مؤذن مسجد شیعیان را گاه از اهل سنت بر می گزید و از نگاهش شیعه و سنی با هم برادر بودند و باید در مسیر نفی تسلط بیگانگان با هم یک دست می شدند. همین شیوه و منش و عقیده جذاب او باعث شده بود سنی ها و حتی مسیحی ها به وی عشق بورزند. روزی یکی از برادران اهل سنت نزدش شتافته، گفت: می خواهم شیعه شوم. سید فرمود: فرقی میان شیعه و سنی نیست. هر وقت خواستی می توانی به نظرات مجتهدان شیعه عمل کنی. مرد که هرگز گمان نمی کرد بدین سادگی در جمع شیعیان جای گیرد، همچنان از سید می خواست او را شیعه کند. مرجع مسلمانان نگاهی مهر آمیز به وی افکنده، فرمود: بگو لا اله الا الله، محمد رسول الله. چون



این مرد این کلمات را بر زبان راند، سید فرمود: اینک شیعه جعفری شدی. مرد شگفت زده و ناباورانه مجلس را ترک گفت. (1) یکی دیگر از اقدامات سید در مسیر تقویت امر تقریب، مبارزه با نحلّه های انحرافی بود. او چنانکه نسبت به رفع خرافه از مذهب شیعه تاکید داشت با فرقه های غیر مذهبی منسوب به شیعه همچون بهائیت مبارزه می کرد و در سوی دیگر با فرقه منحرف وهابیت نیز مبارزه می نمود. یکی از معروف ترین آثاری که در رد وهابیت نوشته شده «کشف الارتیاب عن اتباع محمد بن عبدالوهاب» است که علامه امین عاملی آن را به نگارش در آورده است. مرحوم شیخ علی اکبر فائزی پور تهرانی (متوفای 1382ش) این اثر را به فارسی ترجمه کرده است. وی به علامه سید محسن امین عاملی و نظرات اصلاحی و آثار ارزنده وی علاقه فراوان داشت. کشف الارتیاب که مبسوطاً درباره فرقه گمراه و استعمار ساخته وهابیت و کشف حیلّه ها و تبیین تاریخ سیاه و عقاید ناصواب آنها بحث می کند در 6 جلد جیبی به تدریج ترجمه شده است. (2)

مبارزه با استعمار و صهیونیسم

پس از جنگ جهانی اول فرانسویان اقدام به پاشیدن بذره های تفرقه در میان و مسلمانان به ویژه مسلمانان غرب آسیا و شمال آفریقا کردند. آیت الله سید محسن امین عاملی از دانشوران مجاهد و علمای وارسته بود که در قبال توطئه بیگانگان اعم از فرانسه و انگلیس ایستاد و آنها را تخطئه نموده و در مسیر نفی استعمار تلاش نمود. سید با سخنان روشنگرانه خویش مردم را به سوی استقلال و رهایی از بند بیگانگان فرا می خواند. کارگزاران فرانسوی که وجود دانشمند پرنفوذی

ص: 86

1- بنگرید به: گلشن ابرار، ج 2، ص 612 تا 620

2- تاریخ اتمام ترجمه کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبد الوهاب، که انتهای جلد ششم است 28 رجب سال 1398 ق است. ترجمه کشف الارتیاب، ج 6، ص 235. نام مرحوم فائزی پور بر روی کتاب به صورت «شیخ علی اکبر تهرانی» درج شده است. همچنین شایان ذکر است که این اثر به صورت مجموعه ای قطور و یکجا به نام تاریخ و نقد وهابیت بارها چاپ شده است. درباره این چاپ بنگرید به آینه پژوهش، فروردین و اردیبهشت 1388، شماره 115، ص 60 و 61.

چون سید محسن را در صفوف مردم به سود خویش نمی دید بر آن شدند تا با سپردن مقام «رئیس علمای شیعه در سوریه و لبنان» بدان بزرگوار، وی را به خویش نزدیک ساخته، فعالیت‌هایش را تحت کنترل قرار دهند. اما سید از پذیرش پیشنهاد افسر فرانسوی سرباز زده، فرمود: من از سوی خداوند وظیفه ای که یاد آوری کردید، به عهده دارم و کسی که از سوی پروردگار وظیفه ای را به عهده گرفته، ممکن نیست از سوی فرمانده شما نیز بدان گمارده شود.» وی همچنین در پی اعلام موجودیت اسرائیل به مبارزه علیه صهیونیسم دست زد و همواره یکی از دغدغه های اواخر زندگی اش را نجات مردم مسلمان فلسطین و مبارزه با اسرائیل و صهیونیسم می دانست و مردم و کارگزاران دولت های اسلام را با بیانیه ها و نوشته ها و خطابه هایش علیه اسرائیل تهییج می نمود و درخواست کمک مادی و معنوی به فلسطینیان را داشت. (1)

ص: 87

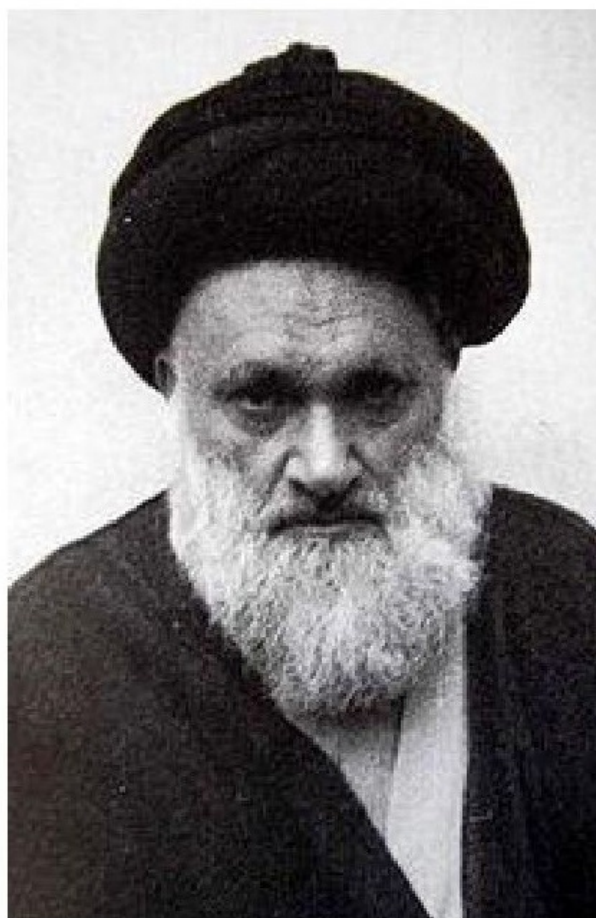
---

1- سخن وی در زمینه همدردی با فلسطینیان: «انسان نمی تواند دیده فرو بندد در حالی که برادرانش گرفتار تیغ و خار هستند و زندگی برای انسان آزاد گوارا نیست در حالی خانواده و نزدیکانش حقشان پایمال می شود. زندگی چه لذتی دارد در حالی که بلا و اضطراب انسان را از هر سو محاصره کرده است و آسایش چه خوبی دارد اگر نزدیکان انسان از تنگنا و عسرت شکایت داشته باشند.»

## آیت الله سید محمد تقی خوانساری

(۱۳۰۵-۱۳۷۱ ق)

زاهد استعمارستیز



شخصیت علمی

آیت الله العظمی سید محمد تقی خوانساری رحمه الله در سال 1305 ق، در خوانسار دیده به جهان گشود. در نجف درس آخوند خراسانی را دریافت. وی پس از رسیدن به درجه اجتهاد رهسپار قم شد و در آنجا به یکی از ارکان حوزه تبدیل گشت. (1) او پس از رحلت آیت الله حائری یزدی، در شمار یکی از سه مرجع تقلید طراز اول شیعه قرار گرفت. (2) آیت الله خوانساری که در ساماندهی به امور دینی، سیاسی و اجتماعی کوشا بود، شاگردان بسیاری تربیت کرد که امام خمینی رحمه الله مشهورترین آنان است. سرانجام آن فقیه مجاهد در سال 1371 ق/ 1331 ش در

1- نقباء البشر، ج 1، ص 246.

2- ر.ك: مصطفى قلى زاده عليار، مراجع ثلاث.

همدان دیده از جهان فرو بست و در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه 3 دفن گردید. دو فرزند او سیدعلی خوانساری (متوفای 1381 ش) و آیت الله سیدمحمدباقر خوانساری (متولد 1300 ش) از علمای دوران معاصر تهران به شمار می روند. (1)

مبارزه با استعمار بین الملل

از تلاش های آیت الله سیدمحمدتقی خوانساری، مبارزه دائم وی با استعمار و مظاهر و ایادی آن، از جمله انگلیس، ایتالیا و روسیه بود. وی که تربیت یافته استعمارستیزی چون آخوند خراسانی است، در برابر تهدیدهای روس، انگلیس و ایتالیا برضد کشورهای ایران، عراق، هند، مصر و لیبی ساکت نبود. چنان که پس از اشغال عراق به دست نیروهای انگلیسی، در جبهه های نبرد شرکت جست و برای آزادی عراق و نیز تقویت حکومت سنی مذهب عثمانی، به مبارزه با انگلیسی ها دست زد. حضور او در جبهه ها مجروح شدن و سپس اسارت او را در پی داشت، به طوری که سال ها در شرق آسیا در هند یا هندوچین که از مستعمره های انگلیس بود - در تبعید به سر می برد. (2) همچنین سالیان بعد، که وی را مرجع تقلید شیعیان برگزیدند، همین روحیه استعمارستیزی را حفظ کرد، چنان که رضاشاه را دست نشانده انگلیس می دانست و در دوران ملی شدن صنعت نفت، به سبب آنکه ملی شدن نوعی ضربه به استعمار انگلیس است، با آن همراه شد و فتوایی بر ضرورت ملی شدن صنعت نفت صادر کرد. ایشان همچنین، از آیت الله کاشانی که رویکردی ضد استعمار انگلیس داشت و همواره آنان را تحقیر می کرد، پیوسته پشتیبانی می کرد. (3) فعالیت های آیت الله کاشانی و تأییدات بزرگانی

ص: 89

---

1- سید محمد تقی خوانساری بر چشمه ساران حضور؛ ضیاء الابصار، ج 1، ص 486-514؛ ویژه نامه حکمت؛ و نیز برای معرفی آن ر.ک: رسول جعفریان، جریان های سیاسی مذهبی.

2- سید محمد تقی خوانساری بر چشمه ساران حضور؛ ضیاء الابصار، ج 1، ص 486-514؛ ویژه نامه حکمت؛ و نیز برای معرفی آن ر.ک: رسول جعفریان، جریان های سیاسی مذهبی.

3- در این باره ر.ک: شکر الله اسدی مبرهن، زندگی سیاسی و اجتماعی آیت الله العظمی حاج سید محمد تقی خوانساری.

چون آیت الله خوانساری جهان اسلام و آزادی خواهان و استعمارستیزان را به جوش و خروش واداشت و دل آنان را شاد کرد و ابزاری در مسیر تقریب و همدلی و همزبانی شد. از نمونه های این خروش، نامه سید قطب به آیت الله کاشانی است که در آینده آن را ذکر خواهیم نمود. (1)

اهتمام به زبان آموزی

آیت الله خوانساری در برابر اشغال عراق به دست انگلیس و هجوم بیگانگان به ممالک اسلامی ساکت نبود و حتی خود در جبهه ی نبرد شرکت کرد. در جنگ بین الملل اول برخی علمای شیعه شهید و برخی دیگر زندانی و اسیر شدند که مرحوم خوانساری اسیر شده بود. انگلیس او را همراه شماری دیگر از روحانیان و مجاهدان به ممالک دوردست شرق آسیا تبعید کرد. مرحوم خوانساری در تبعیدگاهش با یکی از غیر مسلمانان مرآده کرده، به وی منطق و حکمت آموخت و از او زبان انگلیسی را در مدتی نه چندان طولانی فرا گرفت. (2) آشنایی با زبان انگلیسی موجب شد او با خواندن روزنامه ها و کتاب های انگلیسی، از جهان خارج، بصیرت و آگاهی بیشتری به دست آورد و با لوازم تبلیغ دین و مذهب در عرصه های بین المللی بیشتر آشنا شود. همچنین در زمان شیخ عبدالکریم حائری که شماری از مستشرقان و فیلسوفان انگلیسی زبان به قم آمده بودند، مجالی را برای بهره وری آیت الله خوانساری از زبان دانی اش ایجاد کردند.

تقریب مذاهب و وحدت اسلامی

مرحوم خوانساری از طلایه داران تقریب مذاهب و هم گرایی فرقه های اسلامی در عصر خویش بود. وی همان گونه که در زمان اشغال عراق به حمایت از حکومت سنی عثمانی در جبهه های نبرد حاضر شد، در عمل نیز تقریب را یگانه راه دفع دشمنان اسلام می دانست؛ از این رو، تقریب را یک ضرورت و کاری نیکو

ص: 90

---

1- فصلنامه تاریخ فرهنگ معاصر، ش 6، 1371، ویژه نامه آیت الله کاشانی، به نقل از: الرساله، ش 951.

2- دیدار با ابرار، ج 44؛ سید محمد تقی خوانساری بر چشمه ساران حضور، ص 43

می دانست، و از طرفداران تقریب همچون آیت الله کاشانی، آیت الله بروجردی، فداییان اسلام و علامه شرف الدین حمایت می کرد. همچنین، با شخصیت های غیر شیعی همچون حسن البنا، رهبر اخوان المسلمین مصر مکاتبه و دیدار داشت (1) و همگان را به تقریب و اتحاد فرا می خواند. در موضوع فلسطین به مذهب فلسطینیان نمی نگریست، بلکه آنان را بخشی از پیکر جهان اسلام می دانست که به دست اجنبیها زخم خورده و همه - چه شیعه و چه سنی - باید برای درمان آن تلاش کنند. جالب اینکه در این زمان بسیاری از علمای اهل سنت به سبب وابستگی شان به دربارها، هیچ اقدام عملی یا حتی گفتاری در دفاع از فلسطین انجام نمی دادند، ولی علمای شیعه از جمله آیت الله خوانساری از همان زمان تأسیس دولت منحوس صهیون با آن مخالفت کرد و بر لزوم دفاع از حقوق فلسطینیان و نابودی اسرائیل تأکید ورزید. این نوع نگرش ناشی از وجود روح قوی تقریب در میان عالمان شیعه است که بر اساس آموزه های وحیانی و احادیث عترت طاهره، اتحاد و تقریب و هم گرایی را از اولویت های اصلی جهان اسلام دانسته و می دانند.

وجود کسانی که مروج تفکر شبه وهابی هستند نیز از عوامل آسیب زا نسبت به مقوله تقریب و وحدت است. یکی از آثار حکومت نحس پهلوی اول جرئت یافتن افرادی با همین رویکرد همچون احمد کسروی بود. گروه «فداییان اسلام» به رهبری نواب صفوی در پی بحث های حضوری با کسروی دریافتند وی واقعا معاند است و طالب حقیقت نیست و با دین نوساخته خود که «پاک دینی» اش نامیده بود، در پی اختلاف افکنی و تفرقه جویی است. از این رو حکم این گونه شخصی ارتداد و قتل او واجب بود. علامه امینی در نجف، آیت الله خوانساری در قم و آیت الله کاشانی و آیت الله شیخ محمد حسن عبادی طالقانی در تهران (2) از کسانی بودند که به کفر کسروی فتوا داده و کشتن او را جایز شمردند و همین نیز اتفاق افتاد. البته همراهی مرحوم خوانساری با «فداییان اسلام» به این مورد

ص: 91

---

1- سید محمد تقی خوانساری بر چشمه ساران حضور، ص 88-89

2- عبدالحسین جواهر کلام، تربت پاکان قم، ج 3، ص 206؛ روزنامه اطلاعات، 1358/2/10، ش 15843.

محدود نمی شد و وی از اقدام های این گروه که در مسیر هم گرایی و تقریب و وحدت، دفاع از فلسطین، دشمنی با اسرائیل، ارتباط با سران مذهبی دیگر کشورهای مسلمان، شرکت در کنگره های بین المللی و نفی مظاهر فساد و الحاد بود، پشتیبانی و آن را تقویت می کرد.

ارتباط با شخصیت های بین المللی

از دیگر جنبه های کمتر شناخته شده مرحوم آیت الله سید محمد تقی خوانساری، دیدار و مکاتبه وی با شخصیت های مسلمان و بین المللی بود؛ برای نمونه، در سال 1328ش که در سال هایی قبل از آن ایران بر اثر حادثه قتل مظلومانه ابوطالب یزدی چند سال سفر حج را تحریم کرده بود، آیت الله خوانساری همراهِ شماری دیگر از روحانیان مشهور شیعه، مانند آیت الله میرزا محمد فیض قمی عازم سفر حج شد. خصلت تقریب گرایی و اتحادطلبی مرحوم خوانساری در این سفر بیشتر جلوه نمود و اختلافی را که درباره ثبوت رؤیت ماه روی داده بود، رفع کرد.

همچنین در همین زمان گروهی از شیعیان از او خواستند نماز جماعت مستقلی تشکیل دهد تا مردم به فیض برسند، اما مرحوم خوانساری که از و بزرگترین مراجع تقلید آن دوران شیعه بود، در نماز جماعت اهل سنت حاضر گشت و در عمل نشان داد که هم گرایی و تقریب و وحدت چه معنایی دارد. در همین سفر برخی شخصیت های غیر شیعی که از کشورهای مختلف به حج آمده بودند، به دیدار مرحوم خوانساری آمدند و از محضر نورانی اش فیض ها بردند. حسن البناء، مرشد إخوان المسلمین که سرپرستی هیئت علمای مصر را نیز بر عهده داشت، از زمره افرادی بود که همراه شماری دیگر به محضر آیت الله خوانساری آمد و گفت و گوهایی وحدت بخش میان دو طیف شیعه و سنی انجام دادند. مرحوم خوانساری همگان را در برابر استعمار و صهیونیسم به وحدت و اتحاد فراخواند، چنان که علمای مصری نیز با ایشان موافقت کرده و خواهان اتحاد اسلامی شدند. (1)

ص: 92



اشغال تدریجی فلسطین سال ها قبل از به رسمیت شناخته شدن دولت اسرائیل از سوی سازمان ملل در حال انجام بود و علمای بزرگوار شیعه مانند آیت الله شیخ عبد الکریم حائری یزدی پیش از این رویداد درباره این واقعه هشدار داده بود. در پایان زندگی مرحوم خوانساری، اسرائیل به رسمیت شناخته شد و رژیم شاهنشاهی ایران که جرئت علنی کردن پذیرش کشوری به نام اسرائیل را نداشت، مخفیانه اسرائیل را به رسمیت شناخت. این موضوع از دید روشن بین روحانیت پنهان نماند و «فداییان اسلام» و علمای بلند پایه جهان تشیع، از جمله آیت الله خوانساری اعتراض خود را به دولت ایران اعلام کردند. مرحوم خوانساری که همواره به اقدامات دربار محمدرضا شاه معترض بود، در خصوص ارتباط - هرچند غیر رسمی - حکومت ایران با اسرائیل مخالفت، و نفرت و انزجار خود را از مولود جدید استعمار، یعنی صهیونیسم بین الملل ابراز کرد.

همچنین، او همواره می کوشید حقوق از دست رفته فلسطینیان اعاده شود و تجاوزگری اسرائیل متوقف گردد. ایشان یکی از پشتیبانان اصلی «فداییان اسلام» و آیت الله کاشانی در اقدامات ضد صهیونیستی و دفاع از فلسطین بود. مرحوم خوانساری فتوای «وجوب کمک به فلسطینیان» را صادر کرد. گردهمایی های متعددی به ویژه در تهران در همین باره برپا شد و به رغم سنگ اندازی ها و خباثت های دولت وقت، افراد زیادی آمادگی خود را برای اعزام به جبهه های نبرد با اسرائیل اعلام، و کمک های مادی نیز برای فلسطینیان آواره فرستاده شد.

حجت الاسلام سید مجتبی میرلوحی (شهید نواب صفوی)

(۱۳۰۳-۱۳۳۴ ش)

طنین اتحاد اسلامی



شهید نواب صفوی و شیخ الأزهر

شهید نواب صفوی و شیخ الأزهر

زندگی نامه و شخصیت علمی

حجت الاسلام والمسلمین سید مجتبی میرلوحی رحمه الله معروف به نواب صفوی به سال 1303 ش در محله خانی آباد تهران در خانواده ای روحانی دیده به جهان گشود. پدرش سید جواد از حامیان حقوق مستضعفین بود که در زندان توسط عمال استبداد به شهادت رسید. سید مجتبی دروس ابتدایی را در قم طی کرد و تحصیلات حوزوی اش را در نجف اشرف تکمیل نمود. (1) علامه امینی و آیت الله سید محمد هادی میلانی از اساتید وی بودند. نواب پس از بازگشت از عراق به

---

1- جریان ها و سازمان های مذهبی، ص 190.

مبارزه فکری و جهادی علیه استکبار، استعمار، انگلیس، صهیونیسم و تفرقه افکنان و مزدوران آنان پرداخت. وی از قدرت جذب بالایی برخوردار بوده و به رغم زندگی کوتاهش در تاریخ نهضت‌های اسلامی معاصر در ایران و ممالک اسلامی تاثیر فراوانی بر جای گذاشت. وی که گروه فدائیان اسلام را بنیان نهاد، عاقبت خود نیز در زمره فدائی‌های اسلام قرار گرفت. تاریخ شهادت نواب صفوی دی ماه 1334 ش است و مزار او در قبرستان وادی السلام شهر مقدس قم است.

### ستیز با استکبار جهانی

شهید نواب صفوی معتقد بود استکبار جهانی را فقط با حاکمیت اسلام می‌توان از پای در آورد و بهترین اصول حاکمیت سیاسی و دینی را در فرمایش‌های امیر المؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه باید دید. او همچنین به سردمداران ممالک اسلامی هشدار می‌دهد که عدم اجرای دستورات اسلام توسط آنان راهی را برای فدائی‌ها و فداکاران اسلام جز از بین بردن آن سردمداران باقی نمی‌گذارد. اگر چه نواب بیش از همه با انگلیس مخالفت و مبارزه می‌نمود، ولی از خطر آمریکا که بعدها نماد اصلی و محور استکبار بود از همان ابتدا غافل نبود و به عنوان نمونه در باب پیمان سنتو آن را حربه‌ای در مسیر تحقق آمان استکبار جهانی می‌دانست و در بیانیه‌ای گفت: «مصلحت مسلمین دنیا پیوستن و تمایل به هیچ‌یک از دو بلوک نظامی جهان و پیمان‌های دفاعی نبوده، باید برای حفظ تعادل نیروهای دنیا و استقرار صلح و امنیت یک اتحادیه دفاعی و نظامی مستقلی تشکیل دهند.» او همچنین دیگر کشورهای اسلامی را به مبارزه با بیگانگان و اجنبی‌ها و استعمار و استعمار فرا می‌خواند و مثلاً در مقاله‌ای از لزوم «جهاد مقدس ضد اجنبی ملت مسلمان مصر» سخن گفت. همان مصری که نواب آنجا را «وطن دوم» خود می‌خواند. چرا که از نظر وی مرزهای جغرافیایی نیست که وطن را مشخص می‌کند و بر طبل قومیت و نژاد کوبیدن در حقیقت نغمه‌ای غیر

اسلامی است. (1) اما نظام حاکم بر ایران که نماینده استکبار جهانی و مدافع تحقق آمال آن غده سرطانی بود، تحمل بقای امثال نواب را نداشت و او را به زندان افکند. تلاش‌ها برای آزادی وی ناکام ماند و حتی کمیته‌ای حقوقی که از جانب اخوان المسلمین برای رهایی وی عازم ایران شده بود اجازه ورود به ایران را نیافت و نواب کام خود را با شربت شهادت شیرین نمود و راه روشن و نورانی خود را برای ادامه دادن به دیگر آزادگان نشان داد. همان راهی که امام خمینی رحمه الله پس از انقلاب اسلامی پیرامون آن به همسر مرحوم نواب فرمود: «راه آقای نواب به قدری خالص و بی غل و غش بود که حد و مرز نداشت... و به قدری خالصانه و صادقانه بود که نیازی به گفتن من هم ندارد.» (2)

مبارزه با استعمار و صهیونیسم

استعمار بلا و مصیبت دردناکی است که ممالک اسلامی و کشورهای و مستضعف جهان در طی چند قرن اخیر دچار آن شده‌اند و انگلیس رکن اصلی و استعمار معاصر است. شهید نواب صفوی به مانند سید جمال الدین اسدآبادی همواره به ستیز با این کشور استعمارگر برخاسته و در داخل و خارج ایران به هر وسیله‌ای در پی ضربه زدن به استعمار انگلیس بود. چنانکه صهیونیسم را نیز در حقیقت شعبه‌ای از اهداف استعمار انگلیس می‌دانست که در پی سلطه بر جهان اسلام و مستضعفین ایجاد شده است. نواب در جوانی مدتی در شرکت نفت آبادان کار می‌کرد و در آنجا نیز با روشنگری خود نسبت به اهداف انگلیس و ایجاد شور در بین کارگران، تحت تعقیب قرار گرفت و به نجف رفت.

در زمانی نیز که رژیم جعلی اسرائیل اعلام موجودیت کرد و حکومت پهلوی رسماً به این مسئله اعتراض ننمود (و حتی به صورت دو فاکتو با این رژیم ارتباط

ص: 96

- 
- 1- «مصر را که یک کشور اسلامی است، وطن دوم خود می‌دانم و اصولاً همه کشورهای اسلامی و عربی، وطن ماست و مردم این سرزمین‌ها، چون هم دین ما هستند، در واقع هم وطن ما هستند» پایگاه اطلاع‌رسانی سید هادی خسروشاهی، خاطراتی از سفر تاریخی نواب صفوی در مصر
  - 2- نیره سادات احتشام رضوی، ص 144

برقرار کرد) فدائیان اسلام و مرحوم سید ابوالقاسم کاشانی در روز آخر اردی بهشت 1327ش (که هنوز یک هفته هم از ایجاد دولت اسرائیل نگذشته بود) اجتماع بزرگی را سامان دیدند. در آن روز مرحوم نواب و مرحوم کاشانی بیانیه ای شدید اللحن علیه اسرائیل صادر کرده (1) و مردم تا آغاز شب در خیابان ها علیه اسرائیل به تظاهرات پرداختند. روز بعد نیز مکان هایی را برای ثبت نام اعزام نیرو به فلسطین معین کرده و نزدیک به پنج هزار نفر اعلام آمادگی نمودند که حاضرند برای جنگ با اسرائیل عازم فلسطین شوند. بیانیه فدائیان اسلام خطاب به دولت حاوی لزوم تغییر رویکرد دولت در این زمینه بود: «خونهای پاک فدائیان اسلام در حمایت از برادران فلسطین می جوشد. پنج هزار نفر از فدائیان رشید اسلام عازم کمک به برادران فلسطینی هستند و با کمال شتاب از دولت ایران اجازه حرکت به سوی فلسطین را می خواهند و منتظر پاسخ سریع دولت می باشند.» نواب از اینکه کشورهای عربی مسئله فلسطین را یک مسئله عربی و عنوان می کنند همواره ناراحت بود و می گفت که مسئله فلسطین یک مسئله اسلامی است. چند سال بعد که کنگره ای در بیت المقدس برگزار شد نواب با صلاح دید بزرگانی چون آیت الله سید صدرالدین صدر (پدر امام موسی صدر) راهی این کنگره شد. برخی نهادها و شخصیت ها چون «جمعیت اتقا ذل فلسطین» و «مکتب اسرار المعراج» و «سید قطب» از نواب دعوت به حضور نموده بودند. نواب در آن همایش شرکت کرد و سخنرانی وی بسیار موثر واقع شد و از بس جذاب سخن گفت که یوسف حناء خبرنگار مسیحی اهل لبنان، مسلمان شد. او که در این سخنرانی حمله به سرزمین اسلامی فلسطین را حمله به سرزمین اسلام دانسته بود برای مبارزه با اسرائیل پیشنهاد تاسیس «سازمان انقلاب اسلامی بین المللی را داد که مورد استقبال بسیاری از جمله اخوان المسلمین قرار گرفت. نواب مدتی بعد که در مصر به سخنرانی پرداخت باز هم یکی از محورهای اصلی سخنش را لزوم مبارزه با نظام جعلی و منحوس اسرائیل قرار داد. وی

ص: 97

حتی در دیدار از دانشگاه عین الشمس قاهره با مشاهده یک جوان فلسطینی که در حال تحصیل بود خطاب به وی گفت: فلسطین زیر چکمه های صهیونیزم و آمریکا جان می دهد و تو می خواهی مهندس شوی؟ تو باید شرافتمندانه بجنگی و از سرزمینت دفاع کنی. آن جوان کسی نبود جز یاسر عرفات؛ که همواره خود را شاگرد نواب می دانست و می گفت: آن سخن نواب روح مرا زنده کرد و روحیه انقلابی در من ایجاد نمود و درس و بحث را رها کرده و به مبارزه روی آوردم. تاثیر نواب بر مبارزان فلسطینی بسیار بود و حتی چندین سال بعد از شهادت نواب، سازمانی به نام فدائیان فلسطین ایجاد گشت و مبارزان فلسطینی از بس به نواب علاقه داشتند که نام نوزادان خود را نواب یا نواب صفوی می گذاشتند. محور دیگر سخنان نواب در قاهره ضرورت مبارزه با استعمار استعمارگران و به ویژه انگلیس بود. وی ضمن سخنرانی خود که هفت هزار نفر در حضور او به و سخنانش گوش می دادند، خواستار ملی شدن کانال سوئز و بیرون راندن انگلیسی ها از مصر شد و همین سخنرانی وی نهضتی را در ملت مصر و به ویژه که در بین نسل جوان ایجاد نمود. (1) فاطمه نواب صفوی، دختر مرحوم نواب از حامد نقل می کند که او گفته بود: «سخنرانی نواب صفوی در دانشگاه قاهره، یک نقطه عطف تمام عیار در تاریخ انقلاب مصر بود.» چنانکه روح بلند و حماسی نواب در نسل های بعدی مبارزان مصر نیز تاثیر خود را بر جای نهاد و شهید خالد اسلامبولی می گفت که: «ما در مصر همان روش شهید نواب صفوی را دنبال می کنیم و این نشان از نفوذ بالای نواب داشت. (2) امری که مقام معظم رهبری پیرامون آن فرموده است: «من واقعا به نفوذ نواب در مدت عمرم کمتر کسی را دیده ام. خیلی مرد عجیبی بود، یک پارچه حرارت بود، یک تکه آتش بود.» (3)

ص: 98

1- مفاخر اسلام، ج 13، ص 531 تا 533.

2- مجلة الموسم، 1428، ش 60، ص 99 تا 103.

3- مجله گلبرگ، دی 1385، ش 82

شهید نواب صفوی به شدت طرفدار تقریب مذاهب و وحدت جهان اسلام بود. از نگاه وی جدایی و اختلاف بین مذاهب باعث برآورده شدن کام جهان استکبار و دنیای استعمار و رضایت صهیونیسم می شد. در پاییز سال 1332ش کنگره ای اسلامی درباره فلسطین برپا شد. برخی نهادها و اشخاص از جمله دبیر کنگره یعنی «سید قطب» از نواب صفوی دعوت به حضور نمودند. (سید قطب اگر چه در برخی نظرات خود به جنبش سلفی گری نزدیک می شود، ولی طرفدار تقریب مذاهب است و نظریه وحدت گرایانه «جهان اسلام از اقیانوس اطلس تا خلیج فارس» را ارائه نموده، همان نظریه ای که جمال عبد الناصر نظریه «جهان عرب از اقیانوس هند تا خلیج فارس» را در قبال آن ارائه کرد تا مسئله قومیت عربی را به جای اسلام مطرح کند. به تعبیر مرحوم نواب: «جمال عبد الناصر در مسیر تقویت قومیت عربی در برابر حرکت اسلامی، گام برداشت.») نواب از ی مسیر عراق راهی بیت المقدس شد و در اولین جلسه کنگره مزبور به سخنرانی پرداخت. سخنان آتشین وی که به زبان عربی ایراد شد، همگان را شگفت زده کرد. نواب در این باره می گوید: «فضای مؤتمرا را به جای اینکه اسلامی ببینم، عربی دیدم. می دیدم که همه سخنران ها بر این موضوع تکیه می کنند که حمله اسرائیل به سرزمین عربی فلسطین صورت گرفته است، اما وقتی نوبت سخنرانی من فرارسید، دو رکعت نماز خواندم و توسل جستم و گفتم خدایا همه اینها به زبان عربی مسلط هستند، می خواهم در این جمع صحبت کنم، از تو یاری می خواهم. بعد پشت تریبون رفتم و گفتم: اگر افتخار به عربیت باشد من فرزند بهترین مرد عرب هستم. اگر پیغمبر را از عرب بگیرند، عرب هیچ ندارد. شخصیت عرب به پیامبر اسلام است و من فرزند اویم. همان خداوند که فرمود: «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ



نواب بر ضد انگلیس و اسرائیل سخن می گفت و حضار از سر شوق فریاد می زدند: زنده باد این مهمان گرامی اسلام، زنده باد این قهرمان ملی ایران. ملک حسین بر اثر سخنان نواب از سوار شدن بر ماشینی که در اختیار داشت و ساخت انگلیس بود خودداری کرد. مفتی اعظم سوریه که از حضار در جلسه بود بعدها و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سفری که به ایران داشت اظهار کرد: بعد از قرن اول هجری، شهیدی به عظمت نواب صفوی به وجود نیامده است! سید قطب که مجذوب سخنرانی نواب شده بود، در ملاقات با وی با اشاره به قلب خودش گفت: «أنت هنا، أنت هنا». یعنی تو در قلب من هستی. (2) نواب با شخصیت های دینی و سیاسی بسیاری دیدار کرد و توسط سید قطب برای دیدار و از مصر دعوت شد. ولی بر اثر عدم تمکن مالی به آن سفر نرفت و به عراق ای بازگشت. علامه امینی که از قضیه او مطلع شد وسایل سفر و هزینه برگشت وی را مهیا نمود و نواب را به دیدار با شیوخ الازهر و صحبت پیرامون تقریب مذاهب و وحدت مسلمین ترغیب کرد. در مصر استقبال وسیعی توسط اخوان و المسلمین از نواب صورت گرفت و او به سخنرانی و دیدار با شخصیت ها پرداخت. وی خواستار وحدت مسلمانان و کنار گذاشتن اختلافات مذهبی شد. انتقاد از جمال عبد الناصر در یکی از دانشگاه های قاهره از اقدامات نواب بود. با شیخ حسن الباقوری، وزیر اوقاف مصر هم دیدار کرد و از وی نقل کرد که «پس از شرکت شیخ حسن البنا در تاسیس دار التقریب در قاهره با همکاری آقای شیخ محمد تقی قمی، او (یعنی شیخ حسن باقوری) نیز به هواداران تقریب پیوسته و با دارالتقریب همکاری هایی دارد.» نواب سپس به همراه باقوری به دیدار شیخ عبدالرحمن تاج، رئیس الازهر رفته و دیداری مفید با وی داشت. نواب نقل می کند که: «او به من وعده داد که همکاری خود را با تقریب بین مذاهب و

ص: 100

1- گلشن ابرار، ج 2، ص 647 به بعد.

2- مجله سوره اندیشه، دی 1382، ش 6، ص 53 تا 57.

علمای شیعه گسترش دهد. چرا که معتقد بود ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی، به خاطر مسائل فروع فقهی، به نفع دشمنان اسلام خواهد بود و این قبیل نظرات متفاوت فقهی، در بین فقهای مذاهب اربعه اهل سنت هم فراوان است؛ ولی این اختلاف با فقهای شیعی، چرا باید موجب برخوردهای غیر منطقی گردد؟»<sup>(1)</sup> این گونه بود که تاثیر این سفر شهید نواب صفوی بسیار فراوان بوده و هنوز در میان اخوان المسلمین کسانی هستند که خاطرات خوش آن دوران را به یاد داشته و افکار و آمال نواب صفوی را چراغ راه خود در مبارزه با تفرقه انگیزان و بیگانه پرستان می دانند.

ص: 101

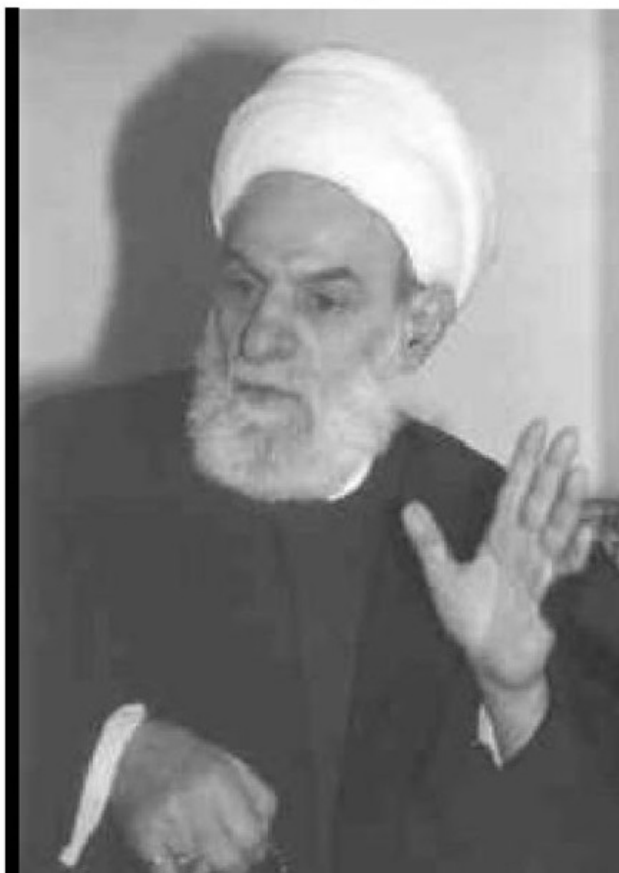
---

1- پانزده خرداد، دوره اول، زمستان 1375، ش 24، ص 185 تا 190.

## آیت الله شیخ محمد مهدی شمس الدین

(۱۳۱۱-۱۳۷۹ ش)

فقیه وحدت طلب



زندگی نامه و شخصیت علمی

آیت الله شیخ محمد مهدی شمس الدین عاملی رحمه الله از نسل عالم بزرگ شیعه مرحوم شمس الدین محمد مکی عاملی معروف به شهید اول است. وی در سال 1311 ش در نجف متولد شد. پدرش شیخ عبدالکریم شمس الدین از علمای معروف لبنانی به شمار می رفت. (1) محمد مهدی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی از محضر اساتیدی چون آیت الله سید محسن حکیم و آیت الله ابو القاسم خوبی بهره علمی برد و با کوشش فراوانی که داشت به درجه اجتهاد نائل آمد. چندین سال دیگر در عراق ماند و در سال 1367 ش راهی لبنان شد و در راستای ترویج معارف دینی و رفع مظلومیت از شیعیان مظلوم لبنان بر آمد.



بعدها به ریاست مجلس اعلای شیعیان لبنان برگزیده شد و منشأ خدمات بسیاری برای لبنان و شیعیان لبنان گشت. این عالم انقلابی و دانشمند تقریباً گرا و مصلح بزرگ، عاقبت در چهارشنبه 15 شوال سال 1421 قمری مصادف با 2 دی ماه سال 1379 شمسی در بیروت درگذشت. (1)

تأسیس نهادها و مراکز بین المللی

علامه شمس الدین در زمینه تأسیس نهادهای دینی و سیاسی و آموزشی که خدمات رسانی آنها منحصر به یک مذهب و دین نباشد، کوشا بود. وی چه در زمان حضور در عراق و چه در روزگار سکونت در لبنان در این عرصه تلاش نمود و توفیقاتی نیز کسب نمود. «جماعة العلماء» و نیز «کلیة أصول الدین» از نهادهای سیاسی و علمی مشهور عراق است که شمس الدین در تأسیس آنها مشارکت داشت. «المعهد الفنی الإسلامی»، «معهد الشهید الأول للدراسات و الاسلامیه»، «مدرسه الضحی»، «معهد الغدیر» و «الجمعية الخیریه الثقافیه» برخی دیگر از نهادهای ایجاد شده توسط وی است. چنانکه در زمان حضور در عراق در انتشار نشریه «الاضواء» مشارکت و همکاری داشت و در بنیان نهادن مجله «النجف» و «الایمان» هم سهیم بود.

هدف شمس الدین از تأسیس نهادهای آموزشی در راستای اصلاح ساختار آموزشی حوزه های علمیه بود. وی عقیده داشت که ساختار و عملکرد موجود حوزه مطلوب و کارآمد نیست، از این رو به اصلاح ساختار آموزشی و پرورشی حوزه و رویکرد بین المللی دادن به آن می اندیشید و در جهت اصلاح شیوه تدریس و متون آموزشی طلاب اقداماتی انجام داد. (2) او فهمیده بود که کارهای مشورتی و گروهی مفیدتر می باشد. از این رو با بزرگان و علمای ایران و عراق و لبنان و... مراوده و مکاتبه داشت و مثلاً در عراق جلساتی منظم با امام موسی صدر، شهید سید محمد باقر صدر و مرحوم شیخ محمد تقی فقیه تشکیل می داد

ص: 103

---

1- اختران فضیلت، ج 1، ص 479.

2- گلشن ابرار، ج 2، ص 545 تا 550.

تا در آن به بحث و بررسی مسائل حوزه و جهان اسلام پردازند. حتی پس از عزیمت سید موسی صدر به لبنان، روابط آنها گسسته نشد و مکاتبات ادامه یافت. وی همچنین بر ضد استبداد و استکبار سخت کوشا بود. او از تکنولوژی های نو در مسیر ترویج اسلام بهره می برد و یکی از اقدامات وی در این راستا، ایجاد پایگاه اینترنتی و پاسخ دادن به سوالات فقهی و کلامی اشخاص بود.<sup>(1)</sup>

#### تقریب مذاهب و اتحاد ادیان

شیخ محمدمهدی شمس الدین در جهت اتحاد مذاهب اسلامی و بلکه اتحاد ادیان الهی عنایت فوق العاده زیادی داشت. به گونه ای که وی را در این عرصه می توان از نوادر عصر نامید. او ده ها سال در راستای تحقق آرمان وحدت به انحای گوناگون کوشید و توفیقات بسیاری نیز در این مسیر یافت. وی به نقد درون دینی در رابطه با مذاهب می پرداخت و چنانکه انسداد اجتهاد توسط اهل سنت را تقبیح می کرد و از ورود برخی از سنی های متاخر به عرصه اجتهاد و خشنود بود از تورم اجتهادی شیعه نیز راضی نبود و راهکارهایی را در سخنرانی های لبنان و مصر و کتاب هایش پیرامون استفاده صحیح از ابزار اجتهاد توسط شیعه و سنی مطرح می نمود. شیخ شمس الدین اسلام را دینی کامل می دانست و افتراق و اختلاف را مایه ناکارآمد شدن این دین کامل می دانست و تقریب را عامل مهمی در فراگیری اسلام ذکر می کرد. او می گفت: امت اسلام به رغم تنوع نژادی و زبانی و مذهبی، باید در قالب واحد سازمان بیابند و آثار این وحدت در همه روابط مسلمانان و اشتراک منافع آنان و صف بندی هایشان در مقابل بیگانگان باید دیده شود. معتقد بود باید از وقایع تاریخی یی که به پیدایی انشعابات سیاسی انجامیده، فراتر رفت. این انشعابات سیاسی رفته رفته در اختلافات علمی و فکری در حوزه فقه - چه در بعد ادله و چه در بعد استنباط - تأثیر بر جای نهاده است. ما باید از سطح این وقایع فراتر رویم و در آگاه کردن عامه مردم به این وقایع تاریخی و آثار سیاسی اش، شیوه ای را به کار گیریم که

ص: 104

---

1- علماء ثغور الاسلام، ج 2، ص 378 تا 385.

به وحدت مسلمانان، زیان نرسانده و موجب گسست نشود. زیرا کشمکش های مذهبی بر سر وقایع گذشته، وضعیت کنونی امت را به شدت ناگوار و ناهموار می کند و موجب جدایی میان مجموعه های امت می شود و این همان وضعی است که امام علی (علیه السلام) و فرزندان او از در افتادن در آن پرهیز داده اند و حتی برای اجتناب از گسست در میان امت، فداکاری های مادی و معنوی فراوان نمودند. او شیوه آیت الله سید حسین بروجردی (رحمه الله) را در راستای تحقق تقریب می ستود و می گفت: امکان ندارد که با احیای اختلافات گذشته، وحدت را مستقر کنیم. باید وحدت را بر نیازهای عصر و زمانه و مبانی ثابت و مسلم شریعت و عقیده اسلامی (فقه و کلام) که مسلمانان را امتی واحد قرار می دهد، استوار کنیم. از سوی دیگر، باید اعتبار حکم شرعی اسلامی سازمان بخش و اساسی «تولی» مسلمانان نسبت به یکدیگر را بدان باز گردانیم و این اصل مغفول که مستند به آیه قرآن «المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض» است را احیا و کنیم. این اصل از در افتادن جوامع و دولت های اسلامی به دام هم پیمانی با نیروهای بیگانه غیر مسلمان که گاه مسلمانان را هم در مقابل یکدیگر قرار می دهد، پیشگیری می کند. قرآن کریم و سنت نبوی، مسلمانان را از تولی و دوستی غیر مسلمانان در صورتی که منجر به تفرقه و اختلاف میان مسلمانان شود، نهی کرده است. در عین حال باید بدانیم که بحث های واقع بینانه عالمان و متفکران هر مذهب در عقائد و روش های فقهی دیگر مذاهب، مساحت بسیار وسیع مشترک میان همه مذاهب را به خوبی روشن خواهد ساخت. در بسیاری از نقاط اختلافی هم می توان به نقطه وفاق رسید، و آن مواردی که قابل وفاق نیست، باید به هر مذهبی وانهاده شود تا آن موارد از خصوصیات و ممیزات آن باشد و مبنا و پایه اختلاف و نزاع و تباهی روابط مسلمانان نشود. دعوت دیگری به از دست دادن هویت مذهبی خویش، دعوت به وحدت نیست و چنین وحدتی مطلقاً تحقق نمی یابد؛ یعنی تقریب و نزدیکی بی به این روش تحقق نمی یابد. مهم، به رسمیت شناختن دیگری است و به رسمیت شناختن خصوصیت و اسلامیت آن. و این همان روشی است که در تقریب میان مذاهب وابسته به خط مکتب کلامی اشعری - که مذاهب اهل سنت نامیده می شوند - وجود دارد و باید

بر رابطه میان این مذاهب و دیگر مذاهب اسلامی غیر اشعری، همین وضع حاکم شود. این هدف، یکی از اهداف بزرگی است که باید مورد توجه مشتاقان اجماع اسلامی فراگیر قرار گیرد. همچنین باید در همه مؤسسات و نهادهایی که مبتنی بر ایده تبشیر و تبلیغات مذهبی در مقابل مذاهب دیگر شکل گرفته اند، بازنگری شود. این مؤسسات به شکل ویران گری مانع رشد عوامل تقریب هستند و عمیقاً روند وحدت را بر هم می زنند. از نگاه آیت الله شمس الدین باید اهل بیت علیهم السلام را به عنوان مرجع علمی (چنانکه حدیث ثقلین هم بر آن تاکید دارد) مطرح نمود و آن دسته علل تاریخی که منجر به گسست اهل سنت از سنت روایت شده از طریق اهل بیت شده، مطالعه و بازبینی شود و آن اسباب عینی که مشوق اهل سنت برای پذیرش مرجعیت اهل بیت علیهم السلام در نقل سنت نبوی است، یافت و عرضه شود. اکنون باید آثار علل و اسباب سیاسی زدوده شود و وضعیت سنت نبوی با قرار گرفتن آن در جایگاه و مصدر طبیعی اش پس از پیامبر صلی الله علیه و آله که همان اهل بیت علیهم السلام هستند - تصحیح شود. البته مصدر و منبع دیگر - یعنی صحابه - هم و نباید مورد بی مهری و بی توجهی قرار گیرد. وی راه های متعددی در نظر و عمل

پیرامون وحدت بین اهل هر مذهب با مذاهب دیگر و حتی اهل دیانت اسلام با دین های الهی در ذهن داشت و تفصیل نظرات وی در این باب تحقیقی مبسوط و جداگانه می طلبد.

آثار علمی بین المللی

آیت الله شمس الدین آثار علمی متعددی از خویش بر جای نهاده است. (1) وی به خلأهای موجود در مذهب و دین می نگریست و سعی می کرد با نوشته های هدفمند و نظرات نوآورانه خود در مسیر پر نمودن شکاف های ایجاد شده در بین مسلمین و شیعیان بپردازد. گاه در باب اجتهاد و گاهی در زمینه اهداف قیام حسینی علیه السلام و در پاره ای اوقات در باب اتحاد و در زمانی حول استکبار ستیزی و مبارزه با صهیونیسم سخن می گوید و خواننده را به اعماق حقیقی نیات انبیای

ص: 106



الهی و رهبران دینی و خبث باطن فتنه انگیزان معاصر و آمریکا و اسرائیل و انگلیس می برد. یکی از جهاتی که وی بر آن تاکید دارد بحث های مقارن است. شیخ شمس الدین معتقد به انتخاب آزاد و هوشمندانه بشر و عدم دعوت صریح به بطلان طیف مقابل بود. یکی از کتاب های وی در این زمینه کتاب «الاجتهاد و التقليد» است که به صورت مقارن به مقوله اجتهاد و تقلید پرداخته است و توصیه ها و راهکارهایی برای کارآمد کردن اجتهاد و دوری از معایب انسداد و تقلید دارد. «الاحتکار في الشريعة الإسلامية» نیز یک اثر دیگر وی در اقلیم فقه مقارن است که به بررسی تطبیقی و مقایسه ای مقوله احتکار که به اقتصاد مسلمین و بشریت زیان می رساند، پرداخته است. همچنین با پرداختن به مقوله های مشترک بین ادیان به ویژه اسلام و مسیحیت آثاری ارزنده را تولید کرده از جمله «العلمانية» که نقد سکولاریسم و تعامل مسیحیت و اسلام در مقابله با این معضل است. و مقاله «تأملات في صيغة الحوار الاسلامي المسيحي» که به عنوان مقدمه ای ارزنده تر از متن بر کتاب «الحوار الإسلامي المسيحي» از «سعود المولى» نوشته شده است. همچنین کتاب ارزنده دیگری نیز از شیخ شمس الدین در این زمینه البته با هدف مشترک مقاومت در قبال صهیونیسم جهانی با نام «دعوة المسلمين و المسيحيين إلى المقاومة» بر جای مانده است. این تالیفات و سایر تالیفات شیخ شمس الدین همواره در مسیر کشف حقیقت ادیان و جلوگیری از بدفهمی ها و مبارزه با تهمت ها و خرافات است. (1) از این رو مرحوم شیخ شمس الدین از نگاه علمای سنی و مسیحی غرب آسیا و شمال آفریقا شخصیتی با عظمت و قابل احترام بود و تالیفات وی را از مرغوب ترین آثار علمی بر می شمارند.

ارتباط با اندیشمندان سایر کشورها

شمس الدین بر اساس همان مبنای تعامل و گفتگوی که بسیار بر آن پای می فشرد، دارای ارتباط حضوری و مکاتبات گسترده ای با اندیشمندان سنی و

ص: 107

1- گلشن ابرار، ج 2، ص 562 تا 564.

مسیحی بود. همچنین سفرهای علمی و دینی بسیاری داشت و در کنگره‌ها و همایش‌های فراوانی در اروپا، آفریقا و آسیا شرکت می‌جست و اعجاب همگان را؛ نظرات بدیع و جذاب خود بر می‌انگیخت. او در مسیر صلح بین مذاهب و ادیان قدم بر می‌داشت و سعی داشت از ترس دروغین غرب از اسلام بکاهد و مسیر گفتگو و هم‌زیستی را بگشاید. از نقش مسلمانان در پیشینه تمدنی غرب سخن می‌گفت و معتقد بود باید اسلام و غرب با گفتگوی مسالمت‌آمیز و صادقانه روابط و همکاری مناسبی با یکدیگر داشته باشند. از نگاه روشن اسلام به انسان و خانواده سخن می‌گفت و فقه پویای اسلام را برجسته می‌کرد. از انقلاب اسلامی و رهبر کبیر آن گفتگو می‌کرد و ایران را نمادی در جهت مبارزه با کفر جهانی معرفی می‌نمود. تکیه بر جوهره اصلی دین اسلام و لزوم پرهیز از حواشی ادیان و مذاهب و اهتمام به وحدت و اتحاد در راه مبارزه با جریان‌های غلط ضد دینی و معرفی اسوه‌ها و الگوهای رفتاری و فکری از تاریخ شیعه باعث شده بود که سخنان و سخنرانی‌های علامه شمس‌الدین همواره از مهمترین سخنان در کنگره‌ها و نشست‌ها و مراوده‌ها باشد.

#### مبارزه با صهیونیسم جهانی

آیت‌الله شیخ مهدی شمس‌الدین صهیونیسم را غده‌ای سرطانی و شیطنانی می‌دانست که باید از بین برود و معتقد بود که برای این امر حتی اگر صد سال هم شده، خواهیم جنگید. مبارزه با صهیونیسم علاوه بر اینکه جزو خطوط ستم‌ستیزی این عالم شیعی بود ابزاری در راستای تحقق سریع‌تر وحدت و تقریب برای او به شمار می‌رفت. نه تنها تقریب بین مذاهب اسلامی که وحدت و تقریب بین دو دین بزرگ الهی یعنی اسلام و مسیحیت را در نظر داشت. وی علاوه بر چند کتاب مستقل که پیرامون صهیونیسم و زیان‌های آن به بشریت دارد، مقالات<sup>(1)</sup>

ص: 108

---

1- «اسرائیل انسحبت مکره»، المقامه، روزنامه السفیر در تاریخ 18/2/1985، «اسرائیل کیان غاصب يجب أن یقتل» منتشر شده در روزنامه القرار وابسته به مجلس اعلای شیعیان لبنان در تاریخ 16/8/1985، «اسرائیل لن ترتاح فی لبنان». روزنامه النهار در تاریخ 19/3/1984 چاپ شده است.

و سخنرانی‌های بسیاری در این زمینه از خود بر جای نهاده است<sup>(1)</sup> که نشان‌گر حجم عظیم نفرت وی از این ولیده استعمار و استکبار می‌باشد. به علاوه تقویت روح مقاومت توسط وی باعث اتحاد بیشتر لبنان<sup>(2)</sup> و قوی شدن حرکت أمل (افواج مقاومت لبنانی) و تقویت جایگاه آن در لبنان می‌شد.

وی پس از شکست اعراب در جنگ 1968 م در یک خطابه می‌گوید: دیگر سخن گفتن بس است و نتیجه 20 سال سخن گفتن و عمل نکردن این شده که کرامت خویش را از دست داده و تحقیر را به جان خریده ایم «و فقدنا فيها بالإضافة إلى كرامتنا وأرضنا مقدساتنا الإسلامية والمسيحية، و علاوة بر از دست دادن کرامت و سرزمین خود، مقدسات اسلامی و مسیحی خود را هم گم کرده ایم. وی از اینکه اسرائیل در حقیقت بستر ساز حضور غرب و در رأس آنها آمریکا در مناطق اسلامی غرب آسیاست، سخن می‌گوید و اینکه اسرائیل در حقیقت ابزار انتقام غرب از اسلام است و این آلت دست استعمار غرب برای ایجاد تفرقه در میان جوامع عربی (اعم از مسیحی و مسلمان) در منطقه ایجاد شده و برای مقابله با آن باید هوشیار بود و فریب نخورد و برنامه‌های متعدد و متنوعی را برای هدف اصلی آزادیخواهان مسلمان و مسیحی نسبت به حضور اشغالگرانه این غده سطنانی ابراز می‌دارد.<sup>(3)</sup>

ص: 109

---

1- همان، ص 551.

2- علماء عرفتهم، ص 259.

3- سخنرانی شیخ محمد مهدی شمس الدین در منطقه جبشیت، آوریل 1968. imamshamseddin.com

## آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی

(۱۳۰۰-۱۳۸۱ق)

### ستیز با استعمار بین الملل



زندگی نامه و شخصیت علمی

آیت الله سید ابو القاسم کاشانی رحمه الله در سال 1300 ق در تهران دیده به جهان گشود. در نجف نزد پدرش عالم مجاهد آیت الله سید مصطفی کاشانی و آخوند خراسانی درس دین آموخت و مجتهد شد. او بیش از نیم قرن از زندگی اش را در قضایای سیاسی گذراند و در حوادث مهمی چون مشروطه ایران، جنگ جهانی اول و اشغال عراق، انقلاب 1920 عراق، عصر پهلوی اول، جنگ جهانی دوم و نهضت نفت، نقش داشت. در میان ممالک اسلامی به این عالم استعمارستیز، به عنوان یک رهبر و اسوه نگریسته می شد و شهرتی بسزا در خاورمیانه داشت. او دارای افکار نابی در جهت اتحاد جهان اسلام و لزوم نفی استعمار، استکبار و استبداد و دفاع از فلسطین و مبارزه با اسرائیل و صهیونیسم

بود. وی در اسفند ماه 1360 ش مصادف با سال 1381 ق دیده از جهان فرو بست و پیکر پاکش در حرم حضرت عبد العظیم علیه السلام به خاک سپرده شد. (1)

رویکرد بین المللی به سیاست

آیت الله کاشانی در تاریخ معاصر ایران بیش از هر چیز به مجاهدی برجسته توصیف می شود که سر ناسازگاری با استعمار، استکبار و استبداد داشت. از نگاه وی سیاست با دیانت در هم تنیده است و نمی بایست نسبت به اقدامات کشورهای اشغالگر و استعمارگر ساکت نشست. همین رویکرد باعث شده که اندیشه اتحاد اسلامی و تقریب مذاهب نیز بسیار مورد تاکید مرحوم کاشانی قرار بگیرد و نیز لزوم مبارزه با اسرائیل و صهیونیسم و ضرورت دفاع از مردم مظلوم فلسطین نیز در قاموس فکری و منظومه اندیشه ای مرحوم کاشانی و تبلور رفتارها و اقدامات عملی وی نیز مشهود است. مرحوم کاشانی در عصر مشروطه و با پیروی از بزرگانی چون علامه مصلح مرحوم آخوند خراسانی و پدر مجاهدش آیت الله سید مصطفی کاشانی در مسیر مبارزه با استعمار و اشغالگری بیگانگان ساعی و کوشا بود. در انتهای عصر مشروطه دوم و در سالیان 1328 و 1329 ق روسیه ایران را تهدید به اشغال نظامی کرد و انگلیس نیز با وی همدست بود. از سوی دیگر برخی استعمارگران دیگر مانند ایتالیا کشور لیبی را مورد تاخت قرار دادند. علمای شیعه علاوه بر تلاش برای دفع استعمار تهدید کننده ایران بر ضد استعمارگرانی که دیگر بلاد شیعه و سنی را تهدید می کردند به صورت یکسان نگرینسته و خود وارد عرصه مبارزه گشته (2) و عاقبت فتوای لزوم دفع کفار (3) و جهاد علیه روسیه و استعمارگران دیگر (4) را صادر کردند (5) و سید ابوالقاسم کاشانی نیز در این قضایا حضوری فعال داشت.

ص: 111

- 
- 1- نقیاء البشر، ج 1، ص 75 و 76؛ مفاخر اسلام، ج 13، ص 45 تا 62 و گلشن ابرار، ج 2، ص 677 تا 684
  - 2- عالمان شیعه رویاروی استعمار، سلیم الحسنی، ص 41 و السید محمد کاظم الیزدی، سلمان کامل الجبوری ص 198.
  - 3- گلشن ابرار، ج 8، ص 228.
  - 4- همچون فرانسه و ایتالیا که انگلیس نیز از آنان پشتیبانی می کرد. ثوره الخامس عشر من شعبان (ثوره العشرین)، عباس محمد کاظم، ص 83
  - 5- سیاست نامه خراسانی، ص 297.

البته عالمان شیعه در چندین مرحله در طی دهه دوم و سوم قرن چهاردهم هجری علیه اشغالگران کافر فتوای جهاد صادر نمودند. چه در زمان اشغال ایران توسط روس و اشغال لیبی توسط ایتالیا در سال 1329ق و چه در سال 1333 و بحران جنگ جهانی اول و اشغال عراق توسط انگلیس.<sup>(1)</sup> این امر باعث می شود که حتی عالمان اهل سنت که معمولاً در این قضایا تابع دولت های خود هستند فتوای جهاد می دهند. به عنوان مثال شیخ الاسلام عثمانی از این دست افراد است که فتوای جهاد می دهد. اما اینکه در برخی منابع نوشته اند شیخ الاسلام ابتدا فتوای جهاد داده و علمای شیعی به تبعیت از وی اقدام به فتوای جهاد کرده اند<sup>(2)</sup> صحیح نیست. بلکه در قضیه لیبی و روس در چند سال قبل از جنگ جهانی اول، علمای شیعه در صدور فتوای جهاد پیشقدم بودند و بر عکس، در این زمان حتی عالمان سنی و دیگر کشورهای اهل سنت، نسبت به حمله دولت های روس و انگلیس به ایران کار خاصی نکرده و حتی همدردی هم نکردند.<sup>(3)</sup> خلاصه اینکه عالمان شیعی از پیشگامان عرصه جهاد و شهادت بوده و هستند. همچنین یکی از اصلی ترین اندیشه ها و فعالیت های سیاسی علمای شیعه که بر مبنای منش و

سیره حضرت علی علیه السلام بدان پایبند بوده اند، تلاش مستمر برای از بین بردن ظلم و ستم و مظاهر آن و نیز سعی و اهتمام در مسیر گسترش عدالت اجتماعی بوده است. در زندگی آیت الله کاشانی نیز مظاهر و نمودهای بسیاری از این قضیه را می توان دید. مطالبی چون پشتیبانی مستمر و مدام از نهضت عدالت خواهانه

ص: 112

---

1- فراتر از روش آزمون و خطا، ابوالحسنی منذر، ص 8-627.

2- تاریخ روابط خارجی ایران، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، ص 343 و کرمانشاهان در جنگ جهانی اول، کشاورز، ص 24.

3- تشیع و مشروطیت، عبدالهادی حائری، ص 163.

مشروطه، دفاع از ممالک اسلامی، فتوای جهاد علیه کفار متجاوز و اشغالگر، حضور در جبهه های نبرد و... نهضت مشروطه بیش از هر کس به علمای شیعه مدیون است که علاوه بر نقش در مقدمات و تأسیس آن، در زمینه پشتیبانی و حمایت خود از آن جان خویش را بر طبق اخلاص نهادند. سید ابوالقاسم کاشانی یکی از رهبران جوان روحانی این نهضت است که فعالیت های مشروطه و قانون خواهی بسیاری داشته است. چه در زمان مشروطه اول، چه عصر استبداد صغیر و چه هنگام مشروطه دوم. چنانکه آخوند خراسانی تا دم آخر زندگی مدافع مشروطه باقی ماند(1) مرحوم کاشانی نیز جزو همراهان وی بود و عازم حرکت به سمت ایران بود.(2) بعدها در کاظمیه نیز ایشان به خیل مجاهدان پیوست و علی رغم درگذشت مشکوک آخوند خراسانی، خللی در عزم علما وارد نگشت.

در جنگ جهانی اول، علمای شیعه تنها به فتوای جهاد اکتفا نکرده و در زمانی که انگلیس در هنگامه جنگ جهانی اول عراق را به اشغال خود در آورد در ابتدای ورود انگلیس به عراق تا مدت ها جنگ بین نیروهای داخلی و انگلیس شعله ور بود و اصلی ترین مدافع حرکت جهادی و دفاعی علمای شیعه بودند. ارکان جنگ در این زمان افرادی چون حضرات آیات سید محمد سعید حبوبی، شیخ مهدی خالصی، شیخ الشریعه اصفهانی، میرزا محمد تقی شیرازی، سید مهدی حیدری و سید مصطفی کاشانی و فرزندش سید ابو القاسم بودند که خود نیز عازم جبهه های نبرد در جنوب عراق شدند.(3) در طی سالیان بعد نیز همچون انقلاب 1920 عراق یا همان ثورة العشرین، که چند سال پس از جنگ جهانی اول روی داد و در عصر رضاخان پلید و سپس در زمان جنگ جهانی دوم و نهایتاً عصر نهضت نفت مرحوم کاشانی از مجاهدان اصلی شیعه علیه نفوذ آمریکا، انگلیس، و شوروی بود. چنانکه با همین نگاه بین المللی به سیاست حرکت فدائیان اسلام را

ص: 113

1- سیری در سیره علمی و عملی آخوند خراسانی، عبدالرضا کفایی و دیگران، ص 168.

2- حیات الاسلام في احوال آية الملك العلام یا برگگی از تاریخ معاصر ایران، آقاجنفی قوچانی، ص 127.

3- نهضت روحانیون شیعه، ج 1، ص 212، فواتر از روش آزمون و خطا، علی ابوالحسنی مندر، ص 662 و الجبوری، ص 700 و نقباء البشر، ج 1، ص 75.

تایید و نسبت به گروه‌هایی چون اخوان المسلمین نگرشی مثبت داشت.<sup>(1)</sup> ملاقات آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، رهبر حرکت اسلامی ایران با شهید شیخ حسن البنا، در مراسم حج، گام دیگری در تحکیم روابط بین ایران و اخوان برداشته شد و طبق تصمیم هر دو رهبر، برگزاری یک کنفرانس بین‌المللی در راستای ایجاد وحدت اسلامی، در قاهره یا تهران به تصویب رسید که چگونگی اهداف آن، در بیانیه منتشر شده توسط آیت‌الله کاشانی تبیین شده است و در واقع این دیدار و تصمیم پیوند بین ایران و اخوان را تعمیق بیشتری بخشید، ولی متأسفانه، با ترور شیخ حسن البنا، پس از مراجعت از سفر حج، که طبق اسناد منتشر شده به درخواست سفارت انگلیس و آمریکا در قاهره از دربار فاسد شاه فاروق انجام گرفت، موضوع کنفرانس منتفی گردید.

عبدالمعتال جبری، یکی از شخصیت‌های برجسته اخوان المسلمین و شاگرد شیخ حسن البنا در کتاب خود: لماذا اغتیل حسن البنا - چرا حسن البنا ترور شد؟ - از رویبر جاکسون نقل می‌کند: «اگر عمر حسن البنا طولانی‌تر می‌شد، امکان داشت با اتفاق نظری که میان او و آیت‌الله کاشانی، رهبر مسلمانان ایران حاصل شده بود، اختلاف‌های میان شیعه و سنی برطرف گردد که دستاوردهای فراوانی به نفع کشورهای اسلامی به ثبت می‌رسید. آن دو در سال 1948 در حجاز با یکدیگر ملاقات کردند، و به نظر می‌رسد گفت‌وگوهایشان به نقطه حساسی رسید و به تفاهم اصولی دست یافتند.»<sup>(2)</sup>

خلاصه اینکه آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی از بزرگترین مجاهدان و مبارزان شیعی در قرن چهاردهم هجری به شمار می‌رود که در عرصه‌های بسیار سیاسی - اجتماعی از سنین جوانی تا زمان کهولت به مبارزه ادامه می‌داد و همیشه در راه

ص: 114

---

1- رک به پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری جماران <http://www.jamaran.ir> شماره دوم مجله «فرهنگ اسلامی» روابط اخوان المسلمین با جریان‌های اسلام‌گرا در ایران، مصاحبه با حجت‌الاسلام سیدهادی خسروشاهی.

2- مجله «فرهنگ اسلامی»، شماره دوم، روابط اخوان المسلمین با جریان‌های اسلام‌گرا در ایران، مصاحبه با حجت‌الاسلام سیدهادی خسروشاهی



نقی استبداد داخلی و استعمار خارجی در تلاش بوده است. وی حتی در روزهای انتهای زندگی که بیمار و در بیمارستان بستری بود، وقتی که محمدرضا شاه به دیدار وی رفت رویش را از او برگرداند و با وی سخن نگفت و نفرت خود را به نظام مستبد شاهنشاهی و اقدامات ضد دینی پهلوی دوم ابراز داشت.

## دفاع از فلسطین

در اردیبهشت سال 1327ش کشور اسرائیل اعلام موجودیت نمود و توسط بسیاری کشورها به رسمیت شناخته شد. ایران اگر چه بطور رسمی اسرائیل را به عنوان کشور شناخت، ولی به صورت مخفیانه و غیر رسمی با آن ارتباط برقرار کرد. در همان روزهای اول اعلام موجودیت اسرائیل، به رهبری مرحوم کاشانی و با مساعدت فدائیان اسلام، اجتماع بزرگی در تهران تدارک دیده شد و بیانیه ای تند علیه اسرائیل صادر گشت. (1) مردم هم تا آغاز شب در خیابان ها علیه اسرائیل به تظاهرات پرداختند. در روز بعد جاهایی برای ثبت نام اعزام نیرو و به فلسطین معین شد و چند هزار نفر اعلام آمادگی اعزام به فلسطین و مبارزه با اسرائیل را نمودند. همچنین مرحوم کاشانی از مردم خواست کمک های مادی خود را برای کمک به برادران فلسطینی جمع کنند. اگر چه اندکی بعد دولت به بهانه های واهی مرحوم کاشانی را دستگیر و در لرستان حبس و سپس به لبنان تبعید نمود. مرحوم کاشانی همواره نسبت به اقدام غلط سازمان ملل در رسمیت دادن به اسرائیل و غصب حقوق فلسطینیان انتقاد می کرد و به مسلمانان نسبت به فسادى که دولت غاصب اسرائیل در آینده ایجاد خواهد کرد، هشدار می داد و از آنان می خواست تا تمام کوشش خود را برای ریشه کن کردن این غده سرطانی به کار گیرند. (2) متن یکی از بیانیه های مرحوم کاشانی در باب فلسطین و اسرائیل بدین قرار است:

«بسم الله الرحمن الرحيم پس از جنگ جهانسوز دوم، گمان می رفت دول بزرگ عالم از آن همه فجایع و آن همه اتلاف نفوس و اموال و خرابیها و

ص: 115

1- جریان ها و سازمان های مذهبی - سیاسی ایران، ص 197.

2- ایران اسلامی در برابر صهیونیسم، سید جلال الدین مدنی، ص 18 تا 23.

بیچارگی های بشری که سالهای دراز جبران پذیر نیست، پند و عبرت بگیرند و به جبران وقایع گذشته، برای ایجاد عدل و داد و کندن ریشه ظلم و فساد و جلوگیری از جنگ جهانی دیگر، تشکیل سازمان ملل متفق داده که از حقوق و آزادی ملل و دول ضعیف حمایت و پشتیبانی نماید چنانچه در اثنای جنگ با انواع و اقسام مختلف به این تبلیغات عموم ملل را امیدوار می نمودند. ولی متأسفانه از رفتار بر خلاف انصاف و مروت سازمان ملل درباره اندونزی، مصر و فلسطین، خلاف آن ظاهر شده و امید ملل ضعیف مبدل به یاس گردیده است. معلوم نیست وطن بودن فلسطین برای مهاجرین یهودی آلمانی و روسی و آمریکایی و غیره مطابق کدام منطق و قانون است؟ که رای به تقسیم آنها می دهند؟ اگر می خواهند صهیونیستها را از خود راضی کنند و استفاده هائی که منظور است از آنها بنمایند، در مملکت خود به آنها جا بدهند و آنها را مستقل کنند. در هر صورت، تشکیل دولت صهیونیستی، در آتیه، کانون مفسد بزرگ بر مسلمین ای خاورمیانه و بلکه تمام دنیا خواهد بود و زبان آن تنها متوجه اعراب فلسطین نمی گردد و علی ای حال بر تمام مسلمین عالم است از هر طریقی که می شود از این ظلم فاحش جلوگیری نموده و رفع این مزاحمت را از مسلمین فلسطین بنمایند. خادم الاسلام والمسلمین سید ابوالقاسم کاشانی، 1326/10/11 هجری شمسی»

عکس العمل بین المللی اقدامات مرحوم کاشانی

فعالیت های آیت الله کاشانی جهان اسلام و آزادی خواهان و استعمارستیزان را به جوش و خروش واداشت و دل آنان را شاد کرد و ابزاری در مسیر تقریب و همدلی و همزبانی شد. تا بدانجا که نامه سید قطب به آیت الله کاشانی گویای این امید و خروش است:

این روزها به رغم اینکه ابرها و تیرگی ها افق را فراگرفته، اما بارقه های امید دیده می شود. در تمام افق های میهن اسلامی، امید بازگشت به آغوش اسلام پرتوافکننده است؛ بازگشت پاره های از هم گسیخته ای که از بس با روح و تاریخ و آرمان و گرایش های

خود، در پی تبلیغات بیگانه رفته اند، به جان آمده اند. مسلمانان در این روزها، آهسته آهسته به آغوش اسلام و به زیر پرچمی باز می گردند که وقتی از آن چشم پوشیدند، عزت خود را هم باختند. آنها به اسلام باز می گردند و در هر گوشه و کنار جهان، نام آن را با صدای بلند می خوانند و عزت، قدرت و سلامت از قرآن طلب می کنند. چیزی که امروز موجب امیدواری در جهان اسلام شده، همین نکته است. کسانی که امروزه خواستار تشکل و وحدت جهان اسلام در یک جبهه هستند، تنها به روحانیون محدود نمی شوند؛ تنها «إخوان المسلمین» هم نیستند؛ در افرادی که تفکر و اندیشه اسلامی را باور دارند، هم خلاصه نمی شوند. امروزه نه تنها اینان بلکه گروهها، احزاب و شخصیت هایی که اسلام ویژگی بارز و اساسی آنها نیست را هم فرا می گیرد. این خود دلیلی است که امت اسلامی پس از گمراهی و سرگردانی، خود را باز یافته است. و اکنون بدون هیچ فریب و نیرنگی، یک صدا به این سوگرایش پیدا کرده است. امپریالیسم مهم ترین بازی خود را زمانی انجام داد که میهن بزرگ اسلامی را به کشورهایی کوچک با گرایش های ضعیف «ملی» تقسیم کرد و ملیت بزرگ اسلامی، در این کشورها کنار گذاشته شد. استعمار با این کار، اتحاد بزرگی را که اسلام پدید آورده بود، از هم پاشاند؛ اتحادی که در آن نژاد، جنس، رنگ و زبان مطرح نبود، بلکه همگی با یک صدا و برادر وار شعار واحدی سر می دادند.

امپریالیسم، جز این بازی چاره دیگری نداشت؛ زیرا قدرت نداشت تا این تشکل بزرگ و یک پارچه را فرو ببلعد. اما زمانی که بوق فریبنده «ملی گرایی» را به صدا درآورد، گردن بند از هم فرو پاشید و گره باز شد، تشکل از هم گسیخت و به طعمه ای مناسب برای هر کس که می خواهد، مبدل گردید... استعمار غربی می داند که اگر میهن اسلامی یک پارچه شود، چه موقعیت استوار نظامی،

سیاسی و اقتصادی نیرومندی خواهد داشت. امپریالیسم از منابع مادی و انسانی فراوانی که جهان اسلام می تواند فراهم بیاورد، به خوبی آگاه است. برای استعمار کاملاً عیان است که وقتی صد میلیون نفر زیر یک پرچم و در سایه عقیده ای واحد و نظام اجتماعی واحد گرد بیاید، کفه ترازو به نفع اینها سنگین خواهد شد. دنیای سرمایه داری و کمونیسم هر دو از این روز» در هراس هستند. سرمایه داری از این در هراس است و می داند روزی که اسلام زمام امور را در دست بگیرد، اصول اقتصادی مربوط به ربا، احتکار و سودجویی را درهم خواهد ریخت و اقتصاد را بر اساس اصول اسلامی - که در آن رباخواران و محترکین و بهره کشان جایگاهی ندارند - پی خواهد ریخت. می داند اگر حکومت اسلام برقرار شود، جهان پهناوری را که از سواحل اقیانوس اطلس تا کرانه های اقیانوس آرام امتداد دارد، از چنگ اقتصاد بهره کشی او در خواهد آورد و ابتکار توطئه های سرمایه داری را از بین خواهد برد؛ همان گونه که کشورهای بلوک شرقی به نحوی از این توطئه ها نجات یافته اند. در آن صورت، جهان وسیع سرمایه داری، کوچک و محدود خواهد شد. وقتی جهان اسلام از چنگال سرمایه داری غرب برهد، دیگر برای سرمایه داری، چه می ماند؟ اگر این کار صورت بگیرد، سرمایه داری غرب خفه می شود و چونان کالبدی بی جان فرو خواهد افتاد.

امپریالیسم بدین جهت از حکومت و لوای اسلام می ترسد که مبدا میهن اسلامی نیروها و سربازان خود را تجهیز کند و به نابودی سرمایه داری برخیزد. کمونیسم از آن جهت در هراس است که می داند تنها شانس آن برای ادامه حیات در جهان، وجود نابسامانی های اجتماعی و اقتصادی است؛ زیرا کمونیسم در یک جامعه متعادل و متوازی که ثروتها در آن انبار نمی شود، درآمدها کلان نمی گردد، ربا، احتکار و بهره کشی های سرمایه داری وجود

ندارد، میان کارگر و کارفرما ستیز نیست، راهی برای بهره‌کشی کارفرمایان از دسترنج کارگران وجود ندارد، جایی برای ادامه حیات نخواهد داشت.

جامعه‌ای که اسلام به وجود می‌آورد، اگر بر پایه اصول صحیح باشد، جامعه‌ای بی‌طبقه خواهد بود؛ زیرا منافع کارگران با منافع ثروتمندان تضادی ندارد و کارگران در بخشی از سود، شریک هستند و این حق را دارند که سهم خود را، یا بخشی از آن را به صورت سهام کارخانه در بیاورند. در این جامعه، اسراف و تنگ‌دستی هر دو مکروه و حرام است، جامعه‌ای است که ثروتها انبار نمی‌شوند؛ زیرا ربا و احتکار و ظلم در دستمزدها وجود ندارد، جامعه‌ای متوازن است؛ زیرا حکومت مقید است که هرگاه در موازنه ثروتها اختلافی پیش آمد، آن را دوباره تقسیم بندی نماید؛ ای حتی موظف است روش‌هایی برای جلوگیری از پدید آمدن این اختلال - سرمایه‌داری کلان - به کار گیرد. جامعه‌ای است که تمام بخش‌های عمومی آن ملی است و مالکیت عمومی دارد و انحصاری نیست. وقتی جامعه اسلامی بدین منوال باشد، امکان رخنه کردن و کمونیسم در آن ضعیف و غیر ممکن است. به همین دلیل، کمونیسم همانند کاپیتالیسم در اندیشه ستیز با اتحاد اسلام و ایجاد حکومت اسلامی است. کمونیسم به وسیله بوق‌های خود هشدار می‌دهد و همواره سعی می‌کند از ارزش‌های اندیشه اسلامی بکاهد و وانمود کند که زمینه عملی برای اجرای آن وجود ندارد. در این راستا، گام به گام سرمایه‌داری را همراهی می‌کند تا در میان تمام این دشمنی‌ها و تجاوزها، فریاد مشترک از گوشه و کنار جهان اسلام برخاسته که خواستار اتحاد مسلمانان و ایجاد حکومت واحد اسلامی است، و این خواسته آیت‌الله کاشانی رهبر مذهبی ایران است که به روی «سگهای انگلیسی» فریاد می‌زند که نه تنها از ایران، بلکه از جهان اسلام بیرون بروند. او پیمان تشویق و

رهنمودهای خود را برای نخست وزیر مصر می فرستد و در خیابانهای ایران، راهپیمایی هایی به نفع مصر و آرمان عادلانه آن برپا می دارد... این بیداری و هدایت و نور و وجدان تمام امت است که بیدار می شود و راه می گشاید و نور می افشاند. این دعوت، دیگر خواسته ای فردی و دعوت یک هیئت نیست. سروش آسمانی است که دیگر بار به زمین می آید. این همان بارقه های امیدی است که به رغم ابرهای تیره، در افق ها هویدا شده است. (1)

#### اتحاد اسلامی

معمولا در بین عالمان دینی سید جمال الدین اسدآبادی را از پرچمداران اتحاد در زمان قاجار دانسته و پس از وی مصادیقی چون علامه سید عبدالحسین شرف فی الدین عاملی، علامه محمد حسین کاشف الغطاء، آیت الله سید حسین بروجردی و در این اواخر حضرت امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلّه را به عنوان نماد های وحدت گرایی می شناسند. اما در اواخر عهد و قاجار ده ها عالم شیعی اتحاد طلب وجود دارند که از حلقه های مفقوده اتحاد طلبی به شمار می روند و از این جهت در سیره آنان چندین تحقیق صورت نگرفته است. افرادی چون آخوند خراسانی، آقانوّرالله اصفهانی، شیخ عبدالله مازندرانی، شیخ الشریعه اصفهانی، ابن الشیخ مازندرانی و شیخ مهدی خالصی. اتحاد اسلامی مطلب بسیار مهمی است که عواقب عدم توجه بدان قبل از هر کس دامنگیر خود مسلمانان می گردد. علامه سید ابوالقاسم کاشانی یکی از علمای اتحاد طلب و تقریب گرای شیعه است که برای همگرایی مسلمانان و دفع توطئه های بیگانگان همواره در مسیر اتحاد شیعه و سنی گام بر می داشت. چنانکه پدر شهیدش

ص: 120

---

1- فصلنامه تاریخ فرهنگ معاصر، ش 6، 1371، ویژه نامه آیت الله کاشانی، به نقل از: مجله ی فصلنامه رساله الاسلام، ش 951.

مرحوم سید مصطفی کاشی نیز اینگونه روحیه ای داشت. (1) «مجمع مسلمانان مجتهد» که توسط برخی دستیاران کاشانی پایه گذاری و بنیان نهاده شد نیز یکی از اهداف خود را اتحاد جهان اسلام می دانست. دیگر اینکه مرحوم کاشانی در زمان تبعید در بیروت با شخصیت های غیر شیعی نشست و برخاست داشت و همگان را امر به اتحاد می نمود و از دسیسه های استعمار انگلیس علیه اسلام و مسلمین و یکی از ابزار آنان که ایجاد تفرقه بین مسلمین بود پرده بر می داشت. همچنین در مصاحبه با خبرنگاران مشهور و روزنامه های بین المللی و جراید جهان عرب و بیشتر با روزنامه های مصری و لبنانی بر امر وحدت تاکید داشت. وی در اوایل سال 1327 ش که مردم را در تظاهرات علیه اسرائیل بسیج نمود، نابسامانی اسلامی را نتیجه دخالت استعمارگران و زوال روح اتحاد بین مسلمین دانست. وی نسبت به قیام های مردم سنی جهان اسلام علیه استعمارگران همچون قیام مردم مصر و تونس علیه انگلیس و فرانسه دیدی مثبت داشت و آن قیام ها را پشتیبانی و تأیید می کرد. (2) همچنین در زمانی پس از بازگشت از سفر حج، نامه ای به ممالک اسلامی نوشت و برای شرکت در کنگره جهان اسلام و بحث پیرامون اتحاد ممالک اسلامی، درخواست کرد آنان نمایندگان به ایران بفرستند. (3)

ص: 121

---

1- سیاست نامه خراسانی، ص 302. همچنین بنگرید به: اسناد روحانیت و مجلس، ج 1، ص 168، 172 و 207

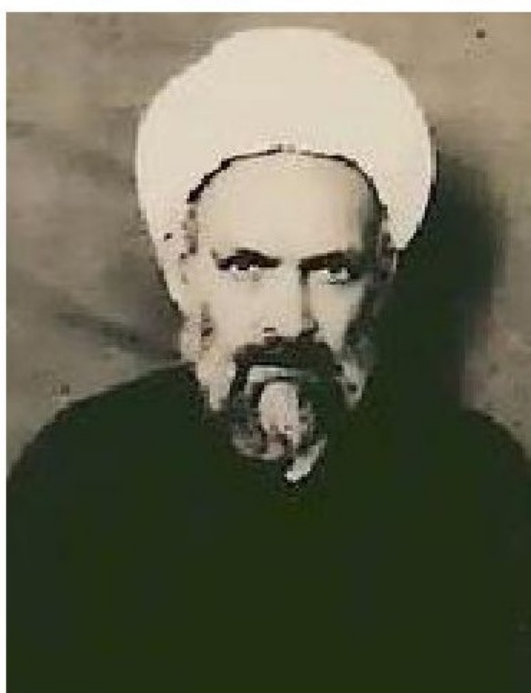
2- مجموعه ای از مکتوبات، سخنرانیها و پیامهای آیه الله کاشانی، م. دهنوی، چاپ اول، ج 2، ص 123

3- ایران اسلامی در برابر صهیونیسم، ص 70 - 73.

## آیت الله شیخ محمد رضا مظفر

(۱۳۲۲-۱۳۸۳ق)

پرچمدار اصلاح و تقریب



زندگی نامه شخصیت علمی

آیت الله شیخ محمد رضا مظفر رحمه الله از دانشمندان شهیر شیعه در عصر حاضر است که دارای اندیشه های بلند اصلاحی و تقریب گرایانه می باشد. وی در سال 1322 ق در نجف دیده به جهان گشود. (1) او در کودکی پدرش را از دست داد ولی در سایه تربیت برادرانش بزرگ شد و مراحل درسی را به سرعت طی نمود و علامت های نبوغ از کودکی در وی هویدا بود. از محضر اساتیدی چون شیخ محمد طه حویزی، برادرش شیخ محمد حسن مظفر، مرحوم غروی اصفهانی، شیخ مرتضی طالقانی، میرزای نائینی، علامه قاضی طباطبایی و... بهره علمی و اخلاقی برد (2) تا بدانجا که خود تبدیل به یکی از ارکان علمی حوزه نجف شد. (3) این عالم ربانی و مجاهد کبیر و تقریب گرای سترگ، در ماه رمضان سال 1383 ق

ص: 122

1- نقباء البشر، آقا بزرگ تهرانی، ج 2، ص 772.

2- اعلام الشیعه، ج 3، ص 1283 و ماضی النجف و حاضرها، ج 3، ص 374.

3- گزیده ای از اندیشه برخی شخصیت های تقریبی، محمد علی تسخیری، ص 268.



و در حالی که هنوز جوامع اسلامی منتظر بهره‌وری بیشتر از درخت دانش و روحیه مبارزاتی وی بودند، رحلت نموده و به سوی حق شتافت. پیکر پاک علامه مظفر را در مقبره خانوادگی شان در نجف اشرف به خاک سپردند.<sup>(1)</sup>

تاسیس نهادی با رویکرد بین‌المللی اسلامی

در سال 1958م عبد‌الکریم قاسم با ظاهری پیشرو و چپ‌نما به حکومت عراق رسید و میدان را برای کمونیست‌ها باز کرد. در نتیجه آن موجی الحادی و مخالف اسلام، سرزمین عراق را فرا گرفت. حوادث دوران حکومت عبدالکریم قاسم، عالمان آگاه و متعهد شیعه را در آن کشور به حرکت وا داشت. آنان ضروری دیدند که برنامه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فکری مکتب اسلام را هماهنگ با نیازهای حیات بشر معاصر عرضه نمایند. بدین گونه، تشکیل «جماعة العلماء في النجف الاشرف» پدید آمد و عالمان بزرگی همچون شیخ مرتضی آل یاسین، شیخ محمد رضا آل یاسین، شیخ محمد رضا مظفر و شهید سید مهدی حکیم (فرزند آیه الله سید محسن حکیم) از اعضای اصلی آن بودند. انتشار مجله «الاضواء» در سال 1961م مهم‌ترین فعالیت فرهنگی جماعه العلماء بود که سر مقاله‌های پنج شماره اول آن تحت عنوان «رسالتنا» به قلم آیه الله سید محمد باقر صدر نگارش یافت. و خواهرش بنت الهدی نیز در این مجله مقالات خود را به چاپ می‌رساند.<sup>(2)</sup> این گروه فقط رویکردی نسبت به عراق نداشتند. بلکه هدف اصلی آنان زیر چتر گرفتن جوامع اسلامی و عربی و از جمله عراق بود و آثار منتشره خود را را نیز به بلاد مختلف ارسال می‌داشتند.<sup>(3)</sup>

ص: 123

- 
- 1- معارف الرجال، ج 2، ص 248 پاورقی.
  - 2- التحرك الاسلامي في العراق، شهید سید محمد مهدی حکیم، ص 21 به نقل از جلد دوم گلشن ابرار. شایان ذکر است که در باب جماعه العلماء کتب متعددی نوشته شده است. از جمله کتابی توسط شهید سید محمدباقر حکیم و کتابی نیز توسط شهید عبدالرحیم محمد علی
  - 3- معارف الرجال، ج 2، ص 247-8، پاورقی.

تاسیس نهادهایی با رویکرد فراملی یکی از اقدامات مرحوم مظفر بود. وی در این راستا «جمعیت منتدی النشر»<sup>(1)</sup> و سپس دانشکده فقه (کلیه الفقه) را بنیان نهاد. چنانکه در ایجاد جماعة العلماء نیز نقش اساسی داشت. یکی از خصوصیات این نهادها ارتباط مکتوب با دانشمندان دیگر کشورها بود. چنانکه در مسافرت شخصیت های علمی و مذهبی و سیاسی دیگر کشورها به نجف نیز ارتباط حضوری بین آنان با مرحوم مظفر و همفکرانش مهیا می شد. نهادهایی را که مرحوم مظفر بنیان می نهاد از تفرقه افکنی به دور بود و سعی در همگرایی مسلمانان و نیز استفاده از ابزار نوین در جهت نشر معارف دینی و رفع شبهات بود. مثلا در ماده چهارم اساسنامه منتدی النشر آمده است که «اهداف منتدی النشر عبارت است از نشر و توسعه ی فرهنگ اسلامی و علمی و اصلاح اجتماعی به وسیله نشر، تألیف، آموزش و ... با استفاده از شیوه های مشروع»<sup>(2)</sup> دو سال پس از تاسیس منتدی النشر مرحوم مظفر دانشکده منتدی را تاسیس کرد و مجاهد کبیر مرحوم علامه بلاغی از استادان این دانشکده بود. اما از حیث مواد درسی و گستره تقریبی باید دانشکده فقه مرحوم مظفر را که در سالیان انتهایی زندگی اش تاسیس شد مد نظر قرار داد. در این دانشکده دروس فقهی به رویکرد تقریبی و مقارن خوانده می شد و اساتید روشن اندیش و تقریب گرایی همچون علامه شیخ محمد جواد بلاغی، شیخ عبدالحسین دشتی و شیخ عبدالحسین حلی در این دانشکده به تدریس می پرداختند. در این دانشکده حدیث و تفسیر و کلام

ص: 124

---

1- «جمعیه منتدی النشر» در چهارم شوال 1353 ق در نجف شکل گرفت و با دریافت مجوز از وزارت داخله عراق در چهارم صفر 1354 فعالیت رسمی خود را آغاز کرد. هدف این مؤسسه دینی دفاع از عقاید و اندیشه های اسلامی در برابر تحولات جدید فکری، گسترش و ترویج فرهنگ اسلامی و علمی، اصلاحات اجتماعی به واسطه نشر، تألیف و آموزش و ... بود. مؤسسان این جمعیت عبارت بودند از: شیخ عبدالهادی حموزی، شیخ محمد جواد قسام، سید محمد تقی حکیم، شیخ محمدرضا مظفر، سید محمدعلی حکیم، سید موسی بحر العلوم، سیدهادی فیاض و سید یوسف حکیم

2- نظام منتدی النشر، ص 23.

و پاره ای از دروس جدید نیز تدریس می گشت و یک زبان خارجه هم آموخته می شد.

#### تالیفات تقریبی و فقه مقارن

مرحوم شیخ محمدرضا مظفر در عرصه تالیف و نگارش از دانشمندان موفق معاصر به شمار می رود. از وی آثار ارزنده ای بر جای مانده است که از همه اثر گذارتر در جهان اسلام، کتاب عقائد الامامیه است. اگر چه کتاب المنطق و نیز اصول الفقه وی در حوزه های شیعه و همچنین برخی کشورهای اهل سنت جزو کتب درسی است، ولی در زمان معاصر و در کشورهای غیر شیعی همچون مصر، هیچ کتاب کلامی شیعی به مانند اصل الشیعه علامه کاشف الغطاء و عقائد الامامیه مرحوم مظفر مورد استقبال قرار نگرفته است. علت این امر نیز بیان مستحکم و لحن مودب و نرم مظفر است. وی به صورت مستدل و به دور از به کاربردن و تعابیر گزنده، مطالب عقیدتی را طوری بیان می کند که باعث نزدیک شدن علمای غیر شیعی به مکتب اهل بیت علیهم السلام شود. همچنین بر زدودن خرافه ها و پیراستن و مذهب از آنها تاکید داشت و چنانکه قبلا نیز گفته شد معتقد به لزوم بیان مطابق مقارن و تطبیقی در عرصه های فقه و کلام و... بود. وی همچنین مقالات متعددی در نشریات مختلف جهان اسلام در ایران و عراق و لبنان و سوریه و مصر می نوشت و با بیان و شیوه نگارشی خاص خود قلوب بسیاری را می ربود و آنان را متمایل به تشیع می نمود و بذر اتحاد و تقریب را در دل بسیاری نیز می کاشت. (1)

#### وحدت اسلامی

مرحوم مظفر به لزوم وحدت اسلامی و تقریب مذاهب هم در محدوده عراق و هم در حیطه جهان اسلام پی برده بود. از این رو از جوانی که موسسه ای در

ص: 125

---

1- نقباء البشر، ج 2، ص 773؛ هکذا عرفتهم، ج 2، ص 25؛ مدرسة النجف، ص 74؛ عقاید الامامیه، مقدمه به قلم طریحی، ص 181. به نقل از گلشن ابرار، ج 2، مقاله شرح حال مظفر.

جهت تبلیغ و ارسال وعاظ و خطبای توانا به صورت برنامه ریزی شده، تاسیس نمود یکی از دغدغه هایش عدم ایجاد تفرقه و نیز لزوم تقویت امر تقریب و اتحاد بود.<sup>(1)</sup> بعدها نیز در آثارش از جمله عقانه الامامیه بر وحدت گرایی شیعه و پیشگامی شیعیان در امر تقریب تاکید کرد. خود نیز در عمل پای بند امر تقریب بود و حتی اگر اثری با نام جنجالی السقیفه نوشته بود، هدفش کاستن از اختلاف نظرها بود. چرا که از دید وی مباحث اختلافی اگر در بستری علمی مطرح شوند نه تنها موجب تفرقه نمی شوند که باعث همگرایی خواهند شد. مصلح بزرگ و تقریب گرای سترگ مرحوم علامه شرف الدین نیز در تقریب بر السقیفه مغلفر او و کتاب و افکارش را می ستاید.<sup>(2)</sup> همچنین شاگردان مرحوم مظفر و اساتیدی که در موسسات وی به تدریس می پرداختند دارای روحیات تقریبی بودند. از شاگردان برجسته و وحدت گرا و تقریبی مرحوم مظفر می توان به حضرات آیات: شیخ عبد الهادی فضللی، سید محمد بحر العلوم، شیخ محمد علی تسخیری و شیخ محمد مهدی آصفی اشاره داشت.

مبارزه با صهیونیسم

چنانکه آثار مرحوم مظفر گواهی می دهد وی با استعمار و صهیونیسم سر ستیز و بسیار داشت<sup>(3)</sup> و در عمل نیز نسبت به تجاوزها و اشغالگری های بیگانگان نسبت به کشورهای اسلامی سخت غضبناک بود. ستم فرانسوی ها بر مردم الجزایر و ظلم اسرائیل غاصب نسبت به مردم مظلوم فلسطین، دیکتاتوری محمدرضا شاه و شیوه حکومت عربستان و ترکیه سخت مظفر را می آزد. او در جنگ 1959م مصر و اسرائیل تلگرافی خطاب به شیخ الازهر فرستاد و همدردی خود را با ملت مصر اعلام کرد.<sup>(4)</sup> او همچنین نسبت به اقدامات شاه ایران در تحت فشار گذاردن

ص: 126

1- هکذا عرفتهم، جعفر الخلیلی، ص 24.

2- السقیفه، محمدرضا مظفر، ص 8 و 9.

3- از جمله بنگرید به عقاید الامامیه و اشعار وی و حتی کتاب المنطقش.

4- مدرسة النجف، ص 87

روحانیت شیعه و ارتباط با اسرائیل و نشر مطالب ضد دینی سخت معترض بود و با اینکه در اوایل نهضت الهی 1342 امام خمینی رحمه الله دار فانی را وداع گفت، ولی او که از شخصیت های اثرگذار در حرکت روحی حوزه نجف بود،<sup>(1)</sup> در همان مدت کوتاه نیز هم صدا با علما و مراجع نجف به دفاع از امام راحل برخاست و از روحانیت ایران دفاع نموده و کشتار مردم و طلاب را تقبیح کرد و ضمن صدور اطلاعیه های متعدد، از جمله مخالفت خود را با تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی اظهار داشت.<sup>(2)</sup>

ص: 127

---

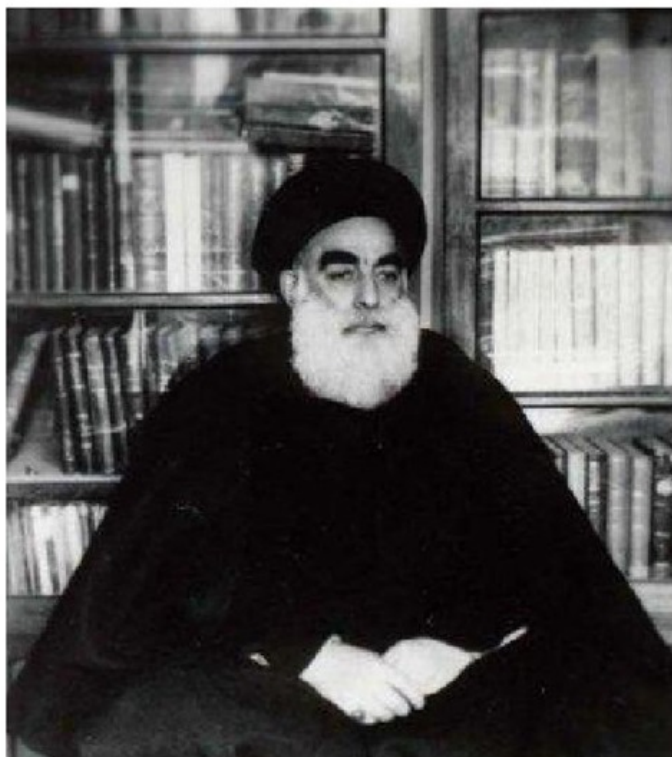
1- نخباء البشر، ج 2، ص 773.

2- اسناد انقلاب اسلامی، ج 2، ص 41، 65 و 66، 77 و همچنین بنگرید به نهضت روحانیون ایران از مرحوم علی دوانی.

آیت الله سلطان الواعظین شیرازی

(۱۳۱۴-۱۳۹۱ ق)

قهرمان گفتمان علمی - دینی



زندگی نامه و شخصیت علمی

دانشمند توانا و متکلم برجسته علامه سید محمد موسوی شیرازی رحمه الله معروف به سلطان الواعظین در سال 1314 قمری در شهر تهران دیده به جهان گشود. در عصر زندیه و ابتدای قاجاریه یکی از سادات شیراز با نام سید حسن واعظ شیرازی به تهران هجرت نموده و در این شهر به انجام وظایف دینی مشغول می شود. نوه وی سید علی اکبر اشرف الواعظین شیرازی (1) از وعاظ شهیر تهران بود که تا انتهای زندگی (1351 ق) به همراه خاندان خود در این شهر باقی می ماند. سید محمد فرزند وی است و تحصیلات مقدماتی را در تهران طی نموده، سپس راهی عتبات شده و دروس دینی را نزد علمای اعلام آن نواحی فراگرفت. پس از آن راهی شهر مقدس قم شده و در این شهر به تکمیل تحصیلاتش می پردازد.

ص: 128

از اساتید وی در نجف و کربلا و قم می توان به بزرگانی چون سید علی شهرستانی، شیخ عبدالله مامقانی، شیخ عبدالکریم حائری، سید محمد حجت کوهکمری و شیخ محمدعلی شاه آبادی اشاره داشت. (1) سلطان الواعظین دارای اجازات روایی متعددی است و بزرگان دین وی و اخلاق و دانش وافرش را بسیار ستوده اند. (2) او در سال 1356 ق راهی تهران شد و با قلم و بیان خود در راه تحکیم قواعد مذهب و دفع شبهات دینی و مذهبی کوشا و ساعی بود. این دانشمند پرهیزگار و خوش محضر در طی ده ها سال موفق به نگارش آثار متعددی گشت و بسیاری از شبهه ها را از اذهان زدود و افراد انبوهی نیز به سبب بیان قوی و یا قلم توانای وی به مذهب تشیع گرویدند. معروف ترین اثر سلطان الواعظین کتاب «شب های پیشاور» است که بیش از هفتاد بار توسط ناشران مختلف به طبع رسیده و از بهترین کتب کلامی شیعه برای طیف عموم می باشد. (3) این مجاهد کوشا و عالم خستگی ناپذیر عاقبت در شعبان 1391 ق (برابر مهرماه 1350 ش) در تهران دیده از جهان فرو بست و پیکر پاکش به قم حمل گشت و در قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد. (4)

ترویج مذهب در خارج از مرزهای ایران

سلطان الواعظین پس از سال های تحصیل در تهران و عتبات و قم به درجات والایی از علم و دانش دست یافت. ولی وی در میانه تحصیل و پس از آن برای نشر معارف دینی و دعوت مردم به گزینش آیین دقیق و صحیح به سلسله مسافرت هایی به شرق و غرب آسیا و شمال آفریقا دست زد و هدف وی

ص: 129

---

1- ستارگان حرم، ج 1، ص 145 و 146 و تربت پاکان قم، ج 2، ص 1667.

2- شبهای پیشاور، ج 21، ص 139 و 1018 تا 1032.

3- چند سال قبل تالیفی سست و پر مغلطه با بیانی نازیبا در رد شب های پیشاور نوشته شد که بیش از پیش بر استدلال گریزی و حقیقت ستیزی مزدوران قلم به دستی مهر تایید می زند که خود را سنی نامیده، ولی در حقیقت در پی فتنه انگیزی و تفرقه بین برادران شیعه و سنی هستند. نام کتاب مضحک یاد شده «روزهای پیشاور» است.

4- ستارگان حرم، ج 9، ص 151 و تربت پاکان، ج 2، ص 1672.

ترویج مذهب امامیه و تقویت دین اسلام بود. یکی از سفرهای اصلی وی سفر به هند بود که در شهرهای مختلف شبه قاره مورد استقبال فراوان قرار گرفته و با افراد مختلفی از شیعه و سنی و قادیانی و برهمایی و مسیحی و یهودی و بهایی و بت پرست و... به بحث نشست و ذهنیت دسته هایی از آنان را نسبت به حقیقت دین و مذهب روشن می ساخت.

سلطان الواعظین علاوه بر هند، به مصر، اردن، فلسطین، لبنان، سوریه و عراق نیز سفرهایی داشت. چنانکه در طول سفر نیز چه سفرهای زمینی و چه سفرهای دریایی در زمینه ارتباط با صاحبان مکاتب و مذاهب و ادیان مختلف کوشا بود و نتایج شگرفی بر اقدامات وی در سفرهای زیارتی، علمی و مباحثه ای مترتب بود.

#### مناظره های دینی

سلطان الواعظین در سفرهای خود همواره در مسیر کشف حقیقت و تبیین آن قدم بر می داشت و یکی از اقدامات مهم وی در سفرهایش، پرداختن به مناظره بود. مشرب او اینگونه بود که ابتدا به ساکن وارد مناظره نمی شد و سعی داشت از وی دعوت به مناظره شود. وی هنگامی که در هند بود در باب کامل بودن دین اسلام سخن می گفت و ادیان زمینی و ساختگی را نیز به صورت مستدل و با بیانی نرم رد می نمود. همین باعث شد تا حضور وی در هند بسیار زود در بین همگان منتشر شود و در یکی از مقاطع زمانی حضور وی در هند، از دهلی نو دعوت نامه ای به وی رسید تا در جلسه مناظره با علمای هند شرکت جوید. جالب اینکه رهبر آزادیخواه هند یعنی ماهاتما گاندی نیز در برخی جلسات مناظره شرکت جست و بیان مقتدرانه و قوت سخنان سلطان الواعظین را مشاهده نمود. (1)

ص: 130



مرحوم شیرازی در این سلسله مناظرات سرافراز بیرون آمده و تمامی علمای بت پرست و برهمنی و معتقدان به قادیانی گری و بهائیت و مذاهب ادیان ساختگی را شکست داد. اما مهمترین و مشهورترین مناظره وی با برخی از علمای اهل سنت بود که تقاضای مناظره با شیرازی را داشتند. این مناظره چندین شب به طول انجامید و حضار جلسه که اعم از سنی و شیعه بودند مشاهده کردند که در تمامی جلسات مناظره و نیز در عاقبت امر این سلطان الواعظین بود که توانست حقانیت شیعه را بر مخالفان روشن گرداند و عده ای از سنیان نیز در همان جلسات به مذهب شیعه گرویدند. این مناظره در رجب سال 1345 قمری و در زمانی که سلطان الواعظین تنها 31 سال داشته انجام می گیرد و استدلال های محکم و استنادهای بسیار به منابع اهل سنت و جواب های تقضی و حلی متعدد و وسعت حیرت انگیز اطلاعات سلطان الواعظین در هر جلسه بیش از پیش بر همگان روشن می گشت. محتوای جلسات این مناظره در روزنامه های محلی چاپ می شد و بعدها در کتابی با نام شبهای پیشاور مضمون و وقایع و سخن های رد و بدل شده در جلسه، یکجا منتشر گشت.

البته مناظرات سلطان الواعظین منحصر به این دو مناظره نبود و وی در سفرهای متعدد خود مناظره های فراوانی را انجام داده و با استفاده از بیان نرم و مستند و مستدل خود توانسته بود در روشن گری توفیق بسیاری کسب نماید. چنانکه در چند دهه اخیر زندگی خود در تهران نیز همین گونه بود و به مناظره حضوری یا غیابی (مکتوب) می پرداخت. توانایی بسیار وی در مباحث علمی باعث شده بود که برخی افراد چون احمد کسروی که به خیال خود «پاک دینی»<sup>(1)</sup> را بنیان نهاده بود، از مناظره نمودن حضوری با سلطان الواعظین طفره رفته و به شدت از این امر هراس داشته باشد. چند نمونه دیگر از مناظرات سلطان

ص: 131

---

1- پاک دینی نهضتی اجتماعی-سیاسی با انگیزه زدودن دین های رایج در ایران و سوق دادن مردم به سوی اندیشه های کسروی که وی آنها را پاک دینی می خواند، بود. او در کتاب «ورجاوند بنیاد» مبانی این جنبش و نهضت خویش را تشریح نموده است.

سلطان الواعظین بیش از سی جلد کتاب و صدها مقاله از خویش بر جای نهاده است. نگاهی به محتوای آثار چاپ شده و فهرست آثار مخطوط وی نشان می‌دهد که او دغدغه بزرگی در مسیر دفع شبهات دینی و نشر معارف حقیقی دینی و مذهبی داشته است. به ویژه در دو دهه ای که پهلوی اول در شبهه افکنی تلاش بسیار نموده و به قول سلطان الواعظین (و با اشاره به سخن سعدی شیرازی) دولت، سگ را رها و سنگ را ممنوع کرده بود، حجم شبهات بسیاری بر دین اسلام و به ویژه بر ضد مذهب تشیع منتشر گشته بود. از این رو مرحوم شیرازی همواره در مسیر تقویت مبانی دینی مسلمانان و بنیان‌های مذهبی شیعیان کوشش می‌نمود. معروف‌ترین اثر ایشان چنان که اشاره رفت شبهای پیشاور است و وی این اثر را به امر آیت الله سید حسین بروجردی منتشر کرده است. (2) شبهای پیشاور علاوه بر قوت استدلال دارای نثری ساده و همه‌فهم است و اغلاق پاره ای از آثار کلامی و عقیدتی را دارا نیست و خود مرحوم شیرازی را نیز بر لزوم ساده نوشتن در این دست تالیفات تأکید دارد. (3) از روی این اثر در سالیان اخیر برنامه ای رادیویی نیز ساخته شده که جذابیت خاص خود را دارد. همچنین کتاب یاد شده به برخی زبانهای دیگر نیز ترجمه شده و به هر زبانی که ترجمه شده تأثیر شگرفی در بر داشته است. «گروه رستگاران» دیگر اثر مرحوم شیرازی است که جوهره اصلی آن اثبات حقانیت تشیع است. مولف در این اثر به مانند شب‌های پیشاور به زدودن شبهات و تهمت‌های مطرح شده پیرامون مکتب نورانی شیعه از قدیم تا دوران معاصر می‌پردازد و از فتنه‌ها و خباثت‌های

ص: 132

1- گزارش برخی از این مناظرات را ببینید در: صد مقاله سلطانی، ص 114 183 و 131.

2- گنجینه دانشمندان، ج 2، ص 376.

3- شب‌های پیشاور، ص 9.

قلم به دستان مزدوری که در راه منویات استعمار و ایجاد تفرقه و شکاف بین مسلمین گام بر می دارند، سخن گفته و لزوم احتزار و بصیرت نسبت بدانها را یاد آور شده است. مرحوم شیرازی معتقد بود با استفاده از نصوص دینی روشن و دلایل عقلی محکم بر حقانیت مذهب تشیع باید استدلال نمود نه اینکه با تمسک به اقدامات برخی غافلان و جهال و پاره ای اقدامات عوام منشانه چون قمه زنی مذهب شیعه را رد کرد. «صد مقاله سلطانی» اثر دیگری از مرحوم شیرازی است که در پی اثبات حقانیت اسلام و اصالت قرآن و رد ادیان دیگر است. البته در بخش های زیادی از کتاب عقاید روشن و پاک شیعیان مورد بحث قرار گرفته است و این اثر نیز حاکی از اطلاعات گسترده و قوت علمی نویسنده است. اصل کتاب جمع سلسله مقالاتی است که سلطان الواعظین در نشریه پرچم اسلام منتشر می ساخت و البته وی در برخی نشریات و روزنامه ها و مجلات دیگر نیز از نوشتن مقاله دریغی نداشت. مجموعه سلطانی، عقاید سلطانی، راهنمای اهل توحید، معراجیه، راه سعادت و اثبات الحججه برخی دیگر از آثار سلطان الواعظین است که در آنها در باب توحید، نبوت، امامت، معاد، اخلاق، اعتقادات فرعی و ... سخن گفته است. اما نیم نگاه اصلی وی همواره در تالیفاتش به مذهب مقدس و نورانی تشیع بوده که منطقی ترین و واقعی ترین تفسیر از دین اسلام را ارائه می دهد. تسلط و تخصص واقعی مرحوم شیرازی نیز در باب اعتقادات، مربوط به مقوله امامت می باشد. معروف است که وی می فرموده است: «اگر تمام کتب شیعه هم از بین برود، بنده می توانم با اتکا به کتب و منابع عامه، خلافت و ولایت حضرت امیر علیه السلام را اثبات بنمایم.» خلاصه اینکه وی در طی بیش از نیم قرن در راستای ترویج معارف اصلی دینی و مذهبی با زبان و دست خویش به فعالیت مشغول بود و حتی در چند سال انتهای زندگی که بر اثر بیماری خانه نشین بود، باز هم آثار علمی ارزنده ای در همان مسیر مذکور نگاشت. (1)

ص: 133

مرحوم سلطان الواعظین شیرازی یکی از عالمان وحدت گرای معاصر است که با جدیت در رفع کدورت میان مذاهب و روشنگری نسبت به همزیستی مسالمت آمیز تاکید دارد.<sup>(1)</sup> اما وی عقیده دارد که وحدت گرایی به معنای دست کشیدن از عقاید یا تعطیلی اعمال و مراسم مذهبی نیست، بلکه باید فضا به گونه ای باشد که از تشنج و غوغاسالاری دور نگه داشته شده و در عین حال بحث های مذهبی در محیط های صمیمی و جدی مطرح بوده و رواج داشته باشد. از طرفی به فتنه گران و تفرقه افکنان نیز مجال فعالیت داده نشود. چون وجود همین افراد در راستای جهت دلخواه استعمارگران برای نفوذ بیشتر بر ممالک اسلامی و نیز رواج شایعه های بی پایه و کینه افکنی میان برادران مسلمان است. نهایتاً اینکه مرحوم شیرازی تقریب را فقط یک راهکار در جهت خنثی نمودن و توطئه های بیگانگان ندانسته و به آن به عنوان راهکاری در مسیر رفع برداشت های غلط فرقه های مذهبی نسبت به هم می داند. طبق همین دیدگاه است که انتشار کتاب هایی چون شب های پیشاور را نه تنها مخجل به امر تقریب ندانسته که آن را ابزاری در جهت تعمیق تقریب و همگرایی می داند و جالب اینکه مرحوم آیت الله سید حسین بروجردی نیز که از تقریب گرایان اصلی شیعه در عصر معاصر است، نه تنها با انتشار کتاب مذکور مخالفی نداشته که خود از تشویق کنندگان اصلی سلطان الواعظین شیرازی در این امر است.<sup>(2)</sup>

ص: 134

---

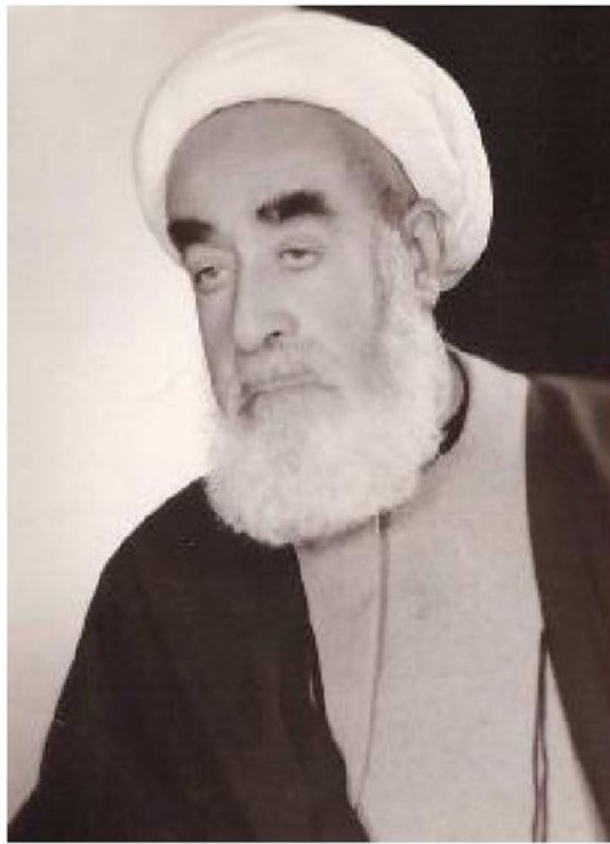
1- ر.ک: شبهای پیشاور، ص 11، 24، 26، 39. وی همچنین به آسیب شناسی اتحاد و وحدت در برخی شاخه های آن نیز می پردازد که جالب توجه است.

2- شبهای پیشاور، ص 5.

## آیت الله میرزا ابوالقاسم محمدی گلپایگانی

(۱۳۲۵-۱۳۹۹ق)

### اولین نماینده آیت الله بروجردی در اروپا



#### شخصیت علمی

آیت الله شیخ ابو القاسم محمدی گلپایگانی رحمه الله فرزند میرزامهدی گلپایگانی است که در سال 1325ق، متولد شد. پدر او از بزرگان گلپایگان به شمار می رفت که در محضر آخوند خراسانی تحصیل کرده، موفق به دریافت اجازه اجتهاد از آن مصلح بزرگ شده بود. ایشان پس از فراگیری مقدمات و سطوح حوزه در سال 1307ش، راهی عتبات شد و در نجف اشرف از محضر بزرگانی همچون میرزا ابوالحسن مشکینی، سید ابو الحسن اصفهانی و آقا ضیاء الدین عراقی بهره برد. وی که موفق به کسب اجازه اجتهاد شده بود، در سال 1314ش رهسپار ایران شد و حدود شانزده سال به انجام وظایف تبلیغی و روحانی خویش و دفع شبهه ها مشغول بود. سرانجام او در سال 1399ق، در 74 سالگی وفات یافت و در قم مدفون گشت. شایان ذکر است که آن عالم فقیه، پدر حجت الاسلام والمسلمین

غلامحسین محمدی گلپایگانی، معروف به محمد محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلّه است. (1)

مبارزه با استعمار و مظاهر آن

یکی از راه های نفوذ استعمارگران تمسک به واژگان عوامفربانه و بهره برداری از خرافات، ایجاد تفرقه و فرقه سازی است. آیت الله محمدی از دسیسه های متنوع استعمار آگاه، و ضمن مخالفت با مظاهر متعدد آن، از نفوذ استعمار در ایران و کشورهای اسلامی نگران بود و دیگران را از توطئه های استعمار آگاه می ساخت. او در نوشته های خویش مانند تفسیر قرآن، (2) یا رساله هایش در رد بایه و بهائیه، به تفرقه انگیزی استعمار اشاره کرد و ضدیت خویش را با این موج خبیث که باعث فساد جهان شده، ابراز نمود.

آشنایی با زبانهای خارجی

میرزا ابو القاسم گلپایگانی زمانی که اقبالی خاص به یادگیری زبان های بیگانه در حوزه ها وجود نداشت، در کنار تحصیل علوم دینی در نجف اشرف، زبان خارجی انگلیسی را آموخت، به طوری که به زبان انگلیسی با فصاحت و تسلط سخن می گفت و همین ابزاری برای پیروزی او در عرصه تبلیغ بین الملل و آگاهی از نیازهای مردم زمان شد.

هجرت به اروپا

آیت الله محمدی گلپایگانی عالمی دانا و بینا بود و همانطور که گفته شده بر زبان انگلیسی نیز تسلط داشت. وی به توصیه آیت الله بروجردی راهی اروپا و کشور آلمان شد و مرکزی اسلامی را در بهترین نقطه هامبورگ آلمان به معاونت

ص: 136

1- رضا استادی، دانشمندان گلپایگان، ج 2، ص 313 - 316.

2- تفسیر «جرعه ای از زلال قرآن» اثر این مفسر بزرگوار که تفسیر 21 سوره از قرآن کریم یعنی از سوره اسراء تا سوره صافات را در بر دارد

ابتدایی مرحوم محمدی گلپایگانی تدارک دیده شد(1) ولی پس از حدود سه ماه، حکومت وقت آلمان غربی به بهانه ای بیهوده، ایشان را از آن کشور اخراج کرد.(2) پس از بازگشت وی، آیت الله بروجردی به دنبال یک مبلغ بزرگ و شخصیتی مناسب و برخاسته از حوزه علمیه قم بود، که مرحوم محقق لاهیجی را انتخاب کرد.(3) اندیشمند بزرگ آیت الله محمدی گلپایگانی توانست در مدت اقامت در هامبورگ، به خوبی اندیشه های بلند و آرمان های اصولی و ارزشمند اسلام ناب و معارف مکتب پویای علوی را با قدرت استدلال و به شیوه ای نو ترویج و تبلیغ کند؛(4)

دیدار با شخصیت های بین المللی

یکی از برنامه های مرحوم محمدی گلپایگانی در اروپا دیدار با شخصیت های بین المللی و نشست و برخاست و گفت و گو با آنان بود. وی افزون بر انس با مردم، ی درباره مسائل مختلف سیاسی و دینی با بزرگان دیگر مذاهب اسلامی یا شخصیت های دیگر ادیان و یا افراد غیر متدین به دیانت خاصی گفت و گو، و ویژگی مکتب اهل بیت علیهم السلام و دین مبین اسلام را شرح می داد. فایده این کار کاهش حجم شبهه های فکری در اذهان مردم، اعم از خواص و عوام و نیز ترویج معارف اسلام و تشیع بود.(5)

نگرش تقریبی

آیت الله میرزا ابوالقاسم محمدی گلپایگانی رسالت اسلام را جهانی می دانست و با توجه به آگاهی از حربه تفرقه انگیزانه استعمار، معتقد بود که باید از اختلافات

ص: 137

1- نامه آستان قدس، ش 14، اردیبهشت 1342، ص 77 و 91؛ آینه دانشوران، ص 479 - 484

2- عبدالحسین جواهر کلام، تربت پاکان قم، ج 1، ص 283؛ مدت چند سال برای اقامت و امامت وی در اروپا گفته شده، ولی فرزند ایشان آن مدت را حدود سه ماه می داند (دانشمندان گلپایگان، ج 1، ص 160).

3- علی دوانی، مفاخر اسلام، ج 12، ص 463

4- جله مبلغان، شهریور 1382، ش 44، ص 119.

5- ابوالقاسم گلپایگانی، جرعه ای از زلال قرآن، ج 3، مقدمه.

کاست و با ارج نهادن به نقاط مشترک و نورانی دین اسلام، در زمینه اتحاد مسلمانان و تقریب مذاهب گام برداشت و سپس در رد توطئه های بیگانگان و نیز جهانی سازی اسلام کوشید. وجود روحیه والای آیت الله محمدی گلپایگانی سبب شد آیت الله بروجردی ایشان را در مقام نمایندگی خود به اروپا بفرستد؛<sup>(1)</sup> زیرا تنها داشتن منش اجتماعی مناسب و دانستن زبان خارجی برای اعزام مبلغ کافی نیست، بلکه اثرگذاری او نیز مهم است. یکی از اصلی ترین عوامل اثرگذاری در جایی با مذاهب و ادیان مختلف، داشتن روحیه تقریبی و وحدت گرایانه است. دولت وقت آلمان آیت الله محمدی گلپایگانی را از آن کشور اخراج کرد و آن عالم ربانی نتوانست چنان که باید در اروپا اثرگذار باشد،<sup>(2)</sup> ولی بنیان گذار روش ها و شیوه های مناسبی در ترویج مکتب نورانی تشیع بود که افراد و مبلغان پس از او پیگیر آن شدند. آن جناب خود نیز پس از بازگشت به ایران به وظایف روحانی خویش و بصیرت دهی به مردم پرداخت. از دیگر جلوه های تقریبی مرحوم و محمدی گلپایگانی سلسله مقالاتی است که در مجله دعوت اسلامی نگاشت. این مقالات نشانگر دیدگاه گسترده و نگرش جهان شمول او به دین مبین اسلام و مکتب نورانی تشیع بود.

ص: 138

---

1- دانشمندان گلپایگان، ج 1، ص 160.

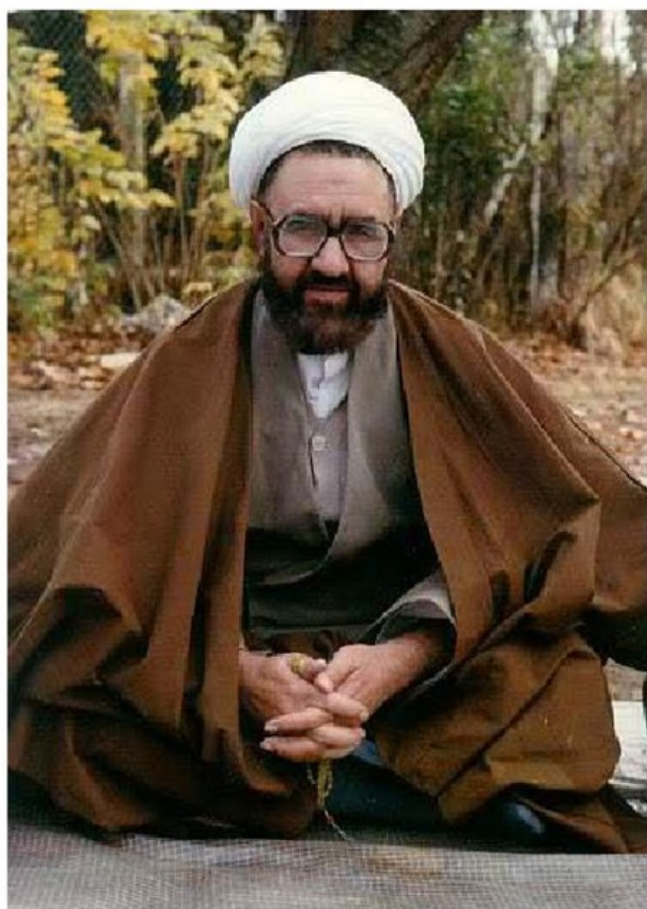
2- البته شیخ محمد محقق لاهیجی نقل می کند که با توجه به نقش آفرینی مثبت مرحوم محمدی، عوامل کلیسا مقدمات اخراج ایشان را فراهم ساختند.



## آیت الله شهید مرتضی مطهری

(۱۲۹۸-۱۳۵۸ ش)

اسلام شناس کم نظیر



زندگی نامه و شخصیت علمی

استاد شهید شیخ مرتضی مطهری رحمه الله از دانشمندان و متفکران برجسته شیعه در عصر حاضر به شمار می رود. وی در سال 1298 ش در فریمان خراسان دیده به جهان گشود. در مشهد و قم درس خواند و سپس به تهران هجرت نمود و تا پایان زندگی در این شهر ماندگار شده و منشأ اثرات و خدمات بسیاری شد. از اساتید ایشان می توان به آیت الله سید حسین بروجردی، علامه طباطبایی و امام خمینی اشاره کرد. هیچ متفکر و اندیشمند معاصری در زمان کنونی به اندازه شهید مطهری دارای آثار متنوع در موضوعات تفسیر قرآن، کلام، تاریخ، فلسفه و ... و چند جانبه و در عین حال صاحب بیانی شیوا و متقن نیست. آثار این استاد گرانقدر به ده ها زبان زنده دنیا ترجمه شده و موجب راه یابی هزاران تن به حقیقت اسلام ناب و مکتب نورانی تشیع شده و می شود. استاد مطهری 90 روز



پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران توسط گروه منحرف فرقان(1) به شهادت رسید و پیکر پاکش را در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپردند.(2)

تأکید بر فراگیری زبان های بین المللی برای تبلیغ معارف اسلامی

شهید مطهری معتقد بود که باید زبان های روز را دانست و تبلیغ معارف دینی را با زبان روز انجام داد.(3) همچنین استاد مطهری که مدت ها آرزوی تأسیس مؤسسه ای علمی - فرهنگی را داشت تا بتواند جوابگوی نیازهای فکری جامعه ایران و حتی دیگر جوامع باشد و به نشر و تبلیغ معارف عالی اسلامی بپردازد، در سال 1349 ش به کمک چند تن از دوستانش مؤسسه حسینییه ارشاد که فعالیت هایش علاوه بر داخل کشور، رویکرد بین المللی هم داشت، را تأسیس کرد.(4)

ترجمه آثار به زبان های زنده دنیا

مجموعه نوشتارها و خطابه های استاد شهید از جایگاه بلند و ویژه ای برخوردار است و برای همین است که در میان علما و اندیشمندان و محققان اسلامی بیشترین ترجمه ها به زبان های خارجی به آثار شهید اختصاص یافته که حجم قابل توجهی است. آنچه که مترجمان و ناشران خارجی و ناشران بین المللی در داخل کشور و نمایندگی های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور را واداشت که به ترجمه این کتاب ها همت بگمارند همانا احساس نیاز و

ص: 140

---

1- مفاخر اسلام، ج 12، ص 368 تا 371.

2- گلشن ابرار، ج 2، ص 806 تا 812

3- پاسدار اسلام، ش 209، اردیبهشت 1378؛ رضا باقی زاده: ماهیت و عوامل انقلاب اسلامی ایران و شرط تداوم آن از منظر استاد شهید مطهری.

4- مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج 1، ص 10 و سیری در زندگانی استاد مطهری، ص 98 و 114. البته به دلایلی بعدها ارتباط استاد با این موسسه قطع شد.

ضرورت به این آثار در کارهای فرهنگی و علمی بود که می توانست بخش زیادی از خلأهای موجود را مرتفع کند و منشایی برای تحولات فکری در این زمینه باشد. این آثار تقریباً به اکثر زبان های زنده دنیا ترجمه شده است، مانند انگلیسی، عربی، اردو، ترکی استانبولی، ترکی آذربایجانی، روسی، آلمانی، فرانسه، اسپانیولی، ایتالیایی، چینی، هندی، تایی، مالایی، اندونزیایی، تامیلی، بنگالی، هندی، صربی و کروات، بوسنیایی، سوئدی، آلبانیایی، بلغاری، تاجیکی، قزاقی، قرقیزی، ازبکی، ارمنی، فیلیپینی، ترکمنی، سواحلی، هوسایی، گجراتی، پشتو، کروات و زبان های دیگر که هر یک بخش مهمی از زبان مخاطبان خارجی در حوزه های مختلف فرهنگی در جهان را تشکیل می دهند.

#### وحدت اسلامی

شهید مطهری از طرفداران وحدت بین طوایف اسلامی و تقریب مذاهب بود. وی شخصیت های مصلحی چون آخوند خراسانی، شرف الدین عاملی و آیت اسید حسین بروجردی را از این جنبه بسیار می ستود و عقیده داشت در جهان معاصر برای اینکه اسلام بتواند به پیشرفت خود ادامه دهد و توطئه های شرق و غرب علیه اسلام و مسلمین خنثی شود، باید مقوله اتحاد مذاهب و تقریب مذهبی تقویت شود. استاد مطهری پیرامون اتحاد و تقریب قائل به مراعات حریم دو سویه توسط اهل تشیع و اهل تسنن می باشد. وی می فرماید: «آنچه که در مسئله ائتلاف یا اتحاد میان شیعه و سنی مطرح است، ما نباید مطالبی را بیان کنیم که موجب جریحه دار شدن عواطف و احساسات اهل سنت شود. آنها هم نباید مطالبی را مطرح کنند که عواطف و احساسات شیعه را جریحه دار کند. مباحث علمی، سر و کارش با عقل است نه با احساسات»<sup>(1)</sup> وی عقیده داشت که علاوه بر ادعای گفتاری وحدت، باید در عمل نیز وحدت گرا بود و از کنگره حج استفاده بهینه نمود و اجلاس های بین المللی بر پا نموده و نسبت به تاکید بر اشتراکات

ص: 141

---

1- امامت و رهبری، شهید مطهری، ص 21.

اصرار داشت. (1) همچنین هر دو مذهب شیعه و سنی باید با تندیها مقابله کرده و نسبت به زدودن خرافات مذهبی که از عوامل ایجاد تفرقه و عدم همگرایی است، کوشا باشند. به تعبیر آیت الله محمدعلی تسخیری: شهید مطهری در طول زندگی خویش علیه چهار جبهه مبارزه کرد: 1- جبهه ظلم که به خاطر بقا و استمرار خود تلاش زیادی می کرد. 2- جبهه کفر و الحاد آشکار که تصویر دیگری از جبهه اول بود و می کوشید تا با ظاهری انقلابی بر مردم حکومت نماید. 3- جبهه شرک جدید که در لباس اسلام ظاهر شده بود و همین جبهه بود که او را به شهادت رساند. 4- جبهه تفرقه و از هم گسستن وحدت اسلامی (2)

مدح از تقریب علمی و دارالتقریب مصر

شهید مطهری همواره از اقدامات مرحوم شیخ محمدتقی قمی و رویکرد و تقریبی وی و اقدامات امثال علامه شلتوت به نیکی یاد می کرد و این گونه منش و روش را به سود جهان اسلام می دانست. (3) همچنین عقیده داشت که در کنار وحدت اسلامی و تقریب مذهبی، باید در شاخه تقریب علمی و فقه مقارن و بلکه کلام مقارن نیز باعث همگرایی بیشتر مسلمین شد. از این رو خود، گاه در میان تدریس یا نوشته هایش رویکرد تقریب علمی را پیش گرفته و انسانهای منصف و غیر معاند با مطالعه این دست نوشته های شهید مطهری حق را یافته و از استدلال محوری، بیان نرم و لحن جذاب و گیرای شهید مطهری لذت می برند.

ارتباط با اندیشمندان خارجی

شهید مطهری عقیده داشت در جهات علمی باید حقیقت هر مذهب و دین و مکتب را از معتقدان به آنها درخواست نمود و سپس نسبت به اظهار نظر آنان به

ص: 142

1- ر.ک: مقاله دکتر محمد علی آذر شب در همین زمینه در «کیهان فرهنگی»، تیر و مرداد 87، شماره 261 و 262

2- گزیده ای از اندیشه برخی شخصیت های تقریبی، محمد علی تسخیری، ص 252.

3- مجموعه آثار شهید مطهری، ج 20، ص 154 و 155.

بحث و مناظره پرداخت. همچنین صاحب مکاتب و مذاهب و ادیان مختلف باید با هم به گفتگو نشستند و پیرامون حقایق هستی و اجتماعی و زیست بشر بحث نمایند. از این رو آقای «ایزوتسو» استاد ژاپنی در مدرسه سپهسالار با استاد مطهری و اساتید دیگر بحثهای زیادی کردند. زمانی که در تهران موقعیت تقابل اندیشه های اسلام و مسیحیت مهیا شد، در کنار دو محور اصلی جلسات مستمر مناظره ای تهران که علامه طباطبایی و پرفسور هانری کربن بودند، کسان دیگری همچون سید جلال آشتیانی، یحیی انصاری دارابی، مرحوم صائین قلعه ای، شهید مطهری و عده ای از دانشگاهیان نیز در این محفل حضور یافته و استفاده علمی برده و بر غنای علمی مجلس نیز می افزودند. (1)

#### دفاع از مردم فلسطین

به رغم عدم همسانی مذهبی بین فلسطینیان و شیعیان، مشاهده می شود که در قرن اخیر در میان مذاهب اسلامی بیشترین دفاعی که از فلسطین و فلسطینیان صورت گرفته توسط علمای شیعه بوده است. شهید مطهری نیز به جد معتقد به دفاع از حقوق مغضوب فلسطینیان بود و تفاوت مذهبی را مانعی در این راه نمی دید. وی می فرمود: «والله و بالله ما در برابر این قضیه مسئولیم. به خدا قسم مسؤولیت داریم. به خدا قسم ما غافل هستیم. والله قضیه ای که دل پیغمبر اکرم را امروز خون کرده است، این قضیه است. داستانی که دل حسین بن علی را خون کرده، این قضیه است. اگر می خواهیم به خودمان ارزش بدهیم، اگر می خواهیم به عزاداری حسین بن علی ارزش بدهیم، باید فکر کنیم که اگر حسین بن علی امروز بود و خودش می گفت برای من عزاداری کنید، می گفت چه شعاری بدهید؟... اگر حسین بن علی علیهماالسلام بود می گفت: اگر می خواهی برای من عزاداری کنی، برای من سینه و زنجیر بزنی، شعار امروز تو باید فلسطین باشد.» (2) وی معتقد بود که «قضیه فلسطین مربوط به دولتی از دولتهای اسلامی هم نیست؛

ص: 143

1- درباره علامه سید محمد حسین طباطبایی، سید هادی خسروشاهی، ص 132.

2- مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج 17، ص 289 تا 291.

مربوط به یک ملت است، ملتی که او را به زور از خانه اش بیرون کرده اند. تاریخچه فلسطین چیست؟ مدعی هستند که در سه هزار سال پیش دو نفر از ما (داوود و سلیمان) برای مدت موقتی در آنجا سلطنت کرده اند. تاریخ را بخوانید؛ در تمام این مدت دو سه هزار ساله، کی بوده است که سرزمین فلسطین به یهود تعلق داشته است؟ کی بوده است که بیشتر سرزمین فلسطین مال ملت یهود باشد؟»(1)

به همین سبب استاد مطهری در سال 1348ش به همراه علامه طباطبایی و سید ابوالفضل زنجانی، حسابی بانکی تاسیس نمودند تا مردم کمک های مادی خود را برای اعانت به فلسطینیان به این شماره حساب واریز نمایند.(2) اگر چه مرحوم مطهری می فرمود: «این حساب ها و کمک کردن ها به این نظر نیست که پول چقدر جمع می شود، ولی حساب این که مسلمان شرط مسلمانیش همدردی است...» «والله این اتفاق [کمک به مردم فلسطین] واجب است. مثل نماز خواندن و روزه گرفتن واجب است. اولین سؤالی که بعد از مردن از ما می کنند، همین است که در زمینه هم بستگی اسلامی چه کردید؟ پیغمبر فرمود: هر کس بشنود صدای مسلمانی را که فریاد می زند: مسلمانان به فریاد من برسید و او را کمک نکنند، مسلمان نیست و من او را مسلمان نمی دانم. چه مانعی دارد که ما برای این ها حساب باز کنیم؟ چه مانع دارد که مقدار کمی از درآمد خودمان را اختصاص به این ها بدهیم؟ چرا یهودیان دنیا، حتی یهودیان ایران کمک کنند و ملت های دیگر آنها را تحسین کنند،... ولی ما نکنیم. مردم بیدار آن مردمی هستند که فرصت شناس باشند. دردشناس باشند. حقایق شناس باشند... پس بیاییم به خودمان... به کار و فکرمان... به پولهایمان ارزش بدهیم. خودمان را در میان ملل دنیا آبرومند کنیم». همین مسئله بر مذاق ساواک و نظام شاهنشاهی پهلوی خوش نیامد و استاد را ممنوع المنبر نموده و زندانی کردند. اداره کل سوم

ص: 144

1- سخنرانی در روز عاشورای سال 1348ش در حسینیه ارشاد.

2- در ابتدای اعلامیه علامه طباطبایی و آقایان زنجانی و مطهری این حدیث شریف درج شده بود: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»

ساواک دستور داد از دوروحانی یاد شده دیگر هم بازجویی به عمل آید. خبر جمع آوری کمک، در محافل اسلامی داخل و حتی خارج از کشور انعکاس گسترده ای یافت. بر اساس گزارش ساواک، سفارت سوریه در تهران این خبر را به کشور متبوع خویش اطلاع داد. سرانجام ساواک دستور داد تا مبلغ جمع آوری شده، از طریق جمعیت شیر و خورشید سرخ در اختیار آورانگان فلسطین قرار گیرد. استاد مطهری از تحویل پول به جمعیت شیر و خورشید امتناع ورزید و اظهار داشت: «چنانچه [این پول] جایی غیر از محل مورد نظر مردم خرج شود متهم به خیانت در امانت خواهد شد».<sup>(1)</sup>

ص: 145

---

1- درباره علامه سید محمد حسین طباطبایی، سید هادی خسروشاهی، ص 148 تا 158.



## آیت الله شهید سید محمد باقر صدر

(۱۳۵۳-۱۴۰۰ ق)

مروج اسلام جهانی



زندگی نامه و شخصیت علمی

آیت الله شهید سید محمد باقر صدر رحمه الله در ذی القعدة سال 1353 ق در کاظمیه دیده به جهان گشود. وی در 12 سالگی راهی نجف اشرف شد و از محضر اساتید برجسته شیعه در علوم منقول و معقول بهره وافر برده و در جوانی به درجه اجتهاد رسید. او در عرصه تدریس نیز موفق بود و شاگردان برجسته انبوهی را پرورش داد. وی در عرصه تالیف و نگارش نیز کارنامه درخشانی داشت و از جوانی به تصنیف و تالیف دست زد. شهید صدر طرفدار انقلاب اسلامی و امام خمینی شده بود و می توان وی را صاحب یک مکتب خواند، که حضرت امام خمینی از او به عنوان مغز متفکر اسلامی یاد می کند. (1) این دانشمند

ص: 146

های بزرگ و این جرثومه های فسادى که به اسم اسلام مسلمین را قتل عام مى کنند و به اسم اسلام احکام اسلام را زیر پا مى گذارند و با اسم اسلام علمای اسلام را شهید مى کنند، آن هم مثل سید محمدباقر صدر که مغز متفکر اسلامى بود و امید این بود که اسلام از او بهره بردارى های زیادترى بکند و من امیدوارم که کتاب های این مرد بزرگ مورد مطالعه مسلمین قرار بگیرد و ان شاء الله خداوند تعالى او را با اجداد بزرگش محشور فرماید و خواهر بزرگوار مظلومه او را هم با جده اش محشور کند و امیدواریم که ملت های اسلامى با قیام خود دست قدرت های بزرگ را از کشور خودشان کوتاه کنند. صحیفه نور، ج 12، ص 57.

توانا عاقبت به همراه خواهر دانشمندش علویه آمنه معروف به بنت الهدی صدر، در اوایل سال 1359 شمسی توسط نظام بعثی عراق به شهادت رسید، ولی اندیشه های وی همواره زنده و پویاست. (1)

#### تالیفات هدفمند و جهانشمول

نگاه شهید صدر به اسلام نگاهی جامع گرایانه بود. از این رو وی در تالیفات و آثار و سخنرانی هایش دیدگاهی جهان شمول نسبت به اسلام قائل بود و در کتاب های خود به صورت تطبیقی و مقارن نسبت به مسائل فردی و اجتماعی اسلام سخن می گفت. به عنوان نمونه کتاب «فلسفتنا»ی وی که به امر آیت الله سید محسن حکیم در سنین جوانی شهید صدر تالیف یافته، تصویری تحسین آمیز از اسلام نشان می دهد. مرحوم صدر در بخش اول این اثر نظریه شناخت (معرفت) از دیدگاه فلاسفه معاصر و در مقایسه با فلسفه اسلامی را بیان داشته و در بخش دوم به تبیین بینش فلسفی اسلام درباره جهان و نقد ورد جهان بینی مادی و الحادی می پردازد. همچنین کتاب ارزنده «اقتصادنا»ی وی نیز همین گونه است و وی در آن کتاب به بررسی نظامهای اقتصادی اسلام و مکاتب شرق و غرب (سوسیالیسم و کاپیتالیسم) پرداخته است و این دست آثار از بس ارزنده است که حتی کشورهایی چون عربستان که از اندیشه های شهید صدر نفرت دارد، این کتاب ها را با کراهت در دانشگاه های خود تدریس می کرد. این دو اثر به زبان های مختلف و از جمله فارسی بارها ترجمه شده است. اما شهید صدر در

ص: 147

---

1- سیره صالحان، ص 467 تا 525. متن محتویات دایره المعارف شهید صدر را که در این اواخر منتشر شده، می توان در پایگاه «mbsadr.com» دید.

پی نگارش کتابی با عنوان «مجمعنا» بود که توفیق به سرانجام رساندش را نداشت. اگر چه بسیاری از افکار وی در رابطه با اجتماع در کتب دیگرش و از جمله کتاب «الاسلام يقود الحیاة» آمده است. (1) کتابی که عنوان آن حکایت از اندیشه های والای شهید صدر دارد. ایشان در باب نظریه های حکومتی نیز طبق همان رویکرد علمی و اجتماعی خود مطالبی ارزنده بیان داشته و از جمله در زمینه انقلاب اسلامی ایران و قانون اساسی و نظام سیاسی آن اظهارات ارزنده و نظرات راهگشایی را بیان داشته است. (2) از این رو اندیشه ها و آثار شهید صدر از جذاب ترین اندیشه های شیعه در دوران معاصر است.

تشکیل موسسه و نهاد با رویکرد بین المللی

از آنجا که نظام حاکم وقت عراق اجازه تنفس به مبارزان و مجاهدان را نمی داد، برخی علمای روشن بین و خوش فکر در دوران معاصر از طریق تاسیس و نهادهای علمی و سیاسی تلاش در راه انجام فعالیت های بین المللی و ارتباط با اندیشمندان جهان اسلام و حتی اندیشمندان غیر مسلمان ساکن کشورهای اسلامی داشتند. شهید صدر طبق همین نگرش با همکاری عده ای چون شهید سید محمد مهدی حکیم، سیدطالب رفاعی، شیخ مهدی سماوی و شهید محمداقبر حکیم حزب الدعوه را بنیان نهاده و شخص آیت الله صدر اساسنامه ای را نیز بر اساس اعتقادات دینی برای حزب الدعوه تنظیم کرد. (3) همچنین وقتی که در سال 1958 م. «عبد الکریم قاسم» با ظاهری پیشرو و چپ نما به حکومت عراق رسید و میدان را برای کمونیست ها باز کرد. در نتیجه آن موجی الحادی و

ص: 148

---

1- شهید صدر در تالیفاتش به خلاها نظر داشت و از جهانی بودن دین مبین اسلام و اینکه اسلام متکفل مدیریت تمام نقاط زندگی شخصی و اجتماعی بشر است سخن می گفت. وی چنانکه در اقتصادنا و فلسفتنا، عرصه های جدیدی را گشوده، در کتاب مجمعنا نیز همان رویکرد را داشته است. آن شهید سعید در کتاب الاسلام يقود الحیاة نیز به بحث از اقتصاد اسلامی، خلافت انسان بر زمین، بانکداری در عصر حاضر، نقطه نظرهایی پیرامون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ریشه های قدرت در دولت اسلامی سخن می گوید.

2- بنگرید به مقالات کتاب رسالتنا و نیز کفاح علماء الاسلام، عقیقی بخشایشی، ص 287 تا 298.

3- شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص 53 - 58.

مخالف اسلام، سرزمین عراق را فرا گرفت. حوادث دوران حکومت عبدالکریم قاسم، عالمان آگاه و متعهد شیعه را در آن کشور به حرکت وا داشت. آنان ضروری دیدند که برنامه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فکری مکتب اسلام را هماهنگ با نیازهای حیات بشر معاصر عرضه نمایند. بدین گونه، تشکیل «جماعة العلماء في النجف الأشرف» (جامعه روحانیت نجف اشرف) پدید آمد و عالمان بزرگی همچون شیخ مرتضی آل یاسین، شیخ محمد رضا آل یاسین، شیخ محمدرضا مظفر و شهید سید مهدی حکیم (فرزند آیه الله سید محسن حکیم) از اعضای اصلی آن بودند. سید محمد باقر صدر در آن زمان گرچه به خاطر جوان بودن نسبت به سایر اعضا، که کمتر از سی سال داشت، عضو جامعه العلماء نبود، ولی با آنان همکاری جدی داشت و حتی نخستین بیانیه جماعة العلماء را نیز او نوشت و اکثر نوشته های آنان به قلم او نوشته می شد، زیرا وی قلمی توانا و نثری محکم و نو داشت و آگاهیهای سیاسی و اجتماعی و فلسفی او نیز وسیع تر از دیگران بود. (1) انتشار مجله «الاضواء» در سال 1961م مهم ترین فعالیت فرهنگی جماعة العلماء بود که سر مقاله های پنج شماره اول آن تحت عنوان «رسالتنا» به قلم آیه الله سید محمد باقر صدر نگارش یافت (2) و خواهرش بنت الهدی نیز در این مجله مقالات خود را به چاپ می رساند. (3) تورقی در مطالب روزنامه ها و انتشارات حزب الدعوه و جامعه العلماء نشان می دهد که افراد این گروه ها چه اندازه نسبت به مشکلات جهان اسلام دغدغه داشته و در امر اتحاد و همگرایی و تقریب و تقارب علمی و عملی کوشا بوده اند. (4)

ص: 149

- 
- 1- الشهيد الصدر؛ سمو الذات، ص 95 تا 103.
  - 2- این اثر به صورت مستقل بارها در ایران و لبنان چاپ شده است. متولی چاپ تهران آیت الله سید مرتضی رضوی است، تهران، مکتبه النجاج، چ 3، 1402ق.
  - 3- التحرك الاسلامي في العراق، شهيد سید محمد مهدی حکیم، ص 21.
  - 4- به عنوان نمونه فقط بنگرید به مقاله «رسالتنا يجب أن تكون قاعدة للوحده» از شهید صدر. رسالتنا، ص 55 تا 61.

شهید صدر معتقد بود دیانت به معنای داشتن برنامه همه جانبه و در هر زمینه برای زندگی اجتماعی افراد می باشد. از این رو برای پیشرفت اسلام معتقد بود که باید تقریب مذاهب و اتحاد اسلامی، به عنوان یک مسئله درجه یک مطرح باشد. او دارای ارتباط با اندیشمندان و نهادهای بین المللی بود و از هر راهی که فکر می کرد می توان به تقریب و اتحاد دست یافت کوتاهی نمی کرد. مقالات تقریب گرایانه متعددی در روزنامه کشورهای سنی مذهب می نوشت و در آثارش فواید و محاسن اتحاد و مضرات تفرقه و جدایی را تشریح می نمود. نسبت به اهل سنت و بزرگان آن احترام قائل بود و در تالیفاتش از آنان به نیکی یاد می کرد.<sup>(1)</sup> با اینکه کتاب فدک را در دوران جوانی نوشته بود و در آن لحنی نرم و بیانی شیوا و مستدل دارد، ولی راضی به طبع مجدد آن نشد، چون به این نظریه رسیده بود که در نوشته ها باید مسائل مهم تر را بیان داشت و بدون دست کشیدن از عقاید بر حق مذهب شیعه، نسبت به تعامل با سایر مذاهب کوشا بود. همچنین ایشان با نهادهای کشورهای اسلامی حتی اگر نظام حاکم غیر شیعی می بود ارتباط داشت. مثلاً یکی از اقدامات شهید صدر لیبیک گفتن به مرکز تامین مالی کویت (بیت التمويل الكويتی) بود و ایشان در پاسخ به درخواست آنان، طرح بانک بدون ربای خود را نوشت و آن را با مباحث عمیق فقهی همراه ساخت که هرگز در طرح های متعدد و فزاینده ارائه شده دیگران در اواخر دهه شصت میلادی از جمله آثار استاد عیسی عبده یا استاد عبدالله العربی و استاد صدیقی و استاد النجار به بررسی هایی در حد و اندازه آن بر خورد نمی کنیم.<sup>(2)</sup>

ص: 150

- 
- 1- از باب نمونه ایشان در کتاب اقتصادنا به تعدادی از منابع فقه اهل سنت استناد نموده اند، نظیر: الاحکام السلطانیة ماوردی، المغنی ابن قدامة، الام شافعی، المحلی ابن حزم، المدونه الکبری، مواهب الجلیل، نهاییه المحتاج، المبسوط سرخسی، الفقه علی المذاهب الأربعة و غیره .
  - 2- در این باره بنگرید به مقاله آیت الله تسخیری با عنوان: «تاریخچه کوتاهی از تجربه بانکهای اسلامی؛ با تأکید بر طرح بانک غیر ربایی پیشنهادی شهید صدر (قدس سره) و تجربه بانکهای جمهوری اسلامی ایران»؛ همچنین ر.ک: فقه «مقاصدی» و حجیت آن (با نگاهی به شیوه شهید صدر) از استاد تسخیری و نیز: گزیده ای از اندیشه برخی شخصیت های تقریبی، محمدعلی تسخیری، ص 193 تا 243. 1

شهید صدر شاگردانش را تقریب گرا و اتحاد خواه بار می آورد و عده ای از شاگردان برجسته وی از تقریب گرایان شهیر این دوران به شمار می روند. افرادی چون شهید سید محمد باقر حکیم، سید کاظم حسینی حائری، سید محمود هاشمی شاهرودی، سید محمد صدر، مرحوم شیخ محمد مهدی آصفی بروجردی و شیخ محسن اراکی. (1) شهید صدر با صراحت تمام و مکررا این را بیان می داشت که اختلاف علمی بین شیعه و سنی امری طبیعی است و باید آن را موجب جدایی ندانست. چرا که این خواسته استعمار و صهیونیست و دشمنان اسلامی است: «إن الطاغوت وأولیاءه یحاولون أن یوحوا إلى أبنائنا البررة من السنة، أن المسألة مسألة شیعه وسنة، لیفصلوا السنة عن معرکتهم الحقیقیة ضد العدو المشترك...» درباره گرفتاری های عراق و کشورهای اسلامی دیدگاه وی بر این استوار بود که مشکلات اجتماعی فقط مربوط به یک مذهب نیست و مربوط به همگان می باشد و همه باید در زمینه رفع گرفتاری هایی که استعمار و طاغوت ایجاد کرده، کوشا و باشند: «أيها الشعب العظيم، إني أخاطبك في هذه اللحظة العصبية من محتكك ي وحياتك الجهادية، بكل فئاتك وطوائفك، بعربك وأكرادك، بسنتك وشیعتك، لأن المعنه لا تخص مذهباً دون آخر.» (ای ملت بزرگ! من در این وقت محنت فزا و حال جهادی تو را مورد خطاب قرار می دهم. با تمام گروه ها و جریان هایت، با عرب و کرد و شیعه و سنی. زیرا گرفتاری کنونی فقط مخصوص یک مذهب نیست و فراگیر است. و خود را فدایی تمام مذاهب و نه تنها مذهب شیعه می دانست: «وإني منذ عرفت وجودي و مسؤوليتي في هذه الأمة بذلت هذا الوجود من أجل الشيعي والسني على السواء، ومن أجل العربي والكردي على السواء حين دافعت عن الرسالة التي توحدهم جميعاً، وعن العقيدة التي تضمهم جميعاً.. انا

ص: 151

معك يا أخی و ولدی السنی بقدر ما أنا معك يا أخی و ولدی الشیعی...»<sup>(1)</sup> (من از زمانی که هستی و مسئولیت خویش را در این امت شناختم، وجود خویش را به صورت مساوی فدای شیعه و سنی و عرب و کرد کردم. زیرا انگیزه من دفاع از مایه اتحاد و عقیده واحد اینان (یعنی اسلام) بود. ای برادر و فرزند سنی ام، من همان اندازه با تو همراه هستم که با برادر و فرزندان شیعی ام همراهم.) وی در راه اثبات اینکه شیعه از حیث همگرایی دارای پیشینه و سابقه ای دیرینه است، مثلاً به وقایع جنگ جهانی اول و شرکت علمای شیعه در جهاد علیه متجاوزان نسبت به کشورهای اسلامی همچون ایران، عراق، لیبی، عثمانی و مصر، و حتی سیره و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در همین باب<sup>(2)</sup> سخن می گفت.

ستیز با استعمار و صهیونیسم و دفاع از انقلاب

توطئه های استعمار علیه کشورهای اسلامی و مذاهب اسلامی متنوع و بسیار است. یکی از این توطئه ها اختلاف افکنی بین مذاهب و دیگر توطئه ایجاد نظام شیطنی صهیونیست است. شهید صدر به این مطالب واقف بود و از دوران جوانی با شدت در پی اجرای برنامه مبارزه با استعمار و ایادی آن بود. وی در همین راستا از انقلاب اسلامی ایران که سر ناسازگاری با استعمار و صهیونیسم داشت، به شدت دفاع می کرد و مدهوش و شیفته افکار امام خمینی بود چون شهید صدر نگرش جهانی خویش نسبت به اسلام را در نگاه امام خمینی محقق می دید. به گونه ای که تجلی اسلام ناب را در امام خمینی رحمه الله می دید. این جمله از وی معروف است که «ذوبوا فی الامام الخميني بمقدار ما ذاب هو فی الاسلام» در امام خمینی ذوب شوید، به همان اندازه که او در اسلام ذوب شده است.<sup>(3)</sup> وی از انقلاب اسلامی ایران دفاع می کرد و می فرمود: «من یک مسلمانم و در برابر سرنوشت همه مسلمانان جهان - و نه تنها عراق و ایران - مسئولم و باید به

ص: 152

1- مباحث الأصول، سید کاظم حائری، ص 151.

2- رسالتنا، ص 58.

3- روزنامه جمهوری اسلامی، 25 خرداد 1382 ش.



وظیفه شرعی خود عمل کنم و وظیفه شرعی منحصر به ایران و عراق نیست. حمایت از انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن هم، یک وظیفه شرعی است!» چنانکه زمانی که دستگیر شد و در زندان محبوس گشت نظام طاغوتی آمریکایی بعث عراق از وی خواست تنها چند کلمه علیه امام خمینی و انقلاب اسلامی بنویسد، تا آزاد شود، اما شهید صدر نپذیرفت و گفت: «من آماده شهادتم، هرگز خواسته های غیر انسانی و ضد دینی شما را قبول نخواهم کرد و راه من همان است که انتخاب کرده ام...» (1) لذا زمانی که او را در عقیده خود راسخ دیدند، وی را به شهادت رساندند. امام خمینی در پیامی که به مناسبت شهادت مظلومانه شهید صدر و خواهرش، سوگمندان نوشت: «... مرحوم آیه الله شهید سید محمد باقر صدر و همشیره مکرمه مظلومه او که معلم دانش و اخلاق و مفاخر علم و ادب بود، به دست رژیم منحط بعث عراق با وضع دلخراشی به درجه رفیع شهادت رسیده اند. شهادت ارثی است که امثال این شخصیت‌های عزیز از موالیان و خود برده اند...» (2) همچنین سیره مستمر شهید صدر بر پشتیبانی فکری و مالی از گروه های انقلابی در گستره جهان اسلام و مبارزه علیه صهیونیسم و استعمارگران بود و از این رو وی را می توان الگوی مناسبی برای علمای دین و دانشمندان بر شمرد. (3)

ص: 153

---

1- شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص 20 و 141.

2- صحیفه نور، ج 12، ص 57

3- علماء عرفتهم، یوسف عمرو، ص 82 و 84 و پگاه حوزه، شماره 102، پانزدهم شهریور 1382، متن مصابحه به شهید محمداقبر حکیم.

## علامه شهید عارف حسین حسینی

(۱۳۲۵-۱۳۶۷ ش)



### زندگی نامه و شخصیت علمی

علامه سید عارف حسین حسینی (1)، رحمه الله عالم مجاهد و مصلح روشن اندیشی بود که در چهارم آذرماه 1324 ش در یکی از روستاهای تابعه پاراچنار پاکستان دیده به جهان گشود. تحصیلاتش را در نجف و قم پی گرفت و در علوم معقول و منقول از درس اساتید بهره برد. (2) ساواک او را به سبب فعالیت های انقلابی اش از ایران اخراج نمود. مرحوم عارف حسین همواره از نظریه «جدایی دین از سیاست» انتقاد می نمود و امام خمینی رحمه الله را یک اسوه برجسته معرفی می نمود. سید در طول سالیان دراز در پاکستان به ترویج مبانی اسلامی و شیعی پرداخت، چنانکه در زمینه وحدت طوایف مختلف مسلمان و همگرایی فرقه های مذهبی و خنثی نمودن توطئه های خارجی که توسط ایادی استکبار در منطقه روی می داد توفیق زیادی داشت. این عالم مجاهد در تاریخ 21 ذی حجه 1408 ق (13 مرداد

ص: 154

1- غالباً شهرت ایشان را به صورت «الحسینی» یاد می کنند.

2- در نجف اشرف در درس امام خمینی بهره برد و در قم نزد اساتید این حوزه، مانند حضرات آیات مکارم شیرازی، وحید خراسانی، تبریزی، حرم پناهی و سید کاظم حائری، اصول، فقه و تفسیر آموخت. همچنین از درس فلسفه استاد مرتضی مطهری بهره برد. به نقل از دانشنامه جهان اسلام

کشور پاکستان از برخی جنبه‌ها از جمله ایجاد تفرقه مذهبی و درگیری‌های قومی و مذهبی در جهان اسلام موقعیتی ویژه و بی‌مانند دارد. از این جهت وظیفه زعمای دینی و مصلحان اجتماعی در این کشور سخت و پیچیده است. (2) مرحوم عارف حسین از جهات مختلف و در طی سالیان زیاد در مسیر وحدت مسلمین و تقریب مذاهب قدم می‌زد. (3) همچنین از حقوق شیعیان دفاع می‌کرد و اجازه نمی‌داد مظلومیت آنان بیش از حد گردد. در یک زمان از طرف دولت وقت قوانینی علیه شیعیان به تصویب رسید. فرزند شهید عارف حسین در این باره می‌گوید: «در سال 1980م دولت قوانینی به تصویب رساند که در آن حقوق شیعیان تضييع شده بود و شیعیان را در اقلیت قرار داده بودند. آن زمان که رهبر شیعیان پاکستان، مفتی جعفر حسینی بود اعلام کرد که همه شیعیان جهت اعتراض به این قانون، در اسلام آباد تجمع کنند. دولت اعتراض مردم را قبول نکرد و شیعیان به دبیرخانه، که نخست وزیری و مجلس سنا در آن واقع است، حمله کردند و یکی از شیعیان در این راه شهید شد و نتیجه آن اعتراضات به تصویب رسیدن قرار داد صلحی بین شیعیان و دولت بود.»

ص: 155

---

1- یادواره علامه شهید سید عارف حسین الحسینی، ص 22 تا 32.

2- متأسفانه از سال 2007 و با شروع دوباره درگیری‌ها، دشمنان به تحریک اهل تسنن پرداختند و به تدریج تعدادی از شیعیان پارا چنار را ترک کردند. از ماه مارس 2008 در پیوار جنگی 8 ماهه صورت گرفت و در جریان این جنگ در ماه مبارک رمضان فرزند شهید عارف حسین نیز در اثر برخورد خمپاره مجروح شد و تعدادی از میزبانان وی به شهادت رسیده و یا زخمی شدند.

3- ستارگان حرم، ج 6، ص 91 و یادواره علامه شهید سید عارف حسین الحسینی، ص 66.

شهید عارف حسین حسینی مبارزه با استکبار و استعمار و ایادی آنان را از وظایف اصلی خود می دانست. مثلاً او صدام را ابزار استعمار و استکبار برای سرکوب و از بین بردن نهضت الهی امام خمینی رحمه الله می دانست. وی نسبت به جنگ ایران و عراق حساسیت به خصوصی داشت. یکی از شاگردان وی در این باره می گوید: «موقعی که شهید به ما درس می داد، رادیو را روشن می گذاشت و مرتب در جریان اخبار جنگ بود. از این جهت وقتی خرمشهر آزاد شد و در ایران جشن گرفتند، ما هم در پاراچنار جشن گرفتیم و تظاهرات کردیم.»<sup>(1)</sup>

شهید عارف حسین و بسیاری از پیروان وی، به هنگام عملیات بیت المقدس و آزادسازی خرمشهر نذر روزه کرده بودند که غروب همان روز خبر آزادی خرمشهر در سرتاسر پاکستان پیچید و مردم آن سامان را شادمان نمود.

حجت الاسلام نقوی می گوید: «در زمان جنگ شدیدترین عکس العمل ها علیه صدام در پاکستان اتفاق می افتاد. ما خودمان چندین بار برای تظاهرات به سفارت عراق رفتیم و آنجا را سنگباران کردیم و دستگیر شدیم و پلیس ما را کتک زد. به ما می گفتند صدام به ایران حمله کرده به شما چه ربطی دارد؟ ما در پاکستان به مدت 6 ماه مدرسه را تعطیل کردیم و در این مدت فقط بولتن خبری پخش می کردیم. خود بنده مسئولیت ارسال بولتن را به تمام شهرها داشتیم. آنها را از اسلام آباد می گرفتم و به ایستگاه اتوبوس میرفتم و به هر راننده ای 50 روپیه می دادم که این را به دست فلاخی برسان. گاهی هم کتک می خوردم چون خود آن راننده ها عکس العمل نشان می دادند». امام خمینی نیز در پیام تسلیت و تبریک خود، علامه شهید عارف حسین حسینی را از این حیث که در جبهه مقابل جبهه استکبار و استعمار قرار داشت<sup>(2)</sup> می ستاید و او را «یار وفادار اسلام و مدافع محرومان و مستضعفان و... فرزند راستین سید و سالار شهیدان، حضرت ابی عبد الله الحسین - علیه السلام -» خوانده و می فرماید: شهادت او «مسئله ای دور

ص: 156

1- مجله شاهد یاران، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، شماره 50.

2- ستارگان حرم، ج 6، ص 92 و یادواره علامه شهید سید عارف حسین حسینی، ص 69 تا 74.

از انتظار ما و ملت‌های مظلوم جهان و خصوصاً ملت بزرگوار پاکستان که خود طعم تلخ استعمار را چشیده است و با مبارزه و جهاد و شهادت استقلال خویش را به دست آورده است، نبود. درد آشنایان جوامع اسلامی، همانان که با محرومان و پابرهنگان میثاق خون بسته اند، باید توجه کنند که در آغاز راه مبارزه اند و برای شکستن سدهای استعمار و استثمار و رسیدن به اسلام ناب محمدی راه طولانی در پیش دارند و برای امثال علامه عارف حسین حسینی بشارتی بالاتر از این نبوده است که از محراب عبادت حق عروج خونین «إِذْ جِئِیْ إِلَى رَبِّکِ» را نظاره کند و جرعه وصل یار را از شهید شهادت بیاشامد...»<sup>(1)</sup>

ص: 157

---

1- صحیفه نور، ج 19، ص 7 تا 9.

# آیت الله العظمی سیدشهاب الدین مرعشی نجفی

(۱۳۱۵-۱۴۱۱ق)

طلایه دار تقریب روایی



## شخصیت علمی

آیت الله سید محمد حسین مرعشی نجفی رحمه الله، معروف به شهاب الدین، در سال و 1315 ق، در نجف دیده به جهان گشود. میرزا حسین خلیلی در گوش او اذان گفت و محدث نوری نامش را محمد حسین نهاد. پدر وی سید محمود مرعشی از شاگردان آخوند خراسانی و از نسابه های شهیر روزگار بود. سیدشهاب الدین تحصیلات خود را در نجف، کربلا، کرمانشاه، مشهد و برخی شهرهای دیگر تکمیل کرد و محضر ده ها دانشمند و عالم توانا را درک کرد و خود نیز موفق به کسب اجازه نامه های اجتهادی و روایی فراوانی شد. در جوانی به قم هجرت کرد و افزون بر تدریس علوم دینی و اقامه جماعت، در تحقیق و نگارش آثار علمی و جمع آوری کتاب های نفیس و بالاخره تأسیس کتابخانه ای فاخر و کم نظیر با هزاران جلد کتاب نفیس به زبان های فارسی، عربی، لاتین، ترکی، اردو، ازبکی، تاتاری، و... مرتبط با ادیان و مذاهب مختلف، توفیقات بسیار یافت. مرحوم مرعشی که «شیخ الاجازه» در زمان معاصر به شمار می رفت، از طرفداران تقریب مذاهب بود. این دانشمند و فقیه مجاهد هفتم شهریور 1369 شمسی برابر با هفتم

#### ارتباط با شخصیت های بین المللی

آیت الله مرعشی در دوران زندگی خود با شخصیت های بین المللی ارتباط حضوری و مکاتبه ای داشت. (1) او از زمان تحصیل مقدمات، محضر برخی دانشمندان سنی را دریافت. در جوانی با موسی اسکویی از علمای شیخیه و برخی دیگر از سران این مکتب، دیدار و مناظره کرد. در شهرهای مختلف عراق نزد دانشمندان اهل سنت درس خوانده، (2) و در مواردی با دانشمندان سنی و حتی غیر مسلمان بعضی کشورهای دیگر همچون هندوستان به بحث و مناظره پرداخت. اشخاص بسیاری از مذاهب مختلف همچون عالمان سنی و زیدی در طول سالیان متمادی به قم می آمدند و با ایشان دیدار و از کتابخانه وی استفاده کرده، به او اجازه روایت می دادند و از او اجازه نقل روایت می گرفتند. (3) این لا- دیدارها در زمینه هم گرایی و تقریب عالمان و بزرگان مذاهب مؤثر بود.

مرحوم مرعشی، منشی نرم و پیغمبر گونه داشت و مهمانان را به نیکی پذیرایی و با گشاده رویی با آنها برخورد می کرد. چنان که در سفرهای خارجی خود نیز میل بسیاری به دیدار و گفت و گو با اندیشمندان سایر مذاهب و ادیان داشت. (4) همچنین، او با بزرگان اسلام از غرب آسیا تا شرق آن و حتی کشورهای آفریقایی مکاتبه داشت و آنان را به قم دعوت می کرد و از آنان صدور اجازه نقل حدیث می خواست و خود نیز بدان ها اجازه روایت می داد. شوق وافر آیت الله مرعشی برای اتصال به طرق روایی اهل سنت و زیدیه و فرقه های اسلامی زائد الوصف بود. همچنین، او در قضایای سیاسی و اجتماعی نیز با رؤسای مذاهب دیگر

ص: 159

- 1- علی رفیعی علامرودشتی، شهاب شریعت، ص 255.
- 2- آوای تقریب (گزیده مقالات کنفرانس وحدت اسلامی)، ص 84.
- 3- المسلسلات، ج 1، ص 309 و 428
- 4- برای آگاهی از نام برخی از آنان ر.ک: کتاب ماه کلیات، ش 155، ص 94 - 95.

مکاتبه می نمود، که بیشتر مکاتباتش علمی و مذهبی و دینی بود. علمای مصر و رؤسای الازهر و برخی نهادهای علمی و فرهنگی و دینی در آسیا و آفریقا همواره از جوامع هدف در زمینه نامه نگاری های آیت الله مرعشی بود. (1) وی حتی کتاب های مذهبی را برای آنان ارسال می داشت که آثار مثبتی بر این امر مترتب بود؛ مثلا، ایشان کتاب مبارک صحیفه سجادیه را با شرح ریاض السالکین سیدعلی خان مدنی برای طنطاوی، شیخ الازهر و صاحب تفسیر طنطاوی فرستاد و حسرت او از دیر آشنا شدن با این گنجینه ارزنده شیعی اسلامی از جوابی که به آیت الله مرعشی فرستاده بود، هویدا شد. «این از بد بختی است که ما تا کنون از این گرانبهای جاوید از میراث های نبوت و اهل بیت دست نیافته بودیم و من هر چه در آن می نگرم آن را فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق می یابم.» (2) همچنین، مرحوم مرعشی از اصل اجازه نقل روایت، ابزاری برای تقریب و هم گرایی ساخته بود (3) و با اینکه مخالفت هایی با او در این زمینه می شد، ولی تا فرجام زندگی همچنان از این ابزار استفاده می کرد. (4)

طرفدار تقریب مذاهب

آیت الله مرعشی نجفی طرفدار تقریب مذاهب و اتحاد اسلامی بود و با شخصیت های بزرگ تقریب گرای شیعه چون ابوعبدالله زنجانی، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء و آیت الله بروجردی، و نیز شخصیت های تقریب گرای سنی همچون علامه سید محمود شکرآلوسی بغدادی، شیخ طنطاوی جوهری مصری،

ص: 160

1- در بخشی از یکی از نامه هایی که برای آیت الله مرعشی آمده است، چنین می خوانیم: «این جمعیت (جمعیت اخوت اسلامی) خوش وقت خواهند بود، اگر لطف بفرمایید و کتاب های دیگری از این نمونه که در کشور شما موجود است و می تواند به نوعی در ایجاد تفاهم و تقریب بین مذاهب اسلامی نقش مؤثری ایفا کند، به نشانی این جمعیت ارسال کنید.» (گنجینه شهاب، ج 2، ص 433).

2- سجادیه صدر الدین بلاغی، ترجمه صحیفه، ص 30 مقدمه

3- ر.ک: «پیش گامان تقریب و نقش اجازه در جامعه اسلامی»، گنجینه شهاب، ش 2، ص 11 - 26.

4- کتاب ماه کلیات، ش 155، ص 89؛ شمار اجازات مرحوم مرعشی به 450 اجازه بالغ شده و اغلب آنها در کتاب المسلسلات آمده است.



انستانس کرملی بغدادی، شیخ عبد السلام شافعی کردستانی، سید ناصر حسین هندی فرزند علامه میر حامد حسین هندی، تاگور (نویسنده و فیلسوف شهیر هند)، میرزا احمد تبریزی (پیشوای فرقه ذهبیه)، میرزا عنایت الله اخباری، پروفیسور هانری کربن، دکتر فؤاد سرگین آلمانی، سید ابراهیم رفاعی راوی بغدادی، رشید بیضوی لبنان، سید محمد رشید رضا (نویسنده تفسیر المنار) و بسیاری از اندیشمندان دیگر ارتباط و مراوده و نشست و برخاست داشت. (1)

در سال 1390 ش که اولین کنگره وحدت اسلامی در ایران برپا شد، ایشان در دیدار با مهمانان داخلی و خارجی کنگره مزبور، همه ی مذاهب را به اتحاد و تقریب فرا خواند و خواهان تدریس فقه مقارن در حوزه های اهل سنت شد - چنانکه در حوزه های شیعه این امر دایر بود و هست-؛ تا برای جویندگان حقیقت با روش تطبیق و مقایسه ای، شناخت و انتخاب متقن ترین راه رسیدن به اهداف الهی اسلام میسر و ممکن شود. وی به سبب اطلاعات گسترده اش از تاریخ اسلام و توطئه های انگلیس در مسیر تفرقه افکنی را می شناخت و می دانست که تقریب چه امر مهمی در خنثی سازی توطئه های تفرقه افکنانه انگلیس و ایادی داخلی اوست. دفاع از مسلمانان مظلوم جهان اسلام، حتی اگر سنی می بودند، مترتب بر همین اندیشه تقریب گرایانه او بود. استعمارستیزی آیت الله مرعشی هم که از نوجوانی وی و اشغال عراق به دست انگلیسی ها آغاز شده بود تا پایان زندگی او با شدت برقرار بود. او یکی از عوامل تقویت روح تقریب در جهان اسلام را تکیه بر نقاط اشتراک که یکی از آن ها استعمارستیزی و دفع دشمنان مشترک بود، می دانست. پشتیبانی از «فداییان اسلام» و «نهضت نفت» و حمایت مستمر از جمهوری اسلامی ایران و مبارزه با رژیم بعث عراق و آمریکای جهان خوار نیز در همین رابطه تفسیر می شود. در یادداشت های باقی مانده از آیت الله مرعشی بارها رضاخان را عامل استعمار، دست نشانده بیگانگان و فردی فاسد که بر ضد

ص: 161

مرحوم مرعشی را بیش از هر چیز با اجازه نقل حدیث و کتابخانه بزرگ ایشان می شناسند. آن فقیه مجاهد در تأسیس کتابخانه و گردآوری کتاب های خطی و چاپی نگاهی فرامذهبی داشت و کتابخانه را عاملی وحدت بخش برای مذاهب تعریف می کرد. از نظر گاه او کتابخانه تأسیس شده وی دارای اهدافی از جمله ایجاد یک مرکز بین المللی برای حفظ میراث اسلامی و مکانی برای گردهم آمدن محققان مسلمان و نه تنها شیعی بود. جلوگیری از تراج بین المللی تراث اسلامی از دیگر اهداف وی بود؛ (2) از این روست که کتابخانه ایشان برای محققان غیر شیعی نیز مرکز علمی مهمی قلمداد می شود تا بدانجا که در طول سال اشخاص غیر شیعی بسیاری از اقصی نقاط جهان از آن بازدید می کنند و ضمن شگفتی از عظمت و نفاست آن، احساس غریبی نمی کنند. به تعبیر یک شخصیت سودانی: که «من به عنوان یک مسلمان سنی در این کتابخانه فضای وحدت را حس می کنم و از اینکه صاحب آن بدون هیچ تبعیضی کتاب های ادیان و مذاهب مختلف را جمع آوری کرده است، به وجد می آیم».

دفاع از فلسطین و ضدیت با صهیونیسم

عالمان شیعی عقیده دارند که مسئله فلسطین مسئله ای مختص یک فرقه مذهبی نیست، بلکه مرتبط با تمام مسلمانان است؛ چنان که مثلاً آیت الله حکیم می فرماید: «مسئله فلسطین و به ویژه مسئله بیت المقدس یک مسئله اسلامی است، و روی همین اصل، مسئولیت های امروز متوجه همه توده های مسلمان...»

ص: 162

- 
- 1- بر ستیغ نور، ص 49 - 51؛ شهاب شریعت، ص 260 - 272؛ «سیره علمی و عملی حضرت آیت الله مرعشی نجفی»، در: مجله مبلغان، شهر یور 1383، ش 57 و مجله گلبرگ، فروردین 1381، شماره 28.
- 2- درباره اهداف کتابخانه از دیدگاه مرحوم مرعشی ر.ک: کتاب ماه کلیات، ش 155، ص 114 - 115.

می باشد.» مرحوم آیت الله مرعشی نجفی نیز به قضیه فلسطین به عنوان یک مسئله اسلامی می نگریست. ایشان در پی نخستین اعلامیه ضد صهیونیستی آیت الله کاشانی که در مورخه 1326/10/11 ش، چهار روز پس از تشکیل دولت اسرائیل، صادر شد و در آن آمده بود: «تشکیل دولت صهیونیستی، در آتیه، کانون مفسد بزرگ بر مسلمین خاورمیانه و بلکه دنیا خواهد بود و زیان آن، تنها متوجه اعراب فلسطین نمی گردد... بر تمام مسلمین عالم است از هر طریقی که می شود از این ظلم فاحش جلوگیری نموده و دفع این مزاحمت را از مسلمین فلسطین بنمایند.» به سان دیگر علما و مراجع تقلید از جمله آیت الله میلانی، سید ابوالقاسم خویی، سید محمد بهبهانی، سید عبدالله شیرازی و ... بیانیه های پرشور و دشمن شکنی در یاری مسلمانان فلسطین صادر کرد. آیت الله مرعشی نجفی با استشهاد به آیه کریمه: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (1) مبارزه در راه آزادی سر زمین قدس را از واجبات شرعی برای همه مسلمانان و کشته شدن در این راه را شهادت شمرد. ایشان در یک اقدام عملی، شماره حسابی را در بانک صادرات قم افتتاح کرد و از مردم خواست که کمک های مالی خود را برای آوارگان فلسطین بدان واریز کنند. (2)

تألیفات تقریبی (حدیث و کلام مقارن)

مرحوم آیت الله مرعشی نجفی از پرکارترین نویسندگان معاصر است. وی کتاب های فراوانی در موضوعات متنوع نوشته و مقدمه های فراوانی بر آثار علمی پیشینیان و معاصران از خود به یادگار نهاده است. وی گاه به درخواست یک نویسنده یا شخصیت مصری رساله ای می نوشت (3) یا گاه برای دفع تهمت هایی که وهابیت بر ضد شیعه درباره تحریف قرآن یا مسئله وحی و امامت و توحید

ص: 163

1- آل عمران: 169.

2- «علمای شیعه و حمایت فقهی و سیاسی از فلسطین»، در: مجله پگاه حوزه، شانزده آذر 1381، ش 78.

3- رساله در اثبات صحت نسب خلفای فاطمیین مصر که به خواهش علامه فاضل حسن قاسم مصری ساکن قاهره و مدیر مجله «هدی الاسلام» نوشته شده است

منتشر می کرد، کتاب می نوشت. (1) وقتی میدید توطئه ای در کار است، کتاب مناسبی را که گذشتگان درباره آن موضوع نوشته بودند، چاپ می نمود تا هم اثری احیا شده باشد و هم توطئه ای خنثی؛ به دیگر سخن، بسیاری از کتاب های چاپ شده یا نوشته شده به دست ایشان هدفمند بود. برای نمونه کتاب تفسیر مفسر بزرگ اهل سنت جلال الدین سیوطی را با نام «در المنثور» در حوزه علمیه قم تجدید چاپ کرد و در اختیار حوزویان قرار داد.

یکی از اقدامات ارزنده وی در زمینه کلام مقارن، تحشیه و تتمیم کتاب احقاق الحق قاضی نورالله شوشتری است که چند برابر حجم اصلی کتاب بر آن افزوده دارد و کلام شیعه را با دیگر مذاهب کلامی جهان اسلام مقایسه و نورانیت و عقلانی بودن و مطابق فطرت انسان سلیم القلب بودن عقاید شیعه را اثبات نموده است.

همچنین، آیت الله مرعشی تألیفی مبسوط در زمینه نصوص اهل سنت درباره ائمه اطهار در دست تهیه داشت که اثر حدیثی و ارزنده به شمار می رود. هدف از آن، همگرایی و خنثی کردن تفرقه معاندان و نویسندگان مزدور بود، در میان آثار حدیثی اهل سنت مطالبی که جای اختلاف دارد و شیعه بدان ها قائل است، و گرد آمده تا اثبات شود بسیاری از عالمان سنی همان مطالب شیعه را در کتاب های خویش آورده و به اصطلاح، دو طرف آن را پذیرفته اند. همچنین، مرحوم آیت الله مرعشی برخی آثار درباره اجازه نقل روایت دارد که رویکرد تقریبی در آن روشن است، و افزون بر این در آثار «علم الأنساب» خود نیز همین رویکرد را دارد. با این بیان می توان آیت الله مرعشی را از نویسندگان تقریب گرا برشمرد. (2)

ص: 164

---

1- شرح کتاب احقاق الحق علامه قاضی نور الله شوشتری مرعشی، ، شامل فضائل اهل بیت (علیهم السلام) از طرق عامه و مناقب آنان و بعضی از مسائل مهم فقهی و اصولی مختلف و آراء آنان. و این موسوعه عظیم بیش از چهل سال بر روی آن کار شده است و به بیش از سه هزار کتاب از کتب اهل سنت به دقت مراجعه گردیده است و مطالب مورد نظر از آن استخراج و در تالیف کتاب فوق به کار رفته است

2- ر.ک: گلبرگ، فروردین 1383، ش 49؛ مبلغان، شهریور 1383، ش 57.

## آیت الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی<sup>۱</sup>

(۱۳۱۶-۱۴۱۴ ق)

فقیهی با نگاه بین المللی



شخصیت علمی

آیت الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی رحمه الله از مراجع تقلید دوران معاصر، فقیهی بنام و مجاهدی کبیر بود و از رواج استبداد داخلی و نفوذ استعمار خارجی همواره نگران، و به ضرورت و اهمیت تبلیغ بین الملل واقف بود. این عالم شهیر در طول دهها سال، از حقوق مسلمانان مظلوم، به ویژه فلسطینیان دفاع کرده، و خطر غده سرطانی اسرائیل را گوشزد می نمود. وی هشتم ذی قعدة 1316 قمری در گلپایگان متولد شد؛ نزد بزرگانی چون شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمه الله و آیت الله بروجردی رحمه الله شاگردی نمود. وی در طول هفتاد سال تدریس علوم دینی شاگردان بسیار، از جمله چند صد مجتهد پروراند که شهید بهشتی رحمه الله، و آیت الله جعفر سبحانی تبریزی رحمه الله از جمله آنان اند. ایشان در هجده آذر 1372، 24 جمادی الثاني 1414 قمری در 98 سالگی رحلت نمود و در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

ص: 165

آیت الله العظمی گلپایگانی رحمه الله، بنابر اقتضائات خاص عصر حاضر، برای ترویج معارف دینی و دفع شبهه ها استفاده از روش های نو و بهره گیری از ابزار و فرصت های جدید را لازم می دانست؛ از همین رو، در تأسیس نهادها و مؤسسات به سبک جدید و نیز اعزام مبلغ بین المللی و تأسیس مؤسسات جهانی و تعامل با دیگر مذاهب و ادیان کوشا بود. ایشان دستور داد تعدادی از طلاب مستعد را شناسایی کردند و درس زبان عبری را به آنان توصیه کرده و به آنها در برابر این تلاش شهریه مخصوص نیز پرداخت می نمود. نتیجه اقدامات ایشان پاسخ دادن بسیاری از شبهه های دینی و مذهبی، ره یافتن افراد فراوانی به اسلام و تشیع و همچنین، نشر معارف دینی در بسیاری از مناطق جهان بود؛ که در ادامه به برخی از اقدامات ارزشمند ایشان اشاره می شود:

#### 1. انگلستان

هنگامی که از طرف مسلمانان و شیعیان قاره اروپا درخواستی مبنی بر اعزام نماینده ای روحانی و مورد اعتماد جهت اقدامات دائم در آن منطقه به محضر ایشان ارسال گردید، معظم له فرزند ارشد خود مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا مهدی گلپایگانی رحمه الله را در سال 1351 به 9 کشور اروپایی اعزام فرمودند که پس از تحقیق و تفحص، گزارشات را به حضور والد معظم ارائه نمود که مقرر گردید مؤسسه ای دینی فرهنگی در لندن تأسیس گردد تا پایگاهی باشد برای کشورهای اروپایی، آمریکایی

بر این اساس حسب الامر معظم له با استقراض نه میلیون پوند، کلیسایی را در لندن خریداری و مجمع اسلامی لندن به عنوان اولین مؤسسه شیعی در انگلستان تأسیس گردید. برخی از ویژگی ها و فعالیت های این مجمع عبارتند از:

أ. داشتن بزرگترین کتابخانه شیعی در اروپا

ب. برگزاری تنها نماز جمعه شیعی

ج. برپایی مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام و حرکت دسته های عزاداری در روز عاشورا به سمت این مرکز.

د. برگزاری مراسم ایام ماه مبارک رمضان و سفره افطاری.

ه. برپایی مناسبت های ملی مذهبی و انتخابات های جمهوری اسلامی ایران.

و. برنامه های تشریف به اسلام و اجرای عقد ازدواج و طلاق.

ز. قرائت دعای کمیل در شب های جمعه.

ح. رفع نیازمندی های معیشتی و دیگر مشکلات مسلمانان و شیعیان انگلستان.

2. پاکستان

مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی در کشور مسلمان پاکستان نیز منشاء برکات و اقداماتی بودند که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. تأسیس مدرسه علمیه در پاکستان

2. پرداخت شهریه به تمام طلاب آن کشور

3. ساخت مدرسه دخترانه ای در کویته جهت تدریس و فراگیری معارف اهل بیت علیهم السلام

4. ایجاد یک حوزه علمیه در راولپندی (به نام آیت الله حکیم)<sup>(1)</sup>

3. لبنان

پس از جنگ شش روزه مصر و اسرائیل و با استمداد امام موسی صدر از آیت الله العظمی گلپایگانی رحمه الله، مقرر گردید اقدامات ذیل توسط مرحوم

حجت الاسلام

ص: 167

---

1- این مدرسه پس از رحلت مرحوم آیت الله العظمی حکیم رحمه الله به علت بدهی بانکی به تصرف بانک در آمده بود که حسب امر آیت الله العظمی گلپایگانی رحمه الله پس از پرداخت بدهی ها و رفع ید بانک، بازسازی و تعمیر گردید و مجدداً به نام آیت الله حکیم رحمه الله نامگذاری و فعال گردید.

و المسلمین حاج آقا مهدی گلپایگانی رحمه الله جهت شیعیان جنگ زده لبنان انجام پذیرد:

ا. ساخت دار الایتام در لبنان، با تصدی و مدیریت امام موسی صدر

ب. تأسیس مرکز علمی فرهنگی در بیروت جهت نشر فرهنگ جعفری برای جوانان لبنان.

ج. تأسیس دانشگاه علوم اسلامی که همه این مراکز با فعالیت خود در اختیار مجلس اعلای شیعه بیروت قرار دارد.

4. هندوستان

پس از سفر مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا مهدی گلپایگانی رحمه الله به هندوستان مقرر شد اقدامات ذیل در در آنجا انجام پذیرد:

ا. تشکیل جماعت شیعه در هندوستان

ب. برنامه ریزی برای کمک به مستمندان شیعه از جمله زنان سرپرست خانوار و دختران بی سرپرست

ج. ایجاد مرکز آموزش فنی و حرفه ای ویژه خیاطی با خرید یکهزار چرخ خیاطی

د. پرداخت شهریه به طلاب و مدارس علوم دینی هندوستان

دارالقرآن کریم

تبلیغات سوء عامه بر علیه شیعه در چند محور خودنمایی می کرد:

ا. فقدان مراکز قرآنی در مقابل حسینیه ها، بیت العباس ها و مهدیه ها

ب. کمبود تعداد حفاظ قرآن کریم در بین شیعه

ص: 168



ج. ناتوانی تحصیل کردگان ایرانی در قرائت صحیح قرآن چه رسد به کم سوادها

د. قرآن شیعه بر خلاف تمام مذاهب دارای چهل جزء می باشد!!!

آیت الله العظمی گلپایگانی رحمه الله با تأسیس اولین دارالقرآن کریم حوزه علمیه قم همه تبلیغات سوء آنها را عملاً خنثی و پاسخ دندان شکنی به شرح ذیل به آنها دادند:

أ. اعزام طلاب و فضلاء حوزه علمیه در ایام تابستان به نقاط مختلف کشور برای آموزش روخوانی قرآن و فراگیری احکام

ب. چاپ قرآنی نفیس با امضاء حوزه علمیه و ارسال آن به کلیه کشورهای اسلامی و ویژه در ایام حج تا برهان قاطعی در مقابل افطرات به شیعه باشد.

ج. چاپ و انتشار مجله رساله القرآن به زبان عربی و ارسال آن به کشورهای اسلامی

د. چاپ و انتشار مجله پیام قرآن به زبان فارسی

ه. تشکیل اولین کنفرانس قرآنی که منتج به ارائه خدمات قرآنی فراوانی گردید

و. دستور تهیه موزه قرآن های مترجم به زبان های مختلف چینی، مالایی، اردو، ترکی آذری، استانبولی، آلمانی و... توسط سفرای جمهوری اسلامی در سراسر دنیا

ز. خرید قرانهای خطی نفیس جهت جلوگیری از خروج این سرمایه های معنوی از کشور

ص: 169

ح. حمایت و تشویق حفاظ قرآن کریم و مقرر کردن مستمری برای تمام حافظان قرآن کریم در سراسر کشور اعم از شیعه و سنی.

مبارزه با استعمار و ایادی آن

آیت الله گلپایگانی همواره مخالف ورود استعمار و نفوذ بیگانگان به کشور بود. از دیدگاه او بیگانگان برای ممالک اسلامی جز خسارت سودی ندارند و تاریخ معاصر نیز همین را نشان داده که خسارت و زیان بی شماری از سوی بیگانگان بر کشورهای اسلامی، از جمله ایران وارد شده است؛ از همین رو، ایشان بر اموری چون ارتباط وسیع رژیم طاغوت با مزدوران خارجی و شخصیت های چپاول گر بیگانه معترض بود و بر قضایایی چون لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی و اصلاحات ارضی و انقلاب سفید و کاپیتولاسیون و... رویکردی مخالف و مبارزاتی داشت. حجم اعتراضات ایشان بر رژیم پهلوی به حدی بود که می توان و پس از امام خمینی ایشان را فعال ترین فقیه ضد رژیم در زمان پهلوی دوم دانست.

ایشان پس از ارتحال آیت الله بروجردی، همواره محکم و استوار در مقابل اقدامات رژیم طاغوت که از ایادی استعمار شمرده می شد، ایستاد. (1) بیانیه زیر نیز که در اواخر دوران طاغوت صادر شده، مقداری از رویکرد ضد طاغوتی و ضد استعماری ایشان را نشان می دهد:

پس از ملی شدن صنعت نفت، مجدداً این ثروت ملی تحت تسلط استعمار در آمد، از جانب مردم، هیچ گونه نظارت بر فروش نفت و صرف درآمد آن برقرار نبوده، و عوایدش به صورتهای مختلف در جهت ضد مصالح ملت و ولخرجیها و عیاشیها و ترویج فساد و فحشا و حقوق گزاف مستشاران اجنبی و اندوختن

ص: 170

---

1- روح الله حسینیان، سه سال ستیز مرجعیت شیعه و رسول جعفریان، جریان ها و سازمان های مذهبی - سیاسی ایران، ص 258 - 267

در بانک های خارجی، و صرف میلیاردها در خرید اسلحه، و پرکردن جیب استعمار، به یغما رفته است، و مملکتی که می توانست با این درآمد و ثروت سرشار، در تمام شئون علمی و صنعتی و کشاورزی و دامداری به پیشرفت های شایانی نایل شود، وضع اقتصادی اش از کشورهای مشابهی که نفت ندارند، بدتر شده است. جهت اطلاع عموم، اعلام می داریم، حرمت مؤکد کمک و تقویت کفار که با مسلمین در حال جنگ می باشند، از احکام مسلمة اسلام است. بنابراین، در شرایط فعلی که اسرائیل با مسلمانان در حال جنگ است، و تا سرزمین های مسلمانان از احتلال و تجاوز آنان آزاد نشده، جلوگیری از ارسال نفت برای اسرائیل، و کشورهایایی که با جنبش اسلامی ایران ضدیت می ورزند، و حکومت استبدادی آن را تایید می نمایند، به وسیله اعتصاب و امتناع از استخراج نفت زاید بر مصرف داخلی، عمل به وظیفه و تکلیف شرعی است، و تا وقتی که اطمینان حاصل نشود که درآمد نفت مانند گذشته غارت و تاراج نمی شود، این امتناع بجا، و لازمه علاقه به مصالح عالیه مسلمین، و موجب حفظ ذخایر مملکت و جلوگیری از هدر رفتن آن می باشد....

همچنین آن مرجع فقید از تاراج سرمایه های مسلمانان در سراسر جهان به دست استعمارگران همواره نگران بود و در حد توان خود با این امر مبارزه می کرد. در عرصه اندیشه نیز نظام شاهنشاهی را بر نمی تافت؛ پاره ای نظریات وی در همین باره را می توان در کتاب الهدایة الی من له الولایة و رساله امر به معروف و نهی از منکر و مسائل اجتماعی اسلام خواند. وی در عصر غیبت قائل به تشکیل حکومت اسلامی بود و نظام اسلامی بنیان گذاری شده توسط امام خمینی (رحمه

الله) را همواره مورد تأیید قرار می داد و عقیده داشت: بهترین و عادلانه ترین شیوه فرمانروایی آن حکومتی است که در نظام اسلامی تعبیه شده است.<sup>(1)</sup>

## دفاع از فلسطین و مبارزه با اسرائیل

یکی از افتخارات علمای شیعه، دفاع مستمر آنان از مظلومان جهان اسلام، به ویژه مظلومان فلسطینی، و نیز ستیز دائم با اسرائیل، صهیونیسم و استعمار بوده است. آیت الله گلپایگانی رحمه الله که عالمی وحدت طلب بود و در ابتدای انقلاب برای مهمانان داخلی و خارجی اولین کنگره وحدت اسلامی در سال 1360 ش مسلمانان را به کنار گذاشتن تفرقه و جنگ زدن به ریسمان الهی تشویق نموده و بر اساس مبنای دفاع از مظلوم، از حقوق فلسطینیان مظلوم دفاع می کرد و موضوع فلسطین را امری مرتبط با همه جهان اسلام می دانست.

در قضیه اشغال فلسطین، علمای بسیاری موضع گیری علنی و شدید داشتند که آیت الله گلپایگانی از زمره آنان بود؛<sup>(2)</sup>

ص: 172

---

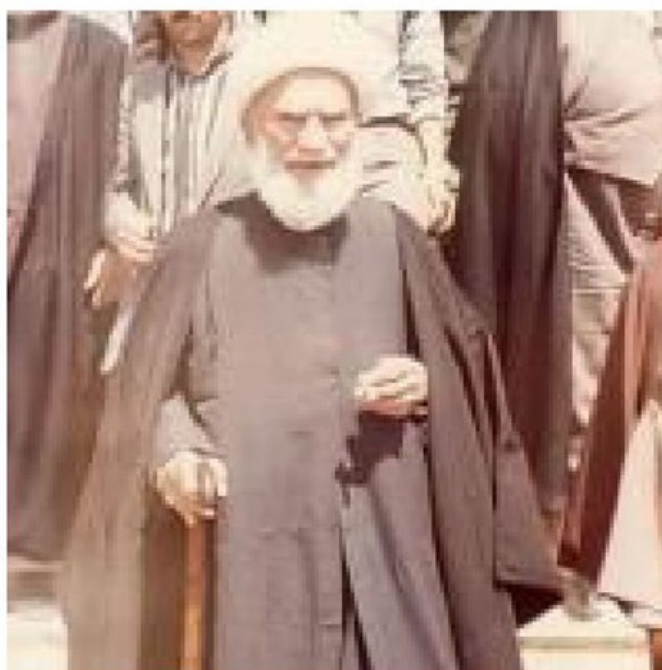
1- مهدی لطفی، نوری از ملکوت (زندگانی آیت الله العظمی گلپایگانی)، ص 435 و نیز ر.ک: محمد مهدی امامی، اندیشه های فقهی - سیاسی آیت الله گلپایگانی در عصر غیبت. مرحوم گلپایگانی در زمان پیروزی انقلاب نیز تا زمان رحلت امام خمینی (قدس سره) مدافع انقلاب بود، و هم ایشان بر پیکر مبارک و منور ایشان نماز گزارد و بیانیه - ای بسیار تفخیم آمیز صادر کرد. در طول جنگ تحمیلی از حمایت مادی و معنوی خود به مجاهدان جان برکف و رزمندگان اسلام کوتاهی نمود و با ارسال هیئت های مختلف به جبهه های نبرد و اجازة مصرف ثلث وجوهات در مصرف جبهه ها به پشتیبانی از رزمندگان پرداخت. همچنین ر.ک: منشورات کنگرة «فقیه آگاه» در همین زمینه ها.

2- سیدعباس رضوی «علمای شیعه و حمایت فقهی و سیاسی از فلسطین»، در: مجله پگاه حوزه، شانزده آذر 1381، ش 78.

علامه شیخ محمد تقی فقه عاملی

(۱۳۲۹ - ۱۴۱۹ ق)

در اندیشه تقریب ادیان



#### شخصیت علمی

علامه شیخ محمد تقی فقیه عاملی رحمه الله از فقیهان و عالمان مشهور لبنان در دوران معاصر به شمار می رود. (1) «آل فقیه» خانواده ای علمی معروف در لبنان و عراق بودند و مشاهیری از این خاندان به پا خاستند که همگی دارای منزلت های علمی و ادبی بودند. (2) پدر محمد تقی، شیخ یوسف فقیه حاریصی عاملی (1297-1368 ق) شاگرد آخوند خراسانی و قاضی القضاة لبنان و مؤسس محاکم شرعی جعفری بود (3) و در تقویت جایگاه سیاسی و اجتماعی شیعیان لبنان و نواحی شام بسیاری کوشید. از آثار علمی ارزنده وی می توان به کتاب المدنیة و الاسلام اشاره کرد. وی در حاریص وفات نمود و در همان جامدفون گشت. (4) فرزند وی علامه

ص: 173

1- علی خاقانی، شعراء الغری، ج 7، ص 326.

2- همان، ص 325.

3- ناصر الدین انصاری، اختران فضیلت، ج 1، ص 626.



شیخ محمد تقی فقیه عاملی نیز اگر چه نیمی از زندگی اش را در عراق گذراند، همواره در تقویت موقعیت شیعیان و مسلمانان و مبارزه با ظالمان و صهیونیسم کوشا و پر تلاش بود.

وی در نجف از استادانی بنام چون سید ابو الحسن اصفهانی (م 1325 ش)، شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء (م 1373 ق)، شیخ محمد علی کاظمی خراسانی (م 1365 ق) و سید محسن حکیم (م 1390 ق) بهره های علمی برد و در شمار یکی از فاضلان نام آور و مدرسان سطوح، و در جرگه بارزترین شاگردان آیت الله حکیم و خواص ایشان جای گرفت. (1) ایشان در سال 1380 ق، پس از دریافت اجازات متعدد اجتهاد و روایی از استادانش، به لبنان بازگشت و در شهر صور و تابستانها در زادگاهش مسکن گزید و به تألیف و تدریس و اقامه جماعت و پاسخ گویی به مسائل شرعی مؤمنان پرداخت. دامنه مرجعیت او، پس از رحلت مراجع عظام تقلید گسترش یافت و جوامع فتوایی اش منتشر شد. از این عالم ربانی تألیفات علمی متنوع و ارزنده ای باقی مانده است. آیت الله محمد تقی فقیه در سال 1419 ق، در نود سالگی وفات یافت و در وادی السلام نجف مدفون گشت. (2)

#### مسافرت های تبلیغی

شیخ محمد تقی فقیه عاملی سفرهای بسیاری را در دوران جوانی و کهنسالی به نقاط مختلف عراق و شام و شهرهای لبنان داشته است. وی در این سفرها که عمدتاً تبلیغی بوده، ضمن نشر معارف دینی، در راستای مقابله با شبهات و هابیون، خنثی نمودن مبشران مسیحی، رهنمایی خواهندگان هدایت، اهدای کتب ارزنده

ص: 174

- 
- 1- علی خاقانی، شعراء الغری، ج 7، ص 326؛ کاظم العبود الفتلاوی، المنتخب من رجال الفكر والأدب، ص 424؛ ناصر الدین انصاری، اختران فضیلت، ج 1، ص 626
  - 2- ناصر الدین انصاری، اختران فضیلت، ج 1، ص 628. برای اطلاع بیشتر از زندگی شیخ محمد تقی فقیه عاملی ر.ک: شیخ محمد صالح فقیه، إطلالة علی سیرة المقدس آیت الله العظمی المرجع الدینی الشیخ محمد تقی الفقیه العاملي الحاریصی؛ و نیز همو، «شرح حال شیخ محمد تقی فقیه به قلم فرزندش شیخ محمد جواد فقیه»، در: مجلة الموسم، ش 20، 1994 م/ 1415 ق.

شیعی به مردم و اموری از این دست، کوشا بوده است. از جمله وی در سال 1368 ق، پس از هفده سال دوری از وطن، برای زیارت پدرش به لبنان رفت و چون مشکلات اجتماعی و دینی دانشجویان مهاجر را دید، طرح جدیدی در بهبود اوضاع و کاهش بحران برای دانشجویان مذهبی مهاجر از لبنان پایه ریزی کرد. «قلعه سکر» عراق و نواحی اطراف آن از مناطقی است که مرحوم فقیه بسان یک مبلغ و راهنمای آرام و واعظ متعادل مشغول تبلیغ در آنجا بود و پیوسته این راه را با اخلاص و تعیین هدف ادامه می داد. (1) او پس از بازگشت به سرزمین خود با استقبال و گرمی روبه رو شد (2). شیخ علی خاقانی (م 1400 ق) در بخشی از کلام خود پیرامون شیوه مناظرات و بحث های مرحوم فقیه اشارتی دارد. وی در کتاب شعراء الغری می نویسد:

محمد تقی دوست من بود. از زمانی که به نجف آمد از همان لحظه که وی را شناختم فهمیدم که استعداد فراوان و هوش و ذکاوت و زیرکی عجیب و انعطاف پذیری زیادی داشت، خلق و خویی نیک و روحی بزرگ داشت. وی از آن دسته عالمانی بود که به امثال آنان در هر زمان محتاج و نیازمندیم. استدلالش قوی، نظرش خالص، تفکرش کامل و [حتی] با دشمن خود گشاده رو و مهربان بود. (3)

تقریب گرا و وحدت طلب

آیت الله فقیه عاملی از اندیشه و ران شیعی، هواخواه تقریب مذاهب و اتحاد اسلامی بود. وی خواستار اتحاد جهان اسلام در برابر توطئه های بیگانگان بود. با بزرگان دیگر مذاهب اسلامی دیدار کرده، از شیوه های تقریب سخن می گفت. حتی با برخی شخصیت های بین المللی مسیحی نیز ملاقات و در زمینه هم گرایی

ص: 175

---

1- علی خاقانی، شعراء الغری، ج 7، ص 326 - 327.

2- کاظم العبود الفتلاوی، المنتخب من رجال الفكر و الأدب، ص 424.

3- علی خاقانی، شعراء الغری، ج 7، ص 326 - 327.



ادیان توحیدی بحث، و درباره مطالب مرتبط با ترویج روح دیانت و مبارزه با بی دینی گفت و گو می کرد. همچنین، او شاگردان تقریب گرایی را پرورانده است که از میان آنان می توان به حضرات آیات شیخ محمد مهدی شمس الدین، شیخ علی کورانی، شیخ مفید فقیه<sup>(1)</sup>، شیخ سلیمان یحیی و شیخ جعفر المهاجر<sup>(2)</sup> اشاره کرد. مرحوم فقیه عاملی در عرصه نگارش و تألیف آثار علمی نیز روح تقریبی خود را نشان می داد و به آسیب شناسی تقریب و عوامل زیان رسان بدان می پرداخت.

یکی از ویژگی های وی تقریب علمی در مباحث فقه مقارن، حدیث و کلام تطبیقی است، مبادی الاسلام فی مذهب اهل البیت علیهم السلام، در دو جلد که از آثار خواندنی مرحوم فقیه عاملی است. الربا فی مذهب الإسلام دیگر اثر اوست که سلسله وار در مجله النهج در جبل عامل لبنان انتشار می یافت، حواشی بر کتاب های درسی، رساله های متعدد در زمینه موضوعات فقهی و قواعد الفقیه از آثار مطبوع اوست.<sup>(3)</sup> از تألیفات مخطوط او هم می توان به مکاسب الفقیه یا قواعد من المکاسب در اصول و قواعد معاملات، اشاره کرد، چنان که اثر قیم و ارزنده من الحلقات یا حجر و طین در سه جلد که حلقه هایی درباره ادبیات و تاریخ و و اخلاق است، الشموع که دیوان اوست<sup>(4)</sup> و جبل عامل فی التاریخ و وسیلة الوصول إلى کفایة الأصول از دیگر آثار وی هستند.

اما یکی از عالمانه ترین و جذاب ترین آثار مرحوم فقیه عاملی کتاب «الاسلام الکامل» است. مطالعه این اثر، بصیرت بسیار و درایت و دیدگاه عمیق فقیه عاملی را نشان می دهد. مؤلف در این اثر به امر اتحاد مذاهب و تقریب مذهبی جهت دهی های حکیمانه می دهد و ثابت می کند که سیاستمداران پلید موجب

ص: 176

1- ناصر الدین انصاری، اختران فضیلت، ج 1، ص 627

2- جعفر المهاجر، أعلام الشیعه، ج 3، ص 1203

3- ناصر الدین انصاری، اختران فضیلت، ج 1، ص 627-628؛ آقابزرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشیعه، ج 17، ص 188.

4- کاظم العبود الفتلاوی، المنتخب من رجال الفکر و الأدب، ص 424؛ علی خاقانی، شعراء الغری، ج 7، ص 227.

تفرقه انگیزی گشته اند و اگر توطئه آنان نبود، مذاهب مختلف اسلامی با آرامش کنار یکدیگر می زیستند. علامه فقیه عاملی همچنین در خطابه هایش همین رویه و منش را بیان داشته، در راه تحقق و ترویج آن می کوشید.

دفاع از فلسطین و مبارزه با صهیونیسم

علامه شیخ محمد تقی فقیه عاملی مانند دیگر علمای شیعی با نفرت به اسرائیل غاصب و رژیم منحوس و ملعون صهیونیسم می نگریست. از دیدگاه وی و هر عالم شیعه، به صرف اینکه اغلب فلسطینیان سنی مذهب اند، دلیلی مناسب برای دوری از آنان نیست و باید با اتحاد و وحدت مشتی محکم در برابر زورگویی های امریکای جهان خوار و صهیونیسم غاصب شد؛ از این رو، شیخ محمد تقی فقیه عاملی از سنن جوانی با امام موسی صدر، مرحوم شمس الدین، شیخ محمد جواد مغنیه و دیگر علمای لبنان در مسیر اتحاد اسلامی و مبارزه با ستم بی پایان اسرائیل غاصب کوشا بود. وی مدتی پس از بازگشت به لبنان، در سال 1962م، برادرزاده و دامادش شیخ مفید فقیه را برای اداره امور دینی و تبلیغی ناحیه «قلعه سکر» عراق ارسال داشت، و خود نیز در لبنان به فعالیت های سیاسی و اجتماعی ادامه داد و همواره در آرزوی پیروزی نهایی اسلام بر صهیونیسم جهانی و استکبار پلید امریکا بود.

ص: 177

## آیت الله سید محمد تقی حکیم

(۱۳۴۱-۱۴۲۳ق)

اسوة تقرب



شخصیت علمی

آیت الله سید محمد تقی طباطبایی حکیم رحمه الله، از فقهای بزرگ معاصر و صاحب دو کتاب مشهور الأصول العامة للفقہ المقارن و قضية التقرب است. وی فرزند آیت الله سید سعید حکیم (1302 - 1395 ق) بود که با توجه به موقعیت علمی و منزلت اجتماعی اش، رهبر و عمید خاندان به شمار می آمد. (1) سید محمد تقی نزد حضرات آیات سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خوئی، شیخ حسین حلی، شیخ محمد رضا مظفر و... درس خواند. (2) او از مجاهدان و فقیهان مبارز معاصر بود و پس از سال ها تدریس و تحقیق و تحمل مرارت های بسیار نظام بعث، سرانجام

ص: 178

1- محمد باقر الحکیم، «العلامة الحکیم ومركز الإصلاح في الحوزة العلمية في النجف» من کتاب: السيد محمد تقی الحکیم وحركته الاصلاحية في



در صبح‌دم شانزدهم صفر 1423 ق درگذشت و در مقبره خانوادگی آل حکیم، در جنب مسجد هندی نجف به خاک سپرده شد.

تدریس فقه مقارن و ترویج فکر تقریب

آیت الله حکیم سالیان متمادی به تدریس فقه مقارن و ترویج اندیشه های تقریبی اشتغال داشت و شاگردان تقریب گرای بسیاری تربیت کرد. افرادی چون شیخ عبد الهادی الفضلی<sup>(1)</sup>، سیدفاضل میلانی<sup>(2)</sup> شیخ محسن اراکی<sup>(3)</sup>، شیخ محمدعلی تسخیری<sup>(4)</sup>، شیخ محمد مهدی آصفی بروجردی<sup>(5)</sup> و... همچنین تدریس سطوح عالی فقه و اصول فقه و علم قواعد فقهی و همچنین، علم اصول فقه مقارن با ذکر آرای ائمه مذاهب اربعه اسلامی برای طلاب حوزه علمیه نجف اشرف از ثمرات علم وافر آیت الله سید محمد تقی حکیم است.

تأسیس «جمعیه منتدی النشر»<sup>(6)</sup> همراه برخی بزرگان در نجف اشرف و تدریس صرف، نحو، بلاغت، ادب، تاریخ، فقه، اصول، علم النفس (روان شناسی) و لا علم الاجتماع (جامعه شناسی) در دانشکده آن (دانشکده منتدی النشر) از ابتدای سال 1363 ق، و تأسیس «المجمع الثقافی لمنتدی النشر»<sup>(7)</sup> با همت برخی متفکران

ص: 179

- 1- استاد سابق دانشگاه ملک عبدالعزیز عربستان.
- 2- استاد بحث خارج در حوزه علمیه لندن.
- 3- استاد بحث خارج در حوزه علمیه لندن.
- 4- رئیس سابق مجمع جهانی اهل بیت -علیهم السلام -
- 5- نماینده مقام معظم رهبری در حوزه علمیه نجف.
- 6- «جمعیه منتدی النشر» در چهارم شوال 1353 ق در نجف شکل گرفت و با دریافت مجوز از وزارت داخله عراق در چهارم صفر 1354 فعالیت رسمی خود را آغاز کرد. هدف این مؤسسه دینی دفاع از عقاید و اندیشه های اسلامی در برابر تحولات جدید فکری، گسترش و ترویج فرهنگ اسلامی و علمی، اصلاحات اجتماعی به واسطه نشر، تألیف و آموزش و... بود. مؤسسان این جمعیت عبارت بودند از: شیخ عبدالهادی حموزی، شیخ محمد جواد قسام، سید محمد تقی حکیم، شیخ محمدرضا مظفر، سید محمدعلی حکیم، سید موسی بحر العلوم، سیدهادی فیاض و سید یوسف حکیم .
- 7- «مجمع ثقافی لمنتدی النشر» به همت تعدادی از اعضای «منتدی النشر» در 1363ق، در نجف تأسیس شد. اهداف اصلی این مجمع عبارت بودند از: 1. ترویج احکام و قوانین اسلامی در جامعه و ایجاد اصلاحات مادی و معنوی در زندگی مردم؛ 2. توجه به زندگی شخصیت ها و قهرمان های بزرگ اسلامی و احیای یاد و خاطره آنها؛ 3. ایجاد تفاهم و همکاری میان مصلحان جوامع اسلامی در عصر حاضر؛ 4. تلاش برای چاپ و تکثیر کتاب های فرهنگی، دینی و ادبی کهن: المجمع الثقافی الدینی، أسبوع الإمام، مقدمة السيد محمد تقی الحکیم، ص 2 - 3.

و دانشمندان در سال 1362ق، و شرکت در فعالیت های فرهنگی مختلف این مجمع و مشارکت در تأسیس دانشکده فقه در نجف اشرف در سال 1405 ق، و تدریس علوم اصول فقه مقارن و قواعد فقه مقارن و فقه اللغة، تاریخ اسلام، علم الاجتماع و النفس (جامعه شناسی و روان شناسی) در این دانشکده، احراز کرسی ریاست دانشکده فقه از 1385-1390ق، تدریس اصول فقه مقارن در مؤسسه «الدراسات الاسلامیة العلیا» دانشگاه بغداد از 1387-1390ق، دریافت درجه استادی از دانشگاه بغداد به تصویب شورای دانشگاه در 1383 ق، انتخاب به عنوان کارشناس علمی دانشگاهی برای ارتقای مدارک عالی در سطوح بالای دانشگاهی از دیگر آثار نگرش مقارن وی به علوم بود.

ارتباط با شخصیت های بین المللی

آیت الله سید محمد تقی حکیم با شخصیت های علمی، ادبی و دینی بسیاری از کشورهای مختلف آسیا، اروپا و آفریقا دیدار، و مرآوده و مکاتبه و مناظره داشت. (1) یکی از علل ارتباط فراگیر وی، عضویت فراوانش در مجامع علمی و ادبی کشورهای دیگر و شرکت در همایش های بین المللی بود. برگزیده شدن آیت الله حکیم به عنوان عضو فعال و مؤثر در «مجمع علمی عراق»، که تا سال 1416ق، در عضویت آن باقی ماند و در مقام نماینده مجمع، در بعضی نشست های علمی شرکت جست؛ عضویت در «مجمع اللغة العربیة» مصر در سال 1387ق؛ عضویت در «مجمع اللغة العربیة السوری» در سال 1393ق؛ عضویت در «مجمع اللغة العربیة الأردنی» در سال 1400ق؛ عضویت در «مجمع الحضارة الاسلامیة الأردنی»

ص: 180

---

1- به عنوان نمونه بنگرید به: کتاب «مناظرات في العقائد والاحکام»، ص 336 تا 357، مناظرة السيد محمد تقی الحکیم مع اکابر علماء الموتر الاسلامی في مصر حول عصمة أهل البيت و خلافتهم.

در سال 1401ق؛ عضویت افتخاری در «مجمع علمی عراق» در سال 1417ق؛ شرکت در سمینارها و نشست های علمی برخی کشورهای اسلامی از جمله: نشست کراچی پاکستان (1376ق)، به مناسبت گذشت چهارده قرن از ولادت امام علی علیه السلام به نمایندگی آیت الله سید محسن حکیم؛ اولین نشست مجمع «بحوث الاسلامیة قاهره» (1383 ق)؛ نشست مشترک بین «مجمع اللغة العربیة مصر و عراق»، بغداد (1384 ق)؛ نشست مشترک بین «مجمع اللغة العربیة مصر و عراق»، قاهره (1386 ق)؛ نشست «دراسة أحرف الطباعة العربیة» به دعوت سازمان عربی فرهنگ و علوم، قاهره (1391ق) و سمینار «المصطلحات القانونیه» به دعوت اتحادیه مجامع عربی، دمشق (1392ق) نمونه هایی از فعالیت های مرحوم حکیم در زمینه ارتباط داشتن با شخصیت ها و نهادهای غیر شیعی و تقویت روابط تقریبی است.

#### تألیفات تقریبی و مقارن

آیت الله سید محمد تقی حکیم از نویسندگان موفق معاصر در زمینه اندیشه و تقریب و نگارش آثار مقارن است. آثار علمی وی در موضوعات مختلف به سه بخش تقسیم می شود؛ بعضی به صورت کتاب نشر یافته است، برخی همچنان مخطوط است و هنوز به زیور طبع آراسته نشده است و پاره ای دیگر به صورت مقالات و نیز مقدمه بر کتاب های دیگران نشر یافته است. الشیخ فی ندوات القاهره، دار التجدید بیروت، (1420 ق)؛ الاصول العامه للفقہ المقارن، دار الألسن بیروت، (1382 ق)؛ الزواج الموقت و دوره فی حل مشکلات الجنس، دار الأندلس بیروت، (1382ق)؛ فکرة التقرب بین المذاهب، مكتبة المنهل الكويت، (1398 ق)؛ مناهج البحث فی التاريخ، مكتبة المنهل الكويت، (1398 ق) و تاریخ التشریح الاسلامی - کتاب المعهد - معهد الدراسات العربیة و الإسلامیة، لندن (1419ق)، از آثار منتشر شده وی و مشکلة الأدب النجفی و الاسلام و حرية التملك و المفارقات الناشئة عن هذه الحرية از تألیفات مخطوط اوست. همچنین، مرحوم حکیم مقدمه هایی عالمانه و خواندنی بر کتاب های تقریبی نوشته است که می توان به مقدمه بر کتاب النص و الاجتهاد، امام شرف الدین، چاپ نجف اشرف (1375 ق)، مقدمه بر کتاب

الكندي الرائد الأول للفلسفة الإسلامية و مفخرة الفكر العربي» دكتور محمد بحر العلوم، چاپ نجف اشرف (1381ق)، مقدمه بر كتاب القياس حقيقته و حجتيه، دكتور مصطفى جمال الدين، چاپ النعمان نجف اشرف (1392 ق)، و مقدمه بر كتاب العقل عند الشيعة الامامية، دكتور رشدي عرسان عليان، چاپ دارالاسلام بغداد، (1393ق) اشاره كرد. همچنين، وي در مجله هاي متعددي در عراق، مصر، لبنان و... از جمله مجلات البذرة، الهاتف، النجف، الايمان، الأضواء البيان، الدليل، الغري، النهج، العرفان، البلد، الحياة، مجلة المجمع العلمي العراقي، و مجله مجمع اللغة العربية المصري مقاله مي نوشت. (1)

انديشه تقريب مذاهب اسلامي

آيت الله سيد محمد تقى حكيم از جمله بزرگان شيعه بود كه در جريان فعاليت هاي جمعيت دار التقريب مصر و مطرح شدن هم بستگي مذاهب اسلامي، ضمن حمايت از اين جريان به فعاليت هاي قلمي و قدمي در اين راه پرداخت و مقدمه اش بر كتاب النص والاجتهاد سيدعبدالحسين شرف الدين و به ويژه تأليف كتاب الأصول العامة للفقهاء المقارن در اين زمينه معروف اند.

آيت الله حكيم در مقدمه اش بر كتاب «قضية التقريب بين المذاهب» با اشاره به مقاله ارزنده اي از شيخ باقوري، وزير سابق اوقاف مصر كه مقدمه اي بر كتاب معروف «المختصر النافع» محقق حلي نوشته است و نقل قسمت هايي از سخنان شيخ باقوري در مجله النجف ضمن ستايش از بينش و ديدگاه عميق و خردمندانه او به اختلافات ميان مسلمانان و داعيه وحدت اسلامي و در پيش گرفتن روشي مثبت براي نيل به آن، به ريشه يابي علل و اسباب تفرقه مسلمانان مي پردازد.

ايشان هم صدا و هم رأي با شيخ باقوري مي گويد: علل و اسباب اختلاف ها و تفرقه ميان مسلمانان تنها حول دو محور «علم و ايمان» دور مي زند و مسئله شيعه

ص: 182

---

1- السيد محمد تقى الحكيم، ثمرات النجف في الفقه و الاصول و الأدب و التاريخ، ص 16-26؛ عزالدين رضا نژاد، «سيد محمد تقى حكيم، محقق و پژوهشگري تقريب گرا»، در: انديشه تقريب، سال سوم، ش 10، ص 102-107.



و سنی «مسئله دین و علم توأمان است» و حل مسائل موجود میان فریقین نیز تنها در پرتو «ایمان راستین و فراخنای دانش» اسلامی ممکن است.<sup>(1)</sup>

آیت الله سید محمد تقی حکیم ریشه اختلاف میان پیروان مذاهب را نه از سوی رؤسای آنها، بلکه به واسطه سیاست های حکام و خلفای جور، و در مرحله بعد استعمار بر می شمارد. به عقیده وی، دست های آلوده سیاست و خلفا و حکام جور با نشر انواع اکاذیب و جعلیات در مذهب و دسیسه چینی و بستن دهان مردم و جلوگیری از دعوت و تبلیغ و قراردادن داعیان و پیروان امام علی علیه السلام، در معرض بزرگ ترین خطرها چون قتل و زندان و تبعید و امثال آن، به مرور زمان و با تکرار حوادثی چنین در اعماق افکار مسلمانان و باطن های آنان رسوب های فکری ایجاد کردند و وضع اسف انگیز امروز را پدید آوردند. در عصر حاضر نیز استعمارگران با استفاده از همین شکاف و اختلاف میان مسلمانان، ضمن دامن زدن به آن، پایه های استعمار خویش را در میان آنها محکم کردند.<sup>(2)</sup>

کتاب «الاصول العامة للفقہ المقارن» آیت الله سید محمد تقی حکیم یکی از مهم ترین آثار و تألیفات در زمینه تقریب مذاهب است. این کتاب پس از چاپ و نشر در سال 1383 ق در بیروت، از سوی دانشگاه بغداد به عنوان رساله دکتری برگزیده شد و بر اساس آن مدرک دکتری افتخاری - بدون نیاز به برگزاری جلسه دفاعیه - به آیت الله سید محمد تقی حکیم اعطا شد. نگرش علمی به مسئله تقریب، براساس آنچه در کتاب اصول فقه مقارن آقای حکیم آمده، دریچه ای است که این طلائی دار تقریب گشوده است. اصول و قواعدی را که وی در راه تحقق تقریب در این کتاب به کار گرفته می توان به مبانی تقریب تعبیر کرد.

از اهداف تدوین کتاب اصول فقه مقارن، تقریب بخشی میان مسلمانان و تبیین تأثیر عوامل تفرقه انداز است که از مهم ترین و قوی ترین آن ها جهل عالمان برخی مذاهب درباره قواعد و ضوابط مذاهب دیگر است؛ از همین رو، تبلیغات مغرضانه دشمنان در بدنام کردن برخی فرقه ها نزد برخی دیگر تأثیرگذار است و سبب

ص: 183

---

1- عبدالکریم بی آزار شیرازی، توحید کلمه، ج 2، ترجمه سید محمد صادق سجادی، ص 145.

2- همان، ص 48-147

می شود که به سخنان یکدیگر آن گونه که هست، دست نیابند و یکدیگر را به داشتن عقاید و آرای باطل متهم کنند؛ تحلیل و پژوهش درباره عوامل اختلاف فقهی کاری بود که مرحوم حکیم در نزدیک ساختن دامنه اختلاف و تقریب میان مذاهب فقهی انجام داد. همان گونه که یکی دیگر از منابع اختلاف نتایج مباحث فقهی، اختلاف در ترتیب ادله و کیفیت مراجعه به آن است. از دیدگاه ایشان هرگاه مسئله ترتیب مراجعه به ادله ملاحظه شود، نتایج مباحث فقهی تا اندازه زیادی نزدیک به یکدیگر خواهد بود و از این راه، بخشی از اختلافات مذاهب اسلامی رفع می گردد.

طرح مسئله تحریف قرآن و رد آن، که شبهه مذکور از سوی دیگر مذاهب اسلامی متوجه مذهب امامیه است، از دیگر مبانی تقریب مرحوم حکیم است. وی بر استدلال به قرآن کریم از سوی امت اسلامی تأکید نموده، می گوید: مذهب و امامیه همانند مذاهب دیگر بر این اصل تأکید می کند و اصولاً هر روایتی که با قرآن کریم معارض باشد، طرد می شود. با وجود چنین دیدگاهی است که همه مذاهب اسلامی باید بر اصل رجوع و استدلال به قرآن اهتمام ورزند و با این کار به تقریب آرا و نظریاتشان دست یابند. روایات ضعیف و شاذی که در کتاب های فریقین درباره تحریف قرآن وجود دارد، ضمن ناسازگاری با آیه نهم سوره حجر، با روایات دیگری که دلالت بر تحریف نشدن قرآن دارد، معارض است و علمای مذاهب، از جمله عالمان شیعی در طول تاریخ اسلام، به همین قرآن موجود استناد و استدلال می کردند. پس می توان از این زاویه به تقریب مذاهب پرداخت و با زدودن شبهه تحریف و متهم نکردن یکدیگر به آن، گامی مؤثر در وحدت مسلمانان برداشت.

از نگاه عده ای، اخذ به سنت اهل بیت علیهم السلام را یکی از موانع تقریب دانسته اند بدین پندار که طرح آن در برابر سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله به عنوان یک منبع دیگر برای فهم دین بر اختلافات خواهد افزود. مرحوم حکیم با تأکید بر اخذ به سنت اهل بیت: نه تنها آن را مانع وحدت ندانسته، بلکه آن را بر اساس آیات قرآن، مانند آیه تطهیر، و روایات نبوی، مانند حدیث ثقلین که به تواتر در مصادر روایی فریقین آمده، از عوامل وحدت و همسو با سنت نبوی دانسته است. همچنین

مرحوم حکیم با ارائه تحلیلی مقبول در مقایسه با برداشت از اصول و قواعد کانون اختلاف، مانند قیاس، استحسان، مصالح مرسله و سد الذرایع می کوشد در ایجاد تقریب گام بردارد و وجود قواعد اصولی یادشده را مانع اصلی وحدت نداند(1)

با مرور اجمالی آثار فکری و عقیدتی آیت الله سید محمد تقی حکیم و بررسی فعالیت های وی به جرئت می توان گفت که ایشان یکی از مهم ترین شخصیت های مذهبی دوران معاصر عراق است که نقش بسزایی در تقریب مذاهب و دعوت مسلمانان به وحدت و همدلی و بیداری ایفا کرده است.

حیات سیاسی (مخالفت با استعمار و استبداد)

حیات سیاسی و زندگی مبارزاتی آیت الله حکیم مملو از نقاط درخشان است؛ به گونه ای که همین عرصه از زندگی وی رنگ و بوی دیگری به جایگاه و منزلت علمی او می دهد. مرحوم حکیم در طی سالیان متمادی به اقتضای هر زمان نسبت به نفوذ استعمار در بلاد اسلامی و تقویت استبداد حکام ممالک اسلامی تذکر می داد و خود نیز در مسیر مبارزه با استعمار و استبداد تلاش هایی نموده و در جریان شیوع فعالیت احزاب کمونیست و مارکسیست، بعثی و ... با قلم و بیان خویش دست به مبارزه می زد. همچنین وی از پشتیبانان «حزب الدعوة» که مهمترین حزب شیعی تاریخ معاصر عراق است، به شمار می رفت. این حزب که در زمان ملک فیصل دوم پی ریزی شده بود با حمایت های آیت الله سید محسن حکیم (سرشناس ترین شخصیت خاندان حکیم)، فعالیت های خود را آغاز و سپس توسعه یافت. حضرات آیات شهید سید مهدی، سید محمدباقر صدر، سید مرتضی عسکری، شیخ محمد مهدی شمس الدین و سید محمدباقر حکیم از شخصیت های

ص: 185

---

1- محمد علی التسخیری «شخصیات التقریبیه: السید محمد تقی الحکیم»، در: رساله التقریب، ش 15، ص 89-80؛ عزالدین رضانزاد، «سید محمد تقی حکم محقق و پژوهشگری تقریب گرا»، در: اندیشه تقریب، سال سوم، شماره 10، ص 103 - 107.

بنام و بنیان گذاران این حزب به شمار می رفتند. این حزب چنانکه گذشت در مقابل احزاب دیگر چون کمونیست ها و بعثی ها قرار داشت.

سفر به لندن

دوران خفقان آور فشار حزب بعث بر شیعیان عراق و حوزه های علمی و علمای اعلام، در دهه شصت و هفتاد شمسی موجب دستگیری، شکنجه و یا اعدام بسیاری از شیعیان به ویژه جوانان مذهبی و طلاب حوزه علمی شد و از فعالیت حوزه ها و برقراری مجالس و محافل درسی حوزوی و دینی کاسته شد. این وقایع ناگوار آثاری سوء و ناگوار بر سلامت آیت الله سیدمحمدتقی حکیم گذاشت و ایشان بنا به توصیه پزشک برای پیگیری درمان بیماری خود (پارکینسون) در جمادی الثانی 1417 ق به لندن رفت و در منزل پسرش دکتر سید عبدالهادی اقامت گزید.

آیت الله سیدمحمدتقی حکیم تقریباً بعد از هشت ماه اقامت در لندن در ربیع الثانی 1418 به نجف بازگشت و در منزل خود با استقبال و بازدید فراوانی از له قشرهای مختلف اجتماعی روبه رو شد؛ چنان که عالمان بزرگوار نجف از جمله حضرات آیات سیدعلی حسینی سیستانی، سیدمحمدسعید طباطبایی حکیم، شیخ بشیر نجفی و سید حسین بحر العلوم و برخی استادان حوزه و دانشگاه به دیدار او رفته و درباره مسائل مختلف به بحث نشستند.

ص: 186

آیت الله شهید سید محمد باقر حکیم

(۱۳۵۸-۱۴۲۴ق)

از تبار تقریب گرایان



زندگی نامه و شخصیت علمی

خاندان حکیم از خانواده های علمی و سیاسی شهیر شیعه در عراق می باشد. سید محمد باقر حکیم رحمه الله فرزند آیت الله سید محسن حکیم - از مراجع تقلید مجاهد و استعمارستیز و تقریب گرا و وحدت خواه - بود (1) که در سال 1358 ق در شهر نجف اشرف متولد گشت. از اساتید وی علاوه بر پدرش و برادرش سید یوسف حکیم می توان از علامه شیخ مرتضی آل یاسین، آیت الله ابوالقاسم خویی و شهید صدر یاد کرد. اگر چه سید محمد باقر حکیم بیش از همه از استادش شهید صدر متأثر بود. دانشکده اصول الدین توسط وی، شهید صدر، علامه سید

1- درباره برخی فعالیت های اصلاحی و تقریبی مرحوم سید محسن حکیم در جلد اول همین مجموعه سخن گفته شد. همچنین بنگرید به مقالة: آیت الله العظمی حکیم، مرجع دوران طلایی حوزه علمیه در کتاب گزیده ای از اندیشه برخی شخصیت های تقریبی، ص 129 تا 136.

مرتضی عسکری و سید مهدی حکیم بنیان نهاده شده بود. شهید حکیم در حالی که به عنوان رهبر انقلابی مردم عراق پس از سقوط صدام به شمار می رفت، در ظهر روز جمعه اول ماه رجب 1424 ق (مصادف با سال 1382 ش) مانند برادرانش شهد شهادت نوشید و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

#### آثار و تألیفات تقریبی

معروف ترین کتاب پیرامون اصول فقه مقارن را در زمان معاصر یکی از علمای خاندان شهید حکیم یعنی سید محمد تقی حکیم که صاحب کتاب ارزنده دیگری با نام «قضیه تقریب» می باشد، نوشته است. (1) شهید محمدباقر حکیم نیز در زمینه تألیفات و نگارش های دینی و علمی خود روش تقریب را می پسندید و از این رو در وادی تقریب و اتحاد قدم می زد. سیری در تألیفات وی از نگرش یاد شده خبر داده و رویکرد نگارشی او را عیان می سازد. رنگ اصلی تألیفات و مرحوم حکیم مبتنی بر قرآن و احادیث می باشد، (2) و به همین سبب و با همان شاکله تقریبی است که آثار وی به زبان های مختلف ترجمه شده و حتی برخی از آن ها در مصر چاپ و مورد استقبال واقع شده است. برخی از تألیفات نظام مند و هدفدار شهید حکیم عبارتند از: «الظاهرة الطاغوتية في القرآن»، «الهدف من نزول القرآن»، «مستشرقان و شبهات آنان درباره قرآن»، «علوم القرآن»، «اهل البيت عليهم السلام و دورهم في الدفاع عن الاسلام» که نقش اهل بیت علیهم السلام را در دفاع از اسلام بیان کرده است، «دور اهل البيت عليهم السلام في بناء الجماعة الصالحة» که پیرامون نقش اهل بیت علیهم السلام در ساختار جامعه صالح است و در دو جلد تألیف یافته است. «ثورة الامام الحسين عليهم السلام»؛ در این کتاب، اندیشه ها، موضع گیری ها، جایگاه اجتماعی و مذهبی و دست آوردهای انقلاب حسینی علیهم السلام مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. «الحکم الإسلامي بين النظرية و التطبيق»، این کتاب، مجموعه مقالاتی است

ص: 188

---

1- درباره وی بنگرید به مقاله «آیت الله سید محمد تقی حکیم؛ الگوی فکری در زمینه تقریب» در کتاب گزیده ای از اندیشه برخی شخصیت های تقریبی، از آیت الله تسخیری، ص 267 تا 279.

2- اطلاع علی السیره الذاتیه، ص 25 تا 29.

که طی 6 سال در موضوع حکومت اسلامی از تئوری تا عمل تنظیم گردیده و در آن انقلاب ایران به عنوان یکی از مصادیق بارز تأثیر اندیشه های اسلامی در توفیق مردم در تغییرات اجتماعی و یکی از نمونه های حکومت اسلامی مطرح گردیده است. مجموعه کتابهای «المنهاج الثقافي السياسي الاسلامی» که در شش عنوان منتشر شده و عبارتند از: «العقیده»، «الاخلاق»، «النظام»، «التاریخ»، «المواقف و الرؤی» و «العلاقات»؛ کتاب «حقوق الانسان من وجهة نظر اسلامية» که حقوق بشر را از دیدگاه اسلام بیان می کند. «الوحدة الاسلامية من منظور الثقلین» که چند بار در ایران و مصر چاپ شده و ترجمه فارسی آن نیز منتشر گردیده است. النظرية الاسلامية في العلاقات الاجتماعية» که روابط اجتماعی را از منظر اسلام بررسی می کند. «الاخوة الاسلامية من منظر الثقلین»، «النظرية الاسلامية في التحرك الاسلامی»، «العلاقة بين القيادة الاسلامية و الامة من خلال روية نهج البلاغه» که در آن رابطه رهبری اسلامی با امت، تشریح شده است، «لمعه عن مرجعية الامام الحكيم»، «السيرة العلمية للشهيد الصدر»، «جهاد مسلحانه در اسلام»، «جنگ تمدن ها» و «قضیه فلسطین و افکار و آراء جماعة العلماء»<sup>(1)</sup> برخی از تالیفات وی است که در آن ها بر وحدت و تقرب و اتحاد و دوری از تفرقه و چنددستگی تأکید کرده است. آن مجتهد فرزانه، علاوه بر تالیفاتی که منتشر شده اند، مجموعه ای بسیار حجیم از سخنرانی ها و مقالاتی که در کنفرانس های اندیشه اسلامی، اقتصاد اسلامی، همایش های حج، وحدت اسلامی و مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام ارائه کرده، از خود به یادگار گذاشته که در سطح برترین و عالمانه ترین مقالات ارائه شده بوده و دارای نوآوری ها و مطالب سودمند بسیاری است.

اتحاد اسلامی و تقرب مذاهب

چنانکه گفته شد شهید سید محمدباقر حکیم از طرفداران تقرب بین مذاهب اسلامی بود. وی علاوه بر اینکه در تالیفاتش این سیره را تأیید می کرد در عمل

ص: 189

---

1- کتاب هفته، مقاله محمدرضا زائری، ش 136، ص 21؛ نشریه سیاست روز، 82/6/17 ش.



نیز بر تقریب و وحدت پای می فشرد و در نهادهای تقریبی دارای مسئولیت بود. چنانکه در رفتار و منش اجتماعی و سیاسی نیز نسبت به کشورهای اسلامی و در دیدار با شخصیت های اسلامی بر همین مسئله تاکید داشت. شهید صدر که در رشد و شکوفایی شخصیت شهید حکیم سعی وافر داشته، و با بذل عنایات خاص خود، او را محرم اسرار و گنجینه تمام طرح ها و افکار و اندیشه های انقلابی خود قرار داده بود در زمان جوانی شهید حکیم از او به عنوان «عضدی المفدی» (بازوی فداکار من) نام می برد. شهید حکیم که اکثر دروس حوزوی را نزد آیت الله صدر فرا گرفت، بر این باور بود که شهید صدر، رهبر شایسته و بنیانگذار انقلاب اسلامی عراق و الگوی مسلمانان می باشد و به اندیشه های روشن و نو آوری های شهید صدر اعتقاد راسخ داشت. این استاد فرزانه، هنگام دستگیری، شهید سید محمدباقر حکیم را به عنوان قائم مقام و جانشین خود برگزید. از این سو نیز شهید حکیم در زمینه های سیاسی و اجتماعی بیش از هر کس دیگر از امثال شهید صدر که تقریب گرایی سترگ بود متأثر بود و در اندیشه و افکار دینی و علمی نیز در همان اقلیمی که شهید صدر برای دین جهانشمول و اسلام برنامه داشت، حرکت می کرد. دیگر نکته این که شهید حکیم در کنفرانس های بین المللی نیز شرکت جسته و به ایراد سخنرانی و دیدار با شخصیت های بین المللی می پرداخت. او در زمانی که جوان بود توسط پدر علامه و مجاهدش برای شرکت در کنفرانس بین المللی، به نمایندگی از پدر در کنفرانس های مکه مکرمه و کنفرانس اسلامی عمان در اردن در سال 1387 ق شرکت جست. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز ریاست شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی را بر عهده گرفت و برخی مسئولیت ها و تاسیس نهادهای دینی و اجتماعی توسط وی نیز همچون ریاست مجمع تربیت نیروهای انسانی، فرهنگی، سیاسی و اسلامی (مجمع الكوادر الاسلامیه) و قائم مقام ریاست شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام در همین راستا بود. (1) نکته

ص: 190

---

1- بحثی جامع درباره شهید حکیم و وحدت را بنگرید در: اباحت الموتر الأول لاهیاء التراث الفکری و العلمی للشهید.. الحکیم، ص 302 تا 339.

دیگر تربیت شاگردان وحدت‌گرا و تقریب‌مدار توسط شهید حکیم بود. سید مرتضی رضوی کشمیری، سید عبدالصاحب حکیم، برادر کوچکتر سید محمدباقر، شهید سید عباس موسوی، دبیر کل سابق حزب الله لبنان، سید محمد باقر موسوی مهری و سید صدرالدین قبانچی برخی از شاگردان شهید حکیم هستند که دارای روحیه تقریب‌گرایی می‌باشند و در قول و فعل از این نظریه پشتیبانی نموده یا می‌نمایند. آیت الله محمد علی تسخیری دبیر کل سابق مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی درباره همین رویکرد شهید حکیم می‌گوید: «آقای حکیم یکی از طلایه داران مسئله وحدت و تقریب مذاهب اسلامی است. سخنرانی‌های زیادی در ایران، سوریه، لبنان، کویت و در اروپا، در رابطه تقریب مذاهب اسلامی داشته است. او در این زمینه، کتاب «الوحدة الاسلامیه» و چند کتاب دیگر را نوشت که آثاری مفید و پر مغز است»<sup>(1)</sup>.

ستیز با استعمار و صهیونیسم

اگر بخواهیم افکار اجتماعی و سیاسی شهید حکیم را رتبه‌بندی نماییم مبارزه و با استعمار، دفاع از انقلاب اسلامی ایران و ضدیت با صهیونیسم جهانی سه محور اصلی افکار سیاسی او را تشکیل می‌دهد. شهید حکیم عقیده داشت که اسرائیل و صهیونیسم به عمد توسط استعمارگران و دشمنان اسلام ایجاد شده تا در میان مسلمین تفرقه اندازی شود و لازم است هر مسلمان نسبت به ضدیت با اسرائیل و دفاع از فلسطین مظلوم در خود احساس تکلیف نماید و به هر وسیله در این راه مشروع قدم بردارد. علامه سید حسن نصر الله، دبیر کل حزب الله لبنان در همین رابطه می‌فرماید: «شهید سید محمد باقر حکیم همیشه در طول سال‌های زندگی‌اش از مقاومت لبنان حمایت می‌کرد و یکی از بزرگترین حامیان ملت فلسطین نیز بود. او در خطی قدم می‌زد که بر ضرورت نابودی اسرائیل از صحنه

ص: 191

---

1- درباره دیدگاه عده‌ای از دوستان و شاگردان شهید حکیم نسبت به اقدامات و اندیشه‌های بین‌المللی وی ر.ک: ماهنامه شاهد یاران، شماره 42.

گیتی تأکید دارد و آن را شر مطلق می داند. شهید آیه الله حکیم، سد محکمی در برابر اشغالگری در عراق بود، هر چند که برخی موقعیت وی را درک نکردند.»(1)

مرحوم حکیم همچنین از مردم مظلوم لبنان دفاع می کرد و نجات مردم ستم دیده عراق نیز در طی چند ده سال از دغدغه های ذهنی و عملی وی بود. وی در تأسیس حزب «الدعوة الاسلامیه» در کنار شهید صدر، محمد مهدی حکیم و سید مرتضی عسکری فعالیت می کرد و به فعالیت های سیاسی - مردمی در آن حزب می پرداخت. او در همین راستا از «جماعة العلماء» و برنامه هایش حمایت نموده و کتابی نیز درباره این گروه نوشته بود. چنانکه از جنبش ها و گروه های اسلامی دیگر چه در زمان حیات پدر گرامی اش و چه بعد از آن حمایت و پشتیبانی می کرد. سید محمدباقر حکیم به سبب استعمارستیزی و صهیونیسم ستیزی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و رهبری آن به این انقلاب علاقه شدیدی داشت. او می گفت: بر امت اسلامی واجب است که از امام خمینی پیروی کنند، زیرا در این امر، مصلحت مهم اسلامی وجود دارد. شهید حکیم در مورد انقلاب اسلامی ایران می نویسد: «انقلاب اسلامی و مردمی ایران در نوع خود بی نظیر است. انقلابی است که تمام گروه های ایرانی اعم از جوانان، طبقات مختلف اجتماعی اندیشمندان و رهبران دینی در آن شرکت داشتند. دو عامل اساسی در پیروزی انقلاب ایران دخیل بوده است: اول ماهیت دینی آن، و دوم رهبری دینی و مردمی اش.»(2) حضرت امام خمینی رحمه الله نیز برای وی احترام زیادی قائل بود و بارها وی را به ملاقات خصوصی پذیرفته و در یکی از ملاقات هایشان به او فرمود: «من شما را به دو جهت دوست دارم: اول آن که فرزند آیه الله سید محسن حکیم هستید؛ دوم آن که مردی مجاهد فی سبیل الله می باشید.»(3)

ص: 192

---

1- حکیم عشق، ص 11.

2- الحکم الاسلامی محمد باقر حکیم، ص 16.

3- حکیم عشق، ص 9.

شهید حکیم در زمان سکونت در ایران فعالیت های بسیاری در زمینه مقابله با صهیونیست و استعمار داشت و زمانی که عراق به تصرف نیروهای اشغالگر و استعمارگر در آمد، تاکید داشت که باید به اشغال عراق پایان داده شود. (1) تشکیل مجلس اعلای شیعیان عراق توسط وی نیز در راستای بازگرداندن حقوق از دست رفته و مسلوب شیعیان در طی بیش از نیم قرن اخیر بود. در عین حال شهید حکیم بر وحدت مذاهب و طوایف عراق نیز تاکید داشت و عاقبت پس از اینکه بارها توسط نظام بعثی و نیروهای آمریکایی مورد سوء قصد قرار گرفته بود، در اول رجب سال 1424 ق به همراه عده ای از نمازگرازان صحن مطهر حضرت علی علیه السلام شربت شهادت نوشید و به لقاء الله پیوست. مقام معظم رهبری دام ظلّه ضمن تقدیر از خدمات شهید حکیم درباره وی فرمود: «این شهید عزیز، عالم مجاهدی بود که سال های متمادی برای احقاق حق ملت عراق با رژیم خبیث صدام مبارزه کرد و پس از سقوط آن مجسمه شر و فساد، در مقابله با اشغالگران آمریکایی و انگلیسی همچون سد محکمی ایستاده و مبارزه ای دشوار با نقشه های شوم آنان آغاز کرد و خود را برای شهادت در راه این جهاد بزرگ و پیوستن به خیل شهیدان خاندان معظم آل حکیم و دیگر شهیدان علم و فضیلت در عراق آماده کرده بود. شهید آیه الله حکیم، مظهر خواست های به حق ملتی بود که دین و استقلال و آینده کشور خود را در معرض تهدید و خانه خود را زیر چکمه اشغالگران می بیند و می خواهد از هویت دینی و ملی خود در برابر متجاوزان دفاع کند. شهادت این سید بزرگوار، مصیبت جانکاهی برای ملت عراق و سند دیگری بر جرم اشغالگران است که ناامنی و هرج و مرج را با حضور نامشروع خود بر عراق تحمیل کرده اند، اما دشمنان عراق مستقل و مسلمان بدانند که با این شهادت مظلومانه، عزم و مقاومت ملت عراق در برابر نقشه ها و هدف های استکبار و صهیونیسم و ایمان و وفاداری آنان به خط اسلام و رهبری دینی ضعیف نمی گردد و بر عکس خواسته آنان پایدارتر خواهد گشت. ان شاء الله.» (2)

ص: 193

---

1- ابحاث المؤتمر الأول، ص 137 تا 166.

2- ویژه نامه نخستین سالگرد شهادت شهید حکیم، ص 2.



## آیت الله سید جلال الدین آشتیانی

(۱۳۰۴-۱۳۸۴ش)

فیلسوفی با نگرش بین المللی



### شخصیت علمی

آیت الله سید جلال الدین آشتیانی رحمه الله از فیلسوفان تقریب گرای معاصر است که خدمات بین المللی بسیاری در زمینه نشر معارف عقلی اسلام و تشیع در سطح بین الملل و ارتباط با شخصیت های علمی جهان انجام داده است. وی در سال 1304ش، در آشتیان دیده به جهان گشود. در اصفهان، قم، قزوین و نجف اشرف محضر بزرگانی چون آیت الله بروجردی، امام خمینی، آیت الله رفیعی قزوینی و سید حسن بجنوردی را درک کرد و در علوم منقول و معقول به تبحر بالایی دست یافت. (1) شهید سید مصطفی خمینی از هم بحثان ایشان بود. او در جوانی راهی مشهد

1- سید جلال الدین آشتیانی، «زندگی نامه خودنوشت ایشان» در: کیهان فرهنگی، سال دوم، شهریور 1364، ش 6، ص 17 - 18.

شد و در نیم قرن، خدمات بسیاری در زمینه تدریس علوم معقول و انتشار آثار حکیمان و عارفان الهی ایرانی و اسلامی از خود بروز داد. وی در آغاز بهار 1384 ش، در گذشت و در حرم امام رضا علیه السلام به خاک سپرده شد. مقام معظم رهبری دام ظلّه، از دوستان دیرین ایشان، در پی رحلت وی، او را به «علامه بزرگوار... و... در شمار برجسته ترین اساتید فلسفه و عرفان» وصف نمود که فقدانش «تأسف بار» است. (1)

#### انتشار فلسفه اسلامی در سطح بین الملل

از امور روشن تاریخ اندیشه اسلامی، عنایت بسیار شیعیان به فلسفه و علوم عقلی و کم اعتنائی و حتی ضدیت برخی اهل سنت با فلسفه است. با توجه به رویکرد جهانی به فلسفه و نیز شناخت غلط غرب از فلسفه اسلامی و ندیدن و درخشش های شیعه در عرصه فلسفه، مرحوم آشتیانی یکی از اصلی ترین دغدغه های خود را انتشار میراث فلسفی شیعه در سطح جهان به زبان های خارجی و با تحریرهای نو می دید. وی قبل از هر چیز معتقد بود باید فلسفه را نیک فهمید: «آنچه در فهم فلسفه مهم است، استفاده از استادان مبرز و زبان فهمیده و تلاش و پشتکار خود انسان است و طول تحصیل و عمری شاگردی کردن ارزش ندارد». (2)

روش تحصیل علوم عقلی مرحوم آشتیانی، شاهد و مؤید این سخن اوست: «من اعتقاد ندارم که آدم باید بیست سال درس فلسفه بخواند، این طور نیست، حکیم سبزواری در کمتر از ده سال به مقام شامخ رسید» (3). او عقیده داشت، همین فهم دقیق در تدریس و نگارش باید به زبان روز باشد؛ به همین منظور، وی پس از فراگیری دقیق فلسفه، هم در جهت تدریس آن، هم انتشار آثار علمی

ص: 196

- 
- 1- فروغ اندیشه، سال چهارم، زمستان 1383 و بهار 1384، ش 10 و 11، ص 1.
  - 2- سید جلال الدین آشتیانی، منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج 1، ص 8؛ مجله کیهان فرهنگی، ش 6 1364 ش.
  - 3- همان



پیشینیان و هم پدید آوردن آثار نو و نیز ارتباط با اندیشمندان غرب و شرق (1) ده ها سال تلاش کرد و از سرشناس ترین عالمان ایران در میان اندیشمندان و متفکران و فیلسوفان جهان قرار گرفت. (2) دکتر محمدجعفر یاحقی در این باره می گوید:

... شیخ اکبر (شیخ محیی الدین عربی) در روزگار خود چه کرد. این مرد (سید علامه آشتیانی) با تنقیح و تفسیر و ترویج آثار وی، اینک همان می کند. آن سالها که از مشهد بیرون نرفته بودم، می دیدم که هانری کربن و امثالهم چگونه مشتاقانه به دیدارش می شتابند و نیز هرکس بویی از فلسفه و عرفان به مشامش خورده است. بعدها که به اقصای عالم سفر کردم، در هر محفلی که سخن از خراسان به میان می آمد، از کمبریج و آکسفورد و لیدن گرفته تا برکلی و تورنتو و توکیو، همه از «استاد» می پرسیدند. اصلاً لفظ «استاد» در آن سوی عالم هم شده بود برایش «علم بالغلبه».. ماتسوموتو، استاد آن روز دانشگاه بین المللی ژاپن، خود یکی از دهها دانشجو و مرید استاد آشتیانی بود که از گوشه و کنار جهان به مشهد شتافته و در ساحل دریای دانش و عرفان وی زانو زده و نام دیار و آثار معرفت وی را در اقصای عالم پراکنده بودند.... (3).

موفقیت های استاد آشتیانی در زمینه یادشده وجه فلسفی - عرفانی منحصر به فردی از وی ساخته است.

ص: 197

---

1- از جمله اشاراتی در این باب را ببینید در مقاله مرحوم حسن لاهوتی با عنوان: «صدرای ثانی، سید جلال الدین آشتیانی»، اطلاعات حکمت و معرفت، فروردین 1389، شماره 49.

2- انجمن مفاخر فرهنگی، زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم استاد سید جلال الدین آشتیانی، ص 171 - 173.

3- ویژه نامه نشریه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، ش 41 و 42، ص 8

علامه آشتیانی چنان که از میان سطور کتاب ها و مصاحبه هایش هویداست، استعمار را عاملی مهلک و درجه یک در انحطاط ملل شرق می داند؛ از این رو، با آن سر ستیز دارد. (1) انقلاب اسلامی ایران را نیز تیغی آخته بر وجود نحس استکبار و استعمار می خواند و امام خمینی رحمه الله و اقدامات ایشان را بسیار می ستود. وی که از شاگردان ممتاز مکتب فلسفی امام خمینی رحمه الله، به شمار می رود، همواره از ایشان با عظمت یاد می کرد. (2) وی همچنین انتخاب مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلّه را بهترین کاری می دانست که بزرگان قوم و مجلس خبرگان پس از ارتحال جانشوز امام خمینی رحمه الله از روی خرد انجام دادند. (3)

طرفدار تقریب مذاهب

علامه سید جلال الدین آشتیانی از شاگردان خاص آیت الله بروجردی بود. عظمت فقهی و رجالی او و تدریس مجتهد پرورانه و رویکرد سیاسی - اجتماعی اش را بسیار می ستود. از دیدگاه مرحوم آشتیانی یکی از اموری که در سیره آیت الله بروجردی بسیار جلوه می نمود رویکرد تقریبی آن مرجع کبیر بود. سید جلال آشتیانی نیز طبق همان مبنا رویکرد تقریبی و وحدت گرایانه را برای دیانت و شریعت، مفید و از رویکردهای مبارزه با استعمار جهانی می دانست. وی با شخصیت های علمی و سیاسی اهل سنت ارتباط حضوری و مراوده داشت و ده ها سال مکاتبات عدیده با بزرگان مذاهب و حتی ادیان دیگر انجام داد. همچنین، تلاش وی در مسیر ایجاد وحدت حوزه و دانشگاه در همان اقلیم فکر

ص: 198

1- در این باره در لایحه لای نامه ها و مصاحبه های ایشان اشارات متعددی وجود دارد، ر.ک: انجمن مفاخر ایران، جلال حکمت عرفان، در حکمت و معرفت، یادنامه انجمن مفاخر تهران درباره مرحوم آشتیانی و پاورقی ها و مقدمه های ایشان بر آثار فلسفی و عرفانی، از جمله چهار جلد منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران.

2- مثلا در کتاب نقدی بر تهافت الفلاسفه غزالی، ص 30 می نویسد: استاد نامدار و وحید ما در علوم نقلیه و عقلیه و مآرب ذوقیه، امام عارف حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی...

3- محمد جواد صاحبی، جلال حکمت و عرفان، ص 345.

تقریبی وی جای می گرفت. (1) از دیدگاه آن مرحوم، نگرش انقلاب اسلامی به مقوله تقریب بسیار مهم بود و یکی از اصلی ترین ویژگی های مثبت این انقلاب در مقایسه با انقلاب های دیگر تاریخ معاصر جهان اسلام همین پافشاری سران جمهوری اسلامی بر مقوله تقریب مذاهب و وحدت طوایف است.

#### ارتباط با شخصیت های بین المللی

در میان شخصیت های فکری معاصر شیعه در نیم قرن اخیر، کمتر کسی بسان مرحوم آشتیانی دارای ارتباطات گسترده مراوده ای و مکاتبه ای با اندیشمندان بین المللی اعم از مسلمان و مسیحی و متدینان به دیگر ادیان زمینی و آسمانی بود. از استادان دانشگاه های غرب عالم و آمریکا گرفته تا شخصیت های اروپایی و متفکران شرق دور چون ژاپن با مرحوم آشتیانی ارتباط داشتند و بسیاری از آنان نیز در سفر به ایران به مشهد مقدس آمده و به بحث و گفت و گو با ایشان می پرداختند و افرادی چون ویلیام چیتیک از آمریکا، کریستین بونو از فرانسه و ماتسو موتوی ژاپنی از محضر او کسب معرفت نمودند. از جمله آنان پروفیسور اهانری کربن استاد دانشگاه سوربن فرانسه بود که با دیدۀ تفخیم به آشتیانی می نگریست. همچنین، از جهت ایجاد ارتباط بین علامه طباطبایی و کربن و مباحث مقارن اسلام - مسیحیت مدیون تلاش های مرحوم آشتیانی است. (2) همچنین، «کربن» تلاش فراوان سید جلال الدین در مسیر انتشار میراث فلسفی شیعه در غرب را بسیار ارج می نهاد و درباره او می گوید:

«آقای آشتیانی به نظر من مانند یک ملاصدرايي است که در عصر ما زندگی می کند... گمان نکنم بتوانم تمجیدی بالاتر از این بیان کنم. آقای آشتیانی یک فیلسوف ایرانی است که نماینده

ص: 199

---

1- مرحوم آشتیانی حدود چهل سال در دانشگاه به تدریس علوم پرداخت. همچنین در سال 1376 فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران عنوان «دانشمند برجسته» را به ایشان داد.

2- حسن جمشیدی، در حکمت و معرفت، ص 417 - 420.

تمام عیار فلسفه دیرین است؛ منتها فلسفه دیرینی که به نحوی کاملاً امروزی درک شده است.»<sup>(1)</sup>

یکی از آثار این ارتباط آن بود که هانری کربن، باعث شد نگرش غلط طولانی مدت غرب به نظریه افول فلسفه در عالم اسلام که پس از «ابن رشد» به سبب حملات «غزالی» به فلسفه در نهافت الفلاسفه»، روی داده بود، اصلاح شود و غرب دریابد که مشعل کاروان حکمت و فلسفه در ایران و برخی نقاط مجاور آن هرگز خاموش نگردیده است.<sup>(2)</sup> نکته آخر اینکه مرحوم آشتیانی هر چند منزل خویش را اصلی ترین محل دیدار با شخصیت های جهانی<sup>(3)</sup> قرار داده بود، در برخی همایش ها که شخصیت های بین المللی نیز دعوت بودند شرکت می جست و سخنرانی می کرد؛ از جمله می توان به سخنرانی در آیین بزرگداشت ملاهادی سبزواری در دانشگاه تهران به دعوت مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا (شعبه تهران) اشاره کرد.<sup>(4)</sup>

ص: 200

---

1- ر.ک: مقدمه کربن بر شرح مقدمه قیصری، ص 14 - 15.

2- شایان ذکر است که بر اساس قولی مرحوم علامه طباطبایی معتقد بود که کربن مسلمان و شیعه شده است (ر.ک: ز مهر افروخته، ج 5، ص 122 و 134)، البته نقدی ناوارد در باره این بحث در کتاب دولتمرد چهارم آمده است.

3- زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی پروفیسور ویلیام چیتیک، ص 164 - 168.

4- گلشن ابرار، ج 7، ص 442 - 456؛ و محمد اصغری نژاد، «سید جلال الدین آشتیانی»

## آیت الله سید مجتبی موسوی لاری

(۱۳۱۴-۱۳۹۱ ش)

روایتگر آیین جهانی اسلام



زندگی نامه و شخصیت علمی

آیت الله سید مجتبی موسوی لاری رحمه الله نوه مرحوم آیت الله سید عبدالحسین لاری دزفولی می باشد. وی در مهرماه سال 1314 ش در لار به دنیا آمد و در قم از محضر بزرگانی چون مرحوم امام خمینی و مرحوم سلطانی طباطبایی دروس دینی را فرا گرفت. از زمان جوانی به نوشتن مقاله (و به طور ویژه در نشریه مکتب اسلام) و سپس نگارش کتاب دست زد و عرصه های نوینی از موضوعات نگارشی را برگزید که در مسیر اصلاح اجتماعی مسلمانان و حتی غربی های غیر مسلمان بسیار مهم و مفید و اثرگذار بود. در زمان حاضر احتمالاً به غیر از شهید مطهری نمی توان شخص دیگری از نویسندگان دینی را نام برد که برد آثارش و حجم و کمیت آن ها در گستره بین الملل به اندازه آثار مرحوم موسوی لاری بوده باشد. آثار وی به ده ها زبان زنده دنیا و برخی زبان های محلی دیگر منتشر

شده و در جهات متعددی توفیق انتشار وسیع را در 5 قاره جهان یافته است. (1) این عالم بصیر و دانشمند خبیر و نویسنده توانا در سحرگاه 19 اسفند سال 1391 ش در بیمارستان امام رضا علیه السلام لار دیده از جهان فرو بست و پس از تشییع جنازه ای با شکوه در همان شهر به خاک سپرده شد.

ایشان الگوی مبلغ موفق بین المللی بود که علی رغم بیماری مزمن دهها ساله یک نفره به اندازه یک سازمان تبلیغات بین المللی در جهان کار می کرد. راز موفقیت بین المللی ایشان اخلاص و پشتکار مثال زدنیشان بود که با تمام وجود خود را وقف این کار کردند و در این راه فعالیت های زیادی انجام دادند.

نشر معارف به زبان های بین المللی

آگاهی مبلغ دینی از زبان جامعه مقصد، باعث توفیق بیشتر وی در نشر معارف اسلامی خواهد شد. به ویژه اگر مبلغ علاوه بر داشتن سواد علمی مناسب از شیوه و برخورد صحیح نیز بهره برده و برای نشر معارف دست به استخدام مترجم نزنند. رسول اکرم صلی الله علیه و اله در زمانی زید بن ثابت را برای امری به ناحیه ای اعزام داشت. ولی قبل از آن به سبب نیاز و احتیاج دانستن زبان جامعه هدف، مقداری وجه به زید عطا فرمود تا زبان آن جامعه را فرا گرفته و سپس بدانجا رهسپار شده و در رساندن مطلب و تبلیغ مقصود خود موفق تر باشد. مرحوم موسوی لاری نیز که به سبب ارتباطات متراکم عصر حاضر و عطش فوق العاده زیاد مردم جهان برای کسب آگاهی دقیق از دین و مذهب واقعی، زبان آموزی را از عوامل موفقیت مبلغان و نویسندگان عرصه بین الملل و فرامنطقه ای می دید، علاوه بر اینکه خود اقدام به تلاش برای آموختن برخی زبان ها نمود، درصدد برآمد که نیروهایی را به کار گرفته و آثار علمی مناسب و ارزنده را توسط متخصصان زبده به زبانهای متعدد ترجمه نماید و سپس در اختیار خواهندگان قرار دهد. اهمیت وی به زبان علاوه بر اقدام عملی مذکور در خاطرات و مصاحبه های او همواره مورد تاکید بود.

ص: 202

آیت الله سید مجتبی موسوی لاری در سال 1342 برای معالجه راهی آلمان شد. وی پس از بازگشت از آلمان، مشاهدات و نشست و برخاست های خود با اندیشمندان اروپایی را در سلسله مقالاتی تحت عنوان «سفری به آلمان» به نگارش در آورد و این مقالات در نشریه مکتب اسلام منتشر شد. وی بعدها با تکمیل این مقالات، کتاب مشهور خود «اسلام و سیمای تمدن غرب» را نوشت. هدف اصلی وی در این اثر این بود که اثبات نماید جامع ترین و بهترین تمدن در اسلام تجلی می یابد و نقدهای دقیق و بسیاری را بر دیگر تمدن ها به ویژه تمدن غرب وارد می نماید. «فرانسیس گوردین» خاورشناس انگلیسی شیفته این اثر گشته و خود با اجازه از مولف به ترجمه اش اقدام می نماید. ترجمه انگلیسی اسلام و سیمای تمدن غرب بسیار مورد توجه محافل اروپایی قرار گرفت و بعد هم از آن تا کنون ده ها بار به زبان های دیگر دنیا ترجمه و منتشر شده است. دکتر «رولف سینگر»، از اساتید دانشگاه آلمان، هم کتاب را به آلمانی ترجمه کرده و این اثر در آلمان هم با استقبال بسیاری روبرو می گردد. این کتاب نه تنها دید بسیاری از سایستمداران و نخبگان غرب نسبت به اسلام را تغییر داد که باعث شد عده ای بر اثر مطالعه آن، به دین اسلام گرویده شوند. بعدها زمانی که کتاب «اسلام و سیمای تمدن غرب» در جمهوری آذربایجان منتشر شد، دانشگاه باکو به واسطه سطح عالی محتوای این کتاب، دکترای افتخاری به آیت الله موسوی لاری اهدا و ارسال کرد. زبان های اردو، فرانسه، ژاپنی، عربی، اسپانیولی، تایلندی، چینی، روسی، مالایایی، کردی و بوسنیایی از دیگر زبان هایی هستند که کتاب مرحوم لاری به آن زبان ها ترجمه شده است. از دیگر تالیفات بسیار موفق و تاثیر گذار مرحوم لاری کتاب «بررسی مشکلات اخلاقی و روانی» است که به 11 زبان دنیا ترجمه شده و در آفریقا و آمریکا اثر روانی و معنوی فراوانی بر جای نهاده است.

آیت‌الله موسوی موسوی لاری در جوانی در آلمان از امام موسی صدر شنیده بود که: «یکی از راه‌های مبارزه با دستگاه کفر، نوشتن است.» از این رو معتقد بود که: غنای فرهنگی تشیع به قدری است که از هر زاویه‌ای که تشیع وارد شود و بشریت را مورد خطاب قرار دهد، توان رفع تشنگی بشریت را داراست و قدرت آن را دارد. شیعیان از کدام زاویه بهتر می‌توانند مخاطبین خود را با فرهنگ تشیع آشنا کنند و این گمشده بشریت را ترویج نمایند.» لذا با تمام احترامی که به سایر مذاهب اسلامی و حتی باقی ادیان الهی می‌نهاد، تمام زندگی اش را در مسیر ترویج مکتب اهل بیت علیهم‌السلام صرف نمود و توفیقات بسیاری نیز بر اثر همین نیت خیر به دست آورد. آیت‌الله مصباح یزدی که مرحوم لاری را الگویی موفق برای روحانیان جوان و دانش‌پژوهان حوزه می‌داند تا بدانند در سایه تحصیلات و حوزوی و رعایت شرایط خاص آن، می‌توانند چه موفقیت‌هایی را کسب کنند، و تناسب آثار مرحوم لاری با مخاطب، را یکی از ویژگی‌های آن آثار می‌داند. ایشان که می‌فرماید: جواب سؤال باید طوری باشد که مخاطب بفهمد و با زبان و بیانی و متناسب با فرهنگ او باشد و اگر اصطلاحاتی به کار می‌رود معنای آن اصطلاحات را بداند. این کاری است که این سید بزرگوار در نوشته‌هایشان رعایت کرده‌اند. قلم‌رسا، بیان شیوا و سبک نگارش زیبا و دلنشین از عواملی است که موفقیت ایشان را چند برابر کرده است. ما باید این روش را هم یاد بگیریم. تناسب آثار با نیازهای روز دومین خصوصیت آثار مرحوم لاری است. از نگاه استاد مصباح: ایشان سعی کرده‌اند که همه نیازهای پیکر جامعه اسلامی را بررسی کنند و برای هر عضوی داروی مناسبی ارائه دهند. این هنر بزرگی است. البته این چنین کاری نیاز به تحقیق و مطالعه سنگین دارد. این که انسان در همه این زمینه‌ها مطالعات کافی داشته باشد و بتواند در هر زمینه‌ای مطلب قابل ارائه‌ای داشته باشد این خیلی هزینه تحقیقاتی و مطالعاتی نیاز دارد، و الحمدلله خدا این توفیق را به این بزرگوار مرحمت کرده است. ایشان قشرها و طیف‌های وسیعی از مخاطبان، گروه‌های سنی مختلف، قومیت‌های مختلف حتی از مذاهب و ادیان مختلف را تحت آموزش قرار می‌دهند و قانع می‌کنند. معمولاً هر



نویسنده ای توانایی جذب مخاطبان خاصی را دارد. یکی برای جوان ها مطالب خوب می نویسد ولی پیرمردها نمی پسندند، یا تحصیل کرده های عمیق آن روش را نمی پسندند؛ یکی در سطح علمی می نویسد جوان ها نمی پسندند؛ یکی برای شیعه ها می نویسد اهل تسنن نمی پذیرند، یا برعکس؛ اما یکی چنان هنری دارد که می تواند به گونه ای بنویسد که همه مخاطبان و قشرهای مختلف را جذب کند یا انواعی از نوشته ها داشته باشد که مخاطبان مختلف را پوشش دهد و همه بتوانند استفاده کنند و آثار مرحوم لاری اینگونه است. (1) تا به حال آثار مرحوم لاری به 28 زبان از جمله زبان های انگلیسی، عربی، فارسی، اردو، بنگالا، ژاپنی، چینی، ترکی آذری، ترکی استانبولی، آلمانی، آلبانیایی، پرتغالی، لهستانی، رومانیایی، بوسنیایی، روسی، فرانسوی، اسپانیولی، بلغاری، سواحیلی، هوسا، هندی، مالایو، تایلندی و سینهایالی ترجمه شده و نکته قابل تامل اینکه ایشان متن تمام آثار خود را به تمام زبان های ترجمه شده در سایت موسسه خویش قرار می داد تا هر کس از هر نقطه از جهان که طالب این آثار باشد به راحتی بدانها دسترسی داشته باشد.

ایجاد موسسه با نگاه جهانی

زمانی که کتاب «اسلام و سیمای تمدن غرب» به زبان انگلیسی منتشر شد، به صلاحدید مرحوم لاری، نشانی وی در پشت کتاب درج شده بود تا کسانی که نسبت به اسلام و تشیع سوالی دارند، امکان مکاتبه را دارا باشند. همین باعث شد تا به صورت مستمر نامه هایی از سرتاسر جهان به مرحوم لاری برسد. وقتی که حجم مکاتبه ها افزایش یافت ایشان مشاهده کرد ادامه این کار در منزل با توجه به محدودیت های آنجا ممکن نیست. از این رو به فکر ایجاد موسسه ای علمی-فرهنگی افتاد. وی در همین رابطه می گوید: «بعد از انتشار کتاب، مرتب از گوشه

ص: 205

---

1- هفته نامه افق حوزه، 14 مهر ماه 1389، شماره 283، نکوداشت محقق و مبلغ فرزانه جهان اسلام، آیت الله موسوی لاری و همچنین بنگرید به مقاله: مبلغ نمونه اسلامی در عرصه بین المللی حضرت آیت الله سید مجتبی موسوی لاری، مجله منبر، پاییز 1390، شماره 1، ص 160 تا 164.

و کنار جهان با بنده مکاتبه می نمودند و به همین خاطر زیرزمین منزل ما هم محل نشر و پخش کتاب شد و خانواده ما بیشتر اوقات بعضی از شب ها مشغول بسته بندی کتاب برای ارسال بودند و فرزندم نیز در امور مربوط به مرکز همکاری می کرد، جا تنگ بود، ما هم تصمیم گرفتیم، جایی را برای ارسال کتاب و مکاتبات خود پیدا کنیم. کم کم منزل مخروبه ای در همسایگی ما بود آن را خریداری کردیم و به همت دوستان مخلص و نیکوکار ساخته شد، البته ابتدا ما به فکر تأسیس چنین مرکزی نبودیم، بلکه تدریجا درست شد و پس از انقلاب درخواست کتابها بیشتر شد، این را اضافه کنم که ترجمه قرآن به چند زبان و کتب انتشاراتی این مرکز برای تمام درخواست کنندگان از سراسر جهان اهدایی و رایگان ارسال می شود و هزینه آن از محل کمک های مردمی تأمین می گردد و حتی از وجوهات هم استفاده نمی شود.» (1) سال تأسیس «مرکز نشر معارف سلامی در جهان» 1355 شمسی بود. در این مرکز علاوه بر انتشار کتب مفید دینی به زبان های رایج دنیا و حتی زبان های محلی نقاط مختلف جهان، به سوالات و مکتوب و یا نامه های الکترونیکی که به صدها مورد در هفته می رسد، جواب داده شده و برای مشتاقان مباحث دینی یا کسانی که دچار شبهه شده اند، کتب دینی مناسب ارسال می گردد. ارتباط با نهادهای دینی و مذهبی دیگر در دنیا از دیگر اقدامات این موسسه پر خیر و برکت می باشد.

ارتباط با اندیشمندان جهان

آیت الله سید مجتبی موسوی لاری در سال 1357ش به دعوت یکی از سازمان های اسلامی آمریکا سفری به آن دیار کرد. وی سپس به انگلستان و فرانسه رفته و پس از بازگشت به نوشتن یک سلسله مقالات درباره ایدئولوژی اسلامی در مجله سروش پرداخت. این مجموعه مقالات که اصول عقاید اسلامی را در بر می گرفت، تحت عنوان مبانی اعتقادات در اسلام در چهار جلد کتاب که شامل توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد بود انتشار یافت. ایشان که در اوضاع

ص: 206

متشخص سیاسی سالهای 1361-1362ش واسطه رساندن پیغام های مردم لارستان به دفتر مراجع تقلید از جمله امام خمینی رحمه الله بود، (1) او در سال 1341ش قبل از عزیمت به آلمان به خدمت ایشان رسید و امام خمینی رحمه الله او را مأمور تحقیق و بررسی پیرامون معماری مسجد هامبورگ و نیز عملکرد یکی از فعالان فرهنگی در آلمان نمود که مرحوم لاری پس از بازگشت از آلمان نتیجه مأموریت خود را خدمت ایشان تقدیم کرد. مرحوم لاری نگاهی بسیار مثبت به انقلاب اسلامی ایران و بنیان گذار آن داشت و از امتزاج تشیع با انقلاب سخن گفته و اینگونه تحلیلی را ارائه می داد: «امروز انقلاب و تشیع قابل انفکاک نیست. ولی باید کاری کرد که حساسیت ایجاد نشود و چنان چه فرهنگ شیعه را درست برای نسل کنونی جا بیندازیم، سیاست نیز به دنبال آن خواهد آمد، پس ابتدا باید فرهنگ شیعه را برای آنان روشن نمود و دینداری را در آنها ایجاد کرد، زیرا کسی که پای بند مذهب شد، مطمئناً ولایت را هم خواهد پذیرفت. خب ظلم ستیزی، و ایستادگی در مقابل ظلم و... در خود مکتب است. این که مسائل سیاسی با آنان 3 مطرح شود، نه تنها اثری ندارد، بلکه اغلب تأثیری منفی دارد و حساسیت برانگیز خواهد بود، بنابراین باید ر آغاز اصل مکتب را برای آنان جا انداخت.» (2)

برخی از کتاب ها و رساله های آیت الله موسوی لاری:

- بررسی مشکلات اخلاقی و روانی

- اسلام و سیمای تمدن غرب

- رسالت اخلاق در تکامل انسان

- خداشناسی

- مبانی اعتقادات در اسلام - جلد اول: توحید و عدل

- مبانی اعتقادات در اسلام - جلد دوم: نبوت

- مبانی اعتقادات در اسلام - جلد سوم: امامت

- مبانی اعتقادات در اسلام - جلد چهارم: معاد

ص: 207

---

1- مصاحبه دفتر نشر فرهنگ اسلامی با حضرت آیت الله لاری، نوار سوم.

2- ماهنامه فرهنگ کوثر، ص 79.

- نگرشی کوتاه بر عملکرد 22 ساله

- نیاز آدیان به پیامبر و امام

- حقایق پنهان در آیات قرآن

رویکرد بین المللی کتاب «مبانی اعتقادات»

از رویکرد و نگرش بین المللی مرحوم لاری یاد کردیم. از بارزترین مصادیق رویکرد ایشان در بین تالیفات آن عالم فقید می توان کتاب «مبانی اعتقادات در اسلام» را نام برد که محتوایی علمی و مستدل و لحنی نرم و شیوا و روشن دارد. این اثر در چهار جلد و شامل مباحث توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد است. کتاب مبانی اعتقادات به زبان های انگلیسی، روسی، فرانسه، اردو و اسپانیولی و بعضی از مجلدات آن نیز به زبان های ژاپنی، بلغاری، رومانیایی، چینی، بنگالی و آلمانی ترجمه شده است. این چهار جلد کتاب از بیانی شیوا، روزآمد و مستدل و برخوردار است. مترجم انگلیسی این کتاب، حامد الگار از اساتید دانشگاه «برکلی» آمریکا است. (1) او شخصا کتاب را دیده، توجهش جلب شده و برای ترجمه آن اقدام کرده است. الگار در مورد انگیزه خود برای ترجمه این کتاب، می گوید: «مطالب و محتوای این کتاب به صورت مستدل و منطقی ارائه شده و این امر در دنیای غرب، جاذبه خاصی دارد و لذا همین انگیزه مهم، توجه مرا جلب کرد که آن را در مدت 8 سال ترجمه کردم.» محتوا و ساختار این اثر بر روی مترجم به گونه ای بود که عاقبت وی را به مذهب تشیع گروانید. وی در نامه ای به آیت الله لاری می نویسد: «مژده دهم؛ من چند بار ترجمه خود را خواندم و هر بار که آن را خواندم، به مذهب شیعه نزدیک تر شدم و از ماه رمضان تغییر

ص: 208

---

1- حامد الگار استاد مطالعات اسلامی و زبان فارسی دپارتمان خاورمیانه دانشگاه کالیفرنیا آمریکا است که به بیش از ده زبان زنده دنیا از جمله زبان فارسی، تسلط دارد. وی در سال 1962م از دانشگاه تهران در رشته زبان فارسی فارغ التحصیل شده و دکترای مطالعات اسلامی خود را در سال 1965م از دانشگاه کمبریج دریافت کرده است.

مذهب داده و شیعه شده ام.)<sup>(1)</sup> به سبب گرویدن الگار به تشیع دسته ای از دانشجویان و اساتید دانشگاه های آمریکا نیز کنجکاو شده و به مذهب شیعه گرویدند؛ تا حدی بود که پروفیسور الگار سپس در نامه ای به آیت الله موسوی لاری نوشت: «هفته ای نمی گذرد جز اینکه از ایالات متحده آمریکا به من خبر می دهند عده ای از روشنفکران با مطالعه کتاب به مذهب تشیع علاقه مند شده و به آن گرویده اند.»

#### اتحاد اسلامی و تقریب مذاهب

مرحوم موسوی لاری از معتقدان اندیشه تقریب مذاهب و وحدت طوایف اسلامی بود. چنانکه پدر فقید ایشان نیز همین گونه خصلتی را داشت.<sup>(2)</sup> مرحوم لاری می فرمود: «مرحوم پدرم... به اتحاد کشورهای اسلامی برای مقابله با کفر و الحاد و لزوم خودکفائی همه جانبه مسلمین اعتقاد داشت. به فدائیان اسلام کمک فکری و مالی می کرد.» آیت الله موسوی لاری هم به مانند پدر در مسیر تقریب مذاهب و همگرایی مسلمانان قدم بر می داشت و حتی در رابطه با مسیحیان یهودیان و بلکه بی دینان نیز موافق بود که روش هایی به کار گرفته شود تا جاذبه بر دافعه غلبه داشته باشد و مسائل اختلافی که موجب تفرقه می شود در ابتدا، مطرح نگردد. از دیدگاه ایشان باید «بینش توحیدی» را شناساند و در بین مردم جا انداخت و مردم باید بفهمند نظام آفرینش به دست کسی اداره می شود و همه چیز در اختیار اوست و آن خدایی است که اسلام می خواهد به آنان شناسانده شود تا به او ایمان بیاورند و اولین گام، ایجاد همین بینش و تفکر توحیدی در آنان است، زیرا آنها یا موحد نیستند یا بینش توحیدی شان ضعیف است و نیاز

ص: 209

---

1- این مطلب منافی اظهار نظر دیگر الگار نیست که گفته بود امام خمینی را در خواب دیده و به سمت تشیع گرایش پیدا کرده ام. چون هر چیز دارای اسباب و علل خود است و تمایل به ترجمه کتاب علت شیعه بودن وی شده است.

2- درباره اقدامات وی بنگرید به کتاب: چهره درخشان تاریخ لارستان، و نیز گلشن ابرار، ج 6، ص 146 تا 163

به تقویت دارد، پس این نقطه شروع و گام آغازین است. لذا نخست باید مسائل کلی اسلام مطرح شود و نباید در آغاز به امور اختلافی دامن زد. مرحوم لاری تلاش بسیار داشت تا مسائلی که ایجاد حساسیت می کرد مطرح نشود و لذا بیشتر بر جاذبه های شیعه تکیه می کرد و معتقد بود که این مسئله، به خودی خود، دیگران را تشویق می کند که به طرف ما بیایند و فرهنگ تشیع آرام آرام در نهاد آنان رسوخ کند؛ یعنی به طور ضمنی دیدگاه های شیعه را مطرح و این کار را با گام توحیدی آغاز می کرد. ایشان می فرمود: «نخست باید مسائل کلی اسلام مطرح شود و نباید در آغاز به امور اختلافی دامن زد... من سعی کردم، مسائلی را که ایجاد حساسیت می کند مطرح نکنم و بیشتر بر جاذبه های شیعه تکیه کنم، این مسأله به خودی خود آنها را تشویق می کند که به طرف ما بیایند و هم فرهنگ تشیع آرام آرام در نهاد آنان رسوخ کند. یعنی به طور ضمنی، دیدگاه های شیعه را مطرح ساخته ایم و این کار را با گام توحیدی شروع کردیم. مثلاً- در مکاتبات با لائیکها از اسلام چیزی برای آنها نمی فرستیم اول (توحید) خدایی هست، هستی و خالقی دارد، تفکر خدانشناسی اصول «امامت» را برای آخر می گذاریم کم کم و آرام آرام مطالب را بیان می کنیم تا به امامت می رسیم، خیلی استفاده کردم از این روش و شیوه» و تاکید می نمود که سیره تبلیغی ائمه در برابر صاحبان دیگر مذاهب و ادیان باید سرلوحه کار ما قرار گیرد و اختلافات و تفرقه انگیزی ها طرد شود.<sup>(1)</sup>

مکاتبه و پاسخ گویی بین المللی

مرحوم آیت الله موسوی لاری دارای شهرتی بین المللی بود. یکی از دلایل این امر ارتباط مستمر وی با شخصیت ها و نهادهای بین المللی به واسطه مرکز نشر معارف اسلامی بود که باعث ارتباط ایشان با بیش از 130 کشور جهان شده بود. وی با اینکه در دوران جوانی مرکزی را در لارستان برای ارسال مبلغین تاسیس نموده بود و کتاب های متنوع و مفیدی نیز در زمینه های متعدد نگاشته و بسیار هم

ص: 210

اثرگذار بود(1)، ولی بیش از همه به سبب تاسیس یک مرکز فرهنگی خاص توانسته بود با جهان خارج و کشورهای بین‌المللی و شخصیت‌های جهان ارتباط برقرار نماید. «مرکز نشر معارف اسلامی در جهان» که قبلاً از آن یاد کردیم تنها به زبان‌های رایج و فراگیر اکتفا نکرده و آثاری را به زبان‌های محلی و منطقه‌ای نیز ترجمه کرده است. انگلیسی، فرانسه، اسپانیولی، اردو، ایتالیایی، تاجیکی، مالایو، تایی، تامیلی، لهستانی و لهجه‌های محلی و منطقه‌ای، از جمله زبان‌هایی است که مرکز تا کنون نسبت به ترجمه آثار به این زبان‌ها اهتمام داشته و سعی شده است از مترجم‌های قوی برای ترجمه آثار استفاده شود. غالباً مترجمان این مرکز از متخصصان و کسانی هستند که مسلط به آن زبان می‌باشند و خودشان به آن زبان تکلم می‌کنند، زیرا اگر ترجمه توسط فارسی‌زبان‌ها انجام بگیرد، نواقصی در ترجمه راه خواهد یافت و حتی در ترجمه به زبان‌های محلی و منطقه‌ای نیز این گونه عمل شده است. از این رو وسواس خاصی در ترجمه آثار وجود دارد تا فرهنگ غنی اسلام به زبان شیوا، روزآمد و مستدل ارائه شود. (2) ارتباط علاقه‌مندان با «مرکز نشر معارف اسلامی در جهان»، از دو طریق پست معمولی و پست الکترونیک انجام می‌گیرد و پایگاه اینترنتی مرکز به منظور ارتباطات الکترونیک با سراسر جهان راه اندازی شده که در هفته، صدها نامه به زبان‌های مختلف به این مرکز می‌رسد. پس از دریافت، نامه‌ها از حیث زبان تفکیک و سپس به دست مترجمان سپرده می‌شود و مترجمان، خلاصه‌ای از نامه را ضمیمه کرده و به دست مسئول مرکز می‌رسانند. مسئول مرکز نیز با توجه به سطح معلومات فرستنده نامه، دستور ارسال کتاب‌های مورد نظر را می‌دهد و بعضاً پاسخ به سوالاتی را که در نامه مطرح شده، می‌نویسد. آثار درخواستی به صورت

ص: 211

---

1- پس از ترجمه بحث «توحید و خداشناسی» به زبان اسپانیولی رئیس مجلس یکی از کشورهای اسپانیوی زبان، طی نامه‌ای اظهار داشت: «من با مطالعه این کتاب با جهان بینی اسلام آشنا شدم و به شدت تحت تأثیر تفکر توحیدی اسلام قرار گرفتم و امیدوارم روزی نمایندگان مجلس ما برای تدوین قوانین خود از اسلام الهام بگیرند.»

2- نشانی سابق اینترنتی مرکز [www.musavilari.org](http://www.musavilari.org) بود و آدرس جدید آن [www.ficpw.ir](http://www.ficpw.ir) است .

اهدایی ارسال می شود و تمامی هزینه ها از چاپ آثار تا ارسال، مبتنی بر کمک های مردمی است و هیچ گونه هزینه دولتی در این مرکز صرف نمی شود. همین موسسه نیز موجب اصلی ارتباط مرحوم لاری با اندیشمندان سایر مذاهب و ادیان بود و اینگونه است که شادروان لاری با عزمی راسخ و تلاشی وافر یکی از موفق ترین مبلغان و تاثیرگذارترین عالمان شیعه معاصر در عصر کنونی به شمار می رفت. (1) در پیام تسلیت مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلّه در رحلت وی که بیانگر تلاش بسیار و اثر آفرینی فراوان او در طی بیش از نیم قرن تلاش علمی و اجتماعی و تبلیغی بود هم بر همین مسئله تاکید شده است: «خدمات این عالم فرزانه و بزرگوار و ارزشمند به گسترش معارف اسلامی و مکتب اهل بیت علیهم السلام در سراسر جهان، در چند دهه اخیر حقا کم نظیر است و هزاران انسان منصف و مشتاق، با هدایت نوشته های وی که با چیرگی علمی و تبیین منطقی نوشته و در پنج قاره منتشر می شد، به سر چشمه حقیقت دست یافته و اسلام را شناخته و بدان ایمان آورده اند. این عالم پارسا بی هیچ تظاهر و ادعا، یک تنه و بدون تکیه به این و آن، عمر و توان خود را مصروف این مجاهدت بزرگ کرد و پرداختن به وظیفه و کسب رضای الهی را وجه همت ساخت.» (2)

ص: 212

---

1- درباره ایشان همچنین بنگرید به دو کتاب: «خلوص کامیاب» از عبدالحسین طالعی و مرتضی طالب و «یادنامه ای از آیت الله سید مجتبی موسوی لاری» از محمد تقی انصاریان

2- [farsi.khamenei.ir/message-content?id=22155](http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=22155)



## آیت الله شیخ محمد مهدی آصفی

(۱۳۵۵-۱۴۳۶ق)

## آیت تقریب و اتحاد



### شخصیت علمی

آیت الله شیخ محمد مهدی آصفی رحمه الله بروجردی از فقهای بزرگ معاصر بود که آثار علمی بسیاری با محوریت تقریب مذاهب و اتحاد اسلامی نوشت و در همایش های بین المللی بسیاری شرکت جست و با شخصیت های فراوانی از مذاهب دیگر ارتباط و مراوده داشت وی به سال 1316 ش (1355 ق) در نجف تولد یافت؛ پدرش آیت الله علی محمد بن حاج محمد صادق تاجر بروجردی آصفی (1332 - 1389 ق) (1) از علما و مجتهدان حوزه علمیه و عارفان روزگار خود در نجف اشرف بود. مادر شیخ مهدی نیز، فاطمه بروجردی دختر آیت الله

ص: 213

1- معجم رجال الفكر و الادب في النجف، ج 1، ص 46؛ الذريعة إلى تصانيف الشيعة، ج 18، ص 290 و مجلة بینات، سال چهارم، ش 13، ص 95.

محمد تقی بروجردی است که از فقها و عالمان تقریب گرای معروف عصر خود به شمار می رفت. (1)

آیت الله آصفی محضر اساتیدی چون سید محسن حکیم و سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و حاج میرزا هاشم آملی را در قم دریافت و از گنجینه معارف آنها بهره ها برد. او در سال 1393ق، از آیت الله آملی و سال بعد از آیت الله شیخ مرتضی آل یاسین (دایی شهید سید محمدباقر صدر) موفق به اخذ اجازه اجتهاد گردید. (2) وی سال های قبل از انقلاب از سوی آیت الله خویی به کویت اعزام شد و آثار و خدمات فراوانی در این منطقه از خود به یادگار گذاشت. سپس به ایران بازگشت و ده ها سال مشغول تدریس و انجام وظایف سیاسی و اجتماعی بود. مرحوم آصفی در واپسین دهه زندگی خود نماینده حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلّه در نجف اشرف بود تا اینکه سرانجام در نیمه خرداد سال 1394 دار فانی را وداع گفت و در نجف اشرف در خاک آرمید.

#### عضویت در حزب الدعوة الاسلامیة

حزب «الدعوة» مهم ترین حزب دینی معاصر در عراق است که با حمایت های آیت الله حکیم و راهنمایی شهید سید محمدباقر صدر و تأسیس شد. (3) وظیفه اصلی این حزب هدایت تبلیغات دینی، طرح مبارزه با افکار انحرافی و نشر حقایق اسلامی و تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی بود. یکی از آرمان های این حزب ترویج روح تقریب و دفاع از اندیشه وحدت مذاهب در معنای صحیحش بود. آیت الله آصفی از همان آغاز در کنار علامه سید مرتضی عسکری و سید کاظم حائری از اعضای ایرانی این حزب به شمار می رفت. (4) ایشان که از «اعضای کادر رهبری حزب الدعوة» بود، به دلیل سیاست های وحشیانه حزب «بعث» در قبال

ص: 214

1- گنجینه دانشمندان، ج 2، ص 198 - 199؛ فهرس التراث، ج 2، ص 513 - 514.

2- معجم رجال الفكر و الأدب في النجف، ج 1، ص 46 و مجلة بینات، سال چهارم، ش 13، ص 96.

3- السيرة والمسيرة في حقائق ووثائق، ج 2، ص 255.

4- همان، ص 258.

علما و شیعیان مجبور به اختفا شد. ایشان خود در این باره می گوید: «مدتی در عراق تحت تعقیب نیروهای امنیتی حزب بعث بودم و بعد از هفت ماه اختفا و در به دری، خداوند وسایل خروج از مرز را برایم فراهم کرد و توانستم به سوریه و ایران بیایم».<sup>(1)</sup>

آیت الله آصفی در همان زمان در برابر اقدامات استبدادی و استکباری واکنش نشان می داد؛ مثلاً در رمضان سال 1411 ق که بعضی ها بعد از چند روز حملات توپخانه ای به نجف و کشتار مردم، آقای آصفی که آن زمان سخنگوی حزب بود بیانیه ای بدین صورت صادر کرد:

«رژیم صدام با ارسال نیروهای نظامی از هوا به داخل بیت امام خویی در کوفه، ایشان را از منزل ربوده و به کاخ صدام منتقل نموده و او را که 97 سال از زندگی پر برکتشان می گذرد به واسطه یک فروند بالگرد (هلیکوپتر) به زور به ملاقات با صدام وادار کرده که این مسئله موجب خشم میلیون ها تن از مسلمانان جهان شده است. به همین مناسبت ما مسلمانان جهان را به ابراز خشم و نفرت و محکوم کردن این جنایت به هر وسیله ممکن، چون راه پیمایی های ما اعتراض آمیز و اجتماعات سیاسی دعوت می کنیم، و از سازمان ملل می خواهیم از انقلاب مردم عراق برای براندازی و سرنگونی این رژیم و آزادی این کشور از کابوس دیکتاتوری صدام پشتیبانی کنند.»<sup>(2)</sup> شیخ محمد مهدی آصفی، سخنگوی رسمی حزب دعوت اسلامی عراق، چهارم رمضان 1411.

شایان ذکر است که ایشان بعد از سی سال فعالیت در ساختار رهبری این حزب و حفظ آن در خط ولایت و فقاها، بر اثر پاره ای مسائل، از جمله اشتغالات متعدد، ارتباط خود را با حزب قطع کرد. این حزب که دو شاخه ایران و لندن دارد، نقش مهمی در تحولات عراق معاصر داشته و دارد.

ص: 215

---

1- مجله بنات، سال چهارم ش 13، ص 96.

2- غروب خورشید فقاها، ص 157. با تصرف اندک.

آیت الله آصفی در فقه، اصول، تفسیر، فلسفه متخصص و متبحر بود و از تخصص خویش در برقراری پیوند و ارتباط با شخصیت های بین المللی بهره فراوان می برد؛ از جمله تدریس در مجامع جهانی تا حضور در همایش های مختلف بین المللی و دیدار با شخصیت های گوناگون جهان اسلام. وی در حوزه علمیه نجف اشرف، فقه، اصول، عقاید و تفسیر، و در حوزه علمیه قم، فقه، اصول، فلسفه و تفسیر را درس می داد. بیش از ده سال خارج فقه و اصول تدریس کردند که در این مدت فضایی حوزه از ایشان بهره های فراوان بردند و بحث های اجتهاد و تقلید، قاعده لاضرر، قواعد عقود، قاعده الزام، قاعده تجاوز و فراغ و چند قاعده فقهی دیگر و کتاب اجاره و کتاب قضا و بحث مکاسب (بیع) و کتاب صوم، مسائل جدید بانکداری و خارج اصول فقه را تقریباً یک دوره و و همچنین سال ها تفسیر قرآن کریم و بخشی از فلسفه را درس داد. ایشان در دانشکده اصول الدین و دانشگاه بغداد نیز تدریس می کرد.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله سیدعلی خامنه ای دام ظلّه شیخ مهدی آصفی را در سال 1422 ق، به دبیر کلی مجمع جهانی اهل بیت: انتخاب نمود. متن نامه مقام معظم رهبری دام ظلّه چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم؛ با سلام و تحیت و تبریک عید میلاد مسعود حضرت بقیه الله علیه السلام و تشکر از تلاش و پیگیری صادقانه حضرات محترم، انتخاب حضرت آقای آصفی - دامت برکاته - را تأیید و معززی الیه را به دبیر کلی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام منصوب می کنم و از زحمات و خدمات ارجمند جناب آقای دکتر ولایتی تشکر می نمایم. والسلام علیکم ورحمة الله، سید علی خامنه ای» (1).

این نصب در کنار روحیه علمی تقریب گرایانه آیت الله آصفی، نقشی مهم در پیشبرد افکار و رویکردهای اتحادگرایانه ایشان داشت. همچنین نگرش به سیره استادان و مشایخ تقریب گرای معاصر در جهت دهی به نگرش آیت الله آصفی

ص: 216

مؤثر بود. وی که همراه شیخ محمدعلی تسخیری، شیخ غلام رضا عرفانیان، شیخ محمد علی ایروانی، دکتر محمود بستانی، دکتر محمود مظفر، شیخ یونس مظفر، سیدهادی فیاض و... از محضر عالم مجاهد و تقریب گرای بزرگ علامه شیخ محمدرضا مظفر بهره برده بود، از سیره علمی و عملی آن فقیه نوگرا استفاده بسیار نمود و در پاره ای موارد سعی در اجرا کردن اقدام های مشابه مرحوم مظفر داشت.

#### تألیفات وحدت گرایانه

آیت الله آصفی نویسنده ای توانا بود که کتاب ها و مقالات بسیاری نگاشت. آثار وی درباره مقوله وحدت و تقریب و هم گرایی، فراوان و برجسته است. رویکرد ایشان در تألیفات خویش بدین صورت بود که ویژگی های مکتب نورانی اهل بیت علیهم السلام را نشان، و در عین حال بر اهمیت توجه به فقه مقارن و اصول تطبیقی<sup>(1)</sup> و التفات به تخصصی شدن علوم و لزوم رعایت تقریب و هم گرایی تنبیه داده شود. چنان که وی کوشید روش های خنثی نمودن تفرقه انگیزانی چون و انگلیس و وهابیت را برملا کند و شیوه هایی را برای ترویج روح تقریب به دست دهد. در سال های اخیر که احزاب تکفیری و تندروی چون داعش با حمایت استکبار جهانی و ایادی منطقه ای آن در خاورمیانه سر بر آورده بود، مرحوم آصفی ضمن حضور در جبهه های نبرد، و مایه قوت قلب رزمندگان بودن و در عرصه قلم نیز مجاهدی توانا در ترسیم و نقش بر آب کردن توطئه های جدید شیطان بود. اینک با نگرش به همین محورها پاره ای از تألیفات عالمانه آن محقق فقید را معرفی می کنیم:

1. وقفة مع الدكتور الشيخ البراک: یکی از وظایف عالمان راستین و روشن ضمیر مقابله با شبهه های وارد شده به دین و مذهب و پاسخ دادن به تهمت های ناصواب غافلان یا مزدوران به دین و شریعت است. برخی شخصیت های وهابی، به ویژه در قرن اخیر، در کتاب ها، مقالات و سخنرانی های

ص: 217

---

1- نظام آموزشی حوزه از نگاه عالمان، ص 42.

خود تیره‌های تفرقه‌انگیزانه بسیاری به سوی مذهب شیعه روانه ساخته اند. این کار در بیشتر به دلیل درک نادرست از مبانی عقیدتی شیعه است. عالمان شیعه، این مدافعان حدود و مرزهای عقیدتی و دینی، واکنش‌های متین نوشتاری به این شبهه‌ها و تهمت‌ها نشان داده، از انتشار اختلاف و جدایی ممانعت می‌کنند.

سال‌ها قبل هم زمان با برگزاری کنفرانس وحدت اسلامی در تهران، نشریه المدینه عربستان، مصاحبه‌ای با شیخ محمد بن سلیمان البراک از استادان وهابی دانشگاه «أم القراء» مکه، با موضوع وحدت اسلامی ترتیب داده بود. شیخ براک در آن گفت و گو پس از باطل دانستن عقاید شیعه، اظهار کرده بود که شیعه درصدد گسترش نفوذ خود در بین کشورهای اسلامی و اهل سنت است. وی همچنین این سخن ناروا را بر زبان راند که شیعیان نمی‌توانند ثابت کنند عقایدشان را از طریق اهل بیت علیهم السلام اخذ کرده اند! و من حاضرم با آنها تحدی کنم! آیت الله آصفی در پی این اقدام و اظهار نظر، کتابی ارزنده نوشت و ضمن پاسخ دادن به شبهه‌های مزبور، منطق متین و روشن شیعه در تبیین عقاید خود و تعریف دقیق ارتباط شیعه با اهل بیت: را بیان کرد. وی ضمن پرداختن به موضوع وحدت اسلامی و اهمیت آن، به معرفی رهبران تفرقه و اختلاف، ضوابط و اصول تقریب مذاهب اسلامی، پیروی از کتاب و سنت، دیدگاه اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله، مسئله سب (دشنام‌گویی)، دور بودن قرآن کریم از تحریف، عصمت اهل بیت علیهم السلام و منحصر بودن آیه تطهیر (1) در پنج تن آل عبا علیهم السلام و تشریح خمس در اسلام، جدایی شیعه از رافضیه، تکفیر مسلمانان، تحدی و تعیین جایزه، دیدگاه اهل بیت: درباره خلافت و امامت، اعتراض امام علی علیه السلام به انتخاب خلیفه، مرجعیت دینی اهل بیت علیهم السلام برای مسلمانان، دلالت حدیث تقلین و... می‌پردازد؛

2. الاجتهاد و التقليد و سلطات الفقيه و صلاحياته: اهمیت و جایگاه اجتهاد و تقلید در مذهب شیعه موضوع پژوهش این کتاب است. نگارنده نخست درباره موقعیت و منزلت اجتماعی، دینی و فرهنگی مرجعیت با توجه به محوریت فقه سخن رانده است و آثار و نتایج و در مجموع نقش عالمان دینی در تقریب

ص: 218

مذاهب و مبارزه بر ضد استبداد و استعمار را شرح می دهد. ایشان در این کتاب درباره تقلید و مکان و منزلت مرجع تقلید و مسئولیت های آن بحث کرده، مبحث مهم ولایت فقیه را از ابعاد گوناگون فقهی و قضایی، اجتماعی و سیاسی تحلیل می کند؛

3. مبانی نظری حکومت اسلامی (بررسی فقهی - تطبیقی): مؤلف در این اثر ارزنده، نخست از اصالت حاکمیت در عقیده اسلامی سخن می گوید و سپس ادله اربعه (قرآن، سنت، اجماع و عقل) بر وجوب برپایی حکومت اسلامی و نصب حاکم را به تفصیل بیان می کند و پس از آن به «شرط فقاہت حاکم» می پردازد. اثر مزبور که روش شناختی متفاوتی در ارائه مباحث دارد، افزون بر عربی و فارسی، به زبان ترکی استانبولی نیز ترجمه شده است؛

4. دنیای اسلام و تهاجم فرهنگی غرب: نویسنده در این اثر، هجمه فرهنگی ای که می خواهد پل های ارتباطی بین حال و گذشته امت اسلامی را قطع کند، به یاری مباحث فرهنگی بررسی کرده اند. وی داستان تهاجم فرهنگی که قط پل های ارتباطی میان حال و گذشته امت اسلامی را هدف گرفته، بازگو و این پل های ارتباطی را معرفی و نقش هریک را بیان می کند. این پل های ارتباطی عبارت اند از: خانه، مدرسه و مسجد.

آیت الله آصفی معتقد است، فرهنگ منحط غرب نخست به جداکردن امت از پیشینه و میراث ها و در مرحله دوم به مسخ فرهنگ نسل جوان اقدام می کند و لازم است امت اسلام به خطر ها، توجه کند و مخلصان و خواص به رویارویی با این تهاجم همت گمارند؛

7. الانتظار الموجه (دراسة في علاقة الانتظار بالحركة وعلاقة الحركة بالانتظار): از جمله مسائلی که درباره آن، کتاب ها و آثار فراوان به رشته تحریر در آمده، موضوع انتظار ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی موعود است. مهم ترین مباحث مطرح شده در کتاب آیت الله آصفی عبارت اند از: ارتباط مسئله انتظار با حرکت و تلاش، انتظار در مکاتب فکری غیردینی، انتظار در ادیان سابق بر اسلام، انتظار نزد عموم مسلمانان از اهل سنت و شیعیان، ارزش فرهنگی

انتظار، شکل‌ها و جلوه‌های مختلف انتظار، سنت‌های الهی و امداد غیبی در انقلاب مهدوی، زمینه‌سازان ظهور از مشرق، قم، ری و یمن در روایات اسلامی و ... این کتاب علاوه بر زبان عربی به زبان فرانسوی هم (توسط مجمع جهانی اهل بیت) منتشر شده است؛

8. ملكية الأرض و الثروات الطبيعية في الفقه الاسلامي، این کتاب به زبان عربی به بررسی مسئله یادشده از دیدگاه مکتب‌ها و مذاهب پنج‌گانه اسلام (شیعه، حنبلی، حنفی، مالکی و شافعی) پرداخته است. روش کار نگارنده بدین ترتیب است که پس از طرح هر یک از مسائل، نخست اصطلاحات و مطالب مرتبط را شرح داده، آن‌گاه دیدگاه دانشمندان هر مذهب در باب مسئله مدنظر را تبیین کرده است؛ و این نوشته‌ی ایشان در واقع رساله علمی، فقهی و اجتهادی ایشان در نجف اشرف بوده که بر اثر آن اجازه‌ی اجتهاد و دکتری دریافت کرده است.

9. چالش‌های معاصر و برنامه رویارویی اسلامی: این کتاب ارزنده و کتاب‌هدا هو الاسلام تألیف عبدالرحیم سائح، کتاب‌های برتر سال در اختتامیه و بیست و پنجمین کنفرانس وحدت اسلامی شناخته و معرفی شد؛

10. من حدیث الدعوة و الدعاة: این اثر نیز با همان هدف مشرب تقریبی آیت الله آصفی با نثری خواندنی و ساختاری جذاب نوشته شده است. (1) این اثر بطور کلی درصدد بیان و تشریح ابعاد تکلیف و وظیفه‌ی مبلغان است.

نگرش وحدت‌گرایانه به حج

حج، کنگره‌ای عظیم برای مسلمانان برای تحقق آرمان‌های جهان‌شمول اسلام است. اگر به حج با دید یک عمل عبادی محض نگرسته شود، تحقق آن اهداف و آرمان‌ها هرگز میسر نخواهد بود. اما اگر حقیقت حج دریافت گردد و آن را یک رفتار عبادی - سیاسی شمرده شود، عظمت، نقش و جایگاه آن در تحقق اهداف اسلامی آشکار خواهد شد. نویسندگان تقریب‌گرا و وحدت‌خواه معمولاً به حج نگرش ویژه‌ای دارند و زمانی که از آن بحث می‌کنند، از استعداد‌های

ص: 220



نهفته در حج برای تحقق ایده تقریبی و اتحادی خود بهره برده و روش هایی را پیشنهاد می دهند. آیت الله آصفی، از خیل همین افراد و نویسندگان بود و حج را آیتی عظیم برای کاستن از تفرقه ها و توطئه ها و افزایش روح وحدت و تقریب می دانست. آثار مرحوم آصفی گویای همین مقصد و مقصود بود: آموزه هایی از کعبه (فارسی)، البيت الحرام، التلبیه، الحج و السلام، دور الحج في ترسیخ السلام في العلاقات الاجتماعية، القبلة و الطواف، المنازل الثلاثة للرحمة في السعی، (1) تجلیات الأمة الواحدة في مشاهد الحج، (2) الحمة الهابطة علی عرفة (3) آثار علمی و با رویکرد تقریبی آن محقق کبیر است.

دیدار با شخصیت های بین المللی و دفاع از فلسطین

آیت الله آصفی در طول سالیان متمادی در همایش ها، کنگره های ملی و بین المللی بسیاری شرکت جست و ضمن سخنرانی و ارائه مقاله که با تمرکز بر بحث تقریب و اتحاد و برجسته سازی معالم و معارف مکتب نورانی تشیع بود، با شخصیت های بین المللی نیز دیدار کرده، بذر محبت در دل هایشان کاشت و آنان را به تقریب و دوری از تفرقه فرا می خواند. همایش «مجمع اهل البيت عليهم السلام» در سال های 1428، 1429 در مکه یکی از همین همایش هاست و همایش بین المللی تقریب مذاهب اسلامی (1427 ق) که با حضور شخصیت های فرهنگی و سیاسی از کشورهای مختلف جهان، به عنوان هجدهمین همایش بین المللی تقریب در مکه مکرمه برگزار شد، نمونه دیگری از آن دست است. سخنرانان این همایش: آیت الله محمدی ری شهری، شیخ محمد یزبک (عضو شورای مرکزی حزب الله لبنان)، سیدعلی خمینی (نوه امام خمینی رحمه الله)، آیت الله آصفی از عراق، شیخ حمد محمد قاسم المرزوقی از کنیا، مولوی اسحاق مدنی از ایران و شیخ محمد محیی الدین عبد القادر از نیجریه بودند.

ص: 221

---

1- معجم ما کتب في الحج و الزيارة و المعالم المشرفة، صفحات 12، 53، 79، 120، 154، 250 و 313.

2- دو فصلنامه میقات الحج، ش 28، ص 21.

3- همان، ش 31، ص 54.

همایش حج در سیرالئون، همایش «الاسلام و القومية العربية» در بیروت، همایش درباره شخصیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در استکهلم سوئد، همایش شیخ انصاری در قم و دزفول، چندین همایش در مشهد و تهران، همایش اسلامی در بحرین، همایش رقه در سوریه درباره عمار یاسر، و سخنرانی های دیگری در مسائل اسلامی مختلف در نجف، بغداد، کویت، لندن و شهرهای دیگر انگلستان، پاکستان، هندوستان، پاریس، برمه، مسکو، تاتارستان، قزاقستان، بخارا، سمرقند، تاشکند، اوکراین، لیبی جهت شرکت در همایش شخصیت حضرت زهرا علیها السلام، نخجوان، ازبکستان، نپال، افغانستان، مصر، قبرس، بنگلادش، دانمارک، اردن، مالزی، ترکیه و... صورت پذیرفته است. از دیگر محورهای مطرح شده در دیدارهای آیت الله آصفی با شخصیت های فراملی، تأکیدورزی بر ضرورت دفاع از حقوق غصب شده فلسطینیان بود که خود مقوله ای جداگانه می طلبد. در مجموع مرحوم آصفی را باید از نمونه های برجسته و اسوه های موفق علمای هدایتگر با دیدگاه بین المللی و تقریبی دانست. از همین رو و به سبب شخصیت کم نظیر آن مرحوم بود که مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلّه در پیام تسلیتی حزن انگیز و کم نظیر عظمت مقام ایشان را گوشزد فرمود:

باسمه تعالی؛ با تأثر و تأسف فراوان خبر درگذشت عالم محقق و مجاهد مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ مهدی آصفی رحمه الله را دریافت کردم. ایشان فقیهی نواندیش و متکلمی ماهر و نویسنده ای پرکار و اثرگذار بود و دهها کتاب مفید و ناظر به مسائل مورد ابتلا در حوزه عقاید و کلام و فقه، ثمره عمر با برکت ایشان است. آن مرحوم همچنین در عرصه مبارزات سیاسی و اجتماعی در عراق، از سابقه ای درخشان برخوردار بود و فکر سنجیده و تحلیل عمیق از مسائل منطقه، در شمار ویژگی های این شخصیت جامع الاطراف محسوب می گشت. زهد و بی رغبتی به تمتعات مادی و تن سپردن به معیشت و زیست فقیرانه طلبگی از خصوصیات برجسته دیگر این روحانی عالی قدر بود. سالها تحمل زحمت نمایندگی

این جانب در نجف اشرف، حق بزرگی را از آن مرحوم بر عهده این جانب می‌گذارد که امید دارم لطف و رحمت الهی حق گزار همه خدمات علمی و دینی و اجتماعی ایشان باشد. به عموم بازماندگان ایشان و نیز به دوستان و ارادتمندان و مستفیدان از آن مرحوم تسلیت عرض می‌کنم و علو درجات و رحمت و مغفرت حضرت احدیت را برای ایشان مسئلت می‌کنم. سیدعلی خامنه‌ای 14 خرداد 1394 (1)

ص: 223

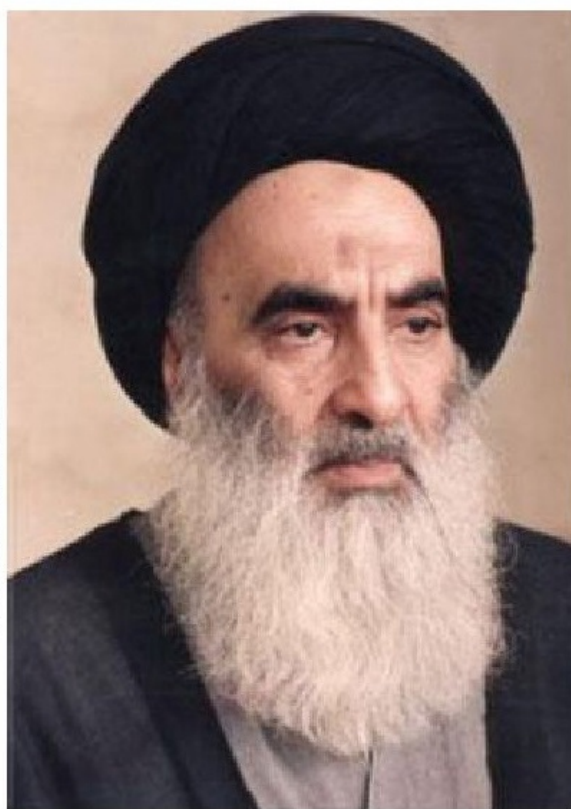
---

1- محمد علی نجفی، 44 مقاله، ص 229 - 230.

## آیت الله العظمی سید علی سیستانی

(متولد ۱۳۴۹ ق)

محور وحدت و تقریب



شخصیت علمی

آیت الله سید علی سیستانی دام ظلّه، از عالمان وحدت گرای شیعه در عصر حاضر است که اندیشه ای راسخ در انجام دادن فعالیت های بین المللی برای ترویج مکتب و مذهب اهل بیت علیهم السلام و آشنا ساختن دیگر مردمان جهان با این مکتب نورانی دارد. آیت الله سیستانی در بهار 1349 ق، در مشهد متولد شد. از محضر شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری (متوفای 1355 ق)؛ میرزامهدی آشتیانی (1306 - 1372 ق) و میرزاهاشم قزوینی (متوفای 1339 ق) بهره های فراوان علمی برد (1) و در قم و نجف تحصیلاتش را تکمیل نمود و بهره های فراوانی از آیت الله العظمی خویی برد. (2) وی در سال 1381 ق، درس خارج فقه خود را در نجف

ص: 224



اشرف آغاز کرد و در سنگر تألیف و اتخاذ رویکردهای سیاسی و اجتماعی کارنامه ای درخشان دارد.

ایجاد مراکز علمی و تحقیقی در جهان

از فعالیت های جاودانه و خدمات پسندیده دفتر آیت الله سیستانی، احداث مراکز علمی - پژوهشی، آموزشی، خدماتی و درمانی در ممالک اسلامی و کشورهای خارجی است. برخی از این مراکز عبارت اند از:

1. مرکز تحقیقات اسلامی المصطفی صلی الله علیه و آله در قم که در زمینه پاسخ به شبهه های اعتقادی فعالیت دارد.

2. مؤسسه امام علی علیه السلام با سه شعبه قم، لندن و بیروت ترجمه آثار شیعه به 25 زبان زنده دنیا، مانند انگلیسی، عربی، آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی، ژاپنی، اردو، اندونزیایی، اوگاندایی، فیلیپینی، هندی، فنلاندی، آفریقایی، ترکی، کردی، روسی، چینی و سواحیلی فعالیت می کند

3. مؤسسه برنامه نویسی رایانه ای امام رضا علیه السلام که با استفاده از استادان متبحر و متخصص حوزوی از شهرهای قم و تهران در زمینه «انیمیشن»، در تبیین مفاهیم اسلامی برای جوانان و نوجوانان، به زبان های عربی، انگلیسی و فارسی فعالیت می کند.

4. مؤسسه امام صادق علیه السلام، در خصوص طب اسلامی متکی به آیات و احادیث در عرصه بهداشت جسم و روان در شهر قم فعالیت می کند

5. مؤسسه بانک اطلاعاتی علوم اسلامی، کتاب های چاپ شده توسط مؤلفین و ناشران را به سه زبان عربی، فارسی و انگلیسی معرفی می کند

6. مؤسسه بررسی های فلکی و نجومی، با امکانات و ابزارهای پیشرفته و لازم، مثل تلسکوپ و دوربین، به شبکه فضایی جهانی متصل گردیده است که علاوه بر رصد هلال ماه، استفاده از تجهیزات مخصوص رصد را به دانشجویان حوزوی و دانشگاهی آموزش می دهد این مرکز دارای کتابخانه ای اختصاصی، مربوط به فلکیات، به زبان های فارسی، عربی و انگلیسی در شهر قم نیز می باشد.

ص: 225

7. مرکز جهانی اطلاع رسانی آل البیت علیهم السلام در قم فعالیت دارد که با راه اندازی پایگاه بزرگ اینترنتی «الشیعه» پاسخ گوی پرسش های مخاطبان خود در سراسر جهان به زبان های فارسی، عربی، انگلیسی، آذری، ترکی استانبولی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، چینی، روسی، اندونزیایی، تایلندی، هندی، بنگالی و سواحیلی است. که نمونه های این مرکز در شهرهای دیگر مثل مشهد، تهران، اصفهان و ایلام نیز دایر گردیده است.

از دیگر فعالیت های مرکز جهانی اطلاع رسانی آل البیت علیهم السلام، خدمات فرهنگی، فنی و اینترنتی به دفاتر مراجع و حوزه های علمیه و مراکز و مؤسسات علمی-فرهنگی و طراحی و ایجاد پایگاه های اینترنتی و همچنین راه اندازی کامل مراکز ارائه خدمات اینترنتی و برنامه نویسی نرم افزارهای اختصاصی است.

8. مرکز احیای میراث اسلامی در قم و در زمینه عکس برداری از نسخ خطی، غیر خطی و مطبوعات چاپ سنگی فعالیت دارد.

9. کتاب خانه های تخصصی

یکی دیگر از فعالیت های مهم دفتر آیت الله سیستانی، با هدف خدمت رسانی به محققان و پژوهشگران، در عرصه های مختلف علمی تأسیس کتابخانه های و تخصصی در قم است.

این کتابخانه ها عبارتند از:

1. کتابخانه تفسیر و علوم قرآنی.

2. کتابخانه علوم حدیث (تأسیس سال 1376 ش).

3. کتابخانه فقه و اصول (تأسیس سال 1375 ش).

4. کتابخانه فلسفه و کلام.

5. کتابخانه ادبیات (تأسیس سال 1376 ش).

6. کتابخانه تاریخ (تأسیس سال 1374 ش).

7. کتابخانه محقق طباطبایی (تأسیس سال 1376 ش. به پاس خدمات محقق توانا، آیت الله سید عبد العزیز طباطبایی) به مدیریت فرزند آن مرحوم آقای سید محمد طباطبائی نجفی یزدی.

ص: 226

دیگر مراکز فرهنگی متعلق به دفتر آیت الله سیستانی عبارتند از :

10. مرکز فرهنگی الزهراء؛ در قم و مخصوص بانوان است. در این مرکز، کتابخانه ای ویژه بانوان نیز ایجاد شده است. این مرکز. در بخش های آموزش نویسندگی، فن تحقیق، حفظ قرآن، تجوید و عقاید فعال است.

11. مرکز فرهنگی آیت الله حائری؛

این مرکز فرهنگی، خانه مسکونی مؤسس حوزه علمیه قم، آیت الله شیخ عبد الکریم حائری یزدی بوده که خریداری و تبدیل به مرکز فرهنگی شده است تا پایگاهی برای مؤلفان باشد که درباره زندگی معصومین: آثاری را به رشته تحریر در می آورند. این مرکز هر سال به مؤلفان برگزیده، جوایزی را نیز اهدا می کند.

12. مرکز فرهنگی آل البیت علیهم السلام؛ در قم است و در بخش های عقاید اسلامی؛ و اخلاق و تربیت؛ میراث فکری؛ و تاریخ تمدن. فعالیت دارد.

13. مرکز ارسال اقلام فرهنگی؛ در قم بوده و در زمینه ارسال محصولات فرهنگی به متقاضیان در ایران و دیگر کشورها فعال است.

14. مرکز اعزام مبلغ و بعثه در قم است و در دو بخش فعالیت دارد: 1. اعزام مبلغ به شهرهای ایران و خارج از کشور؛ بنا به درخواست مراکز اسلامی و به مناسبت های مختلف. 2. تأسیس دفاتر نمایندگی در کشورهای مختلف و اعزام نماینده از طرف آیت الله سیستانی به این کشورها، به ویژه در ایام حج، این نمایندگان، پاسخ گوی مسائل شرعی مراجعین هستند.

رویارویی با بیگانگان و دفاع از مسلمانان

آیت الله سیستانی در طول حیات پربار خود، به ویژه در نجف اشرف، مرارت های بی شماری را متحمل شده است. وی برای حفظ حوزه علمیه نجف، با مدارا در همه زمینه ها، کوشید تا بهانه ای به دست رژیم صدام ندهد. از این رو، حدود 26 سال از منزل خود در نجف، خارج نشد. پس از سقوط رژیم بعثی، هنگامی از منزل خارج شد که برای معالجه قلب و چشم، مدت کوتاهی به



انگلستان رفت و سپس سریع به عراق بازگشت و همچنان خود را در منزل زندانی کرد. از وی درباره عدم حضورش در مجامع عمومی پرسیدند، که در پاسخ فرمود:

«حضور من در مجامع عمومی، نشانی از رضایت از اوضاع جاری کشور است؛ در صورتی که این گونه نیست و من از حضور بیگانگان (اشغالگران امریکایی، انگلیسی و غیره) به شدت ناراضی هستم.»<sup>(1)</sup>

وی همچنین درباره موضع گیری در برابر گروهک های عراقی می گوید:

«از بدو ورود من به عراق، فعالیت جنبش های سیاسی را از زمان نظام پادشاهی مشروطه تا کمونیست در عراق دنبال کرده ام و همیشه طرف ها و قدرت هایی از خارج بوده اند که از این احزاب سیاسی حمایت می کردند که ما امروز با هرگونه تعامل و همکاری با این طرف های خارجی مخالفیم و معتقدیم این ها نمی توانند تحت هیچ شرایطی عراق را اشغال کنند؛ زیرا مطمئناً نقاب از به صورت آنها برداشته خواهد شد.»<sup>(2)</sup>

ایشان به خاطر روحیه تقریبی و حفظ وحدت است که می گوید به سنی ها «برادران اهل سنت» نگوید و بگوید: اهل سنت خود ما هستند، و زمانی در حمایت از حقوق ملت عراق در تاریخ 1383/9/29 ش، به مردم عراق فرمود:

«در تمام 55 سالی که در عراق هستم، به دو چیز فکر نکرده ام؛ اول: جانب داری از شیعیان عراق، به دلیل شرایط سیاسی آن ها و دوم: حمایت از کردهای عراق به دلیل شرایط خاص آنها. و تمام فکر و خیال من، خدمت به ملت عراق بوده است. و این مطالبات و اهداف را حتی قبل از آنکه به مرجعیت عالی و دینی عراق برسم، در سر داشتم. من بر تمام این مطالبات، حتی در زمان نظام سابق عراق در دیدارهایی که اعضای این نظام با من داشتند، تأکید می کردم.»<sup>(3)</sup>

ص: 228

---

1- همان، ص 75.

2- روزنامه جام جم، 1383/9/30، ص 2.

3- همان، 1383/9/30 ش.

آیت الله العظمی سیستانی، از آغازین روزهای سقوط صدام جنایت کار، بر انتقال قدرت به نمایندگان مردم پای فشرده و برقراری انتخابات مردمی در عراق را پیگیری کرد. یکی از موضوعات قابل توجه برای وی، سامان دهی فهرست ائتلافی شیعیان و حمایت از آن بود که با توفیق همراه شد و شخصیت سیاسی این مرجع بزرگ را به دنیا نشان داد، آن گونه که منزل او در نجف، کانون توجه رسانه های جهان شده است. هفته نامه امریکایی نیوزویک درباره بازتاب پیروزی شیعیان در انتخابات عراق نوشت: «قدرت آیت الله سیستانی، هیمنه امریکا را شکست.» و باز نوشت:

«آینده عراق در دست روحانی 74 ساله ایرانی است که در حال حاضر، قدرتمندترین مرد بلامنازع عراق است. جای شگفتی است که پیروزی های شیعیان به رهبری آیت الله سیستانی، در مقاطع مختلف، همچون: قانون اساسی، دولت موقت، پایان دادن به بحران نجف، برگزاری انتخابات سراسری و پیروزی قاطع در آن، سیاست مداران، تحلیل گران و روزنامه نگاران غربی را در سراسر ک جهان به فکر فرو برده است. آنان در جست و جوی پاسخ این پرسش اند که: چگونه یک روحانی 74 ساله با دست های خالی، قدرتی دارد که امریکا نیز با وجود قدرت سیاسی و انبوه امکانات نظامی و امنیتی اش، تاب و توان رویارویی با او را ندارد! هیچ یک از مقام های امریکایی تاکنون نتوانسته سیستانی را ببینند؛ چرا که انجام دادن چنین ملاقات هایی به مثابه تأیید اشغال عراق توسط امریکایی ها به شمار می رود، در حالی که وی عمل اشغالگران را همیشه محکوم کرده است.»

همچنین این عالم ربانی برای حفظ وحدت با اهل سنت به گروه ها و احزاب شیعه و منتخبان ملت توصیه می کند که وحدت خود را حفظ و با نمایندگان سنی مذهب همکاری کنند:

«ما باید اولین کسانی باشیم که با درک شرایط سنی ها، از حقوق آنها دفاع کنیم. اقلیت، باید به اکثریت احترام بگذارند و اکثریت نیز باید با اقلیت با انصاف و عدالت رفتار کنند. ضمناً نباید حقوق زنهارا فراموش کرد و باید شخصیت های شایسته ای را برای تدوین قانون اساسی انتخاب کرد.»

و برای همین اندیشه صلح طلبی و اصلاح گرایی و اتحاد دوستی است که کمیته نوبل آکادمی سوئد، حضرت آیت الله العظمی سیستانی را نامزد جایزه صلح نوبل 2005 میلادی کرد. اعضای این کمیته، با توجه به توصیه های آیت الله سیستانی برای پابندی مسلمانان به موازین حقوقی. تقبیح تروریسم، تأکید وی به توسل به شیوه های مدنی و مسالمت آمیز، توسعه سیاسی و صلح اجتماعی، اقدام به معرفی او به عنوان یک شخصیت بین المللی صلح طلب، کرد. (1)

مبارزه با اسرائیل و دفاع از فلسطین

آیت الله سیستانی معتقد است مسلمانان برای نابودی اسرائیل و دفاع از حقوق فلسطینی ها باید با یکدیگر متحد شده و از هیچ کوششی برای آزادی قدس دروغ نوزند. مطلب دیگر اینکه در پی اشغال سرزمین عراق، توسط آمریکا و انگلیس، صهیونیست های اسرائیلی از فرصت استفاده کرده، اقدام به خریدن زمین های مردم عراق به بهای گزاف کردند و حتی گفته شده است که قصاب مردم فلسطینی (آریل شارون) نیز در ساحل فرات زمینی خریده بود. در این باره، علمای نجف، به ویژه حضرت آیت الله سیستانی، فتوایی مبنی بر تحریم فروش زمین به یهودیان صادر کردند و مسلمانان عراق را از این امر بر حذر داشتند. (2) ایشان همچنین در سالیان اخیر که توطئه صهیونیستی - آمریکایی «داعش» شکل گرفته و به نام اسلام و به کام صهیونیسم و امریکا فعالیت های فراگیر را در دست انجام دارد، ضمن تأکید بر حفظ وحدت مذاهب، مبارزه دوسویه با توطئه های اسرائیلی - آمریکایی را که داعش به صورت نیابتی در دست اقدام دارد، ضرورت دانسته و نقشی محوری در تحولات عراق ایفا می کند. ایشان در یکی از بیانیه های خویش در اواخر محرم سال 1423 ق که تجاوزات اسرائیل به مردم مظلوم فلسطین به ویژه ساکنین جنین، شدت یافته بود، در بیان یه ای وحشی گری اسرائیلیان را مذمت نموده و ضمن تأکید بر مظلومیت فلسطینی ها از مسلمانان خواسته بود به دفاع از

ص: 230

---

1- همان، 1383/12/17 ش، ص 13.

2- همان، ص 200.

حقوق غصب شده فلسطین برخیزند و دشمنان خدا را که همان اسرائیل و آمریکا هستند، ناامید و مغلوب نمایند. ترجمه متن بیانیه یاد شده بدین شرح است:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، «لُعِنَ الَّذِیْنَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ. كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»، صدق الله العلی العظیم. برادران ما در سرزمین های اشغالی فلسطین این روزها با تجاوز دائمی صهیونیستی مواجه اند که در دوران معاصر کم نظیر است و گفتار از بیان ابعاد این جنایت وحشیانه قاصر است، جنایاتی که همه را در بر گرفته است و حتی سالخوردگان و زنان و کودکان نیز از آن در امان نیستند و شیوه های آن در زمینه کشتن، شکنجه، ترساندن، دستگیری ها، جابجایی، گرسنگی، هتک حرمت و تجاوز به مقدسات و ویرانی شهرها و اردوگاه ها و تخریب خانه ها تونع یافته است و تا جایی پیش رفته و که حتی شامل ممانعت از امدادسانی به مجروحین و مصیبت دیده گان و دفن شهدا شده است. و تمام این جنایات در مقابل چشم و گوش تمام جهانیان صورت می گیرد و هیچ کس نیز ممانعتی نمی کند بلکه امریکا از آن حمایت می کند.

و همانگونه که از دشمنان اسلام و مسلمین چیزی جز حمایت از متجاوزین و غاصبین انتظار نمی رود، همچنین از مسلمانان نیز جز ایستادگی در کنار برادران عزیز فلسطینی و استحکام بخشی صفوفشان و حمایت و تقویت و دفاع از آنان در مقابل دشمن، انتظاری نیست.

وضعیت غم انگیز زندگی مردم مظلوم فلسطین مستلزم آن است که مسلمانان خواب و خوراک گوارا را بر خود حرام کنند تا زمانی که دست متجاوز را از سر برادران مسلمان خود قطع نمایند

از پیامبر بزرگ اسلام نقل شده است که فرمودند: «مَنْ أَصَبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» و این هشدار است که همه مسلمانان که برای نجات مردم مسلمان فلسطین قیام کنند و به فریاد استغاثه آنان پاسخ دهند و تمام تلاش و امکانات

خود را برای کوتاه کردن دست مجاوزان از مردم فلسطین و احقاق حقوق پایمال شده آنان و نجات سرزمین اسلامی از دست متجاوزان غاصب به کار ببرند  
از خداوند متعال مسألت می نمائیم که هدایتگر مسلمانان به آنچه که خیر و صلاح آنان در آن است باشد و آنان را بر دشمنانشان پیروز گرداند «وَمَا التَّصَرُّ  
إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» . 26. محرم الحرام 1423 ه ق»

ص: 232

## آیت الله شیخ محمدعلی تسخیری

(متولد ۱۳۲۳ ش)

### نماد وحدت و همگرایی



زندگی نامه و شخصیت علمی

آیت الله شیخ محمدعلی تسخیری دام ظلّه تنکابنی در سال 1323 ش در نجف اشرف دیده به جهان گشود. وی در نجف اشرف مقدمات علوم دینی را فرا گرفته و به مؤسسه «منتدی النشر» علامه مظفر راه یافت. وی با بهره گیری از اساتیدی چون مرحوم مظفر، شهید صدر، سید کاظم حسینی حائری، محمد تقی حکیم، شیخ مجتبی لنگرانی، شیخ صدرا بادکوبه ای، میرزا کاظم تبریزی و ... توان علمی وافری کسب نمود و در دیدگاه سیاسی و اجتماعی متأثر از مرحوم مظفر، شهید صدر، امام خمینی و مبانی «جماعه العلماء» و «حزب الدعوه» و نگرش ضد استبدادی و ضد بعثی بود. پس از پیروزی انقلاب نیز بیش از هر چه در دریای تقریب و اقیانوس وحدت اسلامی غوطه ور شده و در این مسیر به انجام فعالیت مشغول بود و به عنوان یک عالم شیعه و یک ادیب برجسته زبان عربی در صدها کنفرانس و نشست بین المللی شرکت داشته است. (1) وی که با افرادی چون شهید محمدباقر حکیم در زمینه نفوذ بیشتر احکام اسلام انقلابی کوشش می کرد، در

ص: 233

سال 1369 ش و با تاسیس مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام به دبیر کلی این مجمع برگزیده شد و بعدها به عنوان مسئول مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی انتخاب گردید. (1) از مسئولیت های ایشان که در راستای تلاش های تقریبی و فعالیت های بین المللی است می توان به این موارد اشاره داشت:

معاون بین الملل دفتر مقام معظم رهبری از سال 1369 تا 1375. معاون بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی از سال 1360 تا 1370 ش،

عضو شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی از سال 1369 تاکنون.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

عضو هیئت مرکزی رابطه علماء مسلمین (مکه مکرّمه)؛

رئیس کمیته فرهنگی هشتمین کنفرانس سران اسلامی در تهران.

رئیس هیأت امنای دانشکده اصول دین؛ شعبه تهران (پس از رحلت علامه عسکری)؛

رئیس هیأت امنای دانشگاه مذاهب اسلامی.

عضو و نماینده حوزه های علمیه ایران و نماینده رسمی مذهب شیعه اثنی عشری در مجمع فقه اسلامی جده از زمان تأسیس. 1362. ش تاکنون

اشراف بر مجله های التوحید، رسالة الثقلین و رساله التقریب به عربی و نشریه های دیگر.

عضو فرهنگستان زبان عربی دمشق؛

عضو مجلس شرعی هیأت حسابرسی مؤسسات مالی در بحرین؛

عضو هیئت امناء مؤسسه اندیشه اسلامی «آل البیت علیهم السلام» اردن،

نائب رئیس اتحادیه جهانی علمای اسلام (قطر) و (2).

برخی از تألیفات ایشان

ص: 234

---

1- ر.ک: «راهنامه و مرامنامه: مروری بر زندگی، مبارزات و خدمات علامه آیت الله محمدعلی تسخیری» به کوشش عباس آریا زند.

2- خبرگان ملت، دفتر اول، ص 141-143.

کتاب:

- 1) گزیده ای از اندیشه برخی شخصیت های تقریبی
- 2) وحدت اسلامی بر پایه مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام
- 3) درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی
- 4) اقلیت های مسلمانان، راهکارها و مشکلات
- 5) مرجعیت شیعه از آغاز تا کنون
- 6) پیرامون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ( توضیح مبانی و شرح الزامات قانون )
- 7) پیرامون بیداری اسلامی
- 8) ایده های گفتگو با دیگران
- 9) این است نقش عبادات
- 10) اقتصاد اسلامی درس هایی در آیین اقتصادی اسلام و مباحث تکمیلی و اصولی متعلق به مسائل معاصر
- 11) رسالت ما تقریب اندیشه ها و وحدت در عمل
- 12) و ....

مقالات:

- 1) میانه گرایی اسلامی در فاصله افراط، تروریسم و وادادگی
- 2) میانه روی اسلامی و امنیت انسان
- 3) مهم ترین مسایل مطرح میان اسلام و غرب
- 4) موضع غرب نسبت به خیزش اسلامی
- 5) موانعی بر سر راه تقریب
- 6) مشکلات فرهنگی و اجتماعی جهان اسلام در پرتو جهانی شدن
- 7) مشکلات جهان اسلام و درمان آن در پرتو جهانی سازی
- 8) لزوم گفتگوی پیروان ادیان ابراهیمی
- 9) گام های مطلوب برای تحقق امنیت اجتماعی





11) گفتاری چند درباره پیشگامان وحدت و تقریب

12) گفتاری پیرامون «تقریب مذاهب» و «وحدت اسلامی»

13) مذاهب اسلامی از اختلاف تا ائتلاف

14) مبانی فطری حقوق، بازدارنده تجاوز به مقدسات

15) علامه مودودی تجسم یک امت

16) علامه شیخ محمد جواد بلاغی، روحانی مجاهد دشمن استعمار و مزدورانش

17) غرب و خیزش اسلامی با نگاهی ویژه به کتاب: آینده اسلام و غرب (شیرین هانتر)

18) و.....

شایان ذکر است که آیت الله تسخیری در مجلات بین المللی هم دارای مقالاتی است و اغلب آثار ایشان به عربی بوده و برخی از آن ها به زبانهای و انگلیسی، فرانسه، ترکی، کردی، اردو، هند و بنگالی و... ترجمه شده است. (1)

حقیقت تقریب مذاهب و وحدت اسلامی

آیت الله تسخیری از پرچم داران عرصه تقریب مذاهب و وحدت مسلمین است. وی عرصه های متعددی را برای تقریب قائل است و در زمینه تقریب علمی مشرب و مذاق علامه شرف الدین عاملی را می پسندد. ایشان می گوید: مرحوم شرف الدین در کتاب المراجعات حقیقت مهمی را یاد آور می شود و آن اینکه نزدیک ساختن مسلمانان به یکدیگر و حرکت به سوی وحدت امت، به معنای کوتاه آمدن پیروان مذاهب مختلف از معتقدات و مذهب خویش نیست. زیرا اختلاف نظر، به ویژه در پی گشودن باب اجتهاد در اسلام، امری کاملاً طبیعی است؛ وحدت به معنای پذیرش یکدیگر است؛ او می گوید: «آنچه در خصوص نزدیک ساختن مسلمانان به یکدیگر که به نظر من به دست کشیدن شیعیان یا اهل سنت از مذهب خود نیست، مورد انتظار است و آن را تحقق می بخشد، به

ص: 236

رسمیت شناختن مذهب اهل بیت علیهم السلام و تلقی آن به عنوان یکی از مذاهب معتبر است. به گونه ای که هر یک از پیروان مذاهب شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی، شیعیان آل محمد صلی الله علیه و اله را نیز همچون خود تلقی کنند و نگاه ایشان به شیعیان مانند نگاه آنها به یکدیگر باشد». بدینگونه است که مسلمانان از پراکندگی در آمده و نشست های جمعی آنان، سامان می یابد.

### گفتگوهای بین المللی

آیت الله تسخیری در صدها نشست و اجلاس بین المللی در کشور های جهان حضور یافته و به عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران، به ارائه مقاله و سخنرانی پرداخته است. (1) ایشان در بین همه علمای بزرگ ایران نقش اول را در حضور در همایش های بین المللی جهان داشته و دنیای اسلام و حتی دیگر ادیان ایشان را نماینده دینی علمی ایران اسلامی و تشیع می دانند. وی بر این دیدگاه پای می فشرده که راه تفاهم و گفتگو بهترین راه همگرایی مسلمانان و بلکه صاحبان ادیان الهی است و باید شیوه های تفاهم و راه های تقریب و همگرایی را با منطق قرآن کریم و روش و منش ائمه اطهار فرا گرفت و به کار برد. از نگاه ایشان هدف از گفتگو باید، وصول به گستره های مشترک میان طرفین باشد که از آیه زیر برداشت می شود: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (2) (بگو: ای اهل کتاب، بیایید از آن کلمه ای که پذیرفته ما و شماست پیروی کنیم: آنکه جز خدای را نپرستیم و هیچ چیز را شریک او نسازیم و بعضی از ما بعضی دیگر را سوای خدا به پرستش نگیرد.) و در نتیجه در این چارچوب و در عرصه نیکی و تقوی و فاصله گیری از گناه و دشمنی با یکدیگر همکاری نمائیم. یکی از دغدغه های مستمر آیت الله تسخیری تشریح اصول و قواعد گفتگو و تنقیح

ص: 237

---

1- خبرگان ملت، دفتر اول، ص 145.

2- آل عمران، 64

منظومه ادبیاتی تفاهم است و در این زمینه علاوه بر تجربه ها و روش های آزموده عملی، نوشته های نیز تهیه نموده اند.

تجربیات فراوان و موفق آیت الله تسخیری در تعامل جذاب و تأثیر گذار با علمای همه مذاهب و فرق اسلامی حتی وهابیون و دیگر ادیان به اندازه ای است که وی را به یک الگوی تمام عیار در عرصه فعالیت های دینی بین المللی تبدیل کرده است.

### صهیونیسم ستیزی و دفاع از فلسطین

استکبار جهانی و صهیونیسم امروزه نقاط بسیاری از سرزمین های اسلامی را در تصرف خویش دارند و نقاط بسیار دیگری را نیز محاصره کرده و در معرض خطر قرار داده اند از راه های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی ما را و مورد تهاجم قرار داده تلاش می کنند همه راهها را بر روی ما ببندند. ایجاد تفرقه و برادر کشی بین مسلمانان در جای جای دنیای اسلام به منظور تضعیف امت اسلام و سلطه بر منابع، سرزمین ها و ثروت های خداداد ما از برنامه های آنان است. بر همه ما مخصوصا علما، اندیشمندان، اهل قلم و منبر و همه صاحبان نفوذ، احزاب، گروه ها و دستجات است که در این دریای پرتلاطم و امواج هولناک توطئه و دشمنی، کینه های تاریخی را فراموش کرده، یا موقتا کنار بگذاریم، شرایط ما شرایط مسلمانان صدر اسلام در جنگ احزاب است، باید با یکدیگر در ساختن سنگر های دفاعی همکاری کنیم و از دشمنان مشترک غافل نشویم. و بدانیم هر کس دعوت به تفرقه و تنازع کرد دانسته یا ندانسته آب به آسیای دشمن ریخته و جبهه مسلمین را تضعیف نموده است. دعوت کنندگان به تفرقه و دشمنی بین شیعه و سنی، نه شیعه هستند و نه سنی. حیطة اندیشه های ضد استعماری و ضد صهیونیستی آیت الله تسخیری بسیار وسیع است و از نگاه

ایشان همین موضوع دفاع از فلسطین و ستیز با اسرائیل می تواند از عوامل همگرایی و اتحاد بیشتر مسلمانان جهان باشد. (1)

ص: 239

---

1- ر.ک: «درخشش اندیشه و جوشش آگاهی» به کوشش محمدرضا شکیبا و محمود واعظی. از مجموعه سه جلدی «ارج نامه آیت الله تسخیری» با عنوان «اصلاح گر وحدت و بیداری اسلامی».

1. اباذری، عبدالرحیم، آیت الله بروجردی (آیت اخلاص)، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، 1383.
2. اباذری، عبدالرحیم، امام موسی صدر (سروش وحدت)، مجمع تقریب مذاهب اسلامی، تهران، 1379 ش.
3. ابن الرضا سید مهدی، ضیاء الابصار فی ترجمه علماء خوانسار، انصاریان، قم، 1382 ش.
4. ابن الرضا، سید مهدی، ضیاء الابصار فی ترجمه علماء خوانسار، انصاریان، قم، 1382 ش.
5. ابوالحسنی منذر علی، فراتر از روش آزمون و خطا، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ و معاصر ایران، 1382 ش.
6. أبوزید عاملی، شیخ أحمد، السیره والمسیره فی حقائق و وثائق، دو جلد، نشر دار العارف للمطبوعات بیروت، چاپ اول، 2007 م
7. استادی رضا، دانشمندان گلپایگان، ج 1، و 2، گلپایگان، کنگره بزرگداشت علمای گلپایگان، 1381 ش.
8. استادی، رضا، چهل مقاله، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، 1413 ق.
9. اسدی مبرهن، شکرالله، زندگی سیاسی و اجتماعی آیت الله العظمی حاج سید محمدتقی خوانساری، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
10. اسدی مبرهن، شکرالله، زندگی سیاسی و اجتماعی آیت الله العظمی حاج سید محمدتقی خوانساری، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
11. اسلامی عباسعلی، طلایه دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق، تهران، بنیاد بعثت، ج 3، 1390 ش.
12. اسلامی غلام رضا، غروب خورشید فقاقت، نشر دار الکتب الاسلامیه. بی تا.
13. اسلامی، غلام رضا، غروب خورشید فقاقت، نشر دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
14. اسناد انقلاب اسلامی، ج 1، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1374 ش.
15. اسناد انقلاب اسلامی، ج 1، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، 1374 ش.
16. اسناد انقلاب اسلامی، ج 3، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1374 ش.

17. اصغری سید محمد، آخوند خراسانی در جنبش مشروطیت - با سیری در رساله ایضاح الخطاء آیت الله شیخ محمد باقر بهاری، اطلاعات، تهران، 1392ش.
18. اصغری سید محمد، عقل و عرفان، تهران، اطلاعات، 1389ش
19. اصغری، سید محمد، آخوند خراسانی در جنبش مشروطیت - با سیری در رساله ایضاح الخطاء آیت الله شیخ محمدباقر بهاری، اطلاعات، تهران، 1392ش.
20. اصغری، سید محمد، عقل و عرفان، اطلاعات، تهران، 1389ش.
21. الإمام الحکیم؛ عدنان ابراهیم السراج، دراسة تاريخية، دار الزهراء، بیروت، 1413ق.
22. الإمام السيد محمد باقر الصدر في ذاكرة العراق؛ صلاح الخرسانة البلاغ، بیروت، 1425ق.
23. امامی محمد مهدی، زندگینامه آیت الله العظمی گلپایگانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1382
24. امامی محمد مهدی، اندیشه های فقهی - سیاسی آیت الله گلپایگانی در عصر غیبت، قم، انتشارات ائمه (علیهم السلام)،
25. امامی، محمد مهدی، زندگی نامه آیت الله العظمی گلپایگانی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، 1382.
26. امامی، محمد مهدی، اندیشه های فقهی سیاسی آیت الله گلپایگانی در عصر غیبت، انتشارات ائمه: قم.
27. امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، مصحح سید حسن امین، بیروت، دار التعارف، 1416ق.
28. امینی، محمد هادی، معجم رجال الفكر و الأدب في النجف خلال ألف عام، چ 2، 1413ق.
29. امینی، محمد هادی، معجم مطبوعات النجفیه، چ 1، مطبعة الآداب، نجف، 1385 ق.
30. انصاری قمی، ناصر الدین، اختران فضیلت، چ 1، دلیل ما، قم، 1388ش.
31. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج 1، 3 و 4 و 5، تهران، مرکز اسناد تاریخی اطلاعات، 1376، 1378
32. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج 1، 3 و 4 و 5 مرکز اسناد تاریخی اطلاعات، تهران، 1376، 1378.

33. ایضاح الخطاء في الردع عن استبداد، محمدباقر بهاری، دفتر سوم میراث اسلامی ایران، 1374 ش.
34. آریا زند، عباس، راهنما و مرامنامه: مروری بر زندگی، مبارزات و خدمات علامه آیت الله محمدعلی تسخیری، 1393 ش.
35. آشتیانی، سید جلال الدین، منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج 1، بوستان کتاب، قم، 1378 ش.
36. آشتیانی، سید جلال الدین، نقدی بر تهافت الفلاسفه غزالی، چ 2، بوستان کتاب، قم، 1387 ش.
37. الأصفی، الشیخ محمد مهدی، مدرسة النجف و تطور الحركة الإصلاحية فيها، نعمان، نجف، 1384 ق.
38. آینه پژوهش، فروردین و اردیبهشت 1388، شماره 115.
39. آیت الله الشهید محمد باقر الحکیم من النجف الی النجف، وفاء جواد الجیاشی، مطبعة العترة، النجف الاشرف، مکرر 107 ب) مجلات و روزنامه ها:
40. بصائر، مرداد و شهریور 1376، شماره 26.
41. بصیرت منش حمید، علما و رژیم رضاشاه، تهران، عروج، چ 2، 1385 ش.
42. بهاری، محمدباقر، ایضاح الخطاء في الردع عن الاستبداد، به کوشش قاسم برنا، قم، دفتر سوم میراث اسلامی ایران، 1374 ش.
43. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، توحید کلمه، ج. 2، ترجمه سید محمدصادق سجادی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1403 ق.
44. بی آزار شیرازی، عبدالکریم؛ توحید کلمه، ج. 2، ترجمه سید محمد صادق سجادی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1403 ق.
45. پاسدار اسلام، ش 209، اردیبهشت 1378.
46. پانزده خرداد، دوره اول، زمستان 1375، ش 24.
47. پژوهشنامه انقلاب اسلامی (دانشگاه اصفهان)، پاییز 1378، پیش شماره 3
48. پگاه حوزه، شماره 102، پانزدهم شهریور 1382.
49. التسخیری محمد علی، شخصیات التقریبیه: السید محمد تقی الحکیم؛ رساله التقریب، شماره 15، 1376 ش.



50. التسخیری، محمد علی، شخصیات التقریبیه: السید محمد تقی الحکیم، رساله التقریب، ش 15، 1376 ش.
51. تسخیری، محمد علی، گزیده ای از اندیشه برخی شخصیت های تقریبی، ترجمه محمد حسن تیرائیان، مجمع جهانی تقریب، تهران، 1390 ش.
52. تهرانی، آقا بزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، بیروت، دار الاضواء، 1409 ق.
53. تهرانی، آقا بزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، دار الأضواء، بیروت، 1409 ق.
54. تهرانی، آقا بزرگ، نقباء البشر في القرن الرابع عشر، چ 2، دار المرتضی، مشهد، 1404 ق.
55. تهرانی، سید علی، ز مهر افروخته، چ 5، سروش، تهران، 1392 ش.
56. تهرانی، سید علی، ز مهر افروخته، چ 5، تهران، سروش، 1392 ش.
57. تهرانی شیخ آقا بزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، 25 جلد، ناشر: اسماعیلیان قم و کتابخانه اسلامیة تهران، 1408 ق.
58. تهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، 25 ج، اسماعیلیان، قم و کتابخانه اسلامیة، تهران، 1408 ق.
59. ثمرات النجف في الفقه والأصول والأدب والتاریخ، الحکیم، السید محمد تقی؛ قدم و لها و علق علیها الدكتور محمد کاظم مکی، الطبعة الثانية، دار الزهراء، للطباعة والنشر و التوزیع، بیروت، 1412 ق.
60. جرفاد قانی. م، علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، قم، معارف اسلامی، 1364 ش.
61. جعفر المهاجر، اعلام الشیعة، 3 جلد، ، بیروت، دار المورخ العربی، 1431 ق.
62. جعفریان، رسول، جریانها و سازمانهای مذهبی - سیاسی ایران، تهران، خانه کتاب، چ 2، 1387 ش.
63. جمشیدی حسن، در حکمت و معرفت، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ 2، 1389 ش.
64. جمشیدی، حسن، در حکمت و معرفت، چ 2، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، 1389 ش.
65. جمعی از پژوهشگران، زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت: 20 ج، قم، مؤسسة دائرة المعارف فقه اسلامی، 1431 ق

66. جواد الجياشي، وفاء، آية الله الشهيد محمد باقر الحكيم من النجف الى النجف؛ النجف الاشرف: مطبعة العترة .
67. جواهر كلام عبدالحسين، تربت پاكان قم، 4 جلد، قم، انصاريان، 1382 ش.
68. الحائري السيد كاظم، الشهيد الصدر سمو الذات و سمو الموقف، قم، دارالبشير، ج2، 1429 ق.
69. حائري عبدالهادي، تشيع و مشروطيت، تهران، اميركبير، 1364 ش.
70. حائري، عبدالحسين، اسناد روحانيت و مجلس، ج 1، تدوين تهران، كتابخانه مجلس شورا، 1374 ش.
71. حائري سيد كاظم، الشهيد الصدر سنوات المحنة وأيام الحصار، نشر دار البشير قم، چاپ اول 1428 ق.
72. حائري، كاظم، الشهيد الصدر سنوات المحنة وأيام الحصار، ج1، دار البشير قم، 1428 ق.
73. حديث ولايت (رهنمودهای مقام معظم رهبري)، ج 5، تهران، سازمان تبليغات اسلامي، 1376 ش.
74. حديث ولايت (رهنمودهای مقام معظم رهبري)، ج7، تهران، سازمان تبليغات اسلامي، 1377 ش.
75. الحسنی سليم، عالمان شيعه روياروی استعمار، مشهد، آستان قدس رضوی (عليه السلام)، 1378 ش.
76. حسيني يزدی، محمد، رسول علوی و علی اکبر زمانی نژاد، دانشمندان خوانساری کنگره بزرگداشت آقا حسين خوانساری، قم، 1378 ش.
77. حسيني يزدی، محمد علوی رسول و زمانی نژاد علی اکبر؛ دانشمندان خوانسار، قم، کنگره بزرگداشت آقا حسين خوانساری، 1378 ش.
78. حسينيان روح الله، 3 سال ستيز مرجعيت شيعه (1341-1343)، تهران، مرکز اسناد انقلاب، 1382 ش.
79. حسينيان، روح الله، سه سال ستيز مرجعيت شيعه (1341-1343)، مرکز اسناد انقلاب، تهران 1382 ش.
80. حسيني جلالی سيد محمد حسين، فهرس التراث، دو جلد، نشر انتشارات دليل ما قم، 1422 ق.
81. حسيني جلالی، سيد محمد حسين، فهرس التراث، ج2، دليل ما، قم، 1422 ق.

82. حسيني، سيد محمد، الإمام الشهيد السيد محمد باقر الصدر دراسات في سيرته ومنهجه، ج 1، نشر دار الفرات بيروت، 1989 م.
83. حسيني، سيد محمد، الإمام الشهيد السيد محمد باقر الصدر دراسات في سيرته ومنهجه، نشر دار الفرات بيروت، چاپ اول 1989 م.
84. حضرت آيت الله العظمى حاج سيد محمدرضا گلپايگانی به روايت اسناد ساواک، 3ج، مرکز بررسی اسناد تاريخی وزارت اطلاعات، تهران، 1385.
85. حضرت آيت الله العظمى حاج سيد محمدرضا گلپايگانی به روايت اسناد ساواک، 3ج، مرکز بررسی اسناد تاريخی وزارت اطلاعات، تهران، 1385.
86. حکيم سيد محسن، مرزبان حوزه نور؛ عباس عبيري، قم، نشر سازمان تبليغات اسلامي، چاپ اول، تابستان 1372 ش.
87. حکيم سيد محمد تقی، محقق و پژوهشگری تقرب گرا، عزالدین رضائزاد، اندیشه تقرب، سال سوم، شماره دهم، 1386 ش.
88. الحکيم، السيد محمد تقی، ثمرات النجف في الفقه و الاصول و الأدب و التاريخ؛ قدم لها و علق عليها: الدكتور محمد كاظم مکی، بيروت، دارالزهراء، للطباعة والنشر و التوزيع، الطبعة الثانية . 1412 ق.
89. حکيم، محمداقرا، اطلاله على السيره الذاتيه، محمد هادی، نجف، موسسه تراث شهيد حکيم، 1434 ق.
90. حکيمي محمدرضا، شرف الدين، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، تهران، 1361 ش.
91. الحکيم محمد باقر العلامة الحکيم و مرکز الإصلاح في الحوزة العلمية في النجف (بحث) من كتاب السيد محمد تقی الحکيم و حركته الإصلاحية في النجف؛ لندن: معهد الدراسات العربية و الاسلاميه، 1424 ق.
92. حکيم، سيد محمد باقر، الحکم الاسلامي بين النظرية و التطبيق، قم، 1412 ق.
93. الحلبي، حازم، ذكريات عن استاذي آية الله السيد محمد تقی الحکيم (بحث منشور ضمن كتاب السيد محمد تقی الحکيم و حركته الإصلاحية في النجف).
94. خاطرات نيره السادات احتشام رضوی همسر شهيد نواب صفوی، تهران، مرکز اسناد، 1383 ش.
95. خاطرات، آيت الله محمد علي گرامي، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامي، 1381 ش.
96. خاقاني علي، شعراء الغرى (النجفيات)، قم، كتابخانه آية الله مرعشي نجفی، چاپخانه بهمن، 1408 ق.

97. خاقانی، علی، شعراء الغری (النجفیات)، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ خانه بهمن، قم، 1408ق.
98. خاقانی علی، شعراء الغری، ج 8، بیروت، دار الأضواء، 1423ق.
99. خامنه ای آیت الله سید علی، مکتوبات، 22 ج، مؤسسه پژوهشی - فرهنگی انقلاب اسلامی.
100. خبرگان ملت، دفتر اول، قم، دبیر خانه مجلس خبرگان رهبری، 1378ش.
101. الخرسان، صلاح، الإمام السيد محمد باقر الصدر في ذاکرة العراق، البلاغ، بیروت، 1425ق.
102. خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج 1، انتشارات دوستان و ناهید، تهران، 1377ش.
103. خسروشاهی سید هادی، درباره علامه سید محمدحسین طباطبایی، قم، کلبه شروق، 1391ش.
104. خمین در گذر تاریخ، محمدجواد مرادی نیا، قم، نورالسجاد، 1380ش.
105. درسهایی از مکتب اسلام، اردیبهشت 1339، سال دوم، شماره 4.
106. دو فصلنامه «میقات الحج»، مرکز تحقیقات حج، نشر مشعر، 32 جلد.
107. ذکریات عن استاذی آية الله السيد محمد تقی الحکیم (بحث منشور ضمن کتاب السيد محمد تقی الحکیم و حرکتہ الإصلاحیة فی النجف)؛ حازم الحلی
108. رازی، محمد شریف، گنجینه دانشمندان، اسلامیه، قم، 1352ش.
109. ربانی خلخالی علی، شهدای روحانیت شیعه، ج 1، قم، مولف، 1402ق.
110. رحیمی نژاد کاظم، چهره درخشان تاریخ لارستان، قم، مرکز نشر معارف اسلامی، 1384ش.
111. رسالت بین المللی حوزه های علمیه از نگاه آیات و روایات، معاونت بین الملل حوزه های علمیه، قم، مرکز مدیریت حوزه های علمیه، 1395ش.
112. رضا نژاد، عزالدین، سید محمد تقی حکیم، محقق و پژوهشگری تقریب گرا، اندیشه تقریب، سال سوم، ش دهم. 1386ش.
113. رضوی سید مرتضی، فی سبیل الوحده، قاهره، مکتبة النجاج، 1400ق.
114. رفاعی، عبدالجبار، معجم ما کتب فی الحج والزيارة و المعالم المشرفة، ج 1، مشعر، 1427ق.

115. رفیعی علامرودشتی، علی، شهاب شریعت، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، 1373 ش.
116. رفیعی علامرودشتی علی، شهاب شریعت، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، 1373 ش.
117. روزنامه اطلاعات. اول آبان ماه 1359، شماره 16269.
118. روزنامه اطلاعات. 30 تیر ماه 1348، شماره 12945.
119. روزنامه اطلاعات، دوشنبه 3 خرداد 1327.
120. روزنامه جمهوری اسلامی، 25 خرداد 1382.
121. ریحان یزدی، علیرضا، آینه دانشوران، تصحیح استاد باقری بیدهندی، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ج 3، 1372 ش.
122. زندگی علماء (ستارگان حرم)، ج 3، نویسندگان مجله کوثر، قم، زائر، 1377 ش.
123. زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم استاد سید جلال الدین آشتیانی، تهران، انجمن مفاخر علمی و فرهنگی، 1384.
124. سبحانی تبریزی، جعفر، مفاهیم القرآن (العدل و الامامة)، 10 ج.
125. ستارگان حرم، ج 6، نویسندگان مجله کوثر، قم، زائر، 1378 ش.
126. ستارگان حرم، ج 9، نویسندگان مجله کوثر، قم، زائر، 1381 ش.
127. ستارگان حرم، گروه نویسندگان، ج 26 و 27، قم، انتشارات زائر، 1389 ش.
128. السراج، عدنان ابراهیم، الإمام الحکیم (1390-1306 ه.ق)، دراسة تاریخیة دارالزهراء، بیروت، 1413 ق.
129. سلطان الواعظین شیرازی سید محمد، صد مقاله سلطانی، تهران، اسلامیة، ج 4، 1384 ش.
130. سلطان الواعظین شیرازی، سید محمد شبهای پیشاور، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ج 21، 1352 ش.
131. سیری در زندگانی استاد مطهری، قم، صدرا، 1372 ش.
132. شبیری زنجانی، سید موسی، جرعه ای از دریا، ج 3، قم، موسسه کتابشناسی شیعه، 1389 ش.
133. شریف رازی محمد، آثار الحجة، ج 1، قم، انتشارات نوین، 1333 ش.
134. شکوری ابوالفضل، سیره صالحان، قم، شکوری، 1374 ش.
135. شکوه فقاہت، قم، بوستان کتاب، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1379 ش.

136. شكيبا محمدرضا و واعظي محمود، درخشش اندیشه و جوشش آگاهی، 1393ش.
137. الشيخ ابو ميثم، قضية آل الحكيم مأساة شعب و مظلومية قضيه، مطبعة 128، مجلس الأعلى للثورة الاسلامية في العراق، 1405 ق.
138. صاحبي، محمد جواد، جلال حكمت و عرفان، احياگران، قم، 1384ش.
139. صاحبي، محمد جواد، جلال حكمت و عرفان، قم، احياگران، 1384ش.
140. صاعدي سميرمي، جمشيد، حافظان شريعت، قم، برگزيده، 1384ش.
141. صحيفه نور، ج 12 و 19، تهران، سازمان مدارك فرهنگي، 1370ش.
142. صدر سيد محسن، خاطرات صدرالاشرف، تهران، وحيد، 1364ش.
143. صدر، امام موسى، سروش وحدت، تهران، مجمع تقريبات مذهب اسلامي، 1379ش.
144. صدر، سيد محمدياقر، رسالتنا، تهران، مكتبة النجاح، 1402ق.
145. الصغير، محمد حسين، اساطين المرجعية العليا في النجف الأشرف، مؤسسة البلاغ، بيروت، 1423ق.
146. صفرعلي پور، حشمت الله، كتاب شناسي اختصاصي امام حسين 7.
147. عاملي، احمد ابو علي، السيرة والمسيرة في حقائق ووثائق، ج 2، ج 1، دارالعارف للمطبوعات، بيروت، 2007م.
148. عباس زاده سعيد، شيخ عبدالكريم حائري، نگهبان بيدار؛ تهران، سازمان تبليغات اسلامي، 1373ش.
149. عبدالحسين اميني، شهيدان راه فضيلت، ترجمه جلال الدين فارسي، تهران، روزبه 1362 ش
150. العبود فتلاوي، كاظم، المنتخب من رجال الفكر والأدب، ج 1، بيروت، 1419 ق/1999 م.
151. عبيري، عباس، سيد محسن حكيم، مرزبان حوزه نور، ج 1، نشر سازمان تبليغات اسلامي، قم، تابستان 1372ش.
152. عرفانيان، غلامرضا، الرأي السديد في الاجتهاد والتقليد و الاحتياط و القضاء، ج 2، المطبعة العلمية، قم، 1411 ق.
153. عرفانيان، غلامرضا، الرأي السديد في الاجتهاد و التقليد و الاحتياط و القضاء، نشر المطبعة العلمية قم، چاپ دوم 1411 ق.

154. عقیقی بخشایشی عبدالرحیم ، طبقات مفسران شیعه، نشر نوید اسلام قم، چاپ چهارم 1387ش.
155. عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، ج 4، نوید اسلام قم، 1387ش.
156. العلامة الحکیم و مرکز الإصلاح فی الحوزة العلمية فی النجف (بحث) من کتاب السيد محمد تقی الحکیم و حرکتہ الإصلاحیة فی النجف؛ محمدباقر الحکیم؛ لندن: معهد الدراسات العربیة والاسلامیة، 1424ق.
157. العلوی حسین؛ شیعه و حکومت در عراق، ترجمه: محمد نبی ابراهیمی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، 1376ش.
158. العلوی، حسین، شیعه و حکومت در عراق، ترجمه محمدنبی ابراهیمی، سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، تهران، 1376ش.
159. عمرو و یوسف، علماء عرفتهم، قم، ذوی القربی، 1427ق.
160. غروی، سید محمد، الحوزة العلمية فی النجف الاشرف، بیروت، دار الاضواء، 1414ق.
161. فروغ اندیشه، سال 4، زمستان 83 و بهار 84، ش 10 و 11.
162. فروغ اندیشه، سال 4، زمستان 83 و بهار 84، ش 10 و 11.
163. فرهنگ کوثر، بهمن 1377، شماره 23.
164. فرهنگ کوثر، دی 1377، شماره 22.
165. فیاض الحسینی، السید هاشم؛ الامام المجاهد السید محسن الحکیم؛ مرکز الحکمة و للدراسات الاسلامیة، الطبعة الأولى، 1420ق.
166. فیاض الحسینی، هاشم، الامام المجاهد السید محسن الحکیم، الطبعة الأولى، مرکز الحکمة للدراسات الاسلامیة، 1420ق.
167. فیاضی عمادالدین، حاج شیخ عبدالکریم حائری، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1378ش.
168. قائم مقام فراهانی میرزا عیسی، احکام الجهاد و اسباب الرشاد، تهران، بقعه، 1380ش.
169. قائمی علی، زندگی و گزیده افکار شهید بهشتی، قم، شفق، بی تا
170. قضیة آل الحکیم مأساة شعب و مظلومی؛ قضیة..؛ الشیخ ابو میثم؛ مجلس الأعلى للثورة الاسلامیة فی العراق، مطبعة 128، 1405ق.

171. قلی زاده مصطفی، شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، 1372ش.
172. قمی شیخ عباس، الفوائد الرضویه، چاپ علی محدث زاده، بی جا، بی نا، بی تا
173. قنبری، امید، زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی پروفیسور ویلیام چیتیک، ج3، انجمن مفاخر علمی و فرهنگی، تهران، 1389.
174. قنبری، امید، زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم استاد سید جلال الدین آشتیانی، انجمن مفاخر علمی و فرهنگی، تهران، 1384.
175. قوچانی آقاجفی، حیات الاسلام فی احوال آیه الملک العلام (یا برگی از تاریخ معاصر ایران)، تهران، هفت، 1378ش؛ و تهران، علم، 1393ش.
176. کدیور، محسن، سیاست نامه خراسانی، تهران، کویر، ج2، 1387ش.
177. کرمانشاهان در جنگ جهانی اول، اردشیر کشاورز، کرمانشاه، طاق بستان، 1382ش.
178. کریمی جهرمی علی، آیت الله موسس، قم، راسخون، 1383ش.
179. کسروی احمد، تاریخ مشروطه، تهران، امیرکبیر، ج13، 2536 شاهنشاهی [1356ش].
180. کشوری احمد رضا، فرزندگان خوانسار، خوانسار، کنگره بزرگداشت آقا حسین خوانساری، بی تا
181. کفاح علماء الاسلام، عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم، نوید اسلام، 1418ق.
182. کفای عبدالرضا و دیگران، سیری در سیره علمی و عملی آخوند خراسانی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1390ش.
183. کمره ای، میرزا خلیل، کتاب حج و قبله، حوزه علمیه قم، قم، 1407ق.
184. کتاب هفته، شماره 136.
185. کتابشناسی اختصاصی امام حسین (علیه السلام)، حشمت الله صفرعلی پور.
186. کتابشناسی حج و زیارت، اباذر نصر اصفهانی، نشر مشعر تهران، چاپ اول.
187. کیهان فرهنگی، سال دوم، ش 6 شهریور 1364ش.
188. گرجی ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقها، تهران، سمت، چاپ سوم 1421ق.
189. گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقها، ج3، سمت، تهران، 1421ق.
190. گروه نویسندگان، زیر نظر عبدالحسین نوایی، اثر آفرینان، ج 5، تهران، انجمن مفاخر، 1380ش.



191. گروه نویسندگان، گلشن ابرار، پژوهشکده باقرالعلوم 7، قم، 1378 - 1393 ش.
192. گروه نویسندگان، موسوعه کنگره آخوند خراسانی، پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی، قم، 1390 ش.
193. گروهی از بانوان پژوهشگر، گلشن ابرار بانوان، ج 1، قم، پژوهشکده باقرالعلوم 7، 1394 ش.
194. گزیده ای از اندیشه برخی شخصیت های تقریبی، شیخ محمدعلی تسخیری، ترجمه محمدحسن تبرائیان، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، 1390 ش.
195. گزیده هایی از اندیشه چند شخصیت تقریبی، محمدعلی تسخیری، تهران، مجمع جهانی تقریب، 1391 ش.
196. گلشن ابرار بانوان، جلد اول، گروهی از بانوان پژوهشگر، قم، پژوهشکده باقرالعلوم (علیه السلام)، 1394 ش.
197. گلشن ابرار، ج 1، قم، پژوهشکده باقرالعلوم (علیه السلام)، 1378 ش.
198. گلشن ابرار، ج 2، قم، پژوهشکده باقرالعلوم (علیه السلام)، 1378 ش.
199. گلشن ابرار، ج 3، قم، پژوهشکده باقرالعلوم (علیه السلام)، 1382 ش.
200. گلشن ابرار، ج 4، قم، پژوهشکده باقرالعلوم (علیه السلام)، 1385 ش.
201. گلشن ابرار، ج 6، قم، پژوهشکده باقرالعلوم (علیه السلام)، چ 2، 1386 ش.
202. گلشن ابرار، ج 8، قم، پژوهشکده باقرالعلوم (علیه السلام)، 1387 ش.
203. گلشن ابرار، ج 9، قم، پژوهشکده باقرالعلوم (علیه السلام)، 1389 ش.
204. گنجینه اسناد، پاییز و زمستان 1374، شماره 19 و 20.
205. گنجینه دانشمندان، ج 1، 2، 4 و 6، محمد شریف رازی، تهران، اسلامی، 1352 ش.
206. لطفی، مهدی، نوری از ملکوت (زندگانی آیت الله العظمی گلپایگانی)، کنگره بزرگداشت علمای گلپایگان، قم، 1380 ش.
207. ماضی النجف و حاضرها، ج 3، جعفر آل محبوبه، مطبعة النعمان، نجف، 1376 ق.
208. ماهنامه شاهد یاران، شماره 42
209. مباحث الأصول، سید کاظم حائری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1407 ق.
210. مجله اطلاعات هفتگی، ش 911، 1337 ش.
211. مجله تقریب مذاهب اسلامی، ش 5.
212. مجله کیهان فرهنگی، سال دوم، ش 6 شهریور 1364.



214. مجلة الموسم، 1428ق، شماره 60.
215. مجله تقریب مذاهب اسلامی، شماره 5.
216. مجله حوزه، بهمن و اسفند 1383، شماره 126.
217. مجله حوزه، شماره 44 و 43.
218. مجله سوره اندیشه، دی 1382، ش 6
219. مجله شاهد یاران، اسفند 1385، شماره 16.
220. مجله شاهد باران، بهمن 1387، شماره 39.
221. مجله شاهد یاران، شماره 22.
222. مجله شاهد یاران، فروردین و اردیبهشت 1393، شماره 102 و 103.
223. مجله گلبرگ، دی 1385، شماره 82.
224. مجله لغت العرب، ماری کرملی، جلد اول، 1911 و 1912 میلادی.
225. مجله مبلغان، شهریور 1382، شماره 44.
226. مجله معارف اسلامی (سازمان اوقاف)، شهریور 1345، شماره 1.
227. مجله منبر، پاییز 1390، شماره 1.
228. مجله میقات حج، زمستان 1382، شماره 46.
22. المجمع الثقافي الديني، أسبوع الإمام - مقدمة السيد محمد تقی الحكيم-، النجف (الاشرف، مطبعة الراعي.
230. المجمع الثقافي الديني، أسبوع الإمام - مقدمة السيد محمد تقی الحكيم، مطبعة الراعي، النجف الاشرف.
231. مجموعه ای از مکتوبات، سخنرانیها و پیامهای آیه الله کاشانی، م. دهنوی، چاپ اول، ج 2، تهران، چاپخش، 1363ش.
232. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج 1، 16 و 17، تهران، صدرا، 1380ش.
233. محمد حسین الصغیر، اساطین المرجعية العليا في النجف الأشرف؛ بیروت، مؤسسه البلاغ، 1423ق
234. محمد حسین السبحانی، نخبة الازهار في أحكام الخيار، قم، دار الكتاب، 1392
235. محمد کاظم، عباس، ثورة الخامس عشر من شعبان (ثورة العشرين)، بغداد، بی نا، 1984م.
236. محمدی محمد علی، دیدار با ابرار، ملافتح الله اصفهانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1377ش.



237. مختاری رضا، الشهيد الأول حياته و آثاره، قم، بوستان كتاب، 1426ق.
238. مختاری، رضا، الشهيد الاول حياته و آثاره، بوستان كتاب، قم، 1426ق.
239. مدرس يزدي، ميرزا علي اكبر، رسائل حكميه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، سازمان چاپ و انتشارات، چ2، ويرايش دوم، 1364ش.
240. مدرسة النجف و تطور الحركة الإصلاحية فيها، انتشارات نعمان نجف، 1384 ق.
241. مدرس تبريزي، محمدعلي، ریحانة الادب، تهران، خيام، 1369ش.
242. مدني جلال الدين، تاريخ معاصر ايران، ج 2، قم، دفتر انتشارات اسلامي، 1361
243. مدني، جلال الدين، تاريخ معاصر ايران، ج 2، دفتر انتشارات اسلامي، قم، 1361ش.
244. مدني، سيد جلال الدين، ايران اسلامي در برابر صهيونيسم، تهران، سروش، 1362ش.
245. مذكرات حول الدول العربية و الاسلاميه، مرتضى رضوي، تهران، آفاق، 1390ش.
246. مرآة الشرق، محمد امين امامي خويي، ج 1، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي، 1427ق.
247. مطارحات مع قادة الفكر الاسلامي، بيروت، المؤسسة العالمية للحضارة الإسلامية، 1995م.
248. مطهری مرتضی، امامت و رهبری، قم، صدرا، 1381ش.
249. مظفر، محمدرضا، السقيفة، قم، مكتبة الزهراء (سلام الله عليها)، بی تا.
250. مع رجال الفكر في القاهرة، سيد مرتضى رضوي، قاهره، دار المعلم، چ4، 1399ق.
251. معارف الرجال، محمد حرز الدين، ج 2، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي، 1405ق.
252. معجم المطبوعات النجفية، محمد هادي اميني، نشر مطبعة الآداب نجف، چاپ اول 1385 ق.
253. معجم رجال الفكر و الأدب في النجف خلال الف عام، شيخ محمد هادي اميني، بيروت، چاپ دوم 1413ق.
254. معجم ما كتب في الحج و الزيارة و المعالم المشرفة، عبد الجبار رفاعي، نشر مشعر، چاپ اول 1427 ق.
255. مفاخر اسلام، ج 12، علي دواني، تهران، مركز اسناد انقلاب اسلامي، چ4، 1379ش.
256. مفاخر اسلام، ج 13، علي دواني، تهران، مركز اسناد انقلاب اسلامي، چ2، 1388ش.
257. مفاهيم القرآن (العدل و الامامة)، آيت الله شيخ جعفر سبحاني، 10 جلد، قم.

258. مکتوبات، آیت الله سید علی خامنه ای، 22 جلد، مؤسسه ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی
259. المنتخب من رجال الفكر و الأدب، کاظم العبود فتلاوی، بیروت، چاپ اول، 1419 ق.
260. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، سید جلال الدین آشتیانی، ج 1، قم، بوستان کتاب، 1378 ش.
261. المنتقی، سید مرتضی رضوی، بیروت و لندن، الارشاد، بی تا
262. منزوی علی نقی و دیگران، فهرس اعلام الذریعه، 3 جلد، تهران، دانشگاه تهران، 1377 ش.
263. موسوعة الفقه الاسلامی طبقا لمذهب اهل البيت عليهم السلام، جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، 20 جلد، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، 1431 ق.
264. موسوعه کنگره آخوند خراسانی، قم، گروه نویسندگان، پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی، 1390 ش.
265. موسوی عباسعلی، علماء ثغور الاسلام، ج 2، بیروت، دار المرتضی، 2000 م.
266. المهاجر جعفر، جبل عامل بین الشہدین، دمشق، المعهد الفرنسي، 2005 م.
267. المهاجر، جعفر، اعلام الشیعه، ج 3، دارالمؤرخ العربی، بیروت، 1431 ق.
268. المهاجر، جعفر، جبل عامل بین الشہدین، المعهد الفرنسي، دمشق، 2005 م.
269. میر حامد حسین، ابراهیم اسلامی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، 1374 ش.
270. میردامادی عبدالمجید، اندیشه نامه آیت الله محمدعلی تسخیری، تهران، 1393 ش.
271. میرحامد حسین، محمد رضا حکیمی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1362 ش.
272. میقات الحج، دو فصلنامه، 32 ج، مرکز تحقیقات حج، مشعر
273. ناجی اصفهانی حامد، صفاخانه اصفهان، تهران، نشر ادیان، تصحیح 1393 ش.
274. ناصر الدین انصاری قمی، اختران فضیلت، ج 1، قم، دلیل ما، 1388 ش.
275. ناصرالدین انصاری قمی، اختران فضیلت، ج 2، قم، دلیل ما، 1392 ش.
276. ناصرالدین انصاری قمی، اختران فقاہت، ج 1، قم، دلیل ما، 2، 1387 ش.
277. نامه آستان قدس، شماره 14، اردی بهشت 1342 ش.

278. نجفی موسی، اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی، تهران، چاپ کلینی، 1369 ش.
279. نجفی، موسی، حکم نافذ آقا نجفی اصفهانی، بی جا، بی نا، 1371 ش.
280. نصر اصفهانی، ابازر، کتاب شناسی حج و زیارت، ج 1، مشعر، تهران.
281. نظام آموزشی حوزه از نگاه عالمان، مرکز تدوین و نشر متون درسی، قم، نشر دانش حوزه، 1386 ش.
282. نظام الدین زاده، حسن، هجوم روس و اقدامات رؤسای دین برای حفظ ایران، به کوشش نصرالله صالح، نشر شیراز، تهران، 1377 ش.
283. نعمانی محمد رضا، شهید الأمة و شاهدها، ناشر: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر قم، چاپ اول 1421 ق.
284. نعمانی، محمد رضا، شهید الأمة وشاهدها، ج 1، مرکز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر، قم، 1421 ق.
285. نعباء البشر في القرن الرابع عشر، شیخ آقابزرگ تهرانی، ج 1 تا 4، مشهد، دارالمرتضی، ج 2، 1404 ق.
286. نعباء البشر، شیخ آقابزرگ تهرانی، ج 5، تهران، کتابخانه مجلس شورا، 1430 ق.
287. نقدی بر تهافت الفلاسفه غزالی، سید جلال الدین آشتیانی، قم، بوستان کتاب، ج 2، 1387 ش.
288. نوروزمرادی، کوروش، راهنمای مطبوعات اسلامی، قم، دلیل ما، 1382 ش.
289. نوری از ملکوت (زندگانی آیت الله العظمی گلپایگانی)، مهدی لطفی، قم، کنگره بزرگداشت علماء گلپایگان، 1380 ش.
290. نهضت روحانیون شیعه، ج 1، علی دوانی، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا (علیه السلام)، 1360 ش.
291. واعظ خیابانی میرزا علی، علمای معاصر، قم، نوید اسلام، 1382 ش.
292. ولایت فقیه، زیربنای فکری مشروطه مشروع، سید محمدتقی آیت اللهی، تهران، امیرکبیر، ج 2، 1363 ش.
293. ویژه نامه نشریه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، ش 41 و 42.
294. ویژه نامه نشریه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، ش 41 و 42.
295. هجوم روس و اقدامات رؤسای دین برای حفظ ایران، حسن نظام الدین زاده، به کوشش نصرالله صالح، تهران، نشر شیراز، 1377 ش.

296. هفته نامه افق حوزه، 14 مهر ماه 1389، شماره 283،

297. هندی میرحامد حسین، عبقات الانوار، ج 1، اصفهان، نشر نفائس مخطوطات، 1379ق.

298. هوشنگ مهدوی عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، امیرکبیر، 1375ش.

299. یادنامه شهید مظلوم بهشتی، تهران، ستاد بزرگداشت مراسم هفت تیر، 1365ش.

300. یادواره علامه شهید سید عارف حسین الحسینی، قم، موسسه شهید الحسینی، 1369ش.

301. الیزدی السید محمد کاظم، سلمان کامل الجبوری، قم، ذوی القری، 1385ش.

پایگاه های اینترنتی

1 . ficpw.ir

2 . farsi.khamenei.ir

3 . mbsadr.com

4 . motahari.com

ص: 256



بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود. برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهل بیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واريز نماييد.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

